

معرفت امام زمان عج وتكليف منتظران

جلد سوم

ایزادہ شریفی سرور سہتانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۲	بخش چهارم: ظهور و آخرالزمان
۲۲	اشاره
۲۲	فصل اول: آخرالزمان، دوره پایانی دنیا
۲۲	اشاره
۲۲	۱. معنا و مفهوم آخرالزمان
۲۶	۲. نشانه های آخرالزمان
۳۶	۳. امیدهای آخرالزمان
۴۰	فصل دوم: نشانه های ظهور
۴۰	اشاره
۴۰	۱. ضرورت شناخت نشانه های ظهور
۴۱	۲. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات
۴۱	اشاره
۴۱	الف) نشانه های ظهور
۴۱	ب) ملاحم
۴۲	ج) فتن
۴۲	د) اشراط الساعة
۴۴	هـ) شرایط ظهور
۴۹	۳. دسته بندی نشانه های ظهور
۴۹	اشاره
۴۹	الف) رویدادهای اجتماعی نزدیک به عصر ظهور

۵۲	ب) رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور
۵۳	ج) رویدادهای طبیعی نزدیک به عصر ظهور
۵۵	د) رویدادهای طبیعی دور از عصر ظهور
۵۷	فصل سوم: تعیین وقت برای ظهور
۵۷	اشاره
۵۷	۱. تعیین وقت برای ظهور و فلسفه انتظار
۶۱	۲. فرا رسیدن ناگهانی ظهور
۶۲	۳. نهی از تعیین وقت برای ظهور
۶۴	۴. نزدیک دیدن ظهور
۶۵	۵. توجه به نشانه های ظهور
۶۶	۶. دعا برای تعجیل فرج
۶۶	۷. زمان ظهور، رازی از رازهای خدا
۶۹	فصل چهارم: وفا به پیمان، شرط تحقق ظهور
۶۹	اشاره
۶۹	۱. نخستین پیمان
۷۱	۲. استمرار پیمان
۷۳	۳. شکسته شدن پیمان
۷۵	۴. ضرورت تجدید پیمان
۸۱	فصل پنجم: ظهور و سنت های الهی
۸۱	اشاره
۸۲	۱. معنای لغوی سنت
۸۳	۲. اصل تغییرناپذیری سنت های الهی
۸۳	اشاره
۸۳	الف) آیات ۷۶ و ۷۷ سوره اسراء
۸۴	ب) آیات ۶۰ _ ۶۲ سوره احزاب
۸۵	ج) آیات ۴۲ و ۴۳ سوره فاطر

- ۸۶ (د) آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح
- ۸۷ ۳. دعوت قرآن به مطالعه سنت های الهی
- ۸۷ اشاره
- ۸۷ الف) آیه ۱۳۷ سوره آل عمران
- ۸۸ ب) آیات ۱۰ و ۱۱ سوره محمد
- ۸۸ ۴. برخی سنت های الهی حاکم بر جوامع انسانی
- ۸۸ اشاره
- ۸۹ الف) ستم و بیدادگری، عامل نابودی تمدن ها
- ۸۹ اشاره
- ۹۰ یک _ آیات ۵۸ و ۵۹ سوره کهف
- ۹۰ دو _ آیات ۵۱ و ۵۲ سوره نمل
- ۹۱ سه _ آیات ۱۳ و ۱۴ سوره یونس
- ۹۱ چهار _ آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره انبیا
- ۹۲ پنج _ آیات ۳۲ تا ۴۱ سوره مؤمنون
- ۹۴ ب) وقت و اجل، شرط نابودی تمدن ها
- ۹۴ اشاره
- ۹۴ یک _ آیه ۵۸ سوره کهف
- ۹۵ دو _ آیه ۳۴ سوره اعراف
- ۹۵ سه _ آیه ۴۸ و ۴۹ سوره یونس
- ۹۶ چهار _ آیه ۶۱ سوره نحل
- ۹۶ پنج _ آیه ۴۵ سوره فاطر
- ۹۷ شش _ آیات ۱ _ ۴ سوره نوح
- ۹۷ هفت _ آیه ۱۱ سوره رعد
- ۹۸ ج) تغییر نعمت ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت ها
- ۹۸ اشاره
- ۹۹ یک _ آیات ۵۲ و ۵۳ سوره انفال

- ۱۰۰ دو _ آیه ۱۱ سوره رعد
- ۱۰۱ (د) امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح
- ۱۰۱ اشاره
- ۱۰۱ یک _ آیه ۱۰۵ سوره انبیا
- ۱۰۲ دو _ آیه ۵۵، سوره نور
- ۱۰۵ فصل ششم: یاران قائم علیه السلام
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۶ ۱. ویژگی های یاران قائم علیه السلام
- ۱۰۶ اشاره
- ۱۰۷ الف) ویژگی های روحی
- ۱۰۷ اشاره
- ۱۰۷ یک _ رسیدن به جایگاه اولیای الهی
- ۱۰۹ دو _ عصاره فضایل ملت ها
- ۱۱۰ سه _ قرار گرفتن در بالاترین مرتبه حکمت و معرفت
- ۱۱۰ چهار _ اعتقاد راسخ به امام و رهبر خویش
- ۱۱۱ پنج _ علاقه شدید به عبادت و شب زنده داری
- ۱۱۱ شش _ اطاعت بی چون و چرا از امام
- ۱۱۲ ب) ویژگی های جسمانی
- ۱۱۳ ۲. تعداد یاران قائم
- ۱۱۶ ۳. زنان و یاران قائم
- ۱۱۸ ۴. چگونگی اجتماع یاران قائم
- ۱۲۱ ۵. سلاح یاران قائم
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۲ الف) نبرد و پیروزی با شمشیر
- ۱۲۵ ب) ایجاد وحشت در دل دشمنان
- ۱۳۰ بخش پنجم: جهان پس از ظهور

۱۳۰ اشاره
۱۳۰ فصل اول: ظهور، تجلی حیات طیبه
۱۳۰ اشاره
۱۳۲ ۱. زندگی بخشی قیام مهدوی در آیات و روایات
۱۳۵ ۲. مراتب و درجات زندگی (حیات)
۱۳۵ اشاره
۱۳۵ الف) زندگی این جهان
۱۳۶ ب) زندگی جهان دیگر
۱۳۹ ج) زندگی پاکیزه برخاسته از ایمان و انجام عمل شایسته
۱۴۲ ۳. چگونگی تحقق حیات طیبه
۱۴۲ اشاره
۱۴۳ الف) آب، سرچشمه حیات
۱۴۳ ب) تشبیه امامان معصوم علیهم السلام به آب
۱۴۵ ج) عصر ظهور، عصر تجلی کامل ولایت
۱۴۷ ۴. آثار تحقق حیات طیبه
۱۵۱ فصل دوم: عدالت مهدوی
۱۵۱ اشاره
۱۵۳ ۱. ارکان عدالت مهدوی
۱۵۳ اشاره
۱۵۳ الف) حاکم عادل
۱۵۸ ب) کارگزاران عادل
۱۵۹ ج) قوانین عادلانه
۱۶۱ د) نظام عادلانه
۱۶۳ ۲. جنبه های گوناگون عدالت مهدوی
۱۶۳ اشاره
۱۶۳ الف) دامنه عدالت موعود

- ۱۶۳ - اشاره -----
- ۱۶۵ - یک _ عدالت در رابطه انسان با خدا -----
- ۱۶۸ - دو _ عدالت در رابطه انسان با خود -----
- ۱۶۹ - سه _ عدالت در رابطه انسان با دیگران -----
- ۱۶۹ - (ب) گستره عدالت موعود -----
- ۱۶۹ - اشاره -----
- ۱۷۱ - یک _ جهان شمولی -----
- ۱۷۲ - دو _ همه جانبه نگری -----
- ۱۷۲ - اشاره -----
- ۱۷۳ - اول _ عدالت فرهنگی و آموزشی -----
- ۱۷۴ - دوم _ عدالت قضایی -----
- ۱۷۵ - سوم _ عدالت اقتصادی -----
- ۱۷۹ - (ج) ژرفای عدالت موعود -----
- ۱۸۰ - (د) اهداف عدالت موعود -----
- ۱۸۲ - فصل سوم: رجعت؛ بازگشت به دنیا در عصر ظهور -----
- ۱۸۲ - اشاره -----
- ۱۸۲ - ۱. معنای لغوی و اصطلاحی رجعت -----
- ۱۸۴ - ۲. جایگاه رجعت در آموزه های شیعی -----
- ۱۸۷ - ۳. رجعت در کتاب های اهل سنت -----
- ۱۸۹ - ۴. رجعت در آثار اسلامی -----
- ۱۹۱ - ۵. رجعت در قرآن -----
- ۱۹۱ - اشاره -----
- ۱۹۱ - الف) آیات ثابت کننده امکان رجعت -----
- ۱۹۱ - اشاره -----
- ۱۹۲ - یک _ زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل -----
- ۱۹۳ - دو _ زنده شدن کشته بنی اسرائیل -----

سه _ زنده شدن دوباره هزاران نفر	۱۹۵
(ب) آیات بیان کننده وقوع رجعت	۱۹۶
۶. رجعت در روایات	۲۰۳
اشاره	۲۰۳
(الف) روایات صریح	۲۰۵
(ب) روایات غیر صریح	۲۰۷
۷. رجعت در دعاها و زیارت ها	۲۰۹
۸. رجعت کنندگان	۲۱۳
اشاره	۲۱۳
(الف) روایات بیان کننده ویژگی های کلی	۲۱۳
(ب) روایات بیان کننده مصداق ها	۲۱۵
۹. سرآغاز و مدت زمان رجعت	۲۱۸
اشاره	۲۱۸
(الف) سرآغاز رجعت	۲۱۹
(ب) مدت زمان رجعت	۲۲۰
۱۰. فلسفه و هدف رجعت	۲۲۲
اشاره	۲۲۲
(الف) استمرار تکامل معنوی مؤمنان	۲۲۳
(ب) مجازات کافران و گردن کشان	۲۲۳
(ج) عزیز گردانیدن مؤمنان و خوار کردن کافران	۲۲۳
(د) انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام	۲۲۳
هـ) فراهم آوردن امکان درک حاکمیت اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنان	۲۲۵
فصل چهارم: مباحث تکمیلی	۲۲۶
اشاره	۲۲۶
۱. ظهور و پر شدن جهان از ظلم و جور	۲۲۶
اشاره	۲۲۶

- الف) اصل وجود این روایات ۲۲۶
- ب) مفهوم «پر شدن جهان از ستم» ۲۲۷
- ج) توصیفی یا تکلیفی بودن بیان این روایات ۲۲۸
- د) تکلیف مردم در برابر ستم ها و تباهی ها ۲۲۹
۲. خشونت در عصر ظهور ۲۳۱
- اشاره ۲۳۱
- الف) امام مهدی علیه السلام، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲۳۲
- ب) قاطعیت، لازمه گسترش عدالت ۲۳۳
- ج) روایت های ساختگی و نسبت های ناروا ۲۳۴
- د) ارائه تصویر نادرست از قیام امام مهدی علیه السلام ۲۳۴
۳. مدت حکومت امام عصر علیه السلام ۲۳۸
- اشاره ۲۳۸
- الف) مدت زمان های ذکر شده در روایات ۲۳۹
- اشاره ۲۳۹
- یک _ روایت های هفت و نه سال ۲۳۹
- دو _ روایت های نوزده سال ۲۴۱
- سه _ روایت های چهل سال ۲۴۱
- چهار _ روایت های هفتاد سال ۲۴۲
- پنج _ روایت های ۳۰۹ سال ۲۴۳
- ب) جمع بین روایات ۲۴۴
۴. تشخیص و تطبیق نشانه های ظهور ۲۴۸
- اشاره ۲۴۸
- الف) روشن بودن امر ظهور ۲۴۹
- ب) نبود ابهام در شخصیت و نشانه های مهدی موعود ۲۵۲
- ج) لزوم مراجعه به فقیهان و عالمان حوزه مهدویت ۲۵۲
- د) ضرورت مطالعه در سرگذشت مدعیان مهدویت ۲۵۲

۲۵۶	بخش ششم: بایسته های گسترش فرهنگ مهدوی
۲۵۶	اشاره
۲۵۶	فصل اول: بایسته های تبلیغ و ترویج
۲۵۶	اشاره
۲۵۷	۱. ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام
۲۶۰	۲. شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی
۲۶۱	۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت
۲۶۱	اشاره
۲۶۲	الف) مدیون بودن همه منتظران نسبت به امام عصر علیه السلام
۲۶۲	ب) خدمت به امام عصر علیه السلام، افتخار همه اولیا و بزرگان
۲۶۳	ج) جاری شدن برکت در زندگی خدمت گزاران به امام عصر علیه السلام
۲۶۷	۵. دشمن شناسی و دوست شناسی
۲۶۹	۶. توجه به دیدگاه های مراجع عظام تقلید
۲۷۰	۷. توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی
۲۷۰	اشاره
۲۷۰	الف) عوام زدگی و سطحی نگری
۲۷۲	ب) روشن فکر زدگی و تأویل گرایی
۲۷۴	۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست
۲۷۷	۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی
۲۷۸	۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی
۲۷۹	۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور
۲۸۰	۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست و بی اساس
۲۸۲	۱۳. پرهیز از غرض ورزی جناحی و گروهی
۲۸۳	۱۴. پرهیز از بیان مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت
۲۸۵	فصل دوم: بایسته های پژوهش و نگارش
۲۹۴	فصل سوم: بایسته های برنامه سازی

- ۲۹۴ اشاره
- ۲۹۶ ۱. ارتقا و گسترش معرفت و ایمان روشن بینانه به مهدویت
- ۲۹۶ اشاره
- ۲۹۷ الف) بهره‌گیری از پژوهش در ساخت برنامه‌ها
- ۲۹۷ ب) استفاده از کارشناسان و مجریان زبده و فهیم
- ۲۹۸ ج) تأمل و تدبر در تولید برنامه‌ها
- ۲۹۸ ۲. توجه به وجوه سه‌گانه فرهنگ مهدویت
- ۲۹۹ ۳. سرلوحه قرار دادن اندیشه امام خمینی رحمه الله درباره انتظار
- ۳۰۰ ۴. شبیه‌زایی از اندیشه‌ها
- ۳۰۱ ۵. طرح مطالب درست و متقن
- ۳۰۲ ۶. استفاده نکردن از متن‌های بی‌محتوا یا کم‌محتوا
- ۳۰۴ ۷. نوآوری در قالب و محتوا
- ۳۰۵ ۸. توجه ویژه به کودکان و نوجوانان
- ۳۰۵ ۹. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی مستمر
- ۳۰۶ ۱۰. ترسیم تصویری زیبا از قیام جهانی امام عصر علیه السلام
- ۳۰۶ ۱۱. بهره‌گیری از نمادها و جلوه‌های تصویری نو و بدیع
- ۳۰۷ ۱۲. جاری کردن مفاهیم فرهنگ انتظار در برنامه‌های نمایشی
- ۳۰۹ فصل چهارم: ملاقات با امام زمان علیه السلام؛ هست‌ها و بایدها
- ۳۰۹ اشاره
- ۳۱۰ ۱. امکان یا عدم امکان تشریف
- ۳۱۳ ۲. دسته‌بندی تشرفات
- ۳۱۶ ۳. آسیب‌های دامن‌زدن به موضوع تشرفات
- ۳۱۹ ۵. محوریت یا عدم محوریت تشریف
- ۳۲۱ ۶. دیدن یا دیده شدن، کدام یک؟
- ۳۲۵ بخش هفتم: جلوه‌های انتظار
- ۳۲۵ اشاره

۳۲۵	فصل اول: فضیلت شب نیمه شعبان
۳۲۵	اشاره
۳۲۵	۱. نیمه شعبان در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۳۳۰	۲. نیمه شعبان در روایات امامان معصومین علیهم السلام
۳۳۳	فصل دوم: رمضان، بهار انتظار
۳۳۳	اشاره
۳۳۵	۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی
۳۳۸	۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام
۳۳۸	اشاره
۳۳۸	الف) دعای افتتاح
۳۳۹	ب) دعای حج
۳۴۱	فصل سوم: مهدی باوری در کلام رضوی
۳۴۱	اشاره
۳۴۳	۱. خالی نبودن زمین از حجت های الهی
۳۴۴	۲. نام و نسب امام مهدی علیه السلام
۳۴۶	۳. ویژگی های امام مهدی علیه السلام
۳۴۷	۴. غیبت و نهان زیستی امام مهدی علیه السلام
۳۴۹	۵. فضیلت انتظار امام مهدی علیه السلام
۳۵۱	۶. ظهور امام مهدی علیه السلام
۳۵۲	۷. دعا به امام مهدی علیه السلام
۳۵۳	فصل چهارم: امام مهدی علیه السلام؛ محور اتحاد ملی و انسجام اسلامی
۳۵۳	اشاره
۳۵۵	۱. کاربردی ساختن آموزه های آخرالزمانی اسلام
۳۵۶	۲. تکیه بر وجود مشترک موعودباوری سنی و شیعی
۳۵۶	۳. طرح اندیشه مهدویت به عنوان باوری عزت بخش و قدرت آفرین
۳۵۸	۴. مقابله جدی با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی

۳۵۸	۵. باور به هراس استکبار جهانی از موعودباوری اسلامی
۳۶۰	فصل پنجم: غیبت و ظهور ثقلین
۳۶۰	اشاره
۳۶۱	۱. جایگاه قرآن پیش از ظهور
۳۶۳	۲. جایگاه قرآن پس از ظهور
۳۶۳	اشاره
۳۶۴	الف) بیان معارف قرآن
۳۶۵	ب) اقامه احکام قرآن
۳۶۸	پیوست ها
۳۶۸	اشاره
۳۶۸	۱. منشور راهبردی فرهنگ مهدویت (با رویکرد پژوهشی، آموزشی و تربیتی)
۳۶۸	اشاره
۳۷۰	الف) مبانی نظری
۳۷۴	ب) راهبردها
۳۷۶	ج) سیاست ها
۳۷۸	۲. موضوع هایی برای پژوهش
۳۸۵	کتاب نامه
۳۸۵	الف) کتاب ها
۴۰۵	ب) مقاله ها
۴۰۸	ن-م-ای-ه-ا
۴۰۸	اشاره
۴۰۹	آیات
۴۱۶	روایات
۴۵۸	اشخاص
۴۸۴	مکان ها
۴۸۶	کتاب ها

معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

مشخصات کتاب

سرشناسه: شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران / ابراهیم شفیعی سروستانی؛ تهیه کننده موسسه فرهنگی موعود عصر؛ مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۶۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: چاپ قبلی: تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۵ (۴۴۵ ص.).

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۶۴] - ۶۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - احادیث

موضوع: مهدویت - - انتظار

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی موعود عصر (عج)

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/ش ۶م ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۰۲۶۳

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

کد: ۱۳۸۴

نویسنده: ابراهیم شفیعی سروستانی

ویراستار: محمدصادق دهقان

تهیه کننده: مؤسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: موعود عصر (عج)

سال و محل انتشار: ۱۳۸۷ تهران

نوبت چاپ: اول (دوره دو جلدی)

شابک: جلد دوم: ۳-۱۳-۲۹۱۸-۹۶۴-۹۷۸

دوره دو جلدی: ۶-۷۷-۶۹۶۸-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپخانه: پیام

بها: ۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: تهران، ص پ: ۸۳۴۷ _ ۱۴۹۵۵ مؤسسه فرهنگی موعود تلفن: ۸_۶۶۹۵۶۱۶۷

پست الکترونیکی: Email: info@mouood.org

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۳۳۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.IR

بخش چهارم: ظهور و آخرالزمان

اشاره

بخش چهارم: ظهور و آخرالزمان

زیر فصل ها

فصل اول: آخرالزمان، دوره پایانی دنیا

فصل دوم: نشانه های ظهور

فصل سوم: تعیین وقت برای ظهور

فصل چهارم: وفا به پیمان، شرط تحقق ظهور

فصل پنجم: ظهور و سنت های الهی

فصل ششم: یاران قائم علیه السلام

فصل اول: آخرالزمان، دوره پایانی دنیا

اشاره

فصل اول: آخرالزمان، دوره پایانی دنیا

زیر فصل ها

۱. معنا و مفهوم آخرالزمان

۲. نشانه های آخرالزمان

۳. امیدهای آخرالزمان

۱. معنا و مفهوم آخرالزمان

۱. معنا و مفهوم آخرالزمان

«آخر زمان» که در کتاب های لغت به «دوره آخر»^(۱) و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد»^(۲) معنا شده است، در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملل و نحل به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی، از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار است و آنها با حساسیت و دقت فراوانی این موضوع را دنبال می کنند. شاهد این موضوع، کتاب های فراوانی است که از دیر زمان در میان اقوام و ملل مختلف در زمینه نشانه ها و ویژگی های آخرالزمان نوشته شده

۱- فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۲.

مسلمانان نیز با توجه به روایت های فراوانی که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام در زمینه آخرالزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده است، به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع آوری این روایات، در مجموعه های روایی (۱) به نگارش کتاب های مستقل در این زمینه پرداخته اند که این کتاب ها معمولاً با عنوان هایی چون اشراف الساعه، علامات الساعه، علامات یوم القیامه، الفتن، الملاحم، الفتن و المحن، الفتن و الملاحم و... نامیده می شود. (۲)

در دایره المعارف بزرگ اسلامی در مورد اصطلاح «آخرالزمان» چنین آمده است:

این اصطلاح در کتاب های حدیث و تفسیر در دو معنا به کار رفته است: نخست، همه آن قسمت از زمان که بنا بر عقیده مسلمانان، دوران نبوت پیامبر اسلام است و از آغاز نبوت پیامبر تا وقوع قیامت را شامل می شود. دوم، فقط آخرین بخش از دوران یاد شده که در آن، مهدی موعود ظهور می کند و تحولات عظیمی در عالم واقع می شود. (۳)

دلیل نام گذاری دوران نبوت پیامبر اسلام به آخرالزمان این بوده است که مسلمانان معتقدند آن حضرت، خاتم پیامبران است و شریعت وی تا پایان

۱- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶، صص ۲۹۵ - ۳۱۶ و ج ۵۲، صص ۱۸۱ - ۲۷۸؛ صحیح البخاری، ج ۸۷، صص ۱۱۱ - ۱۳۲؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵؛ سنن ابی داود، ج ۳، صص ۹۷ - ۱۲۸؛ صحیح مسلم، ج ۹، صص ۳۲۵ - ۴۲۶ و ج ۱، ص ۷۵، فتنه الأَحلاس.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروسستانی، «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، مندرج در کتاب پیش گویی ها و آخرالزمان مجموعه مقالات.

۳- دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول: تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۴.

این عالم اعتبار دارد. به جز آن، از رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایاتی نقل شده که در آنها به صراحت آمده است دوران نبوت ایشان به قیامت و آخرین بخش از حیات کره خاک می پیوندد. در یکی از این روایات که از طریق اهل سنت نقل شده است، چنین می خوانیم:

إِنَّهُ قَالَ بَعْدَ مَا صَلَّى الْعَصْرَ مَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا فِيمَا مَضَى مِنْهَا إِلَّا كَمَا بَقِيَ مِنْ يَوْمِكُمْ هَذَا فِيمَا مَضَى مِنْهُ وَ أَنَّهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: بُعِثْتُ
وَأَنَا وَالسَّاعَةِ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى. (۱)

آن حضرت پس از فراغت از نماز عصر فرمود: «آنچه از [عمر] دنیا باقی مانده، به گذشته آن، همان نسبت را دارد که باقی مانده وقت امروز نسبت به گذشته آن دارد.» [همچنین] آن حضرت به یاران خود فرمود: «برگزیده شدم در حالی که میان من و قیامت فاصله نیست؛ همان سان که میان دو انگشت سبابه و وسطی فاصله نیست».

چنان که گفته شد، دومین معنایی که اصطلاح آخرالزمان در آن به کار می رود، عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. بر اساس آموزه های اسلامی، در آستانه ظهور آن حضرت که از آن با عنوان آخرالزمان یاد می شود، جهان دست خوش فتنه ها، آشوب ها و بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی می شود و ستم و بی عدالتی همه جهان را فرا می گیرد. این وضعیت ادامه دارد تا زمانی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند و با ظهور خود، جهان را از تیرگی ستم، فساد و تباهی برهاند.

شناخت آخرالزمان به این معنا، ضرورت انکارناپذیر روزگار ماست؛ زیرا بسیاری از نشانه های آخرالزمان در این عصر هویدا می شود و بیم آن می رود

که با اندک غفلی ما نیز در گرداب فتنه های فراگیری که به تعبیر روایات، چون رواندازی تیره، همه را در برمی گیرد و کمتر کسی از آن در امان می ماند، فرو رویم. (۱) از این رو، بر همه لازم است که با تأمل دوباره در روایات آخرالزمان و شناخت عمیق تر و گسترده تر نشانه ها و ویژگی های آن، خود را از فتنه ها و آشوب های این عصر و تا ظهور دولت حق در امان داریم.

۲. نشانه های آخرالزمان

۲. نشانه های آخرالزمان

با توجه به آنچه گفته شد، در اینجا با بهره گیری از دو روایت، برخی از نشانه های آخرالزمان را مرور می کنیم:

الف) در روایت نخست که سلمان رحمه الله آن را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده، چنین آمده است:

در حجه الوداع، با رسول خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ مشغول انجام مناسک حج بودیم که حضرت، حلقه در کعبه را گرفت و رو به ما کرد و فرمود: آیا می خواهید شما را از نشانه ها و حوادث پیش از قیامت خبردار کنم؟

سلمان که از همه به ایشان نزدیک تر ایستاده بود، گفت: بلی یا رسول الله!

ایشان فرمود: از جمله آنها ضایع و تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوت ها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مال پرستان و فروختن دین به قیمت دنیا است. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانند نمک در آب حل می شود؛ چرا که منکرات، کژی ها و کاستی ها را می بیند و قدرت تغییر دادن آنها را ندارد.

۱- ر.ک: ابن کثیر الدمشقی، النهایه فی الفتن و الملاحم، تصحیح: احمد عبدالشافی، چاپ دوم: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ هـ. ق، ص ۳۶، «فتنه الأجلال».

سلمان پرسید: آیا واقعا چنین خواهد شد؟

__ سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست، آری! و به دنبال آن حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و کارگزاران و کارشناسان ستم کار پیدا می شوند و [مردم] به خیانت کاران اعتماد می کنند.

__ آیا واقعا چنین روزی خواهد آمد؟

__ سلمان! سوگند به آن که جانم در دست اوست، آری! در آن زمان است که منکرها و انحراف ها، معروف و خوب و اعمال پسندیده، منکر و ناپسند شمرده می شود. شخص خائن، معتمد و شخص امین، خائن خوانده می شود. دروغ گو را تأیید و راست گو را طرد می کنند.

__ آیا واقعا چنین روزی خواهد آمد؟

__ قسم به آن که جانم در دستانش است، آری! در آن زمان است که زنان فرمان روا می شوند و سروری می یابند. با زنان و کنیزکان مشورت می گردد و کودکان بر منبرها می نشینند و هر چیزی نهایتا به دروغ ختم می شود. زکات و فیه که حق عمومی و همگانی است، غنیمت و بهره شخصی شمرده می شود. شخص به والدینش ستم می کند و در عین حال به دوستش، خدمت و نیکی. و آنجاست که ستاره گنه کاری طلوع می کند.

__ آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟

__ سلمان! سوگند به آن که جانم در دست اوست، آری! در چنین شرایطی است که مرد با همسرش در تجارت شریک می شود، خوی و عادت های شخصی و باطل زیاد و خوبی ها به شدت کم می شود. شخص به خاطر سخت گیری به بده کاران خود، تحقیر می شود. زمانی است که بازارها به هم نزدیک می شوند و یکی می گوید: چیزی نفروختم و دیگری می گوید: سودی نبردم و چیزی جز شکایت کردن از خدا دیده نخواهد شد.

__ آیا واقعا چنین خواهد شد؟

__ سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست، آری! در آن زمان است که به

دنبال این حوادث، اقوامی پیدا می شوند که اگر حرفی بزنند، کشته می شوند و اگر ساکت بمانند، غارتشان می کنند تا اینکه از اموالشان بهره مند شوند و به حریم هایشان تجاوز کنند و حرمتشان را بشکنند و خونشان را بریزند. قلب های آنها کاملاً با ترس و حقه بازی عجیب گشته است و آنها را جز در حالت خوف و نگرانی و هراس و وحشت نمی یابی.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می آید و امت مرا رنگارنگ می کند. چه بیچاره اند کسانی که به خاطر آنها ضعیف می شوند و وای بر آنها که خدا چه برای آنها مهیا کرده چگونه در کمین آنهاست. نه به کوچک ترها رحم می کنند و نه به بزرگ ترها احترام می گذارند. از خطاکاران و گنه کاران در امان نیستند. بدن هایشان، بدن انسان و قلب هایشان، قلب شیطان است.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! سوگند به کسی که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان مردان تنها به مردان و زنان تنها به زنان [برای ارضای شهوات] مشغول می شوند. همان گونه که اهل خانه ای نسبت به دختران خانه خود احساس غیرت می کنند، [غریبه ها] نسبت به پسرکان جوان، غیور می گردند [و آنها را ناموس خود می شمرند]. مردان به زنان و زنان به مردان شبیه می شوند و زنان بر زین ها سوار می گردند که لعنت من بر چنین زنان مسلمانان باد!

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان مساجد را همانند کلیساها و کنیسه ها تزئین می کنند و قرآن ها را طلاکاری و زینت. مناره ها بلند می شوند و خطوط (دسته ها) زیاد می شوند. قلب هایشان نسبت به هم متنفر و در زبان هایشان، اختلاف نمایان است.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که مردان و پسران امتم برای زینت از طلا استفاده می کنند و حریر و دیبا و ابریشم می پوشند و با بیگانگان متحد می شوند.

— آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟

— سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان، ربا علنی می شود و با اجناس ممتاز، رشوه و معامله می کنند. دین رها می شود و مقام و منزلت دنیا [در نظر مردم] رفیع می گردد.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! هر چند به خدا ضرری نمی رسانند [، بلکه به خودشان ظلم می کنند]، لیکن طلاق زیاد می شود و حدود، اقامه و اجرا نمی شود.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که زنان آوازه خوان می شوند و آلات موسیقی جلوه می یابند و به دنبال آن اشرار امتم پیدا می شوند.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان ثروتمندان امتم برای تفریح و سیاحت، افراد عادی برای تجارت و کسب درآمد و فقرا برای ریا و خودنمایی به حج و عمره می روند. جمعیتی پیدا می شوند که تفکر و تدبر و تفقه آنها برای غیر خدا [و اغراض غیرالهی] است. زنازادگان زیاد می شوند و قرآن را با آواز و غنا می خوانند و به خاطر دنیا بر سر هم می ریزند و با هم درگیر می شوند.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان به محارم تجاوز می کنند و به دنبال گناهان می روند. اشرار و بدان بر خوبان مسلط

می شوند. دروغ علنی می شود و لجاجت نمایان می گردد. بیچارگی ها نمایان می شود. با لباس ها به هم فخر می فروشند و مباحثات می کنند و ظرف های ناشایست را پر می کنند. نرد و شطرنج و آلات موسیقی مورد پسند [مردم] واقع می شوند. امر به معروف و نهی از منکر را انکار می کنند، به طوری که مؤمن خوارتر از کنیز می گردد. هم دستی میان زاهد[نما]ها و قاریان [بدکردار] نمایان می شود. اینها همان ها هستند که در آسمان ها آنها را پلیدان ناپاک می خوانند.

— آیا واقعا چنین خواهد شد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان ثروتمند از وضعیت فقیر هراسان نمی شود، به طوری که گدا یک هفته کامل از مردم گدایی می کند، ولی کسی را که چیزی در دستش بگذارد، نمی یابد.

— آیا حقیقتا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

— سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان «روبیضه» به سخن می آید.

— پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! «روبیضه» دیگر چیست؟

— کسی که تا به حال صحبت نمی کرد، برای امور عموم مردم به سخن می آید و جز کمی از او فرمان نبرند... (۱).

ب) روایت دوم، روایتی مفصلی است که در کتاب الکافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است. امام صادق علیه السلام در ابتدای این روایت، در پاسخ یکی از یاران خود که با اشاره به برخورد تحقیرآمیز منصور عباسی با آن حضرت از ایشان می پرسد: «اینان تا کی باید سلطنت کنند و ما کی از [آزار آنها] راحت و آسایش می یابیم»، می فرماید:

۱- بحار الأنوار، ج ۶، صص ۳۰۵ - ۳۰۹؛ منتخب الأثر، ج ۳، صص ۳۰ - ۳۳، ح ۹۲۰.

آیا نمی دانی که هر چیزی مدتی دارد؟... آیا این سخن تو را سود می بخشد که بدانی هر گاه زمان این امر [و پایان دولت آنان] فرا رسد، از چشم برهم زدنی زودتر رخ می دهد؟ اگر تو می دانستی که آنها در درگاه خداوند چه وضعی دارند، خشم تو نسبت به آنها بیشتر می شد. اگر تو یا [حتی] همه ساکنان زمین کوشش کنند که آنها را از نظر گناه به وضعی بدتر از آنچه اکنون در آن به سر می برند، در آورند، نمی توانند. پس [مراقب باش] شیطان تو را نلغزاند و پریشان نکند؛ زیرا عزت و سربلندی تنها از آن خدا، رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی دانند. آیا نمی دانی هر کس منتظر امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می شود.

آن گاه آن حضرت نشانه های آخرالزمان یا عصر ظهور دولت حق را چنین برشمرد:

[۱.] آن گاه که دیدی حق مرده است و اهل حق از میان رفته اند؛ [۲.] ستم همه جا را فرا گرفته است؛ [۳.] قرآن فرسوده شده و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن به وجود آمده است؛ [۴.] دین بی محتوا شده است، همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند؛ [۵.] اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند؛ [۶.] شر آشکار شده است و از آن نهی نمی شود و هر که کار زشت انجام دهد، معذورش می دارند؛ [۷.] فسق آشکار شده است و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده می کنند؛ [۸.] مؤمن، سکوت اختیار کرده است و سخنش را نمی پذیرند؛ [۹.] فاسق دروغ می گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نمی گرداند؛ [۱۰.] بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار می شمارد؛ [۱۱.] پیوند خویشاوندی بریده می شود؛ [۱۲.] هر که را به کار بد بستایند، خوش حال می شود؛ [۱۳.] پسریچه همان می کند که زن می کند؛ [۱۴.] زنان با زنان ازدواج می کنند؛ [۱۵.] مداحی و چاپلوسی فراوان شده است؛ [۱۶.] مرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری

نمی کند؛ [۱۷] چون شخص مؤمنی را ببیند، از کوشش او به خدا پناه برد؛ [۱۸]. همسایه، همسایه خود را آزار می دهد و در این کار مانعی برای او نیست؛ [۱۹]. کافر خوش حال است از آنچه در مؤمن می بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی می بیند؛ [۲۰]. آشکارا شراب بنوشند و کسانی که از خدای عزّ و جلّ نمی ترسند، برای نوشیدنش گرد هم آیند؛ [۲۱]. امر به معروف کننده خوار است؛ [۲۲]. فاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است؛ [۲۳]. اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است؛ [۲۴]. راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است؛ [۲۵]. خانه کعبه تعطیل شده است و دستور به ترک آن داده می شود؛ [۲۶]. مرد به زبان می گوید، آنچه را که به آن عمل نمی کند؛ [۲۷]. مردان، خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان؛ [۲۸]. زندگی مرد از پس او اداره می شود و زندگی زن از فرج او؛ [۲۹]. زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند؛ [۳۰]. در میان فرزندان عباس، کارهای زنانگی آشکار می شود (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان گونه که زن برای جلب نظر شوهرش، خود را آرایش می کند)؛ [۳۱]. به مردها پول می دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند؛ [۳۲]. توانگر از شخص باایمان عزیزتر است؛ [۳۳]. رباخواری آشکار است و رباخوار سرزنش نمی شود؛ [۳۴]. زن ها به زنا افتخار می کنند؛ [۳۵]. زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند؛ [۳۶]. بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند؛ [۳۷]. مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می شود؛ [۳۸]. بدعت و زنا آشکار می شود؛ [۳۹]. مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند؛ [۴۰]. دستورهای دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می شود؛ [۴۱]. حلال، تحریم شود و حرام، مجاز؛ [۴۲]. مردم چنان در ارتکاب گناه گستاخ شده اند که منتظر رسیدن شب نیستند؛ [۴۳]. مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب؛ [۴۴].

[مال کلان در راه غضب

الهی خرج می شود؛ [۴۵]. [زامان داران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گزینند؛ [۴۶]. [والیان در داوری رشوه می گیرند؛ [۴۷]. [پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود؛ [۴۸]. [مردم با محارم خود نزدیکی می کنند؛ [۴۹]. [به تهمت و سوءظن، مرد به قتل می رسد؛ [۵۰]. [مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خود و اموالش را در اختیار او می گذارد؛ [۵۱]. [مرد به خاطر آمیزش با زنان سرزنش می شود (که چرا با مردان آمیزش نمی کند)؛ [۵۲]. [مرد از کسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به آن تن می دهد؛ [۵۳]. [زن بر مرد خود مسلط می شود و کاری را که مرد نمی خواهد، انجام می دهد و به شوهر خود خرجی می دهد؛ [۵۴]. [مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد؛ [۵۵]. [سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می شود؛ [۵۶]. [قمار آشکار می شود؛ [۵۷]. [شراب را بدون مانع و آشکارا می فروشند؛ [۵۸]. [زنان مسلمان، خود را در اختیار کافران می گذارند؛ [۵۹]. [لهو و لعب آشکار می شود و کسی که از کنار آن می گذرد، از آن جلوگیری نمی کند (و کسی جرئت جلوگیری را ندارد)؛ [۶۰]. [کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند، مردم شریف را خوار می کند؛ [۶۱]. [نزدیک ترین مردم به فرمان روایان کسی است که به دشنام گویی ما خانواده ستایش شود؛ [۶۲]. [هرکس ما را دوست دارد، دروغ گویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند؛ [۶۳]. [مردم، در گفتن حرف زور و ناحق با همدیگر رقابت می کنند؛ [۶۴]. [شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است؛ [۶۵]. [همسایه، همسایه را از ترس زبانش گرامی می دارد؛ [۶۶]. [حدود خدا تعطیل می شود و در آن به دلخواه خود عمل می کنند؛ [۶۷]. [مساجد طلاکاری می شود؛ [۶۸]. [راست گوترین مردم پیش آنها، مفتریان دروغ گویند؛ [۶۹]. [شر و سخن چینی آشکار می شود؛ [۷۰]. [ستم کاری گسترش می یابد؛ [۷۱]. [غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را

بدان مژده می دهند؛ [۷۲]. برای غیرخدا به حج و جهاد می روند؛ [۷۳]. سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می کند؛ [۷۴].
 [خرابی و ویرانی بیش از آبادی است؛ [۷۵]. زندگی مرد از کم فروشی اداره می شود؛ [۷۶]. خون ریزی را آسان می شمارند؛
 [۷۷]. مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذار
 کنند؛ [۷۸]. نماز را سبک می شمارند؛ [۷۹]. مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده، زکات آن را نپرداخته
 است؛ [۸۰]. قبر مرده ها را می شکافند و آنها را می آزارند و کفن هایشان را می فروشند؛ [۸۱]. آشوب بسیار می شود؛ [۸۲].
 [مرد روز خود را به نشئه (شراب) به شب می برد و شب را به مستی صبح می کند؛ [۸۳]. با حیوانات عمل زشت انجام می
 دهند؛ [۸۴]. حیوانات همدیگر را می درند؛ [۸۵]. مرد به مصلی می رود، ولی چون برمی گردد، جامه در تن ندارد؛ [۸۶].
 [دل مردم سخت و چشمانشان خشک می شود و یاد خدا بر آنان سنگین می آید؛ [۸۷]. کسب های حرام گسترش می یابد و
 بر سر آن رقابت می کنند؛ [۸۸]. نمازخوان برای ریا و خودنمایی نماز می خواند؛ [۸۹]. فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و
 دنیا و ریاست طلب می کند؛ [۹۰]. مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت دارد؛ [۹۱]. هر کس روزی حلال می جوید،
 سرزنش می شود و جوینده حرام، مورد ستایش و تعظیم است؛ [۹۲]. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خداوند دوست
 ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آنها را از این کارهای زشت باز نمی دارد؛ [۹۳]. آلاحت لهُو و لعب [حتی
 [در مکه و مدینه آشکار می شود؛ [۹۴]. مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ دیگران او را
 نصیحت می کنند و می گویند: این کار بر تو لازم نیست؛ [۹۵]. مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتدا می
 کنند؛ [۹۶]. راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود؛ [۹۷]. مرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او
 غمگین نمی شود؛ [۹۸]. هر سال بدعت و شرارت بیشتر

می شود؛ [۹۹]. مردم و انجمن ها پیروی نمی کنند، مگر از توانگران؛ [۱۰۰]. به فقیر چیزی می دهند، درحالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می کنند؛ [۱۰۱]. نشانه های آسمانی پدید می آید، ولی کسی از آن هراس ندارد؛ [۱۰۲]. مردم در حضور جمع، همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی می شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را انکار نمی کند؛ [۱۰۳]. مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می ورزد؛ [۱۰۴]. آزار به پدر و مادر آشکار می شود و مقام آنها را سبک می شمارند و حال آنها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و از اینکه به آنها افترا زده شود، خوش حال می شوند؛ [۱۰۵]. زن ها بر حکومت چیره می شوند و پست های حساس را قبضه می کنند و کاری پیش نمی رود، جز آنچه به دلخواه آنان باشد؛ [۱۰۶]. پسر به پدر خود افترا می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و از مرگشان خوش حال می شود؛ [۱۰۷]. اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناه بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا می خوارگی، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بیهوده تلف شده است؛ [۱۰۸]. سلطان، مواد غذایی را احتکار می کند؛ [۱۰۹]. حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم می شود و بدان قماربازی و می خوارگی می کنند؛ [۱۱۰]. با شراب درمان می کنند و بدان بهبودی می جویند؛ [۱۱۱]. مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند؛ [۱۱۲]. منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق، بی سر و صدا و خاموشند؛ [۱۱۳]. برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند؛ [۱۱۴]. مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترس ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد، از شراب مست کننده توصیف می کنند؛ [۱۱۵]. شخص مست که از خرد تهی است، بر مردم پیش نمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست شود،

گرامی اش می دارند؛ [۱۱۶]. هر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می ستایند؛ [۱۱۷]. قاضیان به خلاف دستور خدا داوری می کنند؛ [۱۱۸]. زمام داران از روی طمع، خیانت کاران را امین خود می سازند؛ [۱۱۹]. میراث (یتیمان) را فرمان رویان به دست افراد بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند، از آنها حق حساب می گیرند و زمام آنها را رها می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند؛ [۱۲۰]. بر فراز منبرها، مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند؛ [۱۲۱]. وقت نمازها را سبک می شمارند؛ [۱۲۲]. صدقه را به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آنها می پردازند؛ [۱۲۳]. تمام هَمّ و غَمّ مردم، شکم و عورتشان است. باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند؛ [۱۲۴]. دنیا به آنها روی آورده است؛ [۱۲۵]. نشانه های حق کهنه گشته است.

امام صادق علیه السلام پس از پیش بینی این حوادث، خطاب به راوی فرمود:

در چنین زمانی مراقب خود باش. نجات خود را از خداوند بخواه (فرج نزدیک است) و بدان که مردم با این نافرمانی ها سزاوار عذابند. اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میان آنها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون بیایی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند: «وَإِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (۱).

۳. امیدهای آخرالزمان

۳. امیدهای آخرالزمان

در کنار روایت های یاد شده که در آنها از مردمان آخرالزمان نکوهش شده و تنها از ویژگی های منفی آنها سخن به میان آمده است، روایاتی نیز وجود دارد که گروه هایی از اهل آخرالزمان به شدت ستایش شده اند، تا جایی که از آنها به عنوان «برادران رسول خدا» یاد شده است. این گروه نیستند، مگر کسانی که با وجود همه سختی ها و

۱- الکافی، ج ۸، صص ۳۶ - ۴۲، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۲۵۴ - ۲۶۰.

دشواری های عصر غیبت، دین و ایمان خود را حفظ می کنند و بر پیمان الهی خود ثابت قدم می مانند. برخی از این روایت ها به قرار زیر است:

۱. ابوبصیر از ابوجعفر [امام محمدباقر علیه السلام] که درود خدا بر او باد، نقل می کند که فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ : «اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي» مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوَّلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ : أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ فَقَالَ : لَا ، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي ، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي ، لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ . لِأَخِيذِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقِتَادِ (۱) فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ . أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَاءِ (۲) أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى ، يُنَجِّبُهُمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غِبْرَاءٍ مُظْلَمَةٍ (۳) .

روزی پیامبر خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ در حالی که عده ای از

۱- «خرط القتاد» کنایه از سختی و دشواری کاری است. «خرط» به معنای دست کشیدن از بالای شاخه تا پایان آن و «قتاد» به معنای گیاه گون است که دارای خارهای بسیار است. چون دست کشیدن بر شاخه های این گیاه و درآوردن خارهای آن بسیار سخت و طاقت فرساست، عرب هر کار سختی را به این عمل تشبیه کرده و این جمله به صورت یک ضرب المثل درآمده است که می گویند: «دون هذا الأمر خرط القتاد؛ دست کشیدن بر شاخه های گون از این کار آسان تر است». ر. ک: لغت نامه دهخدا، ماده خرط؛ فرهنگ لاروس (عربی _ فارسی)، ماده «خرط» و «قتاد».

۲- «جمر الغضاء» نیز کنایه از مشکل بودن کاری است. «جمر» به معنای اخگر و شعله های آتش و «غضاء» به معنای درخت شوره گز است. چوب این درخت بسیار سخت و آتش آن بسیار سوزان است و از این رو عرب، کارهای بسیار سخت و دشوار را به در دست گرفتن آتش برافروخته از چوب گز، تشبیه می کند. ر. ک: همان، ماده «غضا».

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱۲۳ و ۱۲۴، ح ۸.

یارانش نزد او بودند، فرمود: خداوند! برادران مرا به من بنما! ایشان سخن را دو مرتبه تکرار کردند. در این هنگام گروهی از یاران که گرد آن حضرت بودند، گفتند: ای پیامبر خدا! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه. شما یاران من هستید. برادران من قومی هستند [که] در آخرالزمان [خواهند آمد]. آنها به من ایمان می آورند، در حالی که مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام های پدرانشان شناسانده است، پیش از آنکه از پشت های پدران و رحم های مادرانشان خارج شوند. هر یک از آنها بر دین خود پایدار می ماند، در حالی که این عمل از دست کشیدن بر خارهای گون در شب تاریک و در دست گرفتن آتش برافروخته از درخت گز دشوارتر است. ایشان چون چراغی فروزان در دل تاریک شب می درخشند. خداوند آنها را از همه فتنه های تیره و تار در امان نگه می دارد.

با توجه به این روایت، به خوبی می توان به مقام و جایگاه مؤمنان ثابت قدم در آخرالزمان پی برد.

۲. در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده، از دوران غیبت به عنوان «نزدیک ترین حالت بندگان به خدا» یاد شده است:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ - حَيْلَ ذِكْرِهِ - وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّهَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّهَ اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ - وَ لَا مِيثَاقَهُ، فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبَ اللَّهِ عَلَى أَعْيَادِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّتَهُ وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ، قَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْتَابُونَ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ مَا عَيَّبَ حُجَّتَهُ عَنْهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ... (۱)

هنگامی که حجت خدا در میان مردم نباشد، مردم به خدا نزدیک ترند و خدا

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۹، ح ۱۶.

از مردم خشنودتر است؛ زیرا با اینکه حجت خدا ظاهر نیست و جای او را نمی دانند، باز باور دارند که حجت خدا هست و پیمان خدایی استوار است. در چنین روزگاری (روزگار غیبت) هر صبح و هر شام منتظر فرج باشید. چون به هنگامی که حجت غایب باشد، خشم خدا بر دشمنان خود بیشتر است و خدا می دانست که اولیای او درباره حجت او [اگر چه غایب باشد و غیبت او طولانی گردد] شک نمی کنند؛ اگر می دانست که شک می کنند، یک چشم به هم زدن، حجت خود را غایب نمی داشت... (۱).

از این روایت استفاده می شود که آخرالزمان و دوران غیبت در عین حالی که می تواند دوران هجران و نماد دوری از محبوب باشد، می تواند فرصتی برای تقرب بیشتر بندگان و کسب رضایت بیشتر خداوند باشد، ولی مشروط به آنکه ما در اعتقادمان ثابت قدم باشیم و در طریق کسب معرفت حجت خدا بیشتر قدم نهمیم.

۳. عبدالله بن سنان، یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که روزی آن حضرت خطاب به ما فرمود:

سُئِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يُرَى وَ لاِ اِمَامٍ هُدًى، لاِ يَنْجُو مِنْهَا اِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ.

به زودی شبهه ای به شما روی خواهد آورد و شما نه پرچمی خواهید داشت که دیده شود و نه امامی که هدایت کند. تنها کسانی از این شبهه نجات خواهند یافت که «دعای غریق» را بخوانند.

عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟

قال: تَقُولُ: يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ بَثَّ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ. (۲)

۱- ترجمه با استفاده از: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب غیبت، انتظار، تکلیف، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، صص ۳۵۱ و ۳۵۲، ح ۴۹.

فرمود: می گویی: «ای خدا، ای بخشنده، ای بخشایشگر، ای کسی که قلب ها را دگرگون می سازی! قلب مرا بر دینت پایدار فرما».

آری، در آخرالزمان و در دوران غریب غیبت، امواج شبهه و فتنه از هر سو رومی کند و انسان تا به خود بیاید، چون کشتی شکسته در دل دریای بیکران، حیران و سرگردان دست و پا می زند، ولی همیشه روزنه امیدی هست که این غریق بی پناه را از میان دریای فتنه و شبهه ها نجات بخشد. آن روزنه امید چیزی نیست جز درخواست عاجزانه از خدای تعالی برای هدایت و رستگاری و تمسک خالصانه به ولایت امامان معصوم علیهم السلام .

فصل دوم: نشانه های ظهور

اشاره

فصل دوم: نشانه های ظهور

زیر فصل ها

۱. ضرورت شناخت نشانه های ظهور

۲. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات

۳. دسته بندی نشانه های ظهور

۱. ضرورت شناخت نشانه های ظهور

۱. ضرورت شناخت نشانه های ظهور

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بشارت به ظهور مردی از آل محمد علیهم السلام در آخرالزمان داده شد، بیان نشانه های ظهور او نیز آغاز شد. امام علی علیه السلام بارها در خطبه ها و سخنان خود، اصحابش را نسبت به رویدادهای عصر ظهور آگاهی می داد و آنها را متوجه این رویداد عظیم می ساخت. امامان بعدی نیز مردم را نسبت به نشانه های ظهور هشدار می دادند.

اکنون با مجموعه ای قابل توجه از روایات و کلمات معصومین علیهم السلام روبه رو هستیم که در هر یک از آنها به گوشه ای از رویداد عظیم ظهور مصلح آخرالزمان اشاره شده است و اگر آنها را کنار هم قرار دهیم، می توانیم به تصویری نسبتاً شفاف از وضعیت اجتماعی، سیاسی، نظامی و حتی طبیعی و جغرافیایی جهان در آستانه ظهور دست یابیم.

بی تردید، مطالعه در روایات مربوط به نشانه های ظهور در عصر ما که بیش از هر عصر دیگر، التهاب جهانی برای ظهور احساس می شود، از ضرورت های بی چون و چراست. بر شیعیان آل محمد علیهم السلام واجب است که با دقت تمام، به همه نشانه های ظهور توجه کنند و با تطبیق آنها با وضعیت کنونی جهان، رسالت خویش را بهتر بشناسند.

۲. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات

اشاره

۲. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات

پیش از بررسی نشانه های ظهور، برخی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با این موضوع را که معمولاً در کتاب ها و آثار مؤلفان اسلامی از آنها یاد می شود، بررسی می کنیم:

الف) نشانه های ظهور

الف) نشانه های ظهور

ظهور مصلح آخرین، حضرت بقیه الله الاعظم _ ارواحنا له الفداء _ با حوادث طبیعی، رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی و نظامی بسیاری همراه است که همه، از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت ساز از حیات کره خاک حکایت می کنند. از مجموع این حوادث، رویدادها و تحولات که پیش از ظهور یا هم زمان با آن رخ می دهند، به نشانه ها یا علائم ظهور تعبیر می شود. به این نکته هم باید توجه داشت که همه این نشانه ها در یک زمان رخ نمی دهند و از نظر دوری یا نزدیکی به وقت ظهور، با یکدیگر تفاوت دارند.

ب) ملاحم

ب) ملاحم

این واژه جمع «مَلْحَمَه» به معنای جنگ و خون ریزی بزرگ و رزمگاه است. در مورد ریشه این کلمه، برخی گفته اند: ملحمه از «لُحْمَه» به معنای تار و پود پارچه گرفته شده است و چون معمولاً در رزمگاه طرفین نبرد چون تار و پود پارچه در هم می پیچند، به آن «ملحمه» می گویند. برخی دیگر گفته اند: این کلمه از «لَحْم» به معنای گوشت گرفته شده است و بدان دلیل به رزمگاه «ملحمه» می گویند که در آن گوشت های کشته شدگان به فراوانی به چشم می خورد. (۱)

ملاحم در اصطلاح به جنگ ها و رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی اطلاق می شود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از وقوع آنها خبر داده اند.

ج) فِتْن

ج) فِتْن

کلمه «فتن» جمع «فتنه» به معنای آزمایش، امتحان، شورش، اختلاف آراء، رنج و محنت است. این واژه در اصل به عملی گفته می شود که برای پاک کردن طلا و نقره از ناخالصی انجام می گیرد. (۲) فتن در اصطلاح به معنای حوادث و رویدادهایی است که وقوع آنها در کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام پیش گویی شده است.

د) اِشْرَاطُ السَّاعَةِ

د) اِشْرَاطُ السَّاعَةِ

کلمه «اِشْرَاطُ» جمع «شَرَطٌ» به معنای علامت و نشان است. (۳) «اِشْرَاطُ السَّاعَةِ» یا «اِشْرَاطُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» در اصطلاح عبارت از «نشانه های برپایی قیامت» است. در منابع روایی، از برخی نشانه های ظهور به عنوان نشانه های برپایی قیامت

۱- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۵۴، ماده «لحم».

۲- لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۷۸، ماده «فتن».

۳- لسان العرب، ج ۷، ص ۸۲.

یاد شده است. (۱)

پیامبر گرامی اسلام از همان سال های آغازین بعثت، بر اساس دانش ماورایی خود، به پیش گویی رویدادهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می پرداخت که در آینده های دور و نزدیک در جامعه اسلامی روی خواهد داد. به تعبیر برخی از روایات، ایشان، مسلمانان را از همه حوادثی که تا آستانه قیامت رخ خواهد داد، آگاه می کرد. آن حضرت گاه مسلمانان را نسبت به رخدادهای مبارکی که در آینده رخ خواهد نمود، مژده و بشارت می داد و گاه آنان را از وقایع شومی که پیش روی آنهاست، برحذر می داشت. این رویه مستمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد پیش گویی رویدادهای مختلف به ویژه رویدادهایی که در آخرالزمان رخ خواهد داد، موجب شد که مسلمانان در طول سال های پربرکت حیات رسول گرامی اسلام از گنجینه ارزشمندی از روایات مربوط به حوادث آینده برخوردار شوند؛ گنجینه ای که از همان سده های آغازین گسترش اسلام به دست مؤلفان، مورخان و محدثان، جمع آوری و در اختیار نسل های آینده گذاشته شد.

مؤلفان اسلامی مجموعه روایت هایی را که به ویژه از پیامبر اسلام در زمینه حوادث مختلف اجتماعی و سیاسی وارد شده بود، در کتاب هایی که معمولاً با عناوینی همچون علامات المهدی، علامات مهدی آخرالزمان، علایم الظهور، أشراف الساعه، علامات الساعه، علامات یوم القیامه، الفتن، الملاحم، الفتن و المحن، الفتن و... نامیده می شده است، جمع آوری کرده اند. (۲)

۱- در یکی از این روایات نشانه های برپایی قیامت به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بیان شده است: «لا تقوم الساعه حتی تکون عشر آیات: الدجال و الدخان و طلوع الشمس من مغربها، و دابّه الأرض و یأجوج و مأجوج و ثلاثه خسوف: خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و نار تخرج من قعر عدن تسوق الناس إلى المحشر تنزل معهم إذا نزلوا و تقبل معهم إذا أقبلوا.» بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۱ و ج ۵۲، ص ۲۰۹.

۲- ر.ک: نعیم بن حماد بن معاویه، الفتن، تحقیق: مجدی بن منصور بن سید الشوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ هـ. ق، ص ۱۱.

گفتنی است کتاب شناس بزرگ شیعی، آقا بزرگ تهرانی رحمه الله از بیش از سی مورد کتاب که با عناوینی نظیر الفتن و الملاحم نوشته شده اند، یاد کرده است. (۱)

هـ (_ شرایط ظهور

هـ (_ شرایط ظهور

به مجموعه زمینه ها و بسترهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که در صورت فراهم شدن آنها ظهور امام مهدی علیه السلام رخ خواهد داد، «شرایط ظهور» گفته می شود. البته در اینکه با قاطعیت بتوان اموری را شرایط ظهور برشمرد و ادعا کرد که با تحقق آنها حتما ظهور محقق خواهد شد، تردید وجود دارد، با این حال، شاید بتوان از برخی روایات چنین استفاده کرد که اموری مانند آمادگی فکری و عملی مردم برای ظهور امام عدالت گستر، عزم جدی آنها برای وفا به پیمان خود در برابر آن امام، وجود تعداد کافی یاران مخلص و وفادار، ناامیدی کامل مردم از طرح ها و برنامه های دست ساخته بشر برای اصلاح وضع جهان و... از شرایط ظهور به شمار می آیند.

۱- ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، چاپ دوم: بیروت، دارالاضواء، بی تا، ج ۱۶، صص ۱۱۲ _ ۱۱۴، ج ۲۲، صص ۱۸۷ _ ۱۹۰. برخی از مهم ترین کتاب هایی که با عناوین یاد شده به رشته تحریر درآمده اند، به این شرح است: ابوعبدالله نعیم بن حماد مروزی، معروف به ابن حماد م ۲۸۸ هـ. ق، الفتن، ۲جلد، چاپ اول: قاهره، توحید، ۱۴۱۲ هـ. ق؛ ابوالقاسم علی بن موسی بن طاووس، معروف به سید بن طاووس (م ۶۲۴ هـ. ق)، الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر، چاپ پنجم: قم، رضی، ۱۳۹۸ هـ. ق. کتاب یادشده با این نام نیز به چاپ رسیده است: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، تحقیق: مؤسسه صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول: اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ هـ. ق؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، معروف به ابن کثیر (م ۷۷۴ هـ. ق)، النهایه فی الفتن و الملاحم، تحقیق: محمد احمد عبدالعزیز، ۲ جلد، بیروت، دارالجلیل، بی تا؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، معروف به ابن کثیر، علامات یوم القیامه، چاپ اول: قاهره، مکتبه القرآن، ۱۴۰۸ هـ. ق؛ علی بن حسام الدین متقی هندی (م ۹۷۵ هـ. ق)، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، رضوان، ۱۳۹۹ هـ. ق؛ سید شریف محمد بن رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ هـ. ق)، الإشاعه لأشراط الساعه، چاپ چهارم: بیروت، دارالکتاب العلمیه، بی تا.

گفتنی است برخی افراد، نشانه های ظهور را با شرایط ظهور اشتباه می گیرند و گمان می کنند ظهور امام مهدی علیه السلام به تحقق این نشانه ها بستگی دارد و تا زمانی که آنها رخ ندهد، لزوماً ظهور واقع نخواهد شد، در حالی که نشانه های ظهور تنها جنبه آگاهی بخشی، بیدارسازی و هشداردهی دارند و راه هایی برای تشخیص منجی موعود حقیقی از موعودهای دروغین به شمار می آیند. بنابراین، چه بسا امکان دارد که اراده خداوند به ظهور امام مهدی علیه السلام تعلق گیرد بی آنکه برخی از نشانه های ظهور محقق شده باشند. در معارف شیعی، از این موضوع به «بداء» تعبیر می شود.

«بداء» در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است و اصطلاحاً به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم گفته می شود؛ بدین معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی، مسئله ای را از زبان پیامبر یا ولی ای از اولیای خویش به گونه ای تبیین می کند. سپس در مقام عمل و ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می دهد. خدای تعالی در قرآن می فرماید:

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۱)

خداوند آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست.

در آیه ای دیگر می فرماید: «وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا» (۲) و [نتیجه] گناहانی که مرتکب شده اند، برایشان ظاهر می شود».

در داستان حضرت یوسف نیز می فرماید:

۱- سوره رعد ۱۳، آیه ۳۹.

۲- سوره زمر ۳۹، آیه ۴۸.

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسُجُنَّةً حَتَّىٰ (۱).

آن گاه پس از دیدن آن نشانه ها، به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند.

این ظهور پس از خفا، تنها برای انسان رخ می دهد و هرگز در مورد خداوند متعال صدق نمی کند و گرنه لازمه اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع جهل داشته باشد که این امر محال است. خداوند _ چنان که قرآن کریم می فرماید _ به همه چیز آگاه و داناست: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (۲). و نسبت به همه چیز _ در همه زمان ها و مکان ها چه حاضر باشند و چه غایب، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند _ علم حضوری دارد. در این مورد در قرآن کریم چنین می خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۳).

در حقیقت، هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی ماند.

از همین روست که مسئله بدأ و ظاهر کردن آن امر مخفی، به خداوند نسبت داده می شود:

وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴).

و آنچه تصور[ش را] نمی کردند، از جانب خدا برایشان آشکار می شود.

بر اساس آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خُذَا حَالِ قَوْمِي رَا تَغْيِيرَ نَمِي دَهْد تَا أَنَان حَالِ خُود رَا تَغْيِيرَ دَهْنَد» (۵) و با استفاده از دیگر آیات و روایات

۱- سوره یوسف ۱۲، آیه ۳۵.

۲- سوره نساء ۴، آیه ۳۵.

۳- سوره آل عمران ۳، آیه ۵.

۴- سوره زمر ۳۹، آیه ۴۷.

۵- سوره رعد ۱۳، آیه ۱۱.

می توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال حسنه، نظیر: صدقه، احسان به دیگران، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، استغفار و توبه، شکر نعمت و ادای حق آن و... سرنوشت شخص را تغییر و رزق و عمر و برکت زندگی اش را افزایش می دهد، همان گونه که اعمال بد و ناشایست، اثر عکس خود را بر زندگی شخص می گذارد.

گفتنی است خداوند متعال بنا بر آیات قرآن، دو لوح دارد: لوح محفوظ و لوح محو و اثبات.

لوح محفوظ لوحی است که آنچه در آن نوشته می شود، پاک نمی شود و مقدرات آن تغییر نمی یابند؛ چرا که مطابق با علم الهی است. در قرآن کریم می خوانیم:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ. (۱)

آری، آن قرآن ارجمندی است که در لوحی محفوظ است.

لوح محو و اثبات هم لوحی است که امور نوشته شده بر آن به اراده خداوند و بر اساس اعمال بندگان تغییر می کند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. (۲)

خداوند آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست.

برای مثال، بناست شخص در بیست سالگی فوت کند، ولی به واسطه صله رحم یا صدقه ای که می دهد، سی سال به عمرش اضافه می شود. پس تا پنجاه سالگی زنده می ماند یا به عکس، شخص دیگری قرار است پنجاه سال

۱- سوره بروج ۸۵، آیه های ۲۲ و ۲۱.

۲- سوره رعد ۱۳، آیه ۳۹.

عمر کند، ولی به واسطه گناه کبیره ای خاص، سی سال از عمرش کاسته می شود و در همان بیست سالگی می میرد. البته خداوند متعال از ابتدا می دانست که اولی بناست پنجاه سال و دومی بیست سال عمر کند، ولی برای روشن شدن این سنت های الهی، مطلب به این شکل از زبان پیامبران یا اولیای الهی علیهم السلام بیان می شود. (۱)

با توجه به این دو لوح و مطالبی که تا به حال به آنها پرداختیم، این پرسش به ذهن می رسد که آیا نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام در لوح محفوظند یا محو و اثبات؟ به عبارت دیگر، آیا ممکن است ظهور بدون تحقق نشانه ها رخ دهد یا خیر همه نشانه ها باید رخ دهند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت جز نشانه هایی که صراحتاً در احادیث به حتمی بودن آنها اشاره شده است، بقیه نشانه های ظهور، همگی از امور غیرحتمی به شمار می روند، چنان که بزرگانی نظیر شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی بدان تصریح کرده اند. بدین معنا که به جز نشانه های حتمی ظهور بقیه آنها بنا بر مشیت و اراده الهی ممکن است دچار تغییر و تبدیل، تقدم یا تأخر شوند. به بیان دیگر، آنها از جمله امور لوح محو و اثبات به حساب می آیند و ممکن است با تغییر و تبدیل شرایط آنها و عوض شدن علل رخ دادن آنها، به گونه ای دیگر پدید آیند یا اصلاً رخ ندهند. البته بسیاری از رویدادهایی که در احادیث ما به آنها اشاره شده است، تا کنون اتفاق افتاده اند و در اصل تحقق

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه مفهوم و جایگاه «بداء» در آموزه های اسلامی ر.ک: الکافی، ج ۱، صص ۱۴۶ _ ۱۴۹، باب البداء؛ بحار الأنوار، ج ۴، صص ۹۲ _ ۱۳۴، باب البداء و النسخ؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، صص ۳۷۵ _ ۳۸۲ ذیل آیه ۳۹ سوره رعد؛ سید محسن خرازی، بدایه المعارف الإلهیه، چاپ سیزدهم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۵ هـ. ق، ج ۱، صص ۱۹۰ _ ۲۰۱.

خویش دچار بداء نشده اند. (۱)

۳. دسته بندی نشانه های ظهور

اشاره

۳. دسته بندی نشانه های ظهور

در کتاب ها و منابع اسلامی، از حوادث و رویدادهای مختلفی به عنوان نشانه های ظهور یاد شده است تا جایی که برخی از صاحب نظران، شمار این حوادث و رویدادها را تا بیش از شصت مورد رسانده اند. (۲) با بررسی این نشانه ها به نظر می رسد که آنها به دو اعتبار، قابل دسته بندی هستند: (۳)

الف) به اعتبار نوع حادثه و رویداد؛

ب) به اعتبار زمان وقوع حادثه و رویداد.

در دیدگاه نخست، ملاک دسته بندی این است که آیا آن حادثه و رویدادی که در روایت ذکر شده، از جمله رویدادها و حوادث اجتماعی است یا رخدادهایی که در عالم طبیعت رخ می دهد؟ در دیدگاه دوم، آنچه ملاک دسته بندی قرار می گیرد، این است که آیا حادثه و رویدادی که از آن به عنوان نشانه ظهور یاد شده است، در فاصله ای نزدیک به عصر ظهور امام عصر علیه السلام رخ می دهد یا در فاصله ای دور از عصر ظهور؟ با تلفیق این دو دسته بندی، نشانه های ظهور را می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

الف) رویدادهای اجتماعی نزدیک به عصر ظهور

الف) رویدادهای اجتماعی نزدیک به عصر ظهور

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مجتبی الساده، شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، ترجمه:

محمود مطهری نیا، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۳، صص ۲۲۴ _ ۲۲۹.

۲- ر.ک: الإرشاد، صص ۳۵۶ _ ۳۶۱؛ سیره معصومان، ج ۶، صص ۳۶۷ _ ۴۰۰.

۳- ر.ک: تاریخ الغیبه الکبری، ص ۴۴۲.

برای این گونه حوادث به وقایعی مانند شورش سفیانی و کشته شدن نفس زکیه در مسجدالحرام می توان اشاره کرد. شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ: الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ^۱، وَالْحَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَقَتْلُ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ. (۱)

پنج رویداد پیش از به پا خاستن قائم از نشانه ها به شمار می رود: برخاستن ندایی از آسمان، خروج سفیانی، شکافته شدن زمین در منطقه بیداء، خروج مردی از یمن و کشته شدن نفس زکیه.

بر اساس آنچه در روایات آمده، سفیانی، مردی است از نسل آل ابی سفیان (۲) که از شام یا همان سوریه کنونی سر به شورش برمی دارد و مناطق زیادی را تصرف می کند تا سرانجام در زمانی که به قصد تصرف مکه راهی این مکان می شود، در منطقه ای میان مدینه و مکه که به آن بیداء گفته می شود، زمین می شکافد و لشکریان او در دل زمین فرو می روند. (۳)

در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده، ویژگی های سفیانی چنین شمرده شده است:

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلِهِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَهُوَ رَجُلٌ رِبْعَةٌ وَحَشُّ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامَةِ بِوَجْهِهِ أَثَرُ جِدْرِي إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ،
إِسْمُهُ عَثْمَانُ وَ أَبُوهُ عَبْسَةُ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضًا ذَاتَ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ فَيَسْتَوِي

۱- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۶۷؛ کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۲۵۲، ح ۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۱.

۲- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۳- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ منتخب الأثر، ص ۴۵۴.

علی مَبْرَها. (۱)

پسر هند جگرخوار از بیابانی خشک خروج می کند. او مردی است چهارشانه، زشت رو، بزرگ سر، آبله رو و چون او را بینی، می پنداری یک چشم است. نامش، عثمان و نام پدرش، عنبسه و از فرزندان ابوسفیان است. تا به سرزمینی می رسد که دارای قرارگاه و خرمی است و در آنجا بر تخت سلطنت می نشیند.

بر اساس روایتی که نعمانی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند، شورش و طغیان سفیانی و قیام حضرت مهدی علیه السلام در یک سال رخ می دهد. (۲)

در مورد نفس زکیه نیز باید گفت به تعبیر روایات، او مردی از اولاد امام حسن علیه السلام است که در مسجد الحرام و در بین رکن و مقام ابراهیم کشته می شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَةٌ عَشْرَ لَيْلَةً. (۳)

بین قیام قائم آل محمد و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله خواهد بود.

به نقل روایات، هم زمان با قیام سفیانی در شام، مردی از یمن، حرکتی را آغاز می کند و مردم را به سوی حق و طریق مستقیم فرا می خواند. قیام او که یمانی نام دارد، صحیح ترین قیام ها و پرچمی که او بلند می کند، هدایت بخش ترین پرچم ها خواهد بود. در این زمینه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ وَالسُّفْيَانِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۲- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۶۷؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۷۱.

۳- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۷۱؛ ر.ک: کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۲۵۲.

فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ. (۱)

خروج هر سه؛ خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز واحد صورت می گیرد و در این، هیچ پرچمی، هدایتگر پرچم یمانی نخواهد بود. او به سوی حق هدایت می کند.

این رویدادها از نشانه های حتمی ظهور حجت بن الحسن _ ارواحنا له الفداء (۲) _ و نشانه هایی هستند که در فاصله بسیار کمی از ظهور رخ می دهند.

(ب) رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور

(ب) رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور

دسته دوم از حوادث و رویدادهای اجتماعی، برخلاف دسته اول، از نظر زمان به زمان قیام قائم نزدیک نیستند و به یک تعبیر، بیش از آنچه نشانه ظهور به شمار آیند، نشانی بر صدق گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در مورد ظهور قائم آل محمد علیه السلام هستند. به عبارت دیگر، وقتی پیامبر اکرم یا دیگر پیشوایان دین، یک رویداد اجتماعی را در فاصله چند صد سال از عصر خویش پیش بینی می کنند و ما به چشم خود، روی دادن این حوادث را می بینیم، بیش از پیش، در اعتقاد خود به ظهور منجی یقین پیدا می کنیم و به خود اجازه نمی دهیم در دیگر رویدادهایی که وقوع آنها در زمانی نزدیک به قیام قائم پیش بینی شده است؛ شک کنیم. بدین ترتیب، بر ما مسلّم می شود که کلام پیشوایان دین بی کم و کاست، تحقق خواهد یافت.

نعمانی در کتاب خود از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که زوال دولت

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۹، ج ۲.

۲- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۵۲.

بنی امیه و استقرار دولت بنی عباس از رویدادهایی است که پیش از ظهور قائم رخ می دهد. (۱) وقتی به این نکته توجه کنیم که امام محمد باقر علیه السلام، هجده سال پیش از زوال دولت اموی و روی کار آمدن دولت عباسی وفات کرده است، درمی یابیم که کلام ائمه علیهم السلام بی هیچ تردیدی بر اساس علم الهی صادر شده است.

در روایت هایی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده، حوادث و رویدادهای اجتماعی مختلفی پیش از قیام مهدی _ ارواحنا له الفداء _ پیش بینی شده است. با بررسی اسناد و کتاب های تاریخی، وقوع بسیاری از این رویدادها بر ما مسلم شده است و به راحتی می توانیم واقعه پیش بینی شده را با آنچه در خارج رخ داده و در کتاب های تاریخ نیز ثبت شده است، تطبیق دهیم. (۲)

برخی معتقدند این گونه رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور را که در سخنان معصومین علیهم السلام، رخ دادن آنها پیش بینی شده اند، نباید نشانه های ظهور دانست، بلکه آنها جزو ملاحم و فتنی هستند که معصومین علیهم السلام بر اساس علم غیب خود از آنها خبر می دادند. (۳)

ج) رویدادهای طبیعی نزدیک به عصر ظهور

ج) رویدادهای طبیعی نزدیک به عصر ظهور

یکی از این حوادث که در فاصله کمی از قیام مهدی منتظر علیه السلام در عالم طبیعت رخ می دهد، ندایی است که از آسمان برمی خیزد و نام حضرت قائم علیه السلام را به گوش تمام جهانیان می رساند. نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۶۲.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: تاریخ الغیبه الکبری، صص ۴۴۸ _ ۴۷۷.

۳- ر.ک: مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول: قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۹۰.

در کتاب های خود، روایات زیادی را در این مورد نقل کرده اند که در اینجا به ذکر یکی از آنها بسنده می کنیم.

نعمانی به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل می کند:

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، [لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ] شَهْرُ اللَّهِ، [وَالصَّيْحَةُ فِيهِ] هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى هَذَا الْخَلْقِ، ثُمَّ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ. لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لِقَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَ لِقَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ. (۱)

آن ندای آسمانی برنخواهد خاست، مگر در ماه رمضان؛ [چرا] که [رمضان] ماه خداست. آن ندا از جبرئیل است که خطاب به مردم سر داده می شود و نام قائم را در همه جا طنین انداز می سازد، تا آنجا که همه ساکنان زمین از شرق تا به غرب، آن ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا، هر کس در خواب فرو رفته است، بیدار می شود و هر کس بر پا ایستاده است، ناچار به نشستن می شود و هر کس بر زمین نشسته است، به ناگاه از جای برمی خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را بشنود و به آن پاسخ گوید.

از جمله رویدادهای دیگری که پیش از قیام منجی در عالم طبیعت رخ می دهد و در روایات به آن اشاره شده، نوعی از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی است که در تمام طول کره زمین سابقه ندارد و حساب تمام ستاره شناسان را برهم می ریزد. در این مورد نیز روایات متعددی بیان شده است که تنها یکی از آنها را به نقل از نعمانی ذکر می کنیم. او در کتاب خود از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۵۴؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۷۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰.

آيْتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ: تَنَكَّسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ الْقَمَرُ فِي آخِرِهِ... (۱).

دو نشانه پیش از ظهور قائم وجود دارد که از زمان هبوط آدم به زمین سابقه نداشته است؛ یکی، گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و دیگری، گرفتن ماه در آخر این ماه است.

گفتنی است علت عجیب بودن این ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی آن است که بر اساس قواعد نجومی، معمولاً ماه گرفتگی در نیمه ماه و خورشید گرفتگی در اواخر ماه رخ می دهد. به همین دلیل، در روایات آمده است که به سبب این حادثه، حساب ستاره شناسان به هم می ریزد. (۲)

(د) رویدادهای طبیعی دور از عصر ظهور

(د) رویدادهای طبیعی دور از عصر ظهور

در روایات، به نمونه های مختلفی از این گونه رویدادهای طبیعی اشاره شده است که برای نمونه می توان از این موارد نام برد: طغیان رود فرات و جاری شدن آب در کوچه های کوفه، (۳) هجوم ملخ هایی به رنگ خون (۴) و نزول باران های فراوان که پیش از آن سابقه نداشته است. (۵)

گفتنی است به تصریح روایات، روی دادن برخی حوادث و رویدادهایی که به عنوان نشانه های ظهور ذکر شده اند، حتمی و مسلّم و رخ دادن برخی دیگر، مشروط و غیرقطعی است. همچنان که نعمانی نیز بر آن تأکید می ورزد،

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۷۱؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۷۰؛ کمال الدین تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵.

۳- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۹.

۴- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۷.

۵- شیخ علی یزدی حائری، إلیزام الناصب فی إثبات الحجج الغائب، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۵۹؛ الإرشاد، ص ۳۵۹.

روی دادن حوادثی مانند خروج سفیانی و یمانی، شکافته شدن زمین در منطقه بیداء، کشته شدن نفس زکیه و برخاستن ندایی از آسمان، از نشانه های قطعی و محتوم قیام قائم آل محمد علیهم السلام بوده و دلایل و مستندات آنها محکم و خدشه ناپذیر است. (۱)

۱- ر.ک: کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۸۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه نشانه های ظهور ر.ک: سید علی بن طاووس، الملاحم و الفتن، ترجمه: محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، بی تا؛ کامل سلیمان، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶؛ علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵؛ شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور؛ محمد خادمی شیرازی، نشانه های ظهور او، چاپ اول: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸. همچنین برای آشنایی با آثاری که در این زمینه تألیف شده اند ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، پیش گویی ها و آخرالزمان (مجموعه مقالات)، چاپ سوم: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۲.

فصل سوم: تعیین وقت برای ظهور

اشاره

فصل سوم: تعیین وقت برای ظهور

برخی رویدادهایی که در سال های اخیر در جهان رخ داده، به ویژه انتشار اخباری در زمینه انتظار مسیحیان برای بازگشت حضرت مسیح علیه السلام در آغاز هزاره سوم میلادی، به شور و شوق ظهور مصلح آخرالزمان، حضرت بقیه الله الاعظم _ ارواحنا فداه _ در جامعه ما دامن زد و این زمزمه را در میان بسیاری از مشتاقان و منتظران آن حضرت پدید آورد که آیا ظهور نزدیک نیست و آیا نباید در آینده نزدیک، در انتظار واقعه خوش ظهور بود؟ حتی عده ای در این میان، به پیش بینی زمان ظهور پرداختند و مردم را به آمادگی برای استقبال از حضرت مهدی علیه السلام در آینده ای بسیار نزدیک فرا خواندند.

گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام، پدیده مبارکی است و جا دارد علاقه مندان آن حضرت، اشتیاق ظهور را بیش از پیش در جامعه گسترش دهند و مردم را برای ظهور آماده سازند. با این حال، اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور حضرت حجت علیه السلام در زمانی معین بینجامد، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه اهل بیت علیهم السلام، هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان دقیق ظهور آگاهی ندارد. از این رو، تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و هیچ کس حق ندارد براساس برداشت های شخصی خود، به پیش بینی زمان رخ داد عظیم ظهور پردازد.

برای روشن شدن بیشتر موضوع یاد شده، به بررسی جنبه های مختلف تعیین زمان برای ظهور می پردازیم.

۱. تعیین وقت برای ظهور و فلسفه انتظار

۱. تعیین وقت برای ظهور و فلسفه انتظار

پیش از این درباره مفهوم، فلسفه، کارکرد و نقش تربیتی انتظار در عصر

غیبت، سخن گفته ایم. در اینجا قصد تکرار مباحث پیشین را نداریم و تنها به ذکر خلاصه ای از این مباحث بسنده می کنیم. انتظار منجی از یک سو، عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت و از سوی دیگر، عاملی برای پویایی و تحرک شیعیان و آماده باش همیشگی آنان است. بر اساس آموزه های ائمه معصومین علیهم السلام، منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت، بتواند با سربلندی در پیش گاه حجت خدا ظاهر شود.

به عبارت دیگر، انتظار ظهور حجت در آینده ای نامشخص هم بیم دهنده و هم نویدبخش است. بیم دهنده است؛ زیرا منتظر با خود می گوید شاید همین سال، همین ماه یا همین روز ظهور رخ دهد. پس باید آماده حضور در پیش گاه حجت خدا و تقدیم اعمال خود به آن حضرت باشم. امیدبخش است؛ زیرا منتظر می اندیشد شاید در آینده ای نزدیک، ظهور رخ دهد و سختی ها و مشکلات او به پایان برسد. پس باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان هایی نشد که در پی غارت سرمایه های ایمانی و اعتقادی اند.

با توجه به مطالب یاد شده، می توان گفت تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم، فلسفه و نقش تربیتی انتظار است و چه بسا منتظر را به سستی یا ناامیدی بکشد. وقتی گفته شود تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده ای نه چندان دور، ظهور رخ نخواهد داد، به طور طبیعی دچار سکون و رکود می شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم، از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می کنیم. همچنین اگر ظهور به هر

دلیل، در زمانی که وعده داده شده است، رخ ندهد، دچار ناامیدی می شویم و چه بسا در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز تردید کنیم.

در روایات به این نکته ها توجه شده است. از جمله در روایتی که فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است، آن حضرت در پاسخ به این پرسش که «آیا برای این امر [برخاستن قائم علیه السلام]، وقت [مشخص] وجود دارد؟»، فرمود:

كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا خَرَجَ وَإِذَا إِلَى رَبِّهِ وَعَدَّهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا... (۱).

کسانی که برای این امر وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند (آن حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار کرد و آن گاه فرمود): زمانی که موسی علیه السلام، قومش را برای رفتن به قراری که با پروردگارش داشت، ترک کرد، به آنها وعده داد که تا سی روز دیگر برمی گردد، ولی زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قومش گفتند: موسی خلاف وعده کرد. پس آن کردند که کردند...

داستان ارتداد قوم یهود و گوساله پرست شدن آنها در پی تأخیر ده روزه حضرت موسی در تاریخ مشهور است و این هشدار است به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

در روایتی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، به صراحت به نقش تربیتی انتظار و رابطه ای که میان فلسفه انتظار و تعیین نشدن وقت ظهور وجود دارد، اشاره شده است. در این روایت، علی بن یقطين از آن حضرت

۱- الکافی، ج ۱، صص ۳۶۸ و ۳۶۹، ح ۵؛ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۹۴، ح ۱۳؛ کتاب الغیبه (طوسی)، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

چنین نقل می کند: «الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مُنْذُ مَا تَتَى سَيْنَه؛ دویست سال است که شیعه با آرزوها [و امیدواری به آینده] تربیت می شود».^(۱)

[هنگامی که علی بن یقظین این سخن امام را برای پدرش که در دستگاه سفاح و منصور عباسی خدمت می کرد، نقل کرد] او به پسرش گفت: «چرا آنچه [امامان] درباره ما می گویند [از پیشرفت دولت بنی عباس] واقع می شود، ولی آنچه درباره شما می گویند [از ظهور دولت حق] واقع نمی شود؟» علی در پاسخ پدرش گفت: «آنچه درباره ما و شما گفته شده همه از یک منبع است. با این تفاوت که امر شما زمانش رسیده بود و به همین دلیل به صورت کامل به شما ارزانی شد و مطابق آنچه به شما گفته شده بود، رخ داد، ولی امر ما زمانش نرسیده است و از این رو با آرزوها [و امید به آینده] دل گرم شده ایم.

اگر به ما گفته شده بود: این امر [ظهور قائم] تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر رخ نمی دهد؛ دل ها سخت می شد و بیشتر مردم از اسلام برمی گشتند، ولی گفته اند: این امر چه با شتاب پیش می آید و چه نزدیک است، تا دل های مردم الفت گیرد و فرج، نزدیک احساس شود.^(۲)

با دقت در این روایت به خوبی روشن می شود که پیشوایان دین با روشن بینی تمام از «انتظار تحقق دولت حق» و امیدواری نسبت به آینده به عنوان وسیله ای برای تربیت شیعیان و حفظ نشاط و پویایی آنها در همه

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶؛ کتاب الغیبه نعمانی ص ۲۹۵، ح ۱؛ کتاب الغیبه (طوسی) ص ۲۰۷.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶؛ کتاب الغیبه نعمانی ص ۲۹۵، ح ۱؛ کتاب الغیبه (طوسی) ص ۲۰۷.

زمان ها بهره جسته و به همین دلیل نه تنها خود از تعیین زمانی برای ظهور پرهیز کرده اند، دیگران را نیز از این کار برحذر داشته اند.

بنابراین، همه نویسندگان و گویندگانی که به عشق امام عصر علیه السلام قلم می زنند و سخن می رانند، باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران سازند و از نوشته ها و سخنانی که مردم را بدون دلیل به وقوع ظهور در وقت مشخصی امیدوار می کند، خودداری کنند.

۲. فرا رسیدن ناگهانی ظهور

۲. فرا رسیدن ناگهانی ظهور

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده، این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که ظهور نیز همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره فرا می رسد و زمان آن را هیچ کس جز خداوند حکیم نمی داند. از جمله در روایتی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران بزرگوارش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند، چنین آمده است:

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي «لَا يَجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (۱). (۲)

به پیامبر [اسلام] _ درود خدا بر او و او خاندانش باد _ عرض شد: ای فرستاده خدا! آن قائم که از نسل شماست، چه وقت ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. «تنها خداوند است که چون زمانش فرا

۱- سوره اعراف ۷، آیه ۱۸۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۳.

رسد، آشکارش می سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید».

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ آیا چشم به راه چیزی جز آن ساعتند که ناگاه و بی خبرشان بیاید؟» (۱) می فرماید: «هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً؛ مراد از ساعت، ساعت [قیام] قائم علیه السلام است که ناگهان بر ایشان بیاید» (۲).

حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز در یکی از توقیع های خود بر این نکته تأکید می ورزد که ظهور ناگهانی و دور از انتظار فرا می رسد:

فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْثِهِ (۳).

فرمان ما به یک باره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.

این دسته از روایات از یک سو هشدار است به شیعیان که در هر لحظه، آماده ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر، تذکری به همه کسانی است که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

۳. نهی از تعیین وقت برای ظهور

۳. نهی از تعیین وقت برای ظهور

چنان که گفته شد، تعیین وقت برای ظهور، جایز نیست. بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، وظیفه داریم کسانی را که برای ظهور، تعیین وقت می کنند، تکذیب کنیم. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در روایتی خطاب به محمد بن

۱- سوره زخرف ۴۳، آیه ۶۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴، ح ۴.

۳- الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

مسلم می فرماید:

يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوَقُّيتَا فَلَاتَهَابَنَّ أَنْ تُكذِّبَهُ، فَإِنَّا لَأُنَوِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا. (۱)

ای محمد! هر کس برای تو خبری از ما درباره تعیین وقت [ظهر] نقل کرد، در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما [اهل بیت] برای هیچ کس وقت ظهور را تعیین نکرده ایم.

در روایت دیگری، مهزم به امام صادق علیه السلام عرض می کند: «فدایت شوم، در مورد این امری که ما در انتظار آنیم، مرا آگاه کنید که چه زمانی رخ می دهد؟» آن حضرت در پاسخ می فرماید:

يَا مِهْزَمُ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ. (۲)

ای مهزم! آنان که [برای این امر] تعیین وقت می کنند، دروغ می گویند و آنها که [در این امر] شتاب می کنند، نابود می شوند و کسانی که تسلیم می شوند، نجات می یابند.

همچنین در توقیعی که از ناحیه مقدسه صاحب الزمان علیه السلام در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب وارد شده است، چنین می خوانیم:

وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. (۳)

آشکار شدن فرج، به اراده خداوند متعال است و آنان که [برای ظهور] وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند.

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۸۹، ح ۳؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۶۲.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲؛ کتاب الغیبه نعمانی، صص ۱۹۷ و ۱۹۸، ح ۸؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۶۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۷۷.

توجه به روایات یاد شده به خوبی این نکته را روشن می سازد که ما نه تنها حق نداریم به استناد برخی رویدادهای اجتماعی یا رویدادهای طبیعی، به پیش بینی زمان ظهور و تعیین وقت برای آن پردازیم، بلکه لازم است ادعای کسانی را که مدعی دانستن زمان ظهورند، تکذیب کنیم و جلو نشر این گونه ادعاها را بگیریم.

فلسفه این حکم نیز روشن است؛ شما تصور کنید اگر هر از چندی، زمانی برای ظهور تعیین شود و ظهور رخ ندهد، چه پیش خواهد آمد. آیا مردم رفته رفته ناامید نمی شوند و اعتقاد خود را نسبت به اصل اندیشه مهدویت و ظهور منجی از دست نمی دهند؟ بنابراین، نباید اجازه داد که «انتظار فرج» به عنوان ارزشمندترین سرمایه اعتقادی شیعه در عصر غیبت، بازیچه دست جاهلان یا شهرت طلبان شود.

۴. نزدیک دیدن ظهور

۴. نزدیک دیدن ظهور

اگر چه ما از تعیین زمان برای ظهور نهی شده ایم، ولی این بدان معنا نیست که با موضوع ظهور، به صورت واقعه ای دور از دست رس برخورد کنیم که در آینده ای دور و نامعلوم رخ می دهد، بلکه باید همواره خود را در چند قدمی ظهور بینیم و امیدوار باشیم در زمان حیات خود، ظهور حضرت حجت علیه السلام را درک کنیم.

این نکته را از مجموع روایاتی درمی یابیم که در این زمینه از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است. از جمله می توان به بخشی از دعای عهد اشاره کرد که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. در بخشی از دعای یاد شده چنین می خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَن هَذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُوْرِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُوْرَهُ اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيْدًا وَ نَرِيْهِ

قریبا... (۱).

بار خدایا! اندوه و دل تنگی این امت را با حضور ولی خود برطرف ساز و در ظهور او شتاب کن. دیگران ظهور او را دور می بینند، ولی ما آن را نزدیک می بینیم... .

۵. توجه به نشانه های ظهور

۵. توجه به نشانه های ظهور

بسیاری از روایاتی که در زمینه مهدویت و انتظار از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است، به نشانه های ظهور مربوط می شود. این نشانه ها عبارتند از: برخی رویدادهای اجتماعی مانند: جنگ ها، شورش ها، کشته شدن افرادی خاص، زوال برخی حکومت ها و...؛ برخی رویدادهای طبیعی مانند: سیل های ویران گر، قحطی، خشک سالی، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی غیرعادی و همچنین برخی حوادث غیرعادی مانند: برخاستن ندایی در آسمان که نام قائم علیه السلام را در همه جا طنین انداز می سازد. (۲)

چنان که در روایات تصریح شده، روی دادن برخی از نشانه های یاد شده حتمی است و تا آنها رخ ندهند، ظهور رخ نخواهد داد. برخی از آنها نیز غیرحتمی هستند و چه بسا که رخ ندهند. این نشانه ها از یک سو، هشدار و آماده باشی برای منتظران و از سوی، راهی برای شناخت ادعاهای بی اساس مدعیان دروغین مهدویت و به عبارت دیگر، وسیله ای برای حفظ مردم از غلتیدن در خطا و اشتباه است. بنابراین، همه وظیفه داریم نشانه های ظهور را بر اساس روایات صحیح و قابل اعتماد بشناسیم و از کم و کیف آنها به درستی آگاه شویم تا هر ادعایی را بدون دلیل نپذیریم.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱.

۲- ر.ک: الإرشاد، صص ۳۵۶_۳۶۱؛ تاریخ الغیبه الکبری، ص ۴۴۲ به بعد.

۶. دعا برای تعجیل فرج

۶. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف اصلی ما در دوران غیبت، دعا و استغاثه به درگاه الهی برای تعجیل فرج است و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه باز دارد، چنان که در توقیعی که از طرف وجود مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده می خوانیم: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ که فرج شما در همان است»^(۱).

این دعا و استغاثه ضمن اینکه اسباب نزدیک شدن فرج مولایمان حضرت صاحب الامر علیه السلام را فراهم می کند، اسباب ارتباط همیشگی ما را با آن حجت الهی فراهم می آورد و جلو نومییدی ما را در دوران طولانی غیبت می گیرد.

بنابراین، شایسته است همه منتظران امام عصر علیه السلام که امیدوارند در این زمان ها شاهد ظهور آن حضرت باشند، بیش از پیش به دعا و توسل برای تعجیل فرج روی آورند و آتش سوزان سینه خود را با خنکای دعاهاى دل نشینی همچون دعای عهد، دعای ندبه، زیارت آل یاسین و دیگر ادعیه و توسلات، آرامش بخشند. باشد تا خداوند رحمان بر همه ما ترحم کند و ظهور پربرکت آن امام انس و جان را نزدیک سازد.

۷. زمان ظهور، رازی از رازهای خدا

۷. زمان ظهور، رازی از رازهای خدا

بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، این احتمال که زمان ظهور را تنها خداوند

۱- کتاب الغیبه طوسی، صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

تبارک و تعالی می داند، تقویت می شود و می توانیم بگوییم حتی حضرت مهدی علیه السلام نیز منتظر روزی است که با اذن خداوند، حرکت نجات بخش خود را آغاز کند. از برخی دیگر از روایات چنین برمی آید که خداوند، زمان فرا رسیدن امر فرج را چون بسیاری دیگر از رازهای آفرینش برای پیامبر خود، حضرت محمد صلی الله علیه و آله آشکار ساخته و آن حضرت نیز آن را برای وصی خود امیر مؤمنان علی علیه السلام و ایشان، آن را برای فرزندشان، امام حسن مجتبی علیه السلام و همین طور هر امام برای امام پس از خود آشکار کرده است. البته آنها اجازه آشکار ساختن آن را برای دیگران ندارند.

در قسمتی از وصایای امام صادق علیه السلام به ابوجعفر محمد بن نعمان، معروف به مؤمن الطاق، با اشاره به زمان فرا رسیدن امر فرج چنین آمده است:

يا ابن النُّعْمَانِ إِنَّ الْعَالِمَ لَا يَقْدِرُ أَنْ يُخْبِرَكَ بِكُلِّ مَا يَعْلَمُ، لِأَنَّهُ سَتَرُ اللَّهِ الَّذِي أَسْرَرَهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَسْرَرَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَسْرَرَهُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَنْ أَسْرَرَهُ، فَلَا تَعْجَلُوهُ... (۱).

ای فرزند نعمان! عالم (امام) نمی تواند از همه آنچه می داند، تو را آگاه سازد؛ زیرا آن [زمان] راز خداست که خداوند، آن را به جبرئیل علیه السلام؛ جبرئیل علیه السلام، آن را به محمد صلی الله علیه و آله؛ محمد صلی الله علیه و آله، آن را به علی علیه السلام؛ علی علیه السلام، آن را به حسن علیه السلام؛ حسن علیه السلام، آن را به حسین علیه السلام؛ حسین علیه السلام، آن را به علی علیه السلام؛ علی علیه السلام، آن را به محمد علیه السلام و محمد علیه السلام، آن را به

دیگری [امام ششم] عرضه داشته است. پس شتاب مکنید... .

همچنین در روایت دیگری که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، آن حضرت در پاسخ یکی از یاران خود که می پرسد: «کاش به ما می فرمودید این امر (ظهور امام مهدی علیه السلام) چه زمانی خواهد بود تا به آن خیر شادمان شویم»، مطالبی را بیان می کند که از آنها برمی آید ایشان وقت ظهور را می دانسته، ولی بنا بر مصالحی از بیان آن خودداری کرده است. (۱)

سخن آخر اینکه بر اساس روایات قطعی و تردیدناپذیر، وظیفه ما، انتظار فرج، نزدیک دیدن ظهور و کسب آمادگی کامل برای فرا رسیدن این روز فرخنده است. بنابراین، باید بسیار مراقب بود و اجازه نداد که اصل موضوع «انتظار فرج» به عنوان ارزشمندترین سرمایه اعتقادی شیعه، با طرح مباحث فرعی و حاشیه ای چون زمان ظهور، شیوه زندگی حضرت در زمان غیبت و مانند آن، مورد بی توجهی یا کم توجهی قرار گیرد و از وظایف اصلی منتظران در زمان غیبت، غفلت شود.

سخن خویش را با بیان بخشی از دعایی که سید بن طاووس، آن را در کتاب های خود نقل کرده و شیخ عباس قمی نیز آن را با عنوان «دعا در غیبت امام زمان علیه السلام» در مفاتیح الجنان آورده است، به پایان می بریم. با امید به اینکه خداوند همه ما را در دوران غیبت ثابت قدم بدارد و از فتنه ها و آشوب های این زمان حفظ کند.

اَللّٰهُمَّ فَتِّئْنِيْ عَلٰى دِيْنِكَ وَ اَسِّئْ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَ لِيْنْ قَلْبِيْ لَوْلِيِّ اَمْرِكَ وَ عَافِنِيْ مِمَّا اَمْتَحَنْتَ بِهٖ خَلْقَكَ وَ تَبَتَّنِيْ عَلٰى طَاعَةِ وَّلِيِّ اَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ وَ يَازُنُّكَ غَابَ عَن

۱- ر.ك: الكافي، ج ۸، ص ۳۶۲، ح ۵۵۲. متن کامل این روایت در فصل بعد آمده است.

بَرِيَّتِكَ وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صِلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ فَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَ لَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَ لَا أَنْزِعُكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَ لَا أَقُولُ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أُفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ. (۱)

خداوندا! مرا بر دین خود پایدار دار و به طاعت خود وادار ساز. قلبم را برای ولی امرت نرم کن و مرا از آنچه آفریدگانت را با آن می آزمایی، معاف فرما و به طاعت ولی امرت ثابت قدم بدار. همو که از آفریدگانت نهانش داشتی و به اذن تو از دیده ها پنهان شد و فرمان تو را انتظار می کشد. تو دانایی به وقتی که به صلاح ولی امرت توست تا اجازه اش دهی امرش را آشکار کند و پرده [غیبت] اش را بردارد، بی آنکه تو را معلمی باشد. پس مرا بر این امر شکبیا ساز تا دوست نداشته باشم تعجیل در آنچه را تو به تأخیر انداخته ای و تأخیر در آنچه تو تعجیلش را خواسته ای و پرده برداشتن از آنچه تو پوشیده اش داشته ای و کاوش در آنچه تو نهانش داشته ای و به ستیز برنخیزم با تو در آنچه تدبیر فرموده ای و نگویم: «برای چه، چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند، با اینکه زمین از ستم پر شده است؟» و همه کارهایم را به تو وا می گذارم.

فصل چهارم: وفا به پیمان، شرط تحقق ظهور

اشاره

فصل چهارم: وفا به پیمان، شرط تحقق ظهور

زیر فصل ها

۱. نخستین پیمان

۲. استمرار پیمان

۳. شکسته شدن پیمان

۴. ضرورت تجدید پیمان

۱. نخستین پیمان

۱. نخستین پیمان

داستان آفرینش انسان و آغاز حیات او بر کره خاک با یک عهد و پیمان شکل می گیرد. عهد و پیمانی که بر پذیرش پروردگاری خداوند متعال و نفی پرستش شیطان بسته شد و همه انسان ها بر وفای به آن هم داستان شدند:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. (۱)

ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا پرستید؛ این است راه راست.

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ. (۲)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم.

پیامبران الهی و جانشینان آنها، این عهد و پیمان را در طول تاریخ، بارها و بارها به انسان ها یادآوری کردند تا آنان نسبت به عهدی که با خدای خود داشتند، دچار فراموشی نشوند:

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ - وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (۳)

و در حقیقت، در میان هر امتی، فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید]: «خدا را پرستید و از طاغوت [= فریبگر] پرهیزید».

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ. (۴)

۱- سوره یس، ۳۶، آیه ۶۰ و ۶۱.

۲- سوره اعراف، ۷، آیه ۱۷۲.

۳- سوره نمل، ۱۶، آیه ۳۶.

۴- سوره انبیا، ۲۱، آیه ۲۵.

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم: «خدایی جز من نیست. پس مرا بپرستید».

از سوی دیگر، برای اینکه مردم در وفا به پیمانی که بر عهده داشتند، دچار مشکل نشوند و در تشخیص راهی که به اطاعت و بندگی خدا و مخالفت با شیطان می انجامد، گرفتار سردرگمی نگردند، به آنان گوشزد شد اطاعت خدا در اطاعت رسول اوست و هر کس بیشتر در طریق اطاعت رسول گام بردارد، در اطاعت خدا از دیگران پیشی گرفته است:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ - وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا. (۱)

هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده است و هر کس روی گردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم.

... وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ - إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (۲)

... و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

۲. استمرار پیمان

۲. استمرار پیمان

با پایان یافتن عصر رسالت، نه تنها از بار عهد و پیمانی که آدم خاکی با خدای خود داشت، کاسته نشد، بلکه بسیار شدیدتر از دوران حیات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از او خواسته شد به عهد و پیمان خود وفا کند؛ زیرا او در وفاداری به این پیمان بازخواست خواهد شد: «... وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ

۱- سوره نساء، ۴، آیه ۸۰.

۲- سوره حشر، ۵۹، آیه ۷.

مَسْتُولًا؛ ... و به پیمان [خود] وفا کنید؛ زیرا از پیمان، پرسش خواهد شد» (۱).

این عهد، چنان که امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر آیه یاد شده می فرماید، چیزی نبود جز پیروی از امیر مؤمنان علی علیه السلام:

أَلْعَهْدُ مَا أَخَذَ النَّبِيُّ عَلَى النَّاسِ فِي مَوَدَّتِنَا وَ طَاعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ لَا يُخَالِفُوهُ وَلَا يَتَقَدَّمُوهُ وَلَا يَقْطَعُوا رَحِمَهُ وَأَعْلَمَهُمْ أَنَّهُمْ مَسْتُولُونَ عَنْهُ. (۲)

[مراد از] عهد [در این آیه] آن پیمانی است که پیامبر درباره دوستی ما و پیروی از امیر مؤمنان [علی علیه السلام] از مردم گرفت؛ اینکه با او مخالفت نورزند، از او پیشی نگیرند، با خاندانش نیکی کنند و آنها را آگاه کرد که درباره این پیمان بازخواست خواهند شد.

این بار عهد آدمی با خدای خود در صورتی دیگر متجلی شد و اطاعت امیر مؤمنان و امامان پس از او هم سنگ اطاعت خدا و رسول او گردید. چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» [آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است (۳).» می فرماید:

أَلَا مَنْ دَانَ لِلَّهِ - بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ. (۴)

آگاه باشید، هر کس خدا را درباره ولایت امیر مؤمنان و امامان پس از او پیروی کند، این همان پیمان گرفته شده از سوی خداوند است.

برای اینکه هیچ کس در شناسایی شخصی که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید با او عهد اطاعت بسته می شد، به اشتباه نیفتد، در اجتماعی عظیم از مسلمانان،

۱- سوره اسراء، ۱۷، آیه ۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸۷، ح ۱.

۳- سوره مریم، ۱۹، آیه ۸۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۳۳، ح ۵۸.

نو شدن عهد آدمی به آگاهی همگان رسید و اعلام شد هر کس پیمان ولایت نبی خاتم صلی الله علیه و آله را پذیرفته است، از این پس باید به پیمان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام گردن نهد: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»؛ هر کس را من مولای اویم، پس این علی مولای اوست...» (۱). همچنین اعلام شد:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا. (۲)

ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که از آنها یاد کردم، اطاعت کند، بی تردید، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

از همین رو بود که این روز را روز «عهد معهود» نامیدند:

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ... يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ وَ يَوْمُ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ. (۳)

همانا امروز، روزی بس بزرگ است... امروز، روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان است.

۳. شکسته شدن پیمان

۳. شکسته شدن پیمان

انسان ها مأمور شدند پس از رحلت نبی خاتم صلی الله علیه و آله، با وصی او تجدید عهد کنند و دست در دست او بگذارند تا به فرموده حضرت زهرا علیها السلام، آنها را به راحتی و ملایمت به راه هدایت و رستگاری رهنمون شود:

به خدا سوگند، اگر پای در میان می نهادند و علی را بر کاری که پیامبر به عهده او نهاد، تنها نمی گذاردند، آسان آسان، ایشان را به راه راست می برد و حق هر یک را بدو می سپرد، چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر و زبونان در

۱- الإحتجاج، ج ۱، صص ۱۴۶.

۲- الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۶۴، ح ۴۰.

پناه صولت او دلیر می گشتند. اگر چنین می کردند، درهای رحمت را از زمین و آسمان به روی آنان می گشود. با این حال، چنان نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند، آنان را عذاب خواهد فرمود. (۱)

به گفته فاطمه زهرا علیها السلام، چنین نشد و بدعهدی و عهدشکنی از همان نخستین روزهای عروج رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز شد. بدین ترتیب، پیمانی که جماعت مسلمان در روز غدیر بر اطاعت ولی خدا بسته بودند، به راحتی شکست و جز جمع اندکی، همه امت اسلامی از اطراف امام و حجت عصر پراکنده شدند:

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَأْقِبُصَ إِزْتَدَّ النَّاسُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ كُفَّارًا إِلَّا ثَلَاثَةً: سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرَّ الْغِفَارِيُّ. (۲)

هنگامی که پیامبر _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ رحلت فرمود، همه مردم جز سه تن؛ سلمان، مقداد و ابوذر غفاری، به گذشته کفرآمیز خود برگشتند.

از آن پس، اگر چه در دوره هایی از دوران ۲۵۰ ساله امامت شیعه، شاهد روی آوردن مردم به ائمه معصومین علیهم السلام و مرجعیت علمی آنها هستیم، ولی هیچ گاه عهدی که مردم در برابر امامان خود داشتند، به تمامی پاس داشته نشد. امامان معصوم علیهم السلام فرموده بودند:

إِنَّمَا كُفِّفَ النَّاسُ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الْأَئِمَّةِ وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ. (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ ر.ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، چاپ چهارم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۵۹، ح ۴۲.

۳- حدیث از امام باقر علیه السلام، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱.

مردم تنها به سه چیز تکلیف شده اند: شناخت امامان، تسلیم شدن به ایشان در آنچه بر آنها وارد می شود و رجوع به آنها در آنچه در آن اختلاف دارند.

این سخن ائمه هیچ گاه محقق نشد و سرانجام بدعهدی ها و عهدشکنی های امت اسلام به مقتول و مسموم شدن یازده امام و غیبت آخرین امام انجامید. بدین ترتیب، جامعه اسلامی از برکات حضور امام معصوم علیه السلام در میان خود محروم گشت. این همان اتفاقی بود که پیش از این در کلام امام محمد باقر علیه السلام پیش بینی شده بود:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ، نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ. (۱)

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی، از آفریدگانش خشمگین شود، ما [اهل بیت] را از مجاورت با آنها دور می سازد.

۴. ضرورت تجدید پیمان

۴. ضرورت تجدید پیمان

غیبت امام از جامعه و به درازا کشیدن آن، نتیجه بدعهدی و پیمان شکنی مردم نسبت به حجت های الهی و جانشینان بحق رسول خدا صلی الله علیه و آله است. تا زمانی که مردم چنان که باید و شاید، به پیمانی که در برابر امامان معصوم علیهم السلام برعهده دارند، وفا نکنند و با همه وجود، آماده پذیرش اوامر و نواهی آنها نشوند، ظهور محقق نخواهد شد، چنان که امام عصر علیه السلام فرمود:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ

۱- حدیث از امام باقر علیه السلام، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا. (۱)

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم دل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت؛ دیداری بر مبنای شناخت راستین و صداقتی از آنها نسبت به ما.

با توجه به همین اهمیت وفا به عهد و پیمان و تأثیر آن در ظهور امام عصر علیه السلام بوده است که از ما خواسته اند هر بامداد، عهد و پیمان اطاعتی را که نسبت به امام خود بر دوش داریم، به یاد آوریم و آن را تجدید کنیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَمَاعِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا. (۲)

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی ام، عهد، عقد و بیعتی را که نسبت به او (امام مهدی علیه السلام) بر گردن دارم، تجدید می کنم که هرگز از آن برنگردم و بر آن پایدار بمانم.

در پایان این گفتار، توجه شما را به روایتی بلند و پرمعنا از امام باقر علیه السلام جلب می کنیم. در این روایت، امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسش یکی از یاران خود که از زمان فرا رسیدن امر [ظهور] پرسیده بود، در قالب یک داستان یا حکایت تمثیلی، با تقسیم زمان ها به سه زمان گرگ، قوچ و ترازو بر این واقعیت تصریح می کند که مردم در دوره زمانی که آن را «زمان گرگ» می نامند، یک سره از در پیمان شکنی با خاندان رسالت برآمدند و حتی در فکر وفا به پیمان خود نبودند. در دوره زمانی دیگر که از آن به «زمان قوچ» یاد

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱.

می کند، هر چند مردم تصمیم دارند به پیمان خود وفا کنند، ولی در عمل، پیمان شکنی می کنند و از بازگرداندن حقوق اهل بیت علیهم السلام سر باز می زنند. سرانجام، در دوره ای از زمان که «زمان ترازو» نامیده می شود، مردم واقعا تصمیم می گیرند به پیمان خود عمل کنند و حقوق غصب شده خاندان رسالت را به آنها برگردانند. این زمان، زمانی است که می توان در آن به تحقق ظهور امید داشت.

زراره نقل می کند که حمران از امام باقر علیه السلام پرسید:

قربانت کردم! کاش به ما می فرمودید این امر (ظهور امام مهدی علیه السلام) چه زمانی خواهد بود تا به آن خبر شادمان شویم؟ آن حضرت فرمود: ای حمران! تو دوستان و برادران و آشنایانی داری. (۱) در زمان های قدیم، مرد دانشمندی بود که پسری داشت و آن پسر به علم پدرش علاقه ای نشان نمی داد و در مورد دانش پدرش، چیزی از او نمی پرسید. آن مرد دانشمند، همسایه ای داشت که نزد او می آمد، پرسش هایش را با او مطرح می کرد و مطالبی از او می آموخت. تا اینکه زمان مرگ مرد دانشمند نزدیک شد. پس او فرزندش را فرا خواند و

۱- علامه مجلسی در توضیح این سخن امام باقر علیه السلام که «تو را دوستان و برادرانی است» می فرماید: «شاید هدف از آوردن این حکایت، این باشد که این زمان، زمانه وفای به عهد نیست و اگر زمان ظهور این امر را به تو بگویم، تو دوستان و آشنایانی داری و زمان ظهور را به آنها می گویی. در نتیجه، خبر میان مردم پراکنده می شود و باعث فساد می شود. عهد و پیمان به پوشیده داشتن زمان ظهور هم فایده ای ندارد؛ اگر هنوز زمان ترازو نرسیده باشد، تو به عهد خود وفا نمی کنی. یا معنای این سخن این است که تو آشنایانی داری. پس به آنها بنگر آیا آنها با تو در چیزی هم رأی هستند یا اینکه اصلاً به عهد تو وفا می کنند. پس چگونه امام زمان علیه السلام در این گونه زمان ظهور می کند! یا اینکه مقصود این است که تو خود می توانی آن را دریابی. پس برای کسب علم، به حال آشنایان و برادرانت بنگر. هر چه از آنها عزم و تصمیم قاطع بر فرمان برداری و اطاعت و تسلیم کامل از امامشان دیدی، پس بدان آن زمان، زمان ظهور حضرت قائم _ خداوند ظهور و فرجش را نزدیک گرداند _ است و قیام آن حضرت مشروط به این امر است و عموماً اهل هر زمانی بر یک حالت هستند، همان گونه که از این داستان پیداست.» بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۵۰۰.

گفت: «تو از آنچه نزد من بود، دوری می‌گزیدی. علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دادی و چیزی از من نمی‌پرسیدی، ولی همسایه‌ای دارم که نزد من می‌آمد و از من می‌پرسید و چیزهایی فرا می‌گرفت و به ذهن می‌سپرد. اگر به چیزی نیاز داشتی، نزد او برو» و همسایه‌اش را به او معرفی کرد. مرد دانشمند از دنیا رفت و پسر (همچنان) زنده بود تا اینکه پادشاه آن زمان خوابی دید و سراغ آن مرد دانشمند را گرفت. به او گفته شد: «آن مرد از دنیا رفته است.» پادشاه گفت: «آیا فرزندی از او به جای مانده است؟» گفتند: «آری او یک پسر به جا گذاشته است.» پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید» و کسانی را به دنبال پسر فرستادند تا او را نزد پادشاه بیاورند. پسر [با خود] گفت: «به خدا سوگند، نمی‌دانم چرا پادشاه مرا احضار کرده است. من هیچ دانشی ندارم و اگر پادشاه چیزی از من بپرسد، بی‌شک، رسوا خواهم شد.» در این حال، سفارش پدرش را (هنگام مرگ) به خاطر آورد. پس نزد همسایه‌ای که از پدرش علم می‌آموخت، رفت و به او گفت: «پادشاه، کسانی را به دنبال من فرستاده و نمی‌دانم چرا احضار کرده است. پدرم به من گفته بود اگر به چیزی نیاز داشتی، به شما مراجعه کنم.» همسایه گفت: «اما من می‌دانم (۱) چرا تو را احضار کرده است. اگر به تو بگویم، تو باید هر چیزی را که خدا از این طریق نصیب تو گرداند، با من تقسیم کنی.» پسر گفت: «می‌پذیرم.» همسایه از او خواست سوگند یاد کند و به او اطمینان دهد که به عهدش وفا می‌کند. پسر هم سوگند یاد کرد. آن مرد گفت: «پادشاه می‌خواهد از تو در مورد خوابی که دیده است، پرسش کند و بداند که این زمان چه زمانی است. پس بگو این زمان «گرگ» است.» پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه گفت: «آیا می‌دانی به چه دلیلی تو را احضار کرده‌ام؟» پسر گفت: «مرا احضار کرده‌اید تا در مورد خوابی که دیده‌اید، از من بپرسید و بدانید که اکنون چه زمانی است.» پادشاه گفت: «درست گفتی.»

۱- علامه مجلسی در توضیح عبارت «اما من می‌دانم» می‌نویسد: «شاید علم آن مرد از اطلاع دادن آن عالم باشد و آن عالم هم علمش را از انبیا گرفته باشد؛ یعنی آنها بر اساس وحی آسمانی به او خبر داده‌اند که پادشاه به زودی آن خواب‌ها را خواهد دید و این تعبیر آن خواب‌هاست یا اینکه او از آن دانشمند، نوعی دانش فراگرفته که شخص با آن می‌تواند امثال آن امور را استنباط نماید. این احتمال هم وجود دارد که آن مرد، پیامبری باشد که این امور را از طریق وحی فهمیده است. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۵۰۰.

پس به من بگو این زمان چه زمانی است؟» پسر گفت: «این زمان زمان گرگ است.» پادشاه دستور داد پاداشی به آن پسر بدهند. آن پسر جایزه را گرفت و به سوی خانه اش رفت. از اینکه به دوستش (مرد همسایه) وفا کند، خودداری کرد و [با خود] گفت: «شاید پیش از اینکه این مال را به او بدهم یا خودم بخورم، از دنیا رفتم و شاید پس از این، به آن مرد نیاز نداشته باشم و دیگر از این گونه پرسش هایی که از من پرسیده شد، از من پرسیده نشود.» پس مدت زیادی [در وفا کردن به آن مرد] درنگ کرد.

مدتی بعد، پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد. پسر از کرده خود پشیمان شد و [با خود] گفت: «به خدا سوگند، هیچ دانشی ندارم که با آن نزد پادشاه بروم و نمی دانم با دوستم (همسایه) چه کار کنم؛ چون به او نیرنگ زده و به او وفا نکرده ام.» بعد گفت: «به هر حال نزد او می روم، از او عذرخواهی می کنم و برای او سوگند یاد می کنم. شاید او [از خواب پادشاه] به من خبر دهد.» پسر نزد مرد همسایه رفت و گفت: «کاری کرده ام که نباید می کردم و به آنچه میان من و تو بوده است، وفا نکرده ام و آنچه داشتم، از دستم رفته و به تو نیازمند شده ام. تو را به خدا سوگند می دهم که مرا تنها نگذاری. من به تو اطمینان می دهم هر چه به دست آوردم، با تو تقسیم کنم. پادشاه به دنبال من فرستاده است و نمی دانم از من چه می پرسد.» آن مرد (همسایه) گفت: «پادشاه می خواهد از تو در مورد خوابی که دیده است، پرسد و بداند این زمان چه زمانی است. پس تو به پادشاه بگو: این زمان، زمان «قوچ» است.» آن پسر نزد پادشاه رفت، پادشاه وارد شد و گفت: «می دانی چرا به دنبال تو فرستاده ام؟» آن پسر گفت: «شما خوابی دیده اید و می خواهید بدانید اکنون چه زمانی است.» پادشاه خطاب به پسر گفت: «درست گفتی. پس به من بگو این زمان، چه زمانی است؟» پسر گفت: «این زمان، زمان قوچ است.» پس از آن، پادشاه دستور داد پاداشی به پسر بدهند. پسر آن پاداش را گرفت و به سمت خانه اش رفت و فکر می کرد که آیا به دوستش وفا کند یا نه. یک بار تصمیم می گرفت وفا کند و یک بار تصمیم می گرفت به عهدش وفا نکند. پس از آن گفت: «شاید پس از این؛ دیگر تا ابد به آن همسایه نیازی نداشته باشم.» در نهایت تصمیم گرفت بی وفایی کند و به عهدش وفا نکند. پس مدتی دیگر در وفا به عهدش درنگ کرد.

مدتی بعد، پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد. آن پسر برای آنچه با دوستش کرده

بود، پشیمان شد و پس از دو بار بی وفایی گفت: «چه کنم که دانشی ندارم.» سپس تصمیم گرفت که نزد مرد همسایه برود. پسر نزد آن همسایه رفت و او را به خدای تبارک و تعالی سوگند داد و از وی خواست او را [در مورد خواسته پادشاه] آگاه سازد و به همسایه گفت این بار به او وفا می کند و به او اطمینان داد و گفت: «مرا به این حال وا مگذار! بدون شک، دیگر پیمان شکنی نمی کنم و به تو وفا می کنم.» همسایه از وی خواست تا به او اطمینان دهد. سپس گفت: «تو را خوانده است تا در مورد خوابی بپرسد که دیده و بداند که این زمان چه زمانی است. وقتی که پادشاه از تو پرسید، بگو این زمان، زمان «ترازو» است.» آن پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه وارد شد و گفت: «[می دانی] چرا تو را احضار کرده ام؟» پسر گفت: «شما خوابی دیده اید و می خواهید پرسید که این زمان چه زمانی است. پادشاه گفت: «درست گفتی. پس به من بگو اکنون چه زمانی است؟» پسر گفت: «این زمان، زمان ترازو است.» پادشاه دستور داد هدیه ای به او بدهند. پسر هدیه را گرفت و آن را نزد مرد همسایه برد و آن را جلوی همسایه گذاشت و گفت: «آنچه من به دست آورده ام، برای تو آوردم. پس تو آن را تقسیم کن.»

آن همسایه دانشمند گفت: «زمان اول، زمان گرگ بود و تو از گرگ ها بودی و زمان دوم، زمان قوچ بود که قوچ تصمیم می گیرد و انجام نمی دهد و تو هم مثل قوچ تصمیم می گرفتی، ولی وفا نمی کردی و این زمان (سوم) زمان ترازو بود و تو در آن زمان وفادار بودی. پس بگیر آنچه برای تو است؛ چون من نیازی به آن ندارم.» آن دانشمند (همسایه)، هدیه را به پسر برگرداند. (۱)

فصل پنجم: ظهور و سنت های الهی

اشاره

فصل پنجم: ظهور و سنت های الهی

جهان آفرینش که بر پایه نظام احسن شکل گرفته، بر سنت ها و قانون مندی های ثابت و تغییر ناپذیر استوار است. این قانون مندی ها بر همه فعل و انفعال ها و تغییر و تحول هایی که در جهان طبیعت رخ می دهد، اعم از تغییرها و فرآیندهای شیمیایی، فیزیکی، زیست محیطی و نجومی، حاکم است و هیچ روی داد طبیعی خارج از چارچوب آنها رخ نمی دهد. از همین رو، بشر در پی آن برآمده است با ایجاد شاخه های مختلف علوم طبیعی، قانون مندی ها و نظام های حاکم بر جهان طبیعت را کشف و شناسایی کند، تا با شناخت این قانون مندی ها و نظام ها بتواند همه تغییر و تحولات عالم ماده را در اختیار خود گیرد. آن گاه می تواند روی دادن برخی از آنها را پیش بینی، از روی دادن برخی از آنها، جلوگیری یا رخ دادن برخی از آنها را تسریع کند و در یک کلمه، آنها را در جهت منافع خود مهار سازد.

همچنان که تغییر و تحولات عالم طبیعت بر اساس قانون مندی های ثابت و تغییر ناپذیر صورت می گیرد، تغییر و تحولات اجتماعی نیز قانون مندی های خاص خود دارد و همه فراز و فرودهایی که در جوامع بشری رخ می دهد، بر اساس همین قانون مندی هاست. استاد شهید مرتضی مطهری در همین زمینه می نویسد:

قرآن کریم این گمان را که اراده ای گزاف کار و مشیّتی بی قاعده و بی حساب، سرنوشت های تاریخی را دگرگون می سازد، به شدت نفی می کند و تصریح می نماید که قاعده ای ثابت و تغییرناپذیر بر سرنوشت های اقوام حاکم است. (۱)

قرآن کریم از قانون مندی های حاکم بر تغییرهای اجتماعی، به عنوان «سنت خدا» تعبیر می کند و در موارد متعددی، با تأکید بر تغییر ناپذیری سنت های الهی، به برخی از این سنت ها اشاره کرده است. در اینجا برای آشنایی بیشتر با سنت های الهی حاکم بر جوامع بشری، ابتدا اصل تغییر ناپذیری سنت های خدا را از دیدگاه قرآن، بررسی و آن گاه به برخی از این سنت ها اشاره می کنیم. پیش از آن، مروری اجمالی به معنای لغوی سنت خواهیم داشت.

۱. معنای لغوی سنت

۱. معنای لغوی سنت

«سنت» در لغت به معنای راه و روش، خوی، عادت، طبیعت و سرشت آمده و در ترکیب های مختلف، معانی دیگری نیز از آن اراده شده است. (۲) راغب اصفهانی در معنای سنت می نویسد:

سنت پیامبر؛ یعنی راه و روشی که او برگزیده است. سنت خدای تعالی به راه و روش حکمت او و راه و روش طاعت او اطلاق می شود. (۳)

ابن منظور نیز سنت را این گونه معنا می کند:

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ نوزدهم: تهران و قم، صدر، ۱۳۷۷، ص ۱۸.

۲- ر.ک: فرهنگ لاروس فرهنگ عربی به فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲۱.

۳- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۱.

سنت به معنای صورت و آن قسمت از چهره است که به تو رو می کند... سنت خدا؛ یعنی احکام و امر و نهی او... و سنت به معنای سیره و روش [نیز آمده است]، خواه پسندیده باشد و خواه ناپسند... در حدیث، کلمه سنت و مشتقات آن فراوان تکرار شده و معنای اصلی آن راه و روش و سیره است. (۱)

همچنین فتووی، سنت را به راه و روش و سیره معنا کرده است. (۲) بیشتر مفسران نیز همین معنا را برای سنت برگزیده اند. (۳)

علامه طباطبایی معنای سنت را چنین بیان می کند:

کلمه «سنت» به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد. (۴)

۲. اصل تغییرناپذیری سنت های الهی

اشاره

۲. اصل تغییرناپذیری سنت های الهی

قرآن کریم، بر تغییرناپذیری سنت های الهی تأکید فراوانی دارد. از این رو، در آیات متعددی، با اشاره به برخی رویدادهایی که در امت ها و اقوام گذشته یا در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داده است، آنها را از مصداق های سنت های تغییرناپذیر خداوند می داند که از جمله به آیات زیر می توان اشاره کرد:

الف) آیات ۷۶ و ۷۷ سوره اسراء

الف) آیات ۷۶ و ۷۷ سوره اسراء

در این آیات، به توطئه و نیرنگ مشرکان برای بیرون راندن پیامبر از مکه اشاره شده است و هشدار می دهد اگر آنها چنین کاری را انجام داده بودند، بر

۱- لسان العرب، ج ۶، صص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۲- المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳- ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۳۳ ذیل آیه ۳۸ سوره انفال.

۴- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۱.

اساس سنت تغییرناپذیر الهی، سرنوشتی جز نابودی و هلاکت در انتظار آنها نبود: (۱)

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خَلًّا فَكَأَيُّ قَلِيلًا سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا.

و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین برگزینند، تا تو را از آنجا بیرون سازند. در آن صورت، آنان [هم] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی ماندند؛ سنتی که همواره در میان [امت های] افرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته ایم، [جاری] بوده است و برای سنت [و قانون] ما تغییر نخواهی یافت.

(ب) آیات ۶۰ _ ۶۲ سوره احزاب

(ب) آیات ۶۰ _ ۶۲ سوره احزاب

این آیات به منافقان هشدار می دهد که اگر از شایعه پراکنی و ایجاد فساد و اختلاف در مدینه باز نایستند، خداوند همان سنتی را که در مورد گذشتگان جاری بوده است، در مورد آنها نیز جاری خواهد ساخت:

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفُوا أُخْدُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند، گرفته و سخت کشته خواهند شد. درباره کسانی که پیش تر بوده اند، [همین] سنت خدا [جاری] بوده است و در سنت خدا هرگز تغییر نخواهی یافت.

علامه طباطبایی رحمه الله آیات یاد شده را این گونه تفسیر می کند:

خدای سبحان می فرماید: این عذاب و نکالی که به منافقین و آن دو طایفه دیگر وعده دادیم و گفتیم که تبعیدشان می کنیم و خونشان را هدر می سازیم، سنتی است از خدا که در امت های پیشین نیز جاری ساخته. هر وقت، قومی به راه فسادانگیزی و ایجاد فتنه افتادند و خواستند به منظور استفاده های نامشروع، در بین مردم اضطراب افکنند، تا در طغیان و سرکشی بی مانع باشند، ما آنان را به همین طریق گرفتیم و تو هرگز دگرگونی در سنت خدا نخواهی یافت. پس در شما امت همان جاری می شود که در امت های قبل از شما جاری شد. (۱)

ج) آیات ۴۲ و ۴۳ سوره فاطر

ج) آیات ۴۲ و ۴۳ سوره فاطر

قریش پیش از بعثت پیامبر سوگند یاد کرده بود که اگر برای آنها پیامبری بیاید — برخلاف اهل کتاب که پیامبران خود را تکذیب می کردند — بهتر از همه امت ها از پیامبر خود پیروی کند. با این حال، با برانگیخته شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آنها از در نیرنگ و گردن کشی برآمدند. اینجا بود که خداوند به آنها هشدار می داد بر اساس سنت تغییرناپذیر الهی، نیرنگ نیرنگ بازان جز به خود آنها برنخواهد گشت: (۲)

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِحْدَىٰ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ۚ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّيِّئَاتِ الْأُولَىٰ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۚ وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۚ

و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هر آینه، هشداردهنده ای برای آنان بیاید، به یقین، از هر یک از امت ها [ی دیگر] راه یافته تر شوند، و [لی] چون هشداردهنده ای برای ایشان آمد، جز بر نفرتشان نیفزود. [انگیزه] این کارشان فقط گردن کشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۱.

۲- ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۸.

سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

در تفسیر المیزان، مراد از «تبدیل» و «تحویل» نشدن سنت خدا، چنین بیان شده است:

«تبدیل سنت خدا» به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند. و «تحویل سنت» عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن می باشند، به سوی قومی دیگر برگردانند. و سنت خدا، نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل. برای اینکه خدای تعالی بر صراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا. همچنان که خدای تعالی مشرکان مورد نظر آیه را در جنگ بدر به عذاب خود گرفت و همگی را کشت. (۱)

(د) آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح

(د) آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح

خداوند در این آیات به مؤمنان بشارت می دهد که کافران توان رویارویی با شما را ندارند و اگر به جنگ با شما هم برخیزند، بر اساس سنت الهی، بی یار و یاور می شوند و از پا در خواهند آمد: (۲)

وَلَوْ قَتَلْتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّهَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّهَ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، همانا پشت خواهند کرد و دیگر یار و یآوری نخواهند یافت. سنت الهی از پیش همین بوده است، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۳.

۲- ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۸۷.

۳. دعوت قرآن به مطالعه سنت های الهی

اشاره

۳. دعوت قرآن به مطالعه سنت های الهی

قرآن کریم، همه مردم را به مطالعه سنت ها و قوانین الهی که بر امت های پیشین جاری شده، فرا خوانده و از آنها خواسته است برای بررسی آنچه برگزیدگان رفته است، به سرانجام رفتار خود بیندیشند و از سرنوشت تکذیب کنندگان و کفرپیشگان عبرت گیرند. برخی از آیاتی که انسان ها را به مطالعه و شناخت سرنوشت امت های پیشین و چگونگی جریان یافتن سنت های الهی در میان آنها دعوت کرده اند، به شرح زیر است:

الف) آیه ۱۳۷ سوره آل عمران

الف) آیه ۱۳۷ سوره آل عمران

خداوند در این آیه، همه را به سیر و سیاحت در زمین به منظور آگاهی از سرانجام تکذیب کنندگان و آنچه بر آنها رفته است، فرا می خواند و می فرماید:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ.

همانا پیش از شما سنت هایی [بوده و] سپری شده است. پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟

صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه «سنن» جمع سنت است که به معنای طریقت و روشی است که باید در مجتمع سیر شود. و اینکه امر فرموده در زمین سیر کنند، برای این است که از سرگذشت امت های گذشته عبرت بگیرند و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را ببینند که چگونه قصرهای رفیعشان به دردشان نخورد و ذخیره های موزه سلطنتی شان و تخت مزین به جواهرشان و لشکر و هواداران شان سودی به آنان نبخشید و خدای تعالی هم را از بی نبرد و چی زنی بجز سرگذشتی که مایه عبرت باشد از آنان باقی نماند، ولی فرورفتگان در غفلت کجا؟ و عبرت کجا؟ (۱)

(ب) آیات ۱۰ و ۱۱ سوره محمد

(ب) آیات ۱۰ و ۱۱ سوره محمد

در این آیه نیز سخن از لزوم سیر و سفر در زمین برای آگاهی از عاقبت کفرپیشگان است:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلَّكَ فَرِيقٌ أُمَّتٌ لَهَا ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكُفْرَ فَرِيقٌ لَّا مَوْلَى لَهُمْ.

مگر در زمین نگشته اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند، به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است؛ چرا که خدا، سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، ولی کافران را سرپرست [و یآوری] نیست.

بنابراین، انسان باید همان گونه که قوانین حاکم بر جهان طبیعت را مطالعه می کند تا به رمز و راز تغییر و تحولات آن پی برد و از آن در جهت منافع دنیوی خود استفاده کند، قوانین حاکم بر جوامع انسانی را نیز مطالعه کند تا علل و عوامل تغییرهای اجتماعی را بشناسد و از آنها در مسیر سعادت اخروی خود بهره برداری کند.

۴. برخی سنت های الهی حاکم بر جوامع انسانی**اشاره**

۴. برخی سنت های الهی حاکم بر جوامع انسانی

قرآن کریم در بررسی سرگذشت امت های پیشین و بیان فراز و فرودهایی که در این امت ها رخ داده، به تحلیل رمز و راز این فراز و فرودها و تبیین سنت ها و مقررات حاکم بر تغییرهای اجتماعی پرداخته است. گفتنی است برخی از این سنت ها و قوانین، ناظر به تغییر و تحولات منفی جوامع؛ یعنی نابودی تمدن ها، تباهی و اضمحلال جوامع و سقوط قدرت های حاکم هستند و برخی دیگر، ناظر به تغییر و تحولات مثبت؛ یعنی پیروزی محرومان و مستضعفان، رشد و توسعه جوامع و به قدرت رسیدن صالحان. در اینجا به اختصار هر یک از این سنت ها را بررسی می کنیم:

الف) ستم و بیدادگری، عامل نابودی تمدن ها

اشاره

الف) ستم و بیدادگری، عامل نابودی تمدن ها

اقوام، ملل و تمدن های گوناگونی در طول تاریخ قد برافراشتند، توسعه یافتند و به اقتدار رسیدند. بسیاری از این اقوام، ملل و تمدن ها پس از مدتی در سرایشی سقوط قرار گرفتند و رفته رفته شکوه و جلال گذشته خود را از دست دادند و در موارد فراوانی، همه به طور کلی از صحنه روزگار پاک شدند. حال این پرسش مطرح است که چرا این تمدن ها، با همه شکوه و جلال و قدرت و عظمتی که داشتند، یک باره نابود شدند و گاه حتی اثری هم از آنها باقی نماند؟ قرآن کریم در پاسخ به این پرسش، ستم و بیدادگری را از مهم ترین عوامل نابودی شهرها و تمدن ها برشمرده است. البته این ستم بر اساس فرهنگ قرآن هم شامل ستم فرد نسبت به خود (کفر، فسق و فجور) و هم شامل ستم فرد نسبت به دیگران (ستم و تجاوز) می شود. استاد مطهری در زمینه مفهوم «ظلم» در قرآن می نویسد:

در اصطلاح قرآن، ظلم اختصاص ندارد به تجاوز فرد یا گروهی به حقوق فرد یا گروه دیگر؛ شامل ظلم فرد به نفس خود و شامل ظلم یک قوم به نفس خود نیز می شود. هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیت، ظلم است. ظلم در قرآن در حقیقت، مفهوم اعمی دارد که هم شامل ظلم به غیر می گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضد اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعم را علت هلاکت یک قوم شمرده، بسیار زیاد است. (۱)

۱- مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵، جامعه و تاریخ، چاپ هشتم: تهران و قم، صدرا، ۱۳۷۵، ص ۲۳۷.

برخی از آیات قرآن که در آنها ستم به معنای اعم، عامل نابودی تمدن‌ها شمرده شده، به شرح زیر است:

یک - آیات ۵۸ و ۵۹ سوره کهف

یک - آیات ۵۸ و ۵۹ سوره کهف

در این آیات، در مقام تهدید کسانی که به دشمنی با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برخاسته بودند، چنین آمده است:

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ يَ مُؤْتَلًّا وَ تِلْكَ الْقُرَى
أَهْلَكْنَ - هُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا.

و پروردگار تو، آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده اند، آنها را بازخواست می کرد، در عذاب آنها تعجیل می کرد، [ولی چنین نمی کند،] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی یابند. و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم و برای هلاکشان، موعدی مقرر داشتیم.

علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این آیه می فرماید:

[آیه] در این مقام است که بفهماند تأخیر هلاکت کفار و مهلت دادن از خدای تعالی، کار نوظهوری نیست، بلکه سنت الهی ما در امم گذشته نیز همین بوده که وقتی ظلم را از حد می گذرانند، هلاکشان می کردیم و برای هلاکشان، موعدی قرار می دادیم. از همین روشن می شود که عذاب و هلاکتی که این آیات متضمن آن است، عذاب روز قیامت نیست، بلکه مقصود، عذاب دنیایی است. (۱)

دو - آیات ۵۱ و ۵۲ سوره نمل

دو - آیات ۵۱ و ۵۲ سوره نمل

خداوند متعال در این آیات با اشاره به عذابی که بر قوم ثمود نازل شد، می فرماید:

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا

ظَلُّمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَّةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود: ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم. و این [هم] [خانه های خالی آنهاست به [سزای] بیدادی که کرده اند. همانا در این [کیفر]، برای مردمی که می دانند، عبرتی خواهد بود.

سه _ آیات ۱۳ و ۱۴ سوره یونس

سه _ آیات ۱۳ و ۱۴ سوره یونس

در این آیات نیز بر نابودی نسل های پیشین به دلیل ستم و تجاوزشان تأکید شده و به نسل های بعد هشدار داده است مراقب کردار خود باشند:

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ثُمَّ جَعَلْنَا كُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.

همانا نسل های پیش از شما را هنگامی که ستم کردند، به هلاکت رساندیم و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند و [الی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند. این گونه مردم بزه کار را جزا می دهیم. آن گاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می کنید.

چهار _ آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره انبیا

چهار _ آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره انبیا

در این آیات، سخن از مردمی است که عمری را با ستم به خود، خوش گذرانی و زیاده روی در بهره مندی از نعمت های دنیایی به سر بردند، ولی ناگهان با نزول عذاب الهی، هیچ پناهی برای خود نیافتند:

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ ظَلَمُهُمْ وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَّ كِنُكُم لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ قَالُوا لَيْ وَبَلْنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ.

و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستم کار بودند در هم شکستیم و پس از آنها، قومی دیگر پدید آوردیم. پس چون عذاب ما را احساس کردند، به ناگاه از آن می گریختند. [هان] مگریزید و به سوی آنچه در آن بهره مند بودید و [به سوی] سراهایتان باز گردید. باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید. گفتند: «ای وای بر ما که ما واقعا ستم گر بودیم».

علامه طباطبایی رحمه الله، آیات یاد شده را چنین معنا می کند:

چه قدر هلاک کردیم از اهل قریه هایی که به خود ستم کار بودند و اسراف و کفر می ورزیدند و بعد از هلاک کردن آنان، مردمی دیگر را ایجاد کردیم. پس همین که اهل آن قریه ستم کار به حس خود، عذاب ما را درک کردند، ناگهان پا به فرار گذاشته، بدویدند. در آن هنگام بود که از در توبیخ و ملامت، به ایشان گفته شد: ندوید و از این عذاب فرار نکنید، بلکه به آن نعمت ها که در آن زیاده روی می کردید، مراجعه کنید و به خانه هایتان برگردید، تا شاید باز هم فقرا و بینوایان به دریوزگی شما مراجعه کنند و شما از در نخوت و اعتزاز، ایشان را از خود برانید و یا خود را از ایشان پنهان کنید. و این کنایه است از اعتزاز و استعلا ستم کاران که خود را متبوع و به جای خدا و ارباب تابعین می دانستند. از در پشیمانی گفتند: «وای بر ما که مردمی ستم کار بودیم»... (۱).

پنج - آیات ۳۲ تا ۴۱ سوره مؤمنون

پنج - آیات ۳۲ تا ۴۱ سوره مؤمنون

در این آیات، ابتدا چگونگی برخورد اشراف و ثروتمندان قوم نوح با آن حضرت و سخنانی را که آنها در مورد این پیامبر الهی بر زبان می راندند، بیان می شود و در نهایت، سرنوشت شوم این قوم ستم کار را به تصویر می کشد. در آغاز این آیات چنین می خوانیم:

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَ هُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَـذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَّـسْرُونَ.

اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا، آنان را مرفه ساخته بودیم، گفتند: «این [مرد] جز بشری چون شما نیست از آنچه می خورید، می خورد و از آنچه می نوشید، می نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید، در آن صورت، زیان کار خواهید بود»... .

بخش پایانی این آیات نیز چنین است:

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمُ غُثًا غَرًّا فَتَبَعُوا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

پس فریاد [مرگ بار] آنان را به حق فرو گرفت و آنها را [چون] خاشاکی که بر آب افتد، گردانیدیم. دور باد [از رحمت خدا] گروه ستم کاران.

چنان که ملاحظه می شود، در این آیات، به صراحت، مردمانی که سرمست از نعمت های دنیا به تکذیب پیامبر الهی می پرداختند، «ستم کار» خطاب شده اند.

بر اساس آیاتی که در اینجا بدان ها اشاره شد، می توان چنین نتیجه گیری کرد: نظام کفر و استکبار حاکم بر جهان به دلیل مبتنی بودن بر ستم، در شکل فردی و اجتماعی آن (ستم به خود و ستم به دیگران) در ذات خود، استعداد نابودی و فنا را پرورش می دهد. از این رو، هر چه این نظام بیشتر رشد و توسعه می یابد، به فروپاشی و سقوط نیز نزدیک تر می شود تا سرانجام بر اساس سنت الهی، با به نهایت رسیدن ستم، زمینه اضمحلال کامل این نظام فراهم می شود. در چنین شرایطی، انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام به مانند جرقه ای می ماند که انبار باروت آماده اشتعالی را شعله ور می سازد. این برداشت، با روایات فراوانی نیز که در آنها آمده «امام مهدی علیه السلام جهان را پس از آنکه از ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می سازد»، هماهنگی و تناسب دارد.

بنابراین، می توان گفت این سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی که به موجب آن، فراگیر شدن ستم مایه نابودی اقوام و تمدن ها می شود، زمینه پیروزی سریع امام مهدی علیه السلام بر قدرت های ستم پیشه عصر ظهور را فراهم می سازد و آن حضرت را در برجیدن همه مظاهر ستم از جهان یاری می دهد.

(ب) وقت و اجل، شرط نابودی تمدن ها**اشاره**

(ب) وقت و اجل، شرط نابودی تمدن ها

اگر چه ستم، خواه در صورت فردی و خواه در صورت اجتماعی آن موجب نابودی اقوام و تمدن ها می شود، ولی این نابودی زمانی به فعلیت می رسد که مهلت و اجل آن اقوام و تمدن ها به سر آید و به تعبیر قرآن، «موعد» نابودی آنها فرا رسد. به بیان دیگر، از دیدگاه قرآن، هر جامعه، مستقل از افراد، حیات، شخصیت، مدت و اجل مشخصی دارد و زمانی که این مدت و اجل به سر آید، دیگر هیچ چیز نمی تواند مانع نابودی آن قوم و ملت شود. در این زمینه، آیات متعددی در قرآن وارد شده است که از جمله می توان به این آیات اشاره کرد:

یک _ آیه ۵۸ سوره کهف

یک _ آیه ۵۸ سوره کهف

در این آیه که پیش از این نیز بدان اشاره شد، به صراحت بیان شده است سنت خدا براین نیست که به مجرد عصیان، نافرمانی و ستمگری قومی، آنها را گرفتار عذاب و هلاکت کند. خداوند بر اساس غفران و رحمت بی پایان خویش، برای هر قومی، موعد، اجل یا سررسیدی تغییرناپذیر قرار داده است و تا زمانی که این اجل سرنیاید، آن قوم هلاک نمی شود:

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا.

و پروردگار تو، آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده اند، آنها را بازخواست می کرد، همانا در عذاب آنان تعجیل می کرد، [ولی چنین نمی کند] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی یابند.

دو _ آیه ۳۴ سوره اعراف

دو _ آیه ۳۴ سوره اعراف

در این آیه نیز بر این موضوع تأکید شده است که هر امتی، جدا از بقا و فنای تک تک افراد آن، بقا و فنای خاص خود را دارد و زمانی که اجل امتی فرا رسد، هیچ چیز نمی تواند از آن جلوگیری کند:

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ.

و برای هر امتی، اجلی است. پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.

سه _ آیه ۴۸ و ۴۹ سوره یونس

سه _ آیه ۴۸ و ۴۹ سوره یونس

در این آیات، سخن از پرسشی است که مشرکان خطاب به رسول گرامی اسلام مطرح کرده اند. آن پرسش این است: «خداوند چه زمانی میان ما و تو قضاوت می کند و ما را هلاک می کند و ایمان آورندگان به تو را نجات می دهد؟» به بیان دیگر، مشرکان با کلامی که جنبه استهزا داشت، می خواستند به پیامبر بگویند: «پروردگار تو هیچ کاری نمی تواند بکند و این تهدیدهای تو، یاوه ای بیش نیست و گرنه چرا عجله نمی کنی و آن را عملی نمی سازی؟» خداوند نیز در پاسخ این استهزای مشرکان، به پیامبر خود خطاب می کند: «به آنها بگو من مالک سود و زیان خود نیستم. نه می توانم ضرری از خود رفع کنم و نه منفعتی را به سوی خود جلب کنم. اینکه چرا عذاب خدا نازل نمی شود، به این دلیل است که هر امتی اجل معینی دارد که هرگز نمی تواند از آن سر بیچد. آن اجل خواه ناخواه فرا می رسد، بی آنکه ساعتی از زمان مقرر خود، پیش یا پس افتد»:^(۱)

وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ لَأَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَ لَأَنْفَعًا إِلَّا مَا شَاءَ

۱- ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۰، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ.

می گویند: «اگر راست می گویند، این وعده چه وقت است؟» بگو: «برای خود، زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را خدا بخواهد. هر امتی را زمانی [محدود] است. آن گاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی [از آن] تأخیر کنند و نه پیشی گیرند».

در تفسیر المیزان ذیل این آیه چنین آمده است:

... هر امتی، حیاتی اجتماعی و رای حیات فردی که مخصوص تک تک افراد است، دارد و حیات اجتماعی هر امتی از بقا و عمر، آن مقداری را دارد که خدای سبحان برایش مقدر کرده است. و همچنین از سعادت و شقاوت و تکلیف و رشد و ضد رشد و ثواب و عقاب سهمی را دارد که خدای تعالی برایش معین فرموده است و این حقیقت از چیزهایی است که تدبیر الهی عنایتی به آن دارد. (۱)

چهار _ آیه ۶۱ سوره نحل

چهار _ آیه ۶۱ سوره نحل

این آیه نیز چون آیه پیشین بر این حقیقت تأکید می کند که کیفر الهی تنها در زمان معین آن فرا می رسد:

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَا يُوَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ.

و اگر خداوند، مردم را به [سزای] ستمشان بازخواست می کرد، جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت، ولی [کیفر] آنان را تا وقتی معین باز پس می اندازد و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی، آن را پس و پیش نمی توانند افکنند.

پنج _ آیه ۴۵ سوره فاطر

پنج _ آیه ۴۵ سوره فاطر

در این آیه نیز، مفهوم بیان شده در آیه ۶۱ سوره نحل با اندک اختلافی در عبارت، تکرار شده است.

شش _ آیات ۱ _ ۴ سوره نوح

شش _ آیات ۱ _ ۴ سوره نوح

در این سوره نیز موضوع اجل اقوام و امت ها به بهترین شکلی بیان شده است. در آغاز این سوره، هدف از فرستادن نوح را اندازد قومش پیش از فرا رسیدن عذاب دردناک و به بیان دیگر، سر آمدن اجل و وقت مقرر دانسته است و می فرماید:

إِنَّ آ آَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، هشدار ده».

آن گاه به نقل سخنان نوح خطاب به قومش می پردازد و می فرماید:

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ وَ أَطِيعُوا أَوْيَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

[نوح] گفت: ای قوم من، من شما را هشداردهنده ای آشکارم که خدا را پرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید. [تا [برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. اگر بدانید؛ چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر نخواهد داشت.

هفت _ آیه ۱۱ سوره رعد

هفت _ آیه ۱۱ سوره رعد

در آیه یاد شده بر این نکته تأکید شده است که هرگاه اراده خداوند به نابودی قومی تعلق گیرد، دیگر هیچ قدرتی نمی تواند مانع تحقق این اراده شود. به عبارت دیگر، با فرا رسیدن اجل مقرر هر قوم و پایان یافتن مهلت آنان، هیچ یک از توانایی ها، امکانات و تجهیزات آنها نمی تواند این اجل مقرر را اندکی به تأخیر اندازد:

... وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءً فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاٍ.

... و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و جز او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

نتیجه ای که از آیات یاد شده به دست می آید، این است که همه اقوام و تمدن های ستم پیشه، هر چند قدرتمند و دارای توان نظامی و اقتصادی قابل توجه باشند، براساس سنّت الهی، اجل و سرآمد معین و مشخصی دارند و روزی طعم نابودی و فنا را می چشند. در چنین روزی، هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند مانع سقوط و فروپاشی آنها شود. حتی اگر آنها همه توان نظامی و اقتصادی خود را به کار گیرند، لحظه ای نیز نمی توانند اجل معین خود را به تأخیر اندازند.

بر این اساس می توان گفت چون در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، اجل و مهلت تمدن های ستم پیشه به سر آمده و عمر آنها پایان یافته است، هرگونه مقاومتی از سوی این تمدن ها بی فایده است و هیچ عاملی نمی تواند موجب بقا و استمرار حیات آنها شود. به همین دلیل، آن امام می تواند در ظرف مدت نسبتاً کوتاهی، همه نظام ها و حکومت های خودکامه، ستم گر و کفرپیشه را از روی زمین براندازد و حکومت عادلانه خود را برقرار سازد.

ج) تغییر نعمت ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت ها

اشاره

ج) تغییر نعمت ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت ها

از آیات متعددی از قرآن استفاده می شود که اقبال و ادبار خداوند به هر قومی، تابعی از روحیه و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت های الهی برای هر ملتی به عملکرد آن ملت وابسته است. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می نویسد:

قرآن کریم، نکته فوق العاده آموزنده ای در مورد سنّت های تاریخ یادآوری می کند و آن اینکه مردم می توانند با استفاده از سنن جاریه الهیه در تاریخ، سرنوشت خویش را نیک یا بد گردانند... یعنی سنّت های حاکم بر سرنوشت ها در حقیقت، یک سلسله عکس العمل ها و واکنش ها در برابر عمل ها و کنش هاست. عمل های معین اجتماعی، عکس العمل ها و واکنش ها در برابر عمل ها و کنش هاست. عمل های معین اجتماعی، عکس العمل های معینی به دنبال خود دارد. از این رو، در عین آنکه تاریخ با یک سلسله نوامیس

قطعی و لایتخلف اداره می شود، نقش انسان و آزادی و اختیار او به هیچ وجه محو نمی گردد. (۱)

در اینجا به برخی از آیاتی که این موضوع از آنها استفاده می شود، اشاره می کنیم:

یک _ آیات ۵۲ و ۵۳ سوره انفال

یک _ آیات ۵۲ و ۵۳ سوره انفال

در این آیات، پس از بیان این موضوع که چگونه خاندان فرعون و کسانی که پیش از آنها بودند، پس از کفر ورزیدن، به کیفر گناهان خود گرفتار آمدند، این گرفتار آمدن را برخاسته از قاعده ای کلی در نظام آفرینش می داند و می گوید: خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته است، تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنها آنچه را در دل دارند، تغییر دهند:

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

[رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ به آیات خدا کفر ورزیدند. پس خدا به [سزای] گناهانشان، آنان را گرفتار کرد. آری، خدا نیرومند سخت کیفر است. این [کیفر] بدان سبب است که خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشت، تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند، تغییر دهند و خدا شنوای داناست.

علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این آیه می فرماید:

عقابی که خداوند معاقبین را با آن عذاب می کند، همیشه به دنبال نعمتی الهی است که خداوند قبل از آن عقاب ارزانی داشته، به این طریق که نعمت را برداشته، عذاب را به جایش می گذارد و هیچ نعمتی از نعمت های الهی به نعمت و عذاب مبدل نمی شود، مگر بعد از تبدیل محلش که همان نفوس

انسانی است. پس نعمتی که خداوند، آن را بر قومی ارزانی داشته، وقتی به آن قوم افاضه می شود که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کنند و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به نعمت و عذاب می شود که استعداد درونی شان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. این، خود، یک قاعده کلی است در تبدیل نعمت به نعمت و عقاب... (۱).

دو_ آیه ۱۱ سوره رعد

دو_ آیه ۱۱ سوره رعد

خدای متعال در این آیه نیز به صراحت، سرنوشت اقوام را ناشی از تغییر حال آنان دانسته است و می فرماید:

... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... .

... در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این آیه می فرماید:

از قضایای حتمی و سُنَّتِ جاریه الهی یکی این است که همواره میان احسان و تقوا و شکر خدا و میان توارد نعمت ها و تضاعف برکات ظاهری و باطنی و نزول و ریزش آن از ناحیه خدا ملازمه بوده و هر قومی که احسان و تقوا و شکر داشته اند، خداوند نعمت را برایشان باقی داشته و تا مردم، وضع خود را تغییر نداده اند، روز به روز بیشتر کرده است... و اما اینکه اگر فساد در قومی شایع شود و یا از بعضی از ایشان سر بزنند، نعمت و عذاب هم برایشان نازل می شود. آیه شریفه از تلازم میان آنها ساکت است. نهایت چیزی که از آیه استفاده می شود، این است که خداوند وقتی روش خود را تغییر می دهد و عذاب می فرستد که مردم رفتار خود را عوض کرده باشند. البته این مطلب امکان دارد، نه اینکه به فعلیت در آوردنش واجب باشد؛ زیرا این از آیه استفاده نمی شود. (۲).

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۱۳۲.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۳، صص ۴۲۶ و ۴۲۷.

با توجه به آیات یاد شده می توان گفت بر اساس یکی از سنت های تغییرناپذیر الهی، اقبال و ادبار خداوند به هر قوم یا ملتی، تابعی از روحیه و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت هایی که خداوند به جامعه ای ارزانی داشته است، با واکنش های آنها در برابر این نعمت ها، ارتباطی ناگسستگی دارد.

به عبارت دیگر، سرنوشت هر قومی در گرو عملکرد آنهاست و هر قوم می تواند با رفتار مناسب یا نامناسب خود، سرنوشت خویش را نیک یا بد گرداند. بر این اساس، می توانیم بگوییم در ظهور امام مهدی علیه السلام نیز خواست و تمنای درونی انسان ها نقش دارد. به یقین، اگر مردم از صمیم دل، خواهان درک نعمت بزرگ الهی؛ یعنی وجود امام معصوم علیه السلام در جامعه شوند و با رفتار خود نیز این موضوع را نشان دهند، خداوند این نعمت را بر آنها ارزانی خواهد داشت.

(د) امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح

اشاره

(د) امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح

یکی دیگر از قوانین و سنت های الهی حاکم بر جوامع بشری، خلافت، امامت و وراثت نهایی مستضعفان صالح و اهل ایمان است. از آیات متعددی از قرآن کریم چنین برمی آید که بر اساس یک قانون و سنت الهی، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در دوره های محدودی از تاریخ زمین، همواره به استضعاف کشانده و خوار شمرده می شدند، در نهایت، زمین را به ارث می برند و پیشوایان و حاکمان زمین می گردند. برخی از این آیات به شرح زیر است:

یک _ آیه ۱۰۵ سوره انبیا

یک _ آیه ۱۰۵ سوره انبیا

خداوند در این آیه، با تعبیر «کتبنا» که به یک امر ثابت، مقرر و مفروض اشاره دارد، بیان می کند که در کتاب های آسمانی، وراثت بندگان صالح پیش بینی شده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

در تفسیر المیزان در باره این آیه چنین آمده است:

«وراثت» و «ارث» به طوری که راغب گفته، به معنای انتقال مالی است به تو بدون اینکه معامله ای کرده باشی. و مراد از وراثت زمین این است که سلطنت برمنافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختص ایشان شود. و این برکات یا دنیایی است که برمی گردد به تمتع صالحان از حیات دنیوی که در این صورت، خلاصه مفاد آیه این می شود که به زودی، زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته، جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند، در آن زندگی کنند، همچنان که آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمُ الْوَسِيلَ لِيَخْلِفَهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْءًا» (۱) از آن خبر می دهد. و یا این برکات اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند؛ چون این مقام هم، از برکات حیات زمینی است، هر چند که خود از نعیم آخرت است، همچنان که آیه: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَيْدَهُ وَأَوْزَنَا الْأَرْضَ نَبَوْاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ» (۲) که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ» (۳) بدان اشاره می کند. از همین جا معلوم می شود که آیه مورد بحث خاص به یکی از دو وراثت های دنیایی و آخرتی نیست، بلکه هر دو را شامل می شود. (۴)

دو _ آیه ۵۵، سوره نور

دو _ آیه ۵۵، سوره نور

۱- سوره نور ۲۴، آیه ۵۵.

۲- سوره زمر ۳۹، آیه ۷۴.

۳- سوره مؤمنون ۲۳، آیه ۱۱.

۴- تفسیر المیزان، ج ۱۴، صص ۴۶۵ و ۴۶۶.

در این آیه، خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که سرانجام در زمین به خلافت می رسند و از بیم و هراس رهایی می یابند:

وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْءًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را به من شریک نگردانند و هر کس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، پس از اشاره به اختلاف نظر فراوان مفسران در بیان مقصود این آیه و بیان دیدگاه خود در این زمینه می فرماید:

آنچه از همه مطالب برآمد، این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که به زودی، جامعه ای برایشان تکوین می کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد؛ زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد؛ ایمن زندگی کنند؛ ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند؛ از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه ای به خود ندیده. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی علیه السلام خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد

شده، از انعقاد چنین جامعه ای خبر می دهد. (۱)

به طور کلی نتیجه می گیریم که بر اساس سنّت تغییرناپذیر الهی، حاکمیت نهایی جهان از آن صالحان و مستضعفان است. سرانجام روزی، جهان در اختیار صاحبان واقعی آن؛ یعنی بندگان صالح و مؤمنان به خدا و رسول او قرار می گیرد. در این روز، جهانیان طعم شیرین عدالت، امنیت و معنویت را می چشند و بی هیچ بیم و هراسی، خدای یگانه را پرستش می کنند. پرسش این است که این سنّت الهی به دست چه کسی محقق خواهد شد؟

تردیدی نیست که امام مهدی علیه السلام، تنها تحقق بخشنده این سنّت الهی در تاریخ است و جز او کسی نخواهد توانست وعده خدا بر حاکمیت صالحان را محقق کند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت چون امام مهدی علیه السلام، تنها ذخیره الهی برای تحقق سنّت یاد شده است، خداوند، او را از راه های گوناگون یاری خواهد داد تا بتواند سنّتش را میان بندگان، جاری و وعده اش را محقق سازد. در این صورت، جایی برای این پرسش باقی نمی ماند که آن حضرت چگونه در برابر همه دنیای ستم می ایستد و چگونه قدرت های نظامی و سیاسی زمان ظهور را در هم می شکند؟

فصل ششم: یاران قائم علیه السلام

اشاره

فصل ششم: یاران قائم علیه السلام

شیعیان و منتظران حضرت صاحب الامر علیه السلام در راز و نیازهای صبح و شام خود همواره از خداوند می خواهند که آنان را از جمله یاوران آن امام قرار دهد و به آنان این توفیق را عطا کند که در شمار سپاهیان آن حضرت و در پیش گاه ایشان به شهادت برسند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اُجِدُّدُ لَهُ فِىْ صَبِيحِهِ يَوْمِىْ هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ اَيَّامِ حَيَاتِىْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِىْ عُنُقِىْ لِاَحْوَالِ عَنِّيْهَا وَ لِاَزْوَالِ اَبْدَا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِىْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنهُ وَ الْمُسَارِعِينَ اِلَيْهِ فِىْ قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُؤْتَمِّلِينَ لِاَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنهُ وَ السَّابِقِينَ اِلَى اِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. (۱)

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی ام، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم، با او تجدید می کنم که هرگز از آن عهد و پیمان برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از یاران و هواداران و مدافعان آن حضرت و شتابندگان در پی انجام خواسته های او و اطاعت کنندگان از اوامر و نواهی او و حمایت کنندگان از وجود او و پیشی گیرندگان به سوی خواسته های او و شهیدشدگان در حضور او قرار ده.

در ورای این آرزو و درخواست، پرسش هایی چند نیز مطرح است مانند اینکه: یاران قائم چه کسانی اند؟ چه کسانی به فیض همراهی آن امام عدالت گستر دست می یابند؟ چند نفرند؟ چگونه برگزیده می شوند و چه ویژگی های برجسته ای دارند؟ اکنون به ترتیب، به این موارد می پردازیم.

۱. ویژگی های یاران قائم علیه السلام

اشاره

۱. ویژگی های یاران قائم علیه السلام

امامان معصوم علیهم السلام در روایات متعددی، به توصیف ویژگی های یاران قائم علیه السلام پرداخته و در این زمینه چنان با دقت و ظرافت سخن گفته اند که مخاطبان به راحتی می توانند به تصویری روشن از یاران آن حضرت دست یابند. روایت زیر که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، درستی این ادعا را به اثبات می رساند:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ كَأَنَّ عَلِيَّ رُؤُسِهِمِ الطَّيْرُ، قَدْ فُتِيَتْ أَزْوَادُهُمْ وَ خُلِقَتْ ثِيَابُهُمْ، قَدْ أَثَرَ الشُّجُودُ بِجِبَاهِهِمْ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا وَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (۱)». (۲)

گویا که قائم علیه السلام و یاران او را می بینم که در نجف (کوفه) اجتماع کرده اند [و چنان تسلیم و بی حرکت در برابر آن حضرت ایستاده اند که] گویا پرندگان بر سر آنها نشسته اند. توشه های آنها کاستی گرفته، جامه های آنها کهنه شده و نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شبند. دل هایشان مانند پاره های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را دارد. هیچ یک از آنها کشته نمی شود، مگر به دست کافر یا منافق خداوند تعالی در کتاب عزیز خود، از آنها با عنوان اهل بصیرت و تیزبینی یاد کرده است. آنجا که می فرماید: «در این (عذاب)، برای اهل بصیرت، نشانه هایی نهفته است».

۱- سوره حجر ۱۵، آیه ۷۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

در روایات، ویژگی های متعددی برای یاران آن حضرت شمرده شده است که برخی از آنها به ویژگی ها و صفات ظاهری و جسمانی و برخی دیگر به ویژگی ها و خصایل اخلاقی و روحی ایشان مربوط است.

الف) ویژگی های روحی

اشاره

الف) ویژگی های روحی

زیر فصل ها

یک _ رسیدن به جایگاه اولیای الهی

دو _ عصاره فضایل ملت ها

سه _ قرار گرفتن در بالاترین مرتبه حکمت و معرفت

چهار _ اعتقاد راسخ به امام و رهبر خویش

پنج _ علاقه شدید به عبادت و شب زنده داری

شش _ اطاعت بی چون و چرا از امام

یک _ رسیدن به جایگاه اولیای الهی

یک _ رسیدن به جایگاه اولیای الهی

شاید بتوان گفت در میان همه ویژگی هایی که برای یاران امام منتظر شمرده شده، یک ویژگی از همه بااهمیت تر است و آن، اینکه آنها مصداق کامل «اولیاء الله» (دوستان خدا) هستند که در قرآن کریم بدان ها اشاره شده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی شوند».^(۱)

امام صادق علیه السلام در روایتی، ویژگی های شیعیان قائم آل محمد علیه السلام را چنین بیان می کند:

طُوبَى لِمَنْ يَلِيَهُ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِطُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيَاءَكَ اللَّهُ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبتش، منتظر ظهور او هستند و هنگام ظهورش، فرمان بردار اویند. آنان اولیای خدا هستند؛ همان ها که نه ترس آنها را فرا می گیرد و نه اندوهگین می شوند.

اینکه انسانی از هیچ چیز ترسی ب_ه دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود، تنها زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و جز به خدا نیندیشد و این، اوج کمال آدمی و بالاترین مرتبه ای است که یک انسان می تواند بدان

۱- سوره یونس ۱۰، آیه ۶۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

دست یابد. امام علی علیه السلام نیز در وصف یاران مهدی علیه السلام می فرماید:

... فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَزَعُ كَفَزَعِ السَّحَابِ، يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ، وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ، عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يَأْتِيهِمُ الْآخِرُونَ... (۱).

خداوند تعالی، مردمی را برای [یاری] او گرد می آورد، همچنان که پاره های ابر گرد آمده است و به هم می پیوندند. خداوند، دل های آنان را به هم نزدیک می کند. آنها از هیچ کس ترسان نمی شوند و از اینکه کسی بدان ها بیوندد، شادمان نمی گردند. تعداد آنها همان تعداد اصحاب بدر است. هیچ کس از پیشینیان از آنها سبقت نمی گیرد و هیچ کس از آیندگان به آنها نمی رسد.

دو _ عصاره فضایل ملت ها

دو _ عصاره فضایل ملت ها

از روایت های مفصلی که درباره تعداد یاران امام عصر علیه السلام و کشور و سرزمین آنها نقل شده است، چنین بر می آید که آنها عصاره فضایل همه ملت ها و برترین های همه اقوام روی زمین هستند. (۲) موضوع یاد شده از روایت زیر که از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است، استفاده می شود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ تَيْفِ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ، وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ... (۳).

سیصد و اندی به عدد اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند. در میان آنها، برگزیدگان (نجباء) از اهل مصر، مردان صالح و پرهیزکار (ابدال) از اهل شام و نیک مردان (اخیار) از اهل عراق وجود دارند....

۱- ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، بیروت، دارالفکر، ج ۴، ص ۵۵۴، به نقل از: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲- ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، صص ۱۰۴ - ۱۰۸ و ج ۴، صص ۲۲ - ۳۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۳۳۴، ح ۶۴.

سه _ قرار گرفتن در بالاترین مرتبه حکمت و معرفت

سه _ قرار گرفتن در بالاترین مرتبه حکمت و معرفت

یاران قائم همچنان که در بالاترین درجه پرهیزکاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان که باید، سیراب گشته اند. امیر بیان، علی علیه السلام در سخنان زیبایی، مراتب فضل و کمال علمی یاران موعود آخرالزمان را چنین توصیف می کند:

... ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلِ، تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ، وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَيُغَبَّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ. (۱)

... پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند، مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را. دیده های آنها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جاگرفته شود. در شب، جام حکمت را به آنها بنوشانند، بعد از اینکه در بامداد هم نوشیده باشند.

یاران قائم علیه السلام به چنان مرتبه ای از حکمت و معرفت رسیده اند که به فرموده امام صادق علیه السلام، هیچ شک و تردیدی در ایمان و اعتقاد آنها به خدا راه پیدا نمی کند:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ. (۲)

مردانی که دل های آنها چون قطعه های آهن است، هرگز شک و تردید در آنها راه ندارد. آنها در اعتقاد خود به خدا، از سنگ سخت تر هستند.

چهار _ اعتقاد راسخ به امام و رهبر خویش

چهار _ اعتقاد راسخ به امام و رهبر خویش

یکی دیگر از ویژگی های یاران امام عصر علیه السلام، ایمان و اعتقاد راسخ آنها نسبت به آن حضرت و فداکاری تا پای جان برای تحقق اهداف و آرمان های

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

امامشان است. آنها چنان شیفته امام خود هستند که حتی به زین اسب او هم تبرک می جویند. امام صادق علیه السلام درباره این ویژگی یاران قائم علیه السلام می فرماید:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ. (۱)

دست بر زین اسب امام می کشند و تبرک می جویند. آنها به هنگام نبرد، پروانه وار، شمع وجود امام را در میان می گیرند، از او محافظت می کنند و هرچه امامشان اراده کند، برآورده می سازند.

پنج _ علاقه شدید به عبادت و شب زنده داری

پنج _ علاقه شدید به عبادت و شب زنده داری

از جمله ویژگی های روحی و معنوی یاران موعود آخرالزمان، شدت توجه آنها به شب زنده داری و عبادت است، تا آنجا که به تعبیر امام صادق علیه السلام شب ها بیدارند و حتی بر روی اسب های خود تسبیح گوی خدای متعال هستند:

رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُسَبِّحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ. (۲)

مردان شب زنده داری که شب ها نمی خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می رسد. شب ها را با شب زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسب ها، خدا را تسبیح می گویند.

شش _ اطاعت بی چون و چرا از امام

شش _ اطاعت بی چون و چرا از امام

یاران امام مهدی علیه السلام در برابر آن حضرت کاملاً مطیع و خاضع هستند، تا آنجا که امام صادق علیه السلام اطاعت آنها را از اطاعت کنیزکان نسبت به مولای

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

خود، فراتر می داند: «وَهُمْ أَطْوَعُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا؛ آنها [در برابر فرمان امامشان]، از بنده مطیع، مطیع تر هستند» (۱).

خلاصه کلام اینکه یاران قائم، در چنان مرتبه ای از زهد و تقوا و علم و معرفت قرار دارند که همه کاینات در برابر آنها سر تسلیم فرود می آورند و زمین و آسمان به وجود آنها افتخار می کند. در روایت نقل شده از امام محمد باقر علیه السلام به این نکته تصریح شده است:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ، لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى سَبَّاحُ الْأَرْضِ وَ سَبَّاحُ الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ [فِي] أَكُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْتَحِرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ تَقُولُ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ. (۲)

گویی که یاران قائم را می بینم که شرق و غرب [جهان را] درنور دیده اند. همه چیز در برابر آنها سر تسلیم فرو می آورد. حتی حیوانات درنده و پرندگان شکاری به دنبال خشنود ساختن آنها هستند. قطعه ای از زمین به قطعه ای دیگر مباحثات می کند و می گوید: امروز مردی از یاران قائم از من گذر کرد.

(ب) ویژگی های جسمانی

(ب) ویژگی های جسمانی

یاران مهدی علیه السلام از نظر صفات جسمی و نیروی بدنی نیز سرآمد روزگار هستند و کسی را یارای مقابله با آنها نیست. امام صادق علیه السلام در وصف توان جسمی و قدرت بدنی یاران قائم علیه السلام می فرماید:

مَا كَانَ يَقُولُ لَوْ طُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» (۳) إِلَّا تَمَنَّىا بِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ

- ۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.
- ۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳.
- ۳- سوره هود ۱۱، آیه ۸۰.

الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا، لَا يَكْفُونَ سِيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

لوط علیه السلام که می فرمود: «کاش در برابر شما قدرتی می داشتم یا می توانستم به تکیه گاهی استوار پناه ببرم»، در آرزوی نیرو و توان قائم علیه السلام و به یاد قدرت و استواری یاران او بود؛ زیرا به هر کدام از آنها قدرت چهل مرد داده شده و قلب آنها محکم تر از پاره های آهن است. اگر به کوه هایی از آهن برخورد کنند، آنها را از جا برکنند و شمشیرهای آنان از حرکت باز نمی ایستد، مگر زمانی که خداوند _ عز و جل _ خشنود شود.

۲. تعداد یاران قائم

۲. تعداد یاران قائم

قول مشهور در مورد تعداد یاران امام عصر علیه السلام این است که آنها ۳۱۳ نفر هستند. در روایت های متعددی به این موضوع اشاره شده است. از جمله روایت زیر که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِئْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ ثَلَاثَ مَائَةٍ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ، وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ. (۲)

مثل این است که قائم علیه السلام را بر منبر [مسجد] کوفه می بینیم در حالی که ۳۱۳ مرد به عدد اهل بدر گرد او را گرفته اند. آنها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین او و بر خلق اویند.

در این میان، با توجه به روایات دیگر به این نتیجه می رسیم که یاران آن حضرت منحصر به تعداد یاد شده نیست و این تعداد، کسانی هستند که از

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

آغاز حرکت حضرت مهدی علیه السلام، او را همراهی می کنند، ولی به تدریج بر این تعداد افزوده می شود. البته ناگفته نماند که این ۳۱۳ نفر به دلیل ویژگی های برجسته شان، نقش فرماندهی و رهبری را در لشکر آن حضرت بر عهده دارند. در روایتی که در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین آمده است:

إِذَا أذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ، صَاحِبِ الْمَنَبَرِ، وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ، وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ، جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيُنزِلُ عَلَى الْحَاطِمِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو؟ فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ أُبَيْسَ طَّيْدَكَ، فَيَمْسُحُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَاوَاهُ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشْرٍ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ أَنْفُسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ. (۱)

هنگامی که خداوند – عز و جل – به قائم اجازه قیام می دهد، آن حضرت بر بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود فرا می خواند. آن گاه آنها را به خدا سوگند می دهد و از آنها می خواهد که حقش را پاس دارند تا او هم سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را در میان آنها جاری کند و با آنان همان گونه رفتار کند که آن حضرت رفتار می کرد. آن گاه خداوند – جل جلاله – جبرئیل علیه السلام را به سوی او می فرستد. جبرئیل بر حطیم فرود می آید و خطاب به قائم می گوید: مردم را به چه چیز می خوانی؟ قائم هم پاسخ او را می گوید. سپس جبرئیل علیه السلام می گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم. دستان خود را بگشا! سپس جبرئیل دست خود را بر دست او

می کشد. سیصد و اندی مرد به پیش گاه آن حضرت می آیند و با او بیعت می کنند. بعد از آن، قائم علیه السلام در مکه اقامت می کند تا زمانی که تعداد یارانش به ده هزار نفر می رسد و آن گاه با آنان به سوی مدینه حرکت می کند.

در روایات دیگری که در همین زمینه وارد شده است، چنین می خوانیم:

سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ إِنَّهُ يَخْرُجُ مِثْلَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ: مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ، وَ مَا يَكُونُ أَوْلَا الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ. (۱)

مردی از اهل کوفه از اباعبدالله (امام صادق) علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه قائم علیه السلام قیام می کنند؟ برخی می گویند همان تعدادی که در بدر حضور داشتند؛ یعنی ۳۱۳ نفر به همراه او برمی خیزند. آن حضرت فرمود: او قیام نمی کند، مگر با همراهی صاحبان قدرت (اولی قوه) و صاحبان قدرت کمتر از ده هزار نفر نیستند.

علامه مجلسی رحمه الله ذیل این روایت می فرماید:

معنای روایت این است که یاران قائم منحصر در ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این تعداد کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد او جمع می شوند. (۲)

در روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، آن حضرت خروج قائم علیه السلام از مکه را منوط به تکمیل تعداد یاران ایشان می داند و می فرماید:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى تَكْمِلَ الْحَلَقَةُ. قُلْتُ: وَ كَمْ الْحَلَقَةُ؟ قَالَ: عَشْرَةُ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

آلاف؛ جَبْرَيْلُ عَنِ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنِ يَسَارِهِ... (۱).

قائم از مکه خارج نمی شود، مگر زمانی که تعداد کسانی که به گرد او جمع آمده اند، تکمیل شود. پرسیدم: این تعداد چند نفر است؟ آن حضرت فرمود: ده هزار نفر. جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او حرکت می کند...

۳. زنان و یاران قائم

۳. زنان و یاران قائم

بر اساس برخی روایات، تعدادی از یاران قائم علیه السلام را زنان تشکیل می دهند. از جمله در بخشی از روایتی که ام سلمه درباره نشانه های ظهور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است، چنین می خوانیم:

فَيَعُودُ عَائِشَةُ مِنْ [فِي] الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدِ الْمُتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَأَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ نِسْوَةٌ فَيُظْهِرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنَ جَبَّارٍ. (۲)

پس پناهنده ای به حرم [الهی] پناه می آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می برند، نزد او جمع می شوند تا اینکه نزد آن حضرت، سیصد و چهارده نفر گرد می آیند که برخی از آنان زن هستند که بر هر جبار و جبارزاده ای پیروز می شود.

در روایتی دیگر که جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، در این زمینه چنین آمده است:

وَ يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۳۶۷ و ۳۶۸، ح ۱۵۲.

۲- معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۵۰۰، ح ۳۴۰، به نقل از: علی بن ابی بکر هاشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.

بِمَكَّةَ عَلٰی غَيْرِ مِيعَادٍ (۱)

به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر که پنجاه نفر از آنها زن هستند، بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد.

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیا این تعداد زن جزو ۳۱۳ نفر یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند یا اینکه آنها جزو عموم یاران آن حضرتند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت با توجه به آنکه امام باقر علیه السلام در این روایت از تعبیر «فیهم» استفاده کرده و فرموده است «معهم»، می توان استفاده کرد که این تعداد زن جزو ۳۱۳ نفر یاران خاص هستند. اینکه در بیشتر روایات آمده است ۳۱۳ نفر مرد آن حضرت را یاری می کنند، شاید به این دلیل باشد که بیشتر آنان مرد هستند. (۲)

گفتنی است در برخی از روایات به طور مشخص از تعدادی از زنان که هر کدام در مقطعی از تاریخ نقش مهم و تعیین کننده ای در گسترش و تحکیم دین حق داشته اند، به عنوان کسانی که در عصر ظهور برای یاری امام عصر علیه السلام به دنیا رجعت می کنند، یاد شده است که از آن جمله می توان به صیانه همسر حزقیل، پسر عموی فرعون و گنجینه دار وی که در برخی روایات آمده است، مؤمن آل فرعون همین فرد بوده است، امّ ایمن کنیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ زبیده همسر هارون الرشید که به انجام کارهای نیک معروف بود؛ سمیه مادر عمار یاسر که در راه اسلام به شهادت رسید؛ ام خالد یکی از زنان فداکاری که

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محمدجواد طبسی، زنان در حکومت امام زمان، چاپ چهارم: تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۹؛ نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، چاپ پنجم: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵، صص ۷۳ و ۷۴.

به جرم تشیع و حمایت از قیام زید بن علی دستش بریده شد؛ حبابه والیه، زنی که دوران هشت امام معصوم را درک کرد و یک بار به معجزه امام سجاد و بار دیگر به معجزه امام هشتم دوباره جوان شد؛ قنواء دختر رشید هجری که پدر او در زمان ابن زیاد به جرم بیزاری نجستن از امام علی علیه السلام به شهادت رسید و خود او نیز در راه عقیده اش پایداری و فداکاری فراوان کرد. (۱)

۴. چگونگی اجتماع یاران قائم

۴. چگونگی اجتماع یاران قائم

امام عصر علیه السلام در روز و ساعتی مشخص درمکه ظهور می کند و یاران او چون پروانه هایی عاشق از سراسر جهان به گرد او جمع می شوند. امام باقر علیه السلام، لحظه ظهور مهدی علیه السلام و اجتماع یاران آن حضرت را چنین به تصویر می کشد:

ثُمَّ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ، وَمَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَمِيصُهُ وَ سَيْفُهُ وَ عِلَامَاتُ وَ نُورٌ وَ بَيَانٌ، فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَقُولُ: أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ - أَيُّهَا النَّاسُ وَ مُقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ، فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ، وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ، وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلَى طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ تُمِيتُوا مَا أَمَاتَ، وَ تَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَى الْهُدَى، وَ وَرَا عَلَى التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَاؤُهَا وَ زَوَالُهَا وَ آذَنْتُ بِالْوَدَاعِ، فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتِهِ الْبَاطِلِ وَ إِحْيَاءِ سُنَّتِهِ. فَيَظْهَرُ فِي ثَلَاثِ مَائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، قَزَعَا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ وَ أَسِيدٌ بِالنَّهَارِ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لِلْمَهْدِيِّ أَرْضَ الْحِجَازِ، وَ يَسْتَخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي السَّجَنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ تَنْزِلُ الرِّايَاتُ السُّودُ الْكُوفَةَ فَتَبْعُثُ بِالتَّبِيعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ، فَيَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، صص ۷۴ - ۸۱.

جُنُودَهُ فِي الْأَفَاقِ وَ يُمِيتُ الْجَوْرَ وَ أَهْلَهُ وَ تَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ... (۱).

مهدی هنگام نماز عشا در مکه ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود می فرماید: ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم. شما اینک در پیش گاه خدا ایستاده اید. او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب [آسمانی] فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده اش اطاعت و فرمان برداری کنید و زنده نگه دارید آنچه را قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را او میرانده است. هواداران راستی و هدایت و پشتیبان پرهیزکاری باشید؛ زیرا نابودی دنیا نزدیک شده و اعلام وداع کرده است. من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می کنم. سپس او بدون قرار قبلی، به همراه سیصد و سیزده مرد، به شمار یاران بدر که همچون ابر پاییزی پراکنده اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می کند و خداوند، سرزمین حجاز را برای مهدی می گشاید و او هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می برد، آزاد می سازد. آن گاه درفش های سیاه در کوفه فرود می آید و گروهی را برای بیعت به سوی مهدی روانه می سازند و آن حضرت، لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل می دارد و ستم و ستم پیشگان را از میان برمی دارد و همه سرزمین ها به دست او به راستی و درست کاری درمی آیند. اکنون این پرسش مطرح است که یاران قائم چگونه همگی در یک زمان و در کمترین فرصت در مکه حاضر می شوند و خود را برای همراهی با آن حضرت آماده می سازند؟

امام علی علیه السلام در این زمینه تعبیر جالبی دارد که ما را در درک چگونگی اجتماع یاران قائم علیه السلام یاری می کند. ایشان می فرماید:

۱- ابو عبدالله نعیم بن حماد ابن حماد المروری، الفتن، تحقیق: سهیل زکار، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۹ هـ. ق، ص ۲۱۳؛ معجم أحادیث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۸۳۲.

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ. (۱)

چون وقت آن برسد، آقای بزرگوار و پیشوای دین مستقر و پا برجا گردد. پس نزد آن بزرگوار گرد آیند، چنان که پاره های ابر در فصل پاییز گرد می آیند و به هم می پیوندند.

تشبیه جمع شدن یاران آن حضرت به جمع شدن ابرهای پاییزی، نشان از سرعت اجتماع و به هم پیوستن آنها دارد. در روایتی که در همین زمینه از امام باقر علیه السلام نقل شده، آمده است:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثٌ مَائَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا، أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يَحْمِلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا، يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حُلِيِّتِهِ، وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ، فَيُؤَافِيهِ (فَيْرِي) فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ. (۲)

یاران قائم، سیصد و سیزده مرد از فرزندان عجم (غیر عرب) هستند. گروهی از آنان به هنگام روز به وسیله ابر حرکت می کنند و با نام خود و نام پدر و ویژگی های نسبشان شناخته می شوند. گروهی دیگر از آنها در حالی که در بستر خود آرمیده اند، بدون قرار قبلی، در مکه بر آن حضرت وارد می شوند.

از امام صادق علیه السلام نیز روایتی به همین مضمون نقل شده است:

بَيْنَا شَبَابَ الشَّيْخَةِ عَلَى ظُهُورِ سَطُوحِهِمْ نِيَامٌ إِذَا تَوَافَوْا إِلَى صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةٍ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ. (۳)

جوانان شیعه در حالی که بر پشت بام های خود آرمیده اند، در یک شب، بدون هیچ قرار قبلی، نزد صاحب خود برده می شوند و بامدادان در مکه حاضر می شوند.

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، ص ۱۲۰۲، ح ۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۳۶۹ و ۳۷۰، ح ۱۵۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰، ح ۱۵۹.

از این روایات و دیگر روایات مشابه^(۱) که همگی بر اجتماع ناگهانی و از پیش تعیین نشده یاران قائم در یک شب مشخص در مسجد الحرام دلالت دارند، روشن می شود که تنها به مدد قدرت بی مانند خداوند متعال، یاران برگزیده امام مهدی علیه السلام در مدت زمان کوتاهی یا به تعبیر برخی روایات، «در کمتر از یک چشم برهم زدن»،^(۲) بر گرد آن حضرت جمع می شوند.

۵. سلاح یاران قائم

اشاره

۵. سلاح یاران قائم

گفتیم که یاران قائم علیه السلام از نظر توان جسمانی و قدرت بدنی در مرتبه بالایی قرار دارند، تا آنجا که کوهی را از جا برمی کنند. با این حال، این پرسش همواره مطرح است که امام عصر علیه السلام و یارانش از چه سلاحی در مبارزه با مستکبران و گردن کشان عصر استفاده می کنند؟

برای یافتن پاسخ پرسش یاد شده به سراغ روایات می رویم تا ببینیم از آنها چه چیزی به دست می آید. امام باقر علیه السلام در روایتی که در آن به بیان شباهت های امام مهدی علیه السلام با پیامبران الهی می پردازد، شباهت آن امام را با جد بزرگوارش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین برمی شمارد:

... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَخَرُّوْجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْجَبَارِينَ وَ الطَّوَاغِيَتِ، وَ إِنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ وَ... (۳)

۱- ر.ك: بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۲۳۹، ۲۸۶، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۴۲ و ۳۶۸.

۲- ر.ك: الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، ص ۱۲۱؛ روزگار رهایی ترجمه: يوم الخلاص، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، ج ۱، ص ۴۰۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۶.

... اما شباهت او به جد برگزیده اش _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ این است که او با شمشیر قیام می کند و دشمنان رسول خدا و همه ستمگران و گردن کشان را به قتل می رساند. او با شمشیر و ترسی [که در دل دشمنان می افکند]، به پیروزی می رسد... .

در این روایت، به دو شباهت اساسی حضرت مهدی علیه السلام با جد بزرگوارش اشاره شده که یکی از آنها، قیام با شمشیر و دیگری، پشتیبانی خدا از او به وسیله ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان است.

در اینجا برای روشن ساختن بیشتر موضوع، در مورد شباهت های یاد شده به اختصار توضیح می دهیم:

الف) نبرد و پیروزی با شمشیر

الف) نبرد و پیروزی با شمشیر

در روایات بسیاری بر این نکته تصریح شده است که امام مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند، تا آنجا که آن حضرت را «قائم بالسیف» یا «صاحب السیف» نامیده اند. برای نمونه می توان به روایتی اشاره کرد که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. آن حضرت در پاسخ فردی که در مورد «قائم» از ایشان پرسیده بود، فرمود:

كُنَّا قَائِمًا بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ. (۱)

همه ما، یکی پس از دیگری، بر پا دارنده (قائم) امر خداییم، تا اینکه صاحب شمشیر ظهور کند. پس آن گاه که صاحب شمشیر ظهور کند، شیوه ای غیر از آنچه پیش از آن بوده است، در پیش می گیرد.

این پرسش مطرح است که آیا این تعبیرها تنها به مسلحانه و قهرآمیز بودن قیام و انقلاب مهدی اشاره می‌کند یا اینکه ذکر شمشیر در این گونه روایات موضوعیت دارد و آن امام واقعا با شمشیر به نبرد با گردن کشان می‌پردازد؟

اگرچه شاید نتوان پاسخی صریح و قطعی به این پرسش داد، ولی توجه به روایات زیادی که در این زمینه وارد شده است، احتمال دوم را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که شمشیر در قیام مهدوی، جایگاه خاصی دارد.

در اینجا به برخی از روایاتی اشاره می‌کنیم که در آنها از شمشیر به عنوان سلاح آن حضرت و یاران ایشان یاد شده است:

۱. امام باقر علیه السلام در روایتی خطاب به جابر جعفی می‌فرماید:

يَا جَابِرُ إِنَّ لِبَنِي الْعَبَّاسِ رَايَةً وَ لِعَبْرِهِمْ رَايَاتٍ، فَإِيَّاكَ ثُمَّ إِيَّاكَ - ثَلَاثًا - حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، مَعَهُ سِلَاحٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَغْفَرٌ رَسُولِ اللَّهِ، وَ دِرْعٌ رَسُولِ اللَّهِ وَ سَيْفٌ رَسُولِ اللَّهِ. (۱)

ای جابر! برای بنی عباس، پرچمی است و برای دیگران، پرچم‌هایی. پس بر حذر باش و بر حذر باش، تا زمانی که مردی از فرزندان حسین علیه السلام را ملاحظه کنی که بین رکن و مقام با او بیعت می‌شود. سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله، کلاه خود رسول خدا، زره رسول خدا و شمشیر رسول خدا با اوست.

۲. امام باقر علیه السلام در روایت دیگری، حضرت قائم علیه السلام را چنین توصیف

۱- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۸۰۸؛ معجم الأحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۷۷۲.

يُجْرَدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَزَجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ بِهِ (۱)

هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده است. [دشمنان خدا را] می کشد تا خدا خشنود گردد.

۳. امام صادق علیه السلام نیز در مورد سلاح جنگی یاران قائم می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَتْ سَيْوْفُ الْقِتَالِ، عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ (۲)

هنگامی که قائم به پا خیزد، شمشیرهای نبرد فرود می آید، در حالی که روی هر شمشیر، نام مردی [از یاران آن حضرت] و نام پدر او نوشته شده است.

۴. ابان بن تغلب نقل می کند که روزی با جعفر بن محمد علیهما السلام در مسجد مکه نشسته بودم. آن حضرت در حالی که دست مرا گرفته بود، فرمود:

يَا أَبَانَ، سَيَأْتِيكَ اللَّهُ بِثَلَاثِ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا فِي مَسْجِدِكُمْ هَذَا، يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ إِنَّهُ لَمْ يُخْلَقْ آبَاؤُهُمْ وَ لِأَجْدَادِهِمْ بَعْدُ، عَلَيْهِمُ السَّيْوْفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ حِلْيَتُهُ وَ نَسَبُهُ... (۳)

ای ابان! خداوند ۳۱۳ مرد در همین مسجد شماگرد می آورد. مردم مکه می دانند که [آن گروه] از پدران و نیاکان آنها متولد نشده اند. با هر یک از آنها شمشیری است که بر آن، نام شخص، نام پدر، ویژگی های ظاهری و نسب و خاندانش نوشته شده است.

روایات بالا، بخش کوچکی از روایات فراوانی است که در آنها تصریح شده است قائم علیه السلام و یاران او با شمشیر، نبرد رهایی بخش خود را آغاز

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۶۵؛ روزگار رهایی، (ترجمه یوم الخلاص)، ص ۴۷۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۲۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹، ح ۱۵۵، همچنین ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱ ح ۱۹؛ کتاب الغیبه نعمانی، صص ۳۱۴ و ۳۱۵، ح ۷.

می کنند.

درباره اینکه چرا آن حضرت از میان همه سلاح ها، شمشیر را برگزیده است، احتمال های مختلفی داده شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

احتمال اول: دلیل آنکه امام مهدی علیه السلام به جای استفاده از سلاح های روز، از شمشیر استفاده می کند، این است که خداوند نمی خواهد عهده از ستمگران بر گردن آن حضرت باشد، حتی به اندازه استفاده از سلاح هایی که ستمگران روزگار، به وجود آورنده آنها بوده اند.

احتمال دوم: اساساً قیام امام مهدی علیه السلام از سنخ قیام پیامبران الهی است. چنان که می دانیم، آنها معمولاً با قدرت معنوی خود و نه با سلاح های کشنده و ادوات جنگی، قدرت های عصر خود را به زانو درآوردند. نمونه برجسته آن، حضرت موسی علیه السلام است که تنها با یک عصا به جنگ فرعون زمان خود رفت و همه قدرت و شوکت او را به سخره گرفت. بنابراین، لزومی ندارد که آن حضرت حتماً از همه سلاح های روز بهره مند باشد تا بتواند با قدرت های استکباری مقابله کند، بلکه همین که ایشان از یک سو، با تأییدهای الهی و امدادهای غیبی و از سوی دیگر، با خیل مردان و زنان مؤمن و عدالت خواه یاری می شود، برای به پیروزی رسیدن ایشان کافی است.

(ب) ایجاد وحشت در دل دشمنان

(ب) ایجاد وحشت در دل دشمنان

چنان که گفته شد، یکی از ویژگی هایی که در روایات برای قیام مهدی شمرده شده، رسیدن به پیروزی به وسیله ایجاد وحشت و هراس در دل

دشمنان است؛ یعنی همان ویژگی که در صدر اسلام و در حرکت رهایی بخش پیامبر اسلام نیز وجود داشت.

در آیات متعددی از قرآن کریم، به این موضوع اشاره شده که خداوند با ایجاد ترس و وحشت در دل کافران و مشرکان، به یاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سپاه او برخاسته و آنها را بردشمنانشان غالب ساخته است. برای نمونه می توان به این آیات اشاره کرد:

إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ إِنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعَبَ... (۱)

[و به یاد آر] آن گاه که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شمایم. مؤمنان را ثابت قدم بدارید که همانا من در دل کافران ترس خواهم افکنم... .

این آیه در جریان جنگ بدر نازل شد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تنها با ۳۱۳ نفر همراه و بدون تجهیزات کافی در برابر لشکر انبوه و مجهز قریش قرار گرفت. در آن جنگ چنان عرصه بر مسلمانان تنگ شده بود که سر بر آسمان برداشتند و از خداوند یاری خواستند. خداوند نیز علاوه بر اینکه هزار فرشته را برای یاری مسلمانان فرستاد، چنان ترسی در دل دشمنان آنها انداخت که همگی پا به فرار گذاشتند. (۲)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمْ

۱- سوره انفال ۸، آیه ۱۲.

۲- ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۴، صص ۵۲۵ و ۵۲۶.

الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ. (۱)

اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه هایشان بیرون راند و شما نمی پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می پنداشتند حصارهایشان را توان آن هست که در برابر خدا نگه دارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی کردند، بر آنها تاخت آورد و در دلشان وحشت افکند، چنان که خانه های خود را به دست خود و به دست مؤمنان خراب می کردند. پس ای اهل بصیرت عبرت بگیرید.

آیه یاد شده که در جریان نبرد مسلمانان با یهود بنی نضیر نازل شده است، به خوبی نشان می دهد زمانی که نه مسلمانان گمان می بردند بنی نضیر با آن همه شوکت و قدرت، خانه و کاشانه خود را رها کنند و از سرزمین خود خارج شوند و نه بنی نضیر احتمال می دادند مسلمانان بتوانند بر آنها با آن همه تجهیزات و برج و بارو غلبه کنند، خداوند چنان ترس و وحشتی در دل یهود بنی نضیر انداخت که خود در جست و جوی راهی برای فرار، به تخریب خانه های خود پرداختند. (۲) این بهترین گواه بر تأثیر بیم و هراس ایجاد شده از سوی خداوند، در تسلیم و شکست دشمنان خداست. چه زیبا در پایان این آیه می فرماید: «ای خردمندان عبرت بگیرید».

آیات دیگری از این دست در قرآن کریم وجود دارد که به دلیل رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم. (۳)

در این میان، برخی روایات نیز هستند که در آنها تصریح شده است

۱- سوره حشر ۵۹، آیه ۲.

۲- ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹ و ۱۰، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۳- ر.ک: سوره آل عمران ۳، آیه ۱۵۱؛ سوره احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

حضرت مهدی علیه السلام و یاران او با ترس و بیمی که خداوند در دل دشمنان می افکند، به پیروزی می رسند. برخی از آنها به این قرارند:

۱. امام محمد باقر علیه السلام در روایتی می فرماید:

الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرَةِ تَطْوِي لَهٗ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ، عَزَّ وَ جَلَّ، بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (۱)

همانا قائم با ترس و بیم، یاری شده و با نصرت [الهی] تأیید گشته است. زمین برای او در هم پیچیده می شود و گنج هایش را آشکار می کند. نفوذ و اقتدار او شرق و غرب [جهان] را دربرمی گیرد و خداوند به وسیله او دین خودش را برخلاف میل مشرکان، غلبه می بخشد.

۲. در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده، پس از اشاره به این موضوع که امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به اهتزاز درمی آورد، چنین آمده است:

وَ يَسِيرُ الرُّعْبُ قَدَامَهَا شَهْرًا وَ وَّرَاءَهَا شَهْرًا وَ عَن يَمِينِهَا شَهْرًا وَ عَن يَسَارِهَا شَهْرًا... (۲)

به فاصله یک ماه از پیش رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ آن پرچم، ترس همه را فرا می گیرد....

۳. آن حضرت در روایتی دیگر در مورد لشکریان امام مهدی علیه السلام می فرماید:

يُؤَيَّدُهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرُّعْبِ. (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۲- کتاب الغیبه نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۰۸، ح ۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۱۹.

خداوند او را با سه لشکر یاری می کند: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

با توجه به آیات قرآن کریم که به صراحت از یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان سخن گفته است و همچنین با عنایت به روایاتی که رعب و هراس را از لشکریان امام مهدی علیه السلام و اسباب پیروزی ایشان شمرده اند، می توان نتیجه گرفت هنگام ظهور، خداوند چنان ترس و وحشتی در دل دشمنان آن امام می افکند که آنان را از تصمیم گیری درست و به موقع در مقابله با قیام مهدوی باز می دارد، تا آنجا که به هر عملی که دست می زنند، به ضررشان تمام می شود. البته در عصر حاضر هم نمونه های چنین رویدادی قابل اشاره است که پیروزی انقلاب اسلامی و تسلیم شدن ارتش تا دندان مسلح رژیم طاغوت در برابر مردم بی سلاح و پیروزی های گسترده رزمندگان اسلام در مقابل ارتش نیرومند بعثی، از مهم ترین آنهاست. (۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه ویژگی های یاران مهدی علیه السلام، ر.ک: سیدمصطفی مهری، مهدی موعود یارانی این گونه دارد، چاپ اول: قم، علامه بحرانی، ۱۳۸۰؛ سیدمصطفی مهری، مقاله «الگوهای برای چگونه بودن»، مجله موعود، سال هشتم، ش ۵۱، اسفند ۱۳۸۳ و سال نهم؛ ش ۵۲، فروردین ۱۳۸۴؛ محمدباقر پورامینی، جوانان، یاوران مهدی؛ محمدتقی محمدی، مقاله «سیمای یاران حضرت مهدی»، مجله موعود، سال هفتم، ش ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.

بخش پنجم: جهان پس از ظهور

اشاره

بخش پنجم: جهان پس از ظهور

زیر فصل ها

فصل اول: ظهور، تجلی حیات طیه

فصل دوم: عدالت مهدوی

فصل سوم: رجعت؛ بازگشت به دنیا در عصر ظهور

فصل چهارم: مباحث تکمیلی

فصل اول: ظهور، تجلی حیات طیه

اشاره

فصل اول: ظهور، تجلی حیات طیه

هر سال با رسیدن بهار، جهان آماده استقبال از رستاخیز طبیعت می شود. زمین و زمان، گوش به زنگ اسرافیل بهارند تا در صور خود بدمد و با دمیدنش، زمین مرده دگر بار زندگی و طراوت یابد؛ درختان به شکوفه بنشینند و انواع گل و ریحان در دشت و دمن برویند. چه عظمتی است در این بهار! چه شکوهمند است حیات پس از مرگ و چه زیباست زنده شدن دوباره طبیعت.

به دلیل شباهت های زیادی که میان بهار (رستاخیز طبیعت) و قیامت (رستاخیز انسان ها) وجود دارد، در قرآن کریم و سخنان معصومان علیهم السلام، بارها از زنده شدن جهان طبیعت در بهار، هم به عنوان دلیل و شاهد و هم به عنوان یادآوری و اندرز نسبت به زنده شدن انسان ها در روز قیامت یاد شده است. از جمله در یکی از آیات کریمه قرآن می خوانیم:

وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

كَذَلِكَ النُّشُورُ. (۱)

و خدا همان کسی است که بادهای را روانه می کند. پس [بادهای] ابری را برمی انگیزند. و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده راندیم و آن زمین را بدان [وسیله]، پس از مرگش زندگی بخشیدیم. رستاخیز [نیز] چنین است.

خداوند در آیه دیگری می فرماید:

... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَمَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۲)

... و زمین را خشکیده می بینی، و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم، به جنبش در می آید و نمو می کند و از هر نوع [رستنی های] نیکو می رویاند. این [قدرت نمایی]ها [بدان سبب است که خدا خود حق است و اوست که مردگان را زنده می کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست.

بهار، یادآور رستاخیز دیگری نیز هست. رستاخیزی که هیچ کمتر از قیامت کبرا نیست و در شکوه و عظمت هیچ، از زنده شدن مردگان در روز حساب کم ندارد. این رستاخیز چیزی جز رویداد عظیم ظهور نیست. رویدادی که هم نجات بخش است و هم حیات بخش؛ هم به انسان ها زندگی دوباره می بخشد و هم به جهان طبیعت. از این رو، جا دارد در آستانه بهار طبیعت، یادی از بهار جان ها داشته باشیم. همو که در زیارت حضرتش، خطاب به ایشان می گوئیم: «الْسَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْعَامِ وَ نَضْرَهُ الْأَيَّامِ؛ سلام بر بهار مردمان و خرمی بخش روزگاران.» (۳) همو که همه انبیا و اولیا در انتظارش بودند و سرور

۱- سوره فاطر ۳۵، آیه ۹.

۲- سوره حج ۲۲، آیه ۵ و ۶؛ همچنین ر.ک: سوره روم (۳۰)، آیات ۱۹ و ۲۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر، به نقل از: سید بن طاووس.

همه اولیا، امیر مؤمنان، علی علیه السلام در فراق او و یارانش ناله سر داده است که: «آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛ وه که چه آرزومند دیدار آنانم»^(۱).

۱. زندگی بخشی قیام مهدوی در آیات و روایات

۱. زندگی بخشی قیام مهدوی در آیات و روایات

بسیاری از روایات، به زنده شدن انسان و جهان در پرتو انوار حیات بخش نهضت مهدوی بشارت داده و این موضوع را یکی از ویژگی های اصلی این نهضت شمرده اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) در روایتی که از محمد باقر علیه السلام نقل شده است، آن حضرت پس از اشاره به آیه شریفه:

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^(۲)

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم؛ باشد که بیندیشید.

می فرماید:

يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ، فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيُحْيِي الْأَرْضَ وَ يُحْيِي أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ^(۳).

منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است. پس خداوند، آن را به [ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده خواهد کرد. پس او در زمین عدالت می ورزد، زمین را زنده می سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می کند.

۱- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، کلمات قصار، شماره ۱۴۷، ص ۳۸۸.

۲- سوره حدید ۵۷، آیه ۱۷.

۳- سید هاشم حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶، ص ۳۷۷؛ ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۸؛ کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۱۰.

نکته جالب توجه این است که آیه یاد شده، پس از آیه ای وارد شده که آن هم به زمان غیبت امام عصر علیه السلام تأویل شده است:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. (۱)

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند، هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده است، نرم [و فروتن] شود و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان ها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، چنین می خوانیم:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي فِي سُورَةِ الْحَدِيدِ «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» فِي أَهْلِ زَمَانِ الْغَيْبِ، ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ [إِنَّمَا] الْأَمَدُ أَمَدُ الْغَيْبِ. (۲)

این آیه که در سوره حدید است: «و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان ها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند»، درباره اهل زمان غیبت نازل شده است. سپس خدای عز و جل فرمود: «بدانید که خدا، زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم؛ باشد که بیندیشید» و آن حضرت فرمود: همانا «أمد = مدت»، دوران غیبت است.

۱- سوره حدید ۵۷، آیه ۱۶.

۲- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، صص ۳۷۴ و ۳۷۵؛ ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۶۸؛ کتاب الغیبه طوسی، همان، ص ۶.

ب) در زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام در روز جمعه نیز از آن امام به عنوان سرچشمه زندگی یاد شده و آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَوٰه؛ درود بر تو ای سرچشمه زندگی». (۱)

ج) در زیارت دیگری که مرحوم سید بن طاووس برای آن حضرت نقل کرده است، می خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ؛ درود بر تو ای زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران». (۲)

د) در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه السلام به عنوان زنده کننده کتاب خدا و حدود آن و همچنین زنده کننده آثار دین و دین باوران یاد شده است:

أَيْنَ الْمُؤْمِلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيْنَ مُحَمَّدٍ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ. (۳)

کجاست آن که برای زنده کردن کتاب و حدود آن، به او امید بسته شده؟ کجاست زنده کننده آثار دین و دین باوران؟

ه) در دعای عهد نیز پس از آنکه خداوند را چندین بار به اسم «حَیِّ» می خوانیم و صدا می زنیم که:

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَأَحْيَىٰ يَأْمُرُحِي الْمَوْتَىٰ وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... (۴)

ای زنده پیش از هر زنده و زنده پس از هر زنده! و ای زنده، هنگامی که کسی زنده نبود! ای زندگی بخش مردگان و میراننده زندگان! ای زنده ای که جز تو خدایی نیست!

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷. در زیارت دیگری آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٍ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ». ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۸۶.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱.

از او درخواست می کنیم به وسیله امام مهدی علیه السلام، سرزمین هایش را آباد و بندگانش را زنده سازد:

... وَ اَعْمِرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ وَ اَخِي بِهٖ عِبَادَكَ، فَمَا نَكَ قُلْمَتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْعَمْرِ وَ الْبَحْرُ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ» (۱) فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُوْلِكَ... (۲)

... خداوندا! سرزمین های خود را به وسیله او آباد گردان و بندگانت را به دست او زنده ساز؛ زیرا تو گفته ای و سخت حق است: «به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.» پس خداوندا! ولی خود و پسر دختر پیامبرت را که هم نام رسول توست، بر ما آشکار ساز....

۲. مراتب و درجات زندگی (حیات)

اشاره

۲. مراتب و درجات زندگی (حیات)

در نگره قرآنی، زندگی (حیات) از سه مرتبه یا درجه برخوردار است: زندگی این جهان (دنیوی)، زندگی جهان دیگر (اخروی) و زندگی ناشی از ایمان و عمل صالح. برای روشن شدن معنا و مفهوم زندگی های سه گانه و تفاوت هایی که با یکدیگر دارند، در اینجا، برخی از آیات قرآن را که به این سه نوع زندگی اشاره دارند، بررسی می کنیم:

الف) زندگی این جهان

الف) زندگی این جهان

در بیش از هفتاد آیه از آیات قرآن کریم، از «زندگی دنیا» سخن به میان آمده و جالب این است که بیشتر این آیات، زندگی این جهانی را در برابر زندگی آن جهان، خوار و ناچیز شمرده و اهل ایمان را از فریفته شدن به این

۱- سوره روم، ۳۰، آیه ۴۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

زندگی بر حذر داشته اند. در یکی از آیات قرآن، زندگی دنیا چنین توصیف شده است:

إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. (۱)

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و فرزندان است... و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

این نوع از زندگی، ویژگی مشترک انسان و دیگر موجودات زنده است و آثاری که بر آن بار می شود، جز آثاری مادی همچون خوردن، آشامیدن، تولید نسل و مانند آن نیست.

(ب) زندگی جهان دیگر

(ب) زندگی جهان دیگر

این نوع از زندگی که در جهان بازپسین نصیب اهل ایمان و انسان های شایسته می شود، در فرهنگ قرآن از جایگاه بسیار شایسته ای برخوردار بوده و آثار فراوانی بر آن مترتب شده است، تا بدانجا که به تعبیر قرآن، زندگی دنیا در برابر این زندگی اصلاً قابل توجه نیست:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (۲)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی، همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می دانستند.

چنان که گفته شد، دست یافتن به این نوع زندگی، مستلزم ایمان و عمل صالح و به بیان دیگر، پیروی از فرمان خدا و رسول اوست. قرآن کریم در این باره می فرماید:

۱- سوره حدید ۵۷، آیه ۲۰.

۲- سوره عنکبوت ۲۹، آیه ۶۴.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ... (۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.

علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این آیه، به تفصیل، به بررسی تفاوت زندگی دنیا و آخرت پرداخته و آثاری را که زندگی اخروی به دنبال دارد، برشمرده است. همچنین ایشان با اشاره ای اجمالی به نوعی دیگر از زندگی، بحث تفصیلی در این باره را به جای مناسب آن واگذار کرده است. به طور کلی، «از دیدگاه قرآن کریم، زندگی (حیات) معنای دیگری دارد که بسیار دقیق تر از معنایی است که ما بر اساس نگاه سطحی و ساده خود تصور می کنیم. ما در نگاه ابتدایی، زندگی را چیزی جز آنچه... انسان با آن در این دنیا تا زمان رسیدن مرگ، به سر می برد، نمی دانیم؛ یعنی حالتی که همراه با شعور و فعل ارادی است و مانند آن یا نزدیک به آن در دیگر موجودات زنده، غیر از انسان نیز یافت می شود... خدای سبحان می فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی، همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می دانستند.» (۲) از این آیه چنین برمی آید که انسان بهره مند از این زندگی، جز با اوهام و امور غیرواقعی سر و کار نداشته و به وسیله این حیات، از غایت وجود و اغراض روحش که مهم تر و واجب تر است، باز می ماند... این همان معنایی است که در یکی از سخنان خدای تعالی که از خطاب های روز قیامت است، به آن اشاره شده

۱- سوره انفال، آیه ۲۴.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

است: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَ كَفِّ بَصَرِكُمْ الْيَوْمَ حَدِيدٌ؛ [به او می گویند: [واقعا که از این [حال] سخت در غفلت بودی، و [لی] [ما پرده ات را [از جلوی چشمانت [برداشتیم و دیده ات امروز تیز است.]]» (۱).

بنا بر این، انسان زندگی دیگری دارد که از این زندگی دنیوی، شریف تر و ارزشمندتر است و آن، زندگی اخروی است که به زودی پرده از روی آن برداشته می شود؛ ... سرگرمی و بازی با آن درنیامیزد و بیهودگی و گناه با آن آمیخته نشود و انسان جز به نور ایمان و روح بندگی در آن سیر نمی کند، چنان که خدای تعالی فرمود: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.» (۲) و همچنین فرمود: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ آیا کسی که مرده [دل] [بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟» (۳).

کوتاه سخن اینکه برای انسان، زندگی حقیقی دیگری است که شریف تر و کامل تر از زندگی پست دنیوی اوست. او آن گاه به این زندگی دست می یابد که استعدادها و توانایی هایش به وسیله آراستگی به زیور دین و داخل شدن در گروه سروران شایسته به تمامیت رسد؛ همچنان که او به زندگی دنیوی

۱- سوره ق ۵۰، آیه ۲۲.

۲- سوره مجادله ۵۸، آیه ۲۲.

۳- سوره انعام ۶، آیه ۱۲۲.

زمانی دست می یابد که استعدادش برای دست یافتن به این زندگی، در حالی که در مرحله جنینی به سر می برد، تمامیت می یابد.

سخن خدای تعالی که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (۱) نیز بر همین مطلب منطبق است؛ یعنی پذیرفتن آنچه... دعوت حق اسلام به سوی آن فرا می خواند، انسان را به سوی این زندگی حقیقی می کشاند؛ همچنان که این زندگی، سرچشمه ای است که اسلام از آن می جوشد و علم سودمند و عمل شایسته از آن ناشی می شود. این سخن خدای تعالی نیز که می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس _ از مرد و زن _ کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] می بخشیم. و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد»، (۲) همین معنا را افاده می دهد. (۳)

نویسنده تفسیر ارزشمند المیزان، در تفسیر آیه دیگری که در ادامه خواهد آمد، به تفصیل در مورد نوع سوم از زندگی سخن گفته است.

ج) زندگی پاکیزه برخاسته از ایمان و انجام عمل شایسته

ج) زندگی پاکیزه برخاسته از ایمان و انجام عمل شایسته

خداوند سبحان در یکی از آیات قرآن کریم، برای تشویق اهل ایمان به انجام اعمال شایسته، به آنان وعده دست یافتن به زندگی دیگری را داده که پاکیزه و پیراسته از هر آلودگی است و می فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ

۱- سوره انفال، آیه ۲۴.

۲- سوره نحل، آیه ۹۷.

۳- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، صص ۴۴ و ۴۵.

ما کاتُوا يَعْمَلُونَ. (۱)

هر کس _ از مرد و زن _ کار شایسته کند و مؤمن باشد، همانا او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] می بخشیم و به یقین، به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد.

«آیه یاد شده همانند آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...؛ آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود...» (۲) افاده ایجاد حیات ابتدایی جدید می کند. [نام گذاری این حیات به حیات جدید،] از باب تسمیه مجازی نیست؛ یعنی این گونه نیست که از تغییر صفت حیات، به حیات جدید تعبیر کرده باشند؛ زیرا آیاتی که به این حیات جدید اشاره کرده اند، برای آن، آثار حیات حقیقی برشمرده اند، مانند این سخن خدای تعالی که: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ؛ در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با نوری از جانب خود تأیید کرده است» (۳) و همچنین مانند کلام او در آیه [۱۲۲] سوره انعام که در بالا به آن اشاره شد: «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ؛ و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود»، قطعاً مراد از این نور، علمی است که انسان به وسیله آن، در اعتقاد و عمل به سوی حق هدایت می شود. همچنان که این مؤمن علم و ادراکی دارد که دیگران از آن بی بهره اند، او سهمی از موهبت قدرت بر زنده ساختن حق و میراندن باطل دارد که دیگران ندارند، چنان که خدای سبحان فرمود: «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض

۱- سوره نحل، ۱۶، آیه ۹۷.

۲- سوره انعام، ۶، آیه ۱۲۲.

۳- سوره مجادله ۵۸، آیه ۲۲.

است.» (۱) و همچنین فرمود: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار نیکو کند، پس نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین خواهند شد.» (۲)

این علم و قدرت جدید، مؤمن را آماده می سازند تا چیزها را آن گونه که هستند، ببیند و آنها را به دو گونه تقسیم کند: حق پایدار و باطل میرا. از صمیم دل، از باطل میرا که همان زندگی دنیا و نقش و نگارهای فریبنده و خیره کننده آن است، دوری می جوید و به عزت خداوند عزت می یابد. از این رو، نه شیطان با وسوسه هایش، نه نفس با هواها و هوس هایش و نه دنیا با فریبنده گی هایش می تواند او را خوار کند؛ زیرا او باطل شدن کالای دنیا و نابود شدن نعمت های آن را با چشم خود می بیند.

چنین کسی دلش به پروردگار حقیقی اش، همو که با کلمات خود، هر حقی را پایدار می سازد، وابسته است، جز وجه او را طلب نمی کند، جز نزدیکی او را دوست ندارد و جز از خشم و دوری او نمی هراسد و برای خود، حیات پاکیزه همیشگی جاودانه ای می بیند که جز پروردگار بخشاینده و مهربانش کسی اداره آن را در دست ندارد و در طول مسیرش جز خوبی و زیبایی نمی بیند؛ چرا که او هر آنچه خداوند آفریده را می ستاید و جز گناهان و نافرمانی هایی که خداوند آنها را زشت شمرده، چیزی را زشت نمی شمارد. بنابراین، این آثار زندگی جز بر زندگی حقیقی و نه مجازی، بار نمی شود و خداوند سبحان این آثار را بر آن نوع زندگی (طیبه) که از آن یاد کرد، مترتب

۱- سوره روم ۳۰، آیه ۴۷.

۲- سوره مائده ۵، آیه ۶۹.

ساخت و آن را به کسانی اختصاص داد که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند. پس این زندگی، زندگی حقیقی تازه ای است که خداوند سبحان آن را به ایشان ارزانی می دارد» (۱).

با توجه به آنچه گفته شد، درمی یابیم که به جز زندگی دنیا و زندگی آخرت، نوع دیگری از زندگی وجود دارد که قرآن کریم از آن با تعبیر «حیات طیبه» یا «زندگی پاکیزه» یاد کرده است. این نوع زندگی، زندگی حقیقی است که آثار و پیآمدهای بسیار ارزشمندی برای انسان دارد که بخشی از آن در همین دنیا و بخشی دیگر در جهان آخرت آشکار می شود.

به اعتقاد ما، آن زندگی که وعده تحقق آن در عصر ظهور داده شده است، چیزی جز همین نوع حیات نیست که در قرآن از آن به «حیات طیبه» تعبیر شده است و ویژگی ها و آثارش در اینجا بیان شد. در آن عصر، همه مردمان یا بخش زیادی از آنها، به مدد ظهور و حضور امام عصر علیه السلام، از این نوع زندگی بهره مند می شوند و آثار آن که به تعبیر علامه طباطبایی، نور، کمال، توانایی، عزت و سرور وصف ناشدنی است، شامل حال آنها می شود و توان مندی های ناشی از آن، نصیب همه اهل ایمان می گردد.

۳. چگونگی تحقق حیات طیبه

اشاره

۳. چگونگی تحقق حیات طیبه

برای روشن شدن این مطلب که چگونه با ظهور امام مهدی علیه السلام، حیات طیبه محقق می شود، باید مقدماتی را یادآور شویم:

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۲، صص ۳۴۱ و ۳۴۲.

الف) آب، سرچشمه حیات

الف) آب، سرچشمه حیات

قرآن کریم از یک سو، «آب» را به عنوان اصل حیات و مبدأ پیدایش زندگی بر کره خاکی معرفی می کند و می فرماید: «... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ؛ و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم.» (۱) از سوی دیگر، نزول آب (باران) از آسمان را مایه زنده شدن دوباره زمین دانسته است و می فرماید:

وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ. (۲)

و خدا از آسمان، آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانید. همانا در این [امر]، برای مردمی که شنوایی دارند، نشانه ای است.

سرانجام در آیه ای دیگر، آراسته شدن زمین به زیور گیاهان را ناشی از درآمیختن نزولات آسمانی با آنها می داند و می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ... (۳)

در حقیقت، مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم. پس گیاه زمین _ از آنچه مردم و دام ها می خورند _ با آن درآمیخت، تا آن گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته شد....

همه این آیات، دلالت بر این دارند که آغاز و استمرار زندگی انسان ها و دیگر موجودات در زمین بدون وجود آب امکان پذیر نیست و نخواهد بود.

ب) تشبیه امامان معصوم علیهم السلام به آب

ب) تشبیه امامان معصوم علیهم السلام به آب

در تعدادی از روایات، امامان معصوم علیهم السلام به آب تشبیه شده اند. از جمله در

۱- سوره انبیاء، ۲۱، آیه ۳۰.

۲- سوره نحل، ۱۶، آیه ۶۵؛ همچنین ر.ک: سوره بقره (۲)، آیه ۱۶۴؛ سوره عنکبوت (۲۶)، آیه ۶۳.

۳- سوره یونس، ۱۰، آیه ۲۴.

روایاتی که در تأویل این آیه شریفه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؟ بگو: به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟» (۱) از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده است، چنین می خوانیم: «إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ؟ هرگاه امامتان را نیابید و او را نبینید، چه خواهید کرد؟» (۲) یا «إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ؟ هرگاه امامتان از نظرتان غایب شود، چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد؟» (۳)

همچنین در روایت دیگری که از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام ذیل همین آیه شریفه وارد شده، آمده است:

«مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ أَيِ الْأَيْمَةِ وَالْأَيْمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ» (۴)

«آب شما»، ابواب شما، یعنی امامان هستند. امامان، ابواب الهی بین او و بین آفریدگان اویند.

با توجه به روایات یاد شده، می توان گفت همچنان که خداوند، آب را مایه حیات مادی انسان ها قرار داده است و تنها به وسیله نزول باران رحمت الهی، زمین مرده و گیاهان خشکیده، روح و حیات تازه ای می یابند، امامان معصوم علیهم السلام را نیز مایه حیات معنوی آنها قرار داده و تنها به برکت وجود آنهاست که آدمیان می توانند از زندگی پاکیزه معنوی بهره مند شوند.

به بیان دیگر، همچنان که آغاز و استمرار حیات مادی انسان ها تنها به مدد

۱- سوره ملک ۶۷، آیه ۳۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۴.

۴- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

وجود آب امکان پذیر شده است، حیات معنوی یا حیات طیبه آنها نیز تنها به یمن بهره مندی از چشمه سار زلال ولایت امامان معصوم علیهم السلام محقق می شود. انسان ها هرچه بیشتر خود را در معرض این چشمه سار قرار دهند، از شور و نشاط و سرزندگی معنوی بیشتری نیز بهره مند می شوند.

ج) عصر ظهور، عصر تجلی کامل ولایت

ج) عصر ظهور، عصر تجلی کامل ولایت

با مشخص شدن نقش امامان معصوم علیهم السلام در تحقق حیات معنوی انسان ها، می توان به تصویری روشن از چگونگی تحقق حیات طیبه در عصر ظهور رسید. توضیح آنکه در این عصر که عصر تجلی کامل ولایت الهی است، خداوند متعال به برکت وجود ولی الله الاعظم _ ارواحنا له الفداء _ همه حجاب ها و موانعی را که پیش روی انسان ها وجود دارد، برمی دارد و آنها را به مراتب بالای ادراک، آگاهی و ایمان می رساند، تا جایی که همه مظاهر شرک، کفر، گناه، ستم و بی عدالتی از زمین رخت برمی بندد و انسان ها در یاد و نام خداوند غوطه ور می شوند. اینجاست که آن حیات پاکیزه که انسان ها قرن ها به دنبالش بودند، محقق می شود و آدمی امکان دست یابی به مراتب عالی کمال را پیدا می کند.

برخی از روایاتی که در آنها به نقش محوری ولی خدا در تحولات عصر ظهور اشاره شده، به این شرح است:

۱. در نخستین روایت، امام محمد باقر علیه السلام به نقش حضرت مهدی علیه السلام در رشد عقلانی و ارتقای درک انسان ها اشاره می کند و می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ

[أَخْلَاقَهُمْ]. (۱)

هنگامی که قائم ما به پاخیزد، خداوند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله عقل های آنها افزایش می یابد و خردهای [خُلُقِ هَای] آنها به کمال می رسد.

۲. در روایت بعدی که از رسول گرامی اسلام نقل شده است، محوریت عبودیت خداوند در عصر ظهور مورد توجه قرار گرفته است:

أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ _ قَالَهَا ثَلَاثًا _ يَخْرُجُ عَلَى حِينِ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ شَدِيدٍ يَمَلُّ الْأَرْضَ قَشِيظًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. يَمَلُّ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلَهُ. (۲)

شما را به مهدی مژده باد _ این سخن را سه مرتبه تکرار فرمود _ او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف و زلزله های شدید شده اند، قیام می کند و زمین را از قسط و عدل آکنده می سازد، همچنان که از بیداد و ستم پر شده بود. او دل های بندگان را با عبادت پر می کند و عدالتش را بر آنها دامن گستر می سازد.

۳. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایت دیگری بر این نکته تأکید می کند که همه خوی و خصلت های حیوانی در زمان ظهور، به برکت وجود امام مهدی علیه السلام برداشته می شود:

بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبِ بِهِ يَخْرُجُ ذَلَّ الرَّقِ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ. (۳)

خداوند به وسیله او دروغ و دروغ گویی را ریشه کن می کند و روزگار سخت و دشوار را از بین می برد و طوق خواری و بردگی را از گردن شما برمی دارد.

۴. سرانجام در آخرین روایت، امام رضا علیه السلام به این مطلب که خداوند در عصر ظهور به وسیله امام مهدی علیه السلام، زمین را از همه مظاهر ستم و جور

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

۲- کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۴.

۳- کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.

پیراسته می سازد، اشاره می کند و می فرماید:

يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا. (۱)

خداوند به وسیله قائم، جهان را از هر گونه ناروایی، پاکیزه و از هر گونه ستم، پیراسته می سازد... آن گاه که او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود، میزان عدل را در میان مردم برپا می سازد و هیچ کس به دیگری ستم روا نخواهد داشت.

بر این اساس، می توان گفت که تحقق حیات پاکیزه و معنوی در عصر ظهور، چیزی جز اثر تجلی ولایت ولی الله بر زمین نیست و همه آنچه در این عصر محقق می شود، تنها از برکت وجود ایشان است که چون آبی زلال، سرزمین های تفتیده جان آدمیان را روح و حیات تازه ای می بخشد.

۴. آثار تحقق حیات طیبه

۴. آثار تحقق حیات طیبه

تاکنون روشن شد که با ظهور امام مهدی علیه السلام، زندگی تازه ای که سراسر نور و روشنایی، پاکی و پاکیزگی، درستی و درست کاری، خرد و خردورزی، راستی و راست گویی، عدالت و عدالت ورزی، عبادت و بندگی است، بر جهان جان انسان ها حاکم می شود. حال می خواهیم ببینیم این زندگی جدید چه آثار و پی آمدهایی بر جهان پیرامون انسان ها بر جای می گذارد و با حاکمیت آن، چه تحولی در جهان طبیعت رخ می دهد.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۳۲۱ - ۳۲۳، ح ۲۹.

برای روشن شدن این موضوع، ابتدا لازم است نگاهی داشته باشیم به برخی از آیاتی که در آنها به نوعی رابطه حیات معنوی و مادی انسان ها و تأثیر تقوا و پاک دامن‌ی بر افزایش بهره مندی آدمیان از نعمت های این جهان، اشاره شده است:

۱. در نخستین آیه، خداوند متعال به صراحت تمام اعلام می کند که اگر مردم آن چنان که باید، ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، دروازه های برکت آسمان و زمین بر آنها گشوده می شد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (۱)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، همانا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردشان، [گریبان] آنها را گرفتیم.

۲. در آیه دیگری نیز خداوند، پایداری بر راه راست را موجب بهره مندی از آب گوارا دانسته است و می فرماید:

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَاهُمْ مَّاءً غَدَقًا لَّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا. (۲)

و اگر [مردم] در راه راست پایداری ورزند، همانا آب گوارایی به ایشان نوشانیم تا در این باره آنان را بیازماییم و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را به قید عذابی [روز] افزون درآورد.

ذیل این آیه، روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده که در آن، «استقامت بر ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او» به عنوان مصداق عینی «استقامت

۱- سوره اعراف، ۷، آیه ۹۶.

۲- سوره جن ۷۲، آیه ۱۶ و ۱۷.

بر راه راست» یاد شده است:

يَعْنِي «لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَيَّ» وَلَا يَأْتِيهِ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ نَهَيْهِمْ «لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَاءً عَذَقًا» (۱).

یعنی اگر در راه ولایت علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و اوصیاء، از فرزندان او _ درود خدا بر آنها باد _ پایداری ورزند و امر و نهی آنان را پذیرا شوند و گردن نهند، همانا آب گوارایی به آنها نوشانیم.

۳. در سومین آیه، خداوند متعال به نقل از حضرت نوح علیه السلام، آمرزش خواهی را مایه نزول باران های پی در پی و فراوانی اموال و نعمت های گوناگون معرفی می کند و می فرماید:

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا. (۲)

و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را با اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.

با توجه به این آیات و روایات فراوان دیگری که در آنها تأکید شده همه نعمت های مادی دنیا برای انسان، به عنوان خلیفه خدا بر زمین، آفریده شده است، (۳) می توان گفت با تحولی که در عصر ظهور در جهان جان انسان ها رخ می دهد، درهای زمین و آسمان گشوده می شود و آنها با گشاده دستی تمام،

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱.

۲- سوره نوح ۷۱، آیه ۱۰-۱۲.

۳- ر.ک. آیه ۲۹ از سوره بقره که می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ اوست آن کس که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید».

همه نعمت های خود را بر آدمیان جاری می کنند. بدین ترتیب، زمانی که انسان از در آشتی با خدای خود برمی آید و رابطه خود را با خدای خود اصلاح می کند، آسمان و زمین، گیاهان و جانوران، آب و خاک، ابر و باد، ماه و خورشید و دیگر مخلوقات خداوند، در خدمت این انسان درمی آیند و بی هیچ دریغی همه آنچه در توان دارند، به پای او می ریزند.

در فرموده پیامبر گرامی اسلام نیز به این نکته تصریح شده است:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُزِيلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ. (۱)

امت من در زمان مهدی از نعمت هایی برخوردار می شوند که هرگز پیش از آن از آنها برخوردار نبوده اند؛ آسمان بر آنها باران پی در پی می فرستد و زمین همه گیاهانش را [برای آنها] می رویاند.

بنابراین، شاید بتوان گفت همه تحولاتی که در عصر ظهور در جهان طبیعت رخ می دهند، همه برکاتی که در این عصر نازل می شوند، همه نعمت هایی که در این دوران بر مردمان عرضه می گردد و سرانجام همه رفاه و آسایش مادی که پس از ظهور رخ می نماید، چیزی جز آثار تحول انسان و دست یابی او به حیات طیبه به عنوان مهم ترین فلسفه ظهور نیست. (۲)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: «انسان و جهان آینده»، گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری، مجله موعود، سال هفتم، ش ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲؛ سال هشتم، ش ۴۲، فروردین و اردی بهشت ۱۳۸۴.

فصل دوم: عدالت مهدوی

اشاره

فصل دوم: عدالت مهدوی

با بررسی اجمالی روایاتی که شیعه و اهل سنت در زمینه بشارت به ظهور مهدی علیه السلام نقل کرده اند، روشن می شود که در این روایات، به برپا داشتن قسط و عدل و نابود کردن ستم و جور از سوی آن حضرت بیش از هر چیز دیگر توجه شده است. بر اساس بررسی مؤلف کتاب منتخب الأثر در منابع و مصادر شیعه و اهل سنت، بیش از ۱۵۰ حدیث بر این نکته دلالت دارد که امام مهدی علیه السلام زمین را پس از آنکه از ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می سازد. (۱) از آن جمله پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. (۲)

شما را به مهدی بشارت می دهم. او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب ها هستند، در امت من برانگیخته می شود و جهان را از عدالت و برابری پر می سازد، همچنان که از ستم پر شده بود.

از امام محمدباقر علیه السلام نیز نقل شده است:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ الْأَيْمَةَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبُوءٍ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

۱- ر.ك: منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲- احمد بن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۳۷.

التَّاسِعُ قَائِمُهُمْ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (۱)

پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل. نه نفر از آنها از نسل حسین _ درود خدا بر او باد _ هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد، پس از آنکه از ستم و بی عدالتی پر شده بود.

توجه ویژه روایات به موضوع عدالت گستری امام مهدی علیه السلام و فراوانی روایاتی که در این زمینه وارد شده است، همه بر نقش محوری این موضوع در قیام و انقلاب جهانی آن حضرت و جایگاه خاص آن در حکومت مهدوی دلالت دارند. از این رو، لازم است در پژوهش ها و بررسی هایی که در زمینه انقلاب و حکومت امام مهدی علیه السلام صورت می گیرد، به این موضوع بیش از پیش توجه شود و ابعاد مختلف عدالت گستری و ستم ستیزی آن حضرت تبیین گردد.

عدالت مهدوی را از دو زاویه می توان بررسی کرد: یکی، از نظر ارکان و پایه های این عدالت و دیگری، از نظر گستره و عمق این عدالت. اگر چه بحث جامع و کامل از هر یک از زوایای یاد شده، مجال وسیعی می طلبد، ولی اکنون تلاش خواهیم کرد در حد توان، به اجمال هر یک از این دو جنبه را بررسی کنیم.

۱. ارکان عدالت مهدوی

اشاره

۱. ارکان عدالت مهدوی

برپایی عدالت در هر جامعه ای نیازمند ارکان و پایه های متعددی است و نبود هر یک از این ارکان موجب ناپایداری عدالت در آن جامعه می شود. مهم ترین ارکان عدالت عبارتند از:

الف) حاکم عادل

الف) حاکم عادل

بدون شک، آن گاه می توان از جامعه و حکومتی، انتظار حرکت به سوی عدالت را داشت که امام و حاکم آن جامعه، خود، در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی، عدالت را پیشه سازد. از این رو، می بینیم در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می کند، وجود امام عادل از مهم ترین شرایط است و بدون وجود این امام، حکومت از مشروعیت برخوردار نیست.

از نظر شیعه، برقراری نظام حکومتی که همه روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد، جز به دست آخرین امام معصوم و خاتم حجت های الهی، حضرت مهدی علیه السلام امکان پذیر نیست. از همین روست که در روایات، از دولت آن حضرت به عنوان آخرین دولت یاد شده است؛ یعنی دولتی که پس از پشت سر گذاشتن همه تجربه های بشری و نومیادی از همه الگوهای حکومتی خودساخته، مستقر می شود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا، لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيَرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سَيَرْنَا مِثْلَ سَيَرِهِ هُوَلاءِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱)». (۲)

دولت ما آخرین دولت هاست. هیچ خاندان صاحب دولتی نمی ماند مگر

۱- سوره اعراف، ۷، آیه ۱۲۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲، ح ۵۸؛ ص ۳۳۹، ح ۸۳.

اینکه پیش از [دولت] ما به حاکمیت می‌رسند تا زمانی که سیره [حکومتی] ما را می‌بینند، نگویند: «اگر ما هم به حاکمیت می‌رسیدیم، همین گونه رفتار می‌کردیم» و این سخن خداوند، صاحب عزت و جلال است که: «سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است».

این سخن به این معنا نیست که هرگونه تلاش برای برقراری عدالت در دوران غیبت، بی‌فایده است یا اساساً نباید در این دوران، حرکتی را برای استقرار نظام عادلانه، حتی در سطحی محدود انجام داد، بلکه معنای این سخن آن است که تا پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام، هیچ حکومتی نمی‌تواند ادعا کند توان برقراری نظام عادلانه کامل را دارد، چنان که امام خمینی رحمه الله فرمود:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند... اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت. (۱)

بنا بر آنچه گفته شد، نخستین شرط برقراری یک نظام عادلانه کامل، وجود امام معصوم عادل است. پیشوا و رهبر مسلمانان باید در بالاترین مرتبه پرهیزکاری و به دور از هرگونه شایبه ستم باشد، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ. (۲)

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، کلام ۲۰۰، ص ۲۶۰.

خداوند بر پیشوایان دادگر واجب فرموده است که خود را در معیشت با مردم تنگ دست برابر دارند تا بینوا را رنج بینوایی به ستوه نیاورد.

امام مهدی علیه السلام به عنوان رهبر معصومی که عدالت را در سراسر جهان تحقق خواهد بخشید، خود، در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است. توجه به مفاد بیعتی که امام در آغاز قیام خود از یارانش می گیرد، ما را به عمق سیره و روش مبتنی بر عدالت آن حضرت رهنمون می سازد:

... با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی آسیب نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر، سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ گرد هم جنس گرایی نگردند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ طرفدار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن نپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند و... او نیز در حق خود تعهد می کند که: از راه آنها برود؛ جامه ای مثل آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آنچه را که آنها می خواهند، باشد؛ به کم، راضی و قانع شود؛ زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند، آنچه را که پر از ستم شده است؛ خدا را آنچه را که شایسته است، بپرستد؛ برای خود، دربان و نگهبان اختیار نکند و... (۱).

چنان که ملاحظه می شود، امام مهدی علیه السلام در این پیمان نامه، نه تنها از یارانش می خواهد از هر گونه آلودگی و پلیدی به دور باشند، بلکه خود نیز

۱- سید بن طاووس، الملاحم والفتن، صص ۴۹ - ۱۲۲؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۱۱۱۷.

متعهد می شود از همه آنچه یارانش را از آنها منع کرده است، دوری گزینند و در زندگی خود همان راه و روشی را پیش گیرد که یارانش را بدان دعوت کرده است.

افزون بر پیمان نامه یاد شده، امام مهدی علیه السلام در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور، نکته هایی را یادآور می شود که آنها نیز به خوبی، راه و روش مبتنی بر عدالت و پرهیزکاری آن حضرت را روشن می سازد. امام باقر علیه السلام چنین می فرماید:

مهدی هنگام نماز عشا در مکه ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود می فرماید: ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم. شما اینک در پیش گاه خدا ایستاده اید. او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب [آسمانی] فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده اش اطاعت و فرمان برداری کنید و زنده نگه دارید آنچه را قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را او میرانده است. هواداران راستی و هدایت و پشتیبان پرهیزکاری باشید؛ زیرا نابودی دنیا نزدیک شده و اعلام وداع کرده است. من، شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می کنم. سپس او، بدون قرار قبلی، به همراه سیصد و سیزده مرد، به شمار یاران بدر که همچون ابر پاییزی پراکنده اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می کند و خداوند، سرزمین حجاز را برای مهدی می گشاید و او هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می برد، آزاد می سازد. آن گاه درفش های سیاه در کوفه فرود می آید و گروهی را به جهت بیعت به سوی مهدی روانه می سازند و آن حضرت، لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل می دارد و ستم و ستم پیشگان را از میان برمی دارد و همه

سرزمین ها به دست او به راستی و درست کاری درمی آیند. (۱)

در مورد سیره و روش زندگانی امام مهدی علیه السلام، روایات فراوانی نقل شده است. امام صادق علیه السلام خطاب به یاران خود که نسبت به ظهور قائم علیه السلام بی تاب می کردند، می فرماید:

چرا در مورد ظهور قائم این همه شتاب می کنید؟ به خدا سوگند، او لباس خشن می پوشد، طعام خشن (بی خورشت) می خورد و... از سیره جدش رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ پیروی می کند و زندگانی او مانند زندگانی امیر مؤمنان _ درود خدا بر او باد _ است. (۲)

توجه به روایت زیر، ما را در درک سیره شخصی امام مهدی علیه السلام به عنوان حاکم اسلامی یاری می کند. مفضل بن عمر، یکی از یاران امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

در خدمت ابو عبدالله [امام صادق] _ درود خدا بر او باد _ سرگرم طواف بودم. در همین هنگام، امام به من نگاهی کرد و فرمود: چرا این گونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را می بینم و این مال و سلطنت و قدرتی که در دست آنهاست. اگر اینها در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم. امام فرمود: ای مفضل! بدان اگر قدرت در دست ما بود، شب ها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می پرداختیم؛ جامه ای خشن بر تن داشتیم و غذای بی خورشت می خوردیم، درست مانند شیوه امیرمؤمنان، علی _ درود خدا بر او باد _؛ زیرا اگر جز این عمل شود، پاداش آن دوزخ خواهد بود. (۳)

۱- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۱۳؛ معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۸۳۲.

۲- بحار الأنوار، ص ۳۵۹، ح ۱۲۷.

۳- بحار الأنوار، ص ۳۵۹، ح ۱۲۷.

(ب) کارگزاران عادل

(ب) کارگزاران عادل

یکی از موانع اساسی که در برقراری عدالت در جامعه همواره فرا روی مصلحان اجتماعی قرار داشته، نبود مجریان و کارگزاران عادل است. وجود این مانع، بسیاری از حرکت های عدالت خواهانه را با شکست روبه رو و بسیاری از حکومت هایی را که در پی گسترش عدالت در جامعه بوده اند، ناکام ساخته است.

یکی از تفاوت های اساسی حکومت امام مهدی علیه السلام با دیگر حکومت هایی که در طول تاریخ، داعیه برقراری عدالت داشته اند، این است که پیش از اقدام برای تشکیل حکومت، به تعداد مورد نیاز، افراد زبده و برگزیده ای را که در نهایت پرهیزکاری هستند، تربیت می کند و با برقراری حکومت جهانی خود، آنها را به سراسر جهان گسیل می دارد. در مورد ویژگی یاران قائم علیه السلام، در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم:

... نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شبند. دل هایشان مانند پاره های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را دارند. (۱)

امام علی علیه السلام نیز درباره ویژگی یاران آن حضرت می فرماید:

خداوند تعالی، مردمی را برای [یاری] او گرد می آورد، همچنان که پاره های ابر گرد آمده و به هم می پیوندند. خداوند، دل های آنان را به هم نزدیک می کند. آنها از هیچ کس ترسان نمی شوند و از اینکه کسی بدان ها پیوندد، شادمان نمی گردند. تعداد آنها همان تعداد اصحاب بدر است. هیچ کس از

پیشینیان از آنها سبقت نمی‌گیرد و هیچ کس از آیندگان به آنها نمی‌رسد. (۱)

امام مهدی علیه السلام، چنین مردمی را برای اداره حکومت خود برمی‌گزیند و هر یک از آنها را بر منطقه‌ای حاکم می‌سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، وَيَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَيَأْمُرُهُمْ بِعُمْرَانِ الْمُدُنِ. (۲)

حضرت مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنها دستور می‌دهد عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمان‌روایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.

ج) قوانین عادلانه

ج) قوانین عادلانه

وجود قوانین عادلانه، یکی از شرایط اساسی تحقق عدالت اجتماعی است و بدون وجود آن، حکم‌رانا عادل به تنهایی نخواهند توانست چنان‌که باید و شاید، عدالت را در جامعه حکم‌فرما سازند. بدون تردید، کتاب الهی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بیان‌کننده عادلانه‌ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی‌کم و کاست آنها، جامعه طعم عدالت را خواهد چشید. امام علی علیه السلام در برخی از سخنان خود، قرآن را آینه تمام‌نمای عدالت معرفی کرده است:

... فَهَوَّ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ غُدْرَانُهُ. (۳)

... [قرآن] معدن ایمان و چشمه‌سار آن، چشمه‌های دانش و دریا‌های آن، باغ‌های عدل و آبگیرهای آن است.

۱- المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ج ۴، ص ۵۵۴.

۲- روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۰.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، خطبه ۱۹۸، ص ۲۵۲.

در جای دیگر در وصف قرآن می فرماید:

هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ هُوَ النَّاطِقُ بِسُنَّةِ الْعَدْلِ وَالْأَمْرِ بِالْفَضْلِ وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ. (۱)

آن فصل است و هزل نیست. آن، گویا به طریقه عدل و امرکننده به فضل و ریسمان استوار خداوند است.

از این رو، یکی اقدام های مهمی که امام مهدی علیه السلام برای تحقق عدالت اجتماعی انجام می دهد، احیای احکام کتاب و سنت رسول خداست که در طول زمان به فراموشی سپرده شده و جز پوسته ای از آنها باقی نمانده است. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید:

... وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ. فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْخُرُوجِ، فَيُظْهِرُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ بِهِ وَيُجَدِّدُهُ. (۲)

زمانی برای امت من فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نمی ماند. در این هنگام، خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در بیان بسیار زیبایی، اقدام امام مهدی علیه السلام را در زمینه حاکم کردن احکام قرآن بر امیال نفسانی انسان ها به عنوان مقدمه برپایی عدالت، چنین توصیف می کند:

يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ [...] أَفَيْرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلَ السَّيْرَةِ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ. (۳)

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۲۰۷، ح ۱۰۰۵.

۲- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، خطبه ۱۳۸، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۵.

هواهای نفسانی را به پیروی هدایت الهی باز می گرداند، آن زمان که مردم هدایت الهی را به پیروی هواهای نفسانی در آورده باشند. آرا و اندیشه ها را تابع قرآن گرداند، وقتی که قرآن را تابع آرا و اندیشه های خود ساخته باشند [...] و او به شما نشان خواهد داد که دادگری چگونه است و کتاب خدا و سنت را که متروک شده است، زنده می گرداند.

به دلیل پیوند ناگسستنی احیای احکام کتاب و سنت با برقراری عدالت است که در دعای عهد از خداوند متعال چنین درخواست می کنیم:

و اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (۱).

خداوند! او را پناه گاه بندگان ستم دیده ات و یاری دهنده کسی که جز تو یاورى ندارد، قرار ده و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل شده است، برقرار ساز و او را برپا دارنده آنچه از نشانه های دینت و سنت های پیامبرت _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ وارد شده است، قرار ده.

(د) نظام عادلانه

(د) نظام عادلانه

تحقق عدالت اجتماعی، گذشته از همه شرایط یاد شده، به امر دیگری نیز نیازمند است و آن، وجود نظام حکومتی مبتنی بر عدالت است؛ نظامی که جایگاه هر کس در آن به درستی تعیین شده باشد، همه مسئولان و وظایف خود را به درستی بشناسند و بدان عمل کنند و بالاخره همه احساس کنند که بر کار آنها نظارت وجود دارد و در صورت خطا و لغزش، از آنها بازخواست می شود.

در نظام های بشری، بسیار دیده ایم که حتی با وجود حاکمان عادل و قوانین عادلانه، چنان که باید و شاید، عدالت بر جامعه حاکم نشده و ستم در

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ مفاتیح الجنان، دعای عهد.

اشکال گوناگون بر مردم جاری شده است و این همه نبوده است، مگر به یکی از دلایل زیر:

یک _ قرار نگرفتن درست اجزای مختلف حکومت در جای خود؛

دو _ ناآشنایی کارگزاران با وظایف و مسئولیت هایشان؛

سه _ ضعف نظام بازرسی و نظارت.

در حکومت امام مهدی علیه السلام، نظام حکومتی به شیوه ای شکل می گیرد که امکان ستم و بی عدالتی به صفر می رسد. در این حکومت:

یک _ پارساترین و توان مندترین انسان ها به عنوان حکم رانان و کارگزاران برگزیده می شوند؛

دو _ وظایف تک تک آنها بی هیچ کم و کاست تعیین می گردد و حتی به آنها گفته می شود هنگام حیرت و سرگردانی چه کنند؛

سه _ نظارت و بازرسی دقیق و سخت گیرانه بر همه کارگزاران اعمال می شود.

امام صادق علیه السلام در مورد شیوه گزینش کارگزاران حکومتی در عصر ظهور و شیوه ابلاغ وظایف آنها می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: عَهْدَكَ فِي كَفِّكَ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا. (۱)

هنگامی که قائم قیام کند، برای [اداره] هر یک از مناطق جهان، فردی را برمی گزیند و می فرستد و به وی می گوید: پیمان تو به دست توست و اگر به مطلبی برخوردی که آن را نفهمیدی و شیوه قضاوت در موردش را ندانستی، به دست خود نگاه کن و به آنچه در آن است، عمل کن.

۱- کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۴.

در مورد قاطعیت و سخت گیری امام مهدی علیه السلام نسبت به کارگزاران و مجریان متخلف، در روایتی از امام علی علیه السلام چنین می خوانیم:

[قائم ما] قاضیان زشت کار را کنار می گذارد و دست مفسدان را از سرتان کوتاه می کند و حکم رانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می سازد و به عدل رفتار می کند... (۱).

در روایت دیگری، قاطعیت و سازش ناپذیری امام عصر علیه السلام در برابر کارگزاران ناشایست، چنین توصیف شده است: مهدی علیه السلام، بخشنده است. او درباره کارگزاران و مأموران [دولت خویش] بسیار سخت گیر است و با ناتوانان و مستمندان بسیار دل رحم و مهربان. (۲).

۲. جنبه های گوناگون عدالت مهدوی

اشاره

۲. جنبه های گوناگون عدالت مهدوی

عدالت موعود یا به بیان دیگر، عدالتی که وعده تحقق آن در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام داده شده، از نظر دامنه، گستره و ژرفای بی همتاست. درست به همین دلیل است که حکومت های بشری از ایجاد نظام عادلانه ای مشابه آنچه در عصر موعود محقق خواهد شد، عاجزند.

برای درک زوایای مختلف عدالت مهدوی، به بخشی از روایاتی که به توصیف قیام ستم ستیز و عدالت گستر امام مهدی علیه السلام پرداخته اند، نگاهی گذرا خواهیم داشت.

الف) دامنه عدالت موعود

اشاره

الف) دامنه عدالت موعود

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۳.

۲- المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنّة والإمامیه، ج ۱، ص ۲۷۰.

در فرهنگ اسلامی، ستم، معانی و مصداق های متعددی دارد و در آیات و روایات، این کلمه به سه مفهوم به کار رفته است:

یک _ ستم در معنای کفر و شرک نسبت به خدا؛(۱)

دو _ ستم نسبت به خود (گناه و عصیان)؛(۲)

سه _ ستم نسبت به دیگران (ستم و تجاوز). (۳)

امام علی علیه السلام در بیانی بسیار زیبا، معانی متعدد ظلم را این گونه تبیین کرده است:

«أَلَا وَ إِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُعْفَرُ، وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَ ظُلْمٌ مَعْفُورٌ لَا يُطْلَبُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُعْفَرُ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» (۴) وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُعْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهِنَاتِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. (۵)

بدانید که ستم سه گونه است: ستمی که هرگز آمرزیده نشود و ستمی که بازخواست شود و ستمی که بخشوده است و بازخواست نشود. آن ستمی که هرگز آمرزیده نشود، شرک به خداست. خدای تعالی گوید: «مسلمًا خدا، این را که به او شرک ورزیده شود، نمی بخشاید» و ستمی که آمرزیده شود، ستم بنده است به خود به ارتکاب برخی کارهای ناشایست و ستمی که بازخواست می شود، ستم کردن مردم بر یکدیگر است.

۱- قرآن کریم، شرک را ستمی بزرگ برشمرده است: «... إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» سوره لقمان (۳۱، آیه ۱۳) و در جایی دیگر می فرماید: «... وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ وَ كَافِرَانِ خُودِ سَتَمِ كَارَانِد». (سوره بقره (۲)، آیه ۲۵۴).

۲- در آیات متعددی از قرآن، از «ظلم به خود» سخن به میان آمده است که برای نمونه به این موارد می توان اشاره کرد: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ...». سوره فاطر (۳۵، آیه ۳۲)؛ «... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ». (سوره طلاق (۶۵)، آیه ۱)

۳- یکی از آیات قرآن که در آن از ظلم به مردم سخن گفته شده، آیه زیر است: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...». سوره شوری (۴۲، آیه ۴۲)

۴- سوره نساء ۴، آیه ۴۸.

۵- نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، خطبه ۱۷۴، ص ۲۲۸.

همچنان که «ظلم» مفاهیم و مصداق های متعددی دارد، کلمه مقابل آن؛ یعنی «عدل» نیز از نظر معنا و مصداق بسیار گسترده است و حوزه وسیعی را شامل می شود. به بیان دیگر، بر اساس آموزه های دین اسلام، عدالت و عدالت گستری تنها به صحنه زندگی اجتماعی انسان ها و روابط آنها با دیگران محدود نمی شود، بلکه حوزه وسیعی شامل رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با دیگران را دربرمی گیرد. از همین رو، می بینیم در روایات اسلامی، هر زمان که از ستم ستیزی امام مهدی علیه السلام سخن به میان می آید، همه مظاهر ستم مورد توجه قرار می گیرد و بر این نکته تأکید می شود که آن حضرت نه تنها رسم ستم و تجاوز را در روابط انسان ها با یکدیگر برمی اندازد و این روابط را بر محور عدالت سامان می دهد، بلکه با هرگونه کژروی، کج اندیشی و انحراف اخلاقی و اعتقادی مبارزه می کند و رابطه انسان با خود و با خدای خود را نیز به عدالت برمی گرداند.

برای روشن تر شدن آنچه گفته شد، به بررسی برخی از روایت هایی می پردازیم که به توصیف ستم ستیزی و عدالت گستری امام مهدی علیه السلام پرداخته اند تا مشخص شود در هر یک از آنها، کدام معنا از ظلم و کدام مصداق از عدالت قصد شده است:

یک _ عدالت در رابطه انسان با خدا

یک _ عدالت در رابطه انسان با خدا

در برخی از روایات، به معنای نخست ستم؛ یعنی کفر و شرک توجه شده است و قیام عدالت گستر امام مهدی علیه السلام را قیامی تفسیر کرده اند که این نوع ستم را از صحنه روزگار پاک می سازد. روایت زیر از ابوبصیر از آن جمله است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱) فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا أَنْزَلَ تَأْوِيلَهَا بَعْدَ. قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَتَى يُنَزَّلُ؟ قَالَ: حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَ مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فَاقْتُلَهُ قَالَ: فَيُنْحِيهِ اللَّهُ فَيَقْتُلُهُ (۲).

از ابا عبدالله [امام صادق] _ که درود بر او باد _ در مورد این سخن خدای تعالی در کتابش پرسیدم: «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.» آن حضرت در پاسخ فرمود: به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل نشده است. گفتم: فدایت شوم، پس کی نازل می شود؟ فرمود: زمانی که به خواست خدا قائم به پا خیزد. پس هنگامی که قائم قیام کند، هیچ کافر و مشرکی نمی ماند، مگر اینکه از قیام او ناخشنود است. حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ ندا می دهد که: ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من است، او را بکش. فرمود: پس خدا او را آشکار می کند [و آن مؤمن] او را می کشد.

ذیل آیه یاد شده، روایات دیگری نیز وارد شده است که همه آنها دلالت بر این دارند که در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، جهان از همه مظاهر کفر و شرک پیراسته و دین حق بر سراسر گیتی حاکم می شود. (۳)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، معروف به تفسیر القمی، در تفسیر این آیه چنین آمده است:

إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِي يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَلَى الدِّينِ

۱- سوره توبه ۹، آیه ۳۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸.

۳- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۱، صص ۶۰ و ۶۱.

كُلِّهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَ هَذَا مِمَّا ذَكَرْنَا أَنَّ تَأْوِيلَهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ (۱).

این آیه در مورد قائم از آل محمد _ درود خدا بر ایشان باد _ نازل شده است. او آن پیشوایی است که خداوند، او را بر همه ادیان پیروز می گرداند و زمین را از قسط و عدل پر می سازد، همچنان که [پیش از آن] از جور و ستم پر شده بود. این آیه از جمله مواردی است که گفتیم تأویل آن پس از تنزیلش خواهد آمد.

از دیگر روایاتی که در آنها مصداق اول ستم _ البته در معنایی وسیع تر که شامل هرگونه بدعت و باطل نیز می شود _ اراده شده، روایتی است که از امام محمدباقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه وارده شده است:

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲).

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند. فرجام همه کارها از آن خداست.

آن حضرت در تفسیر آیه یاد شده می فرماید:

فَهَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأَثْمَةِ [الآیه] وَ الْمَهْدِيُّ وَ أَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ [بِهِ] [الَّذِينَ] وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْجِدَاعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَيْنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (۳).

این آیه درباره خاندان محمد _ درود خداوند بر آنها باد _ تا آخرین امام [نازل شده] است.

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۰. گفتنی است آنچه در بحار الأنوار از تفسیر یاد شده نقل شده است، اندکی با متن نسخه چاپی این تفسیر تفاوت دارد و آنچه در اینجا آمده، عبارت نقل شده در بحار الأنوار است.

۲- سوره حج ۲۲، آیه ۴۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، صص ۴۷ و ۴۸، ح ۹.

خداوند، مشرق ها و مغرب های زمین را در اختیار مهدی و یاران او قرار می دهد و دین را به دست او آشکار می سازد. خداوند به وسیله مهدی و یارانش، همه [مظاهر] بدعت و باطل را می میراند، همچنان که [پیش از آن] نابخردان حق را میرانده بودند، به گونه ای که ستم در هیچ جا دیده نمی شود و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

دو _ عدالت در رابطه انسان با خود

دو _ عدالت در رابطه انسان با خود

در برخی از روایاتی که به ستم ستیزی امام مهدی علیه السلام پرداخته اند، دومین چهره ظلم؛ یعنی ستم انسان به خود، با همه مظاهر آن مورد توجه قرار گرفته و بر این موضوع تأکید شده است که آن حضرت با هدف گسترش عدالت در جهان، با هرگونه فساد و تباهی و گناه و نافرمانی خدا، مبارزه و زمین را از هرگونه پلیدی پاک می کند:

يُفَرِّجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ. بِهِ يَمَحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَيَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ وَبِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ. (۱)

خداوند به وسیله مهدی برای امت گشایش حاصل می کند. او دل های بندگان را با عبادت پر می کند و عدالتش را بر آنها دامن گستر می سازد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغ گویی را ریشه کن می کند و روزگار سخت و دشوار را برطرف می سازد و طوق ذلت و بردگی را از گردن شما برمی دارد.

در روایت دیگری که از امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، عدالت بر جهان درون انسان ها نیز حاکم می شود و همه به صلاح و رستگاری روی می آورند:

... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا، يُدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ

۱- کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.

إِلَّا آمَنَ، وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَّاعُ. (۱)

... او زمین را از عدل و قسط و نور و برهان پر می کند و طول و عرض جهان برابر او تسلیم می شود. هیچ کافری نمی ماند مگر اینکه ایمان می آورد و هیچ نابکاری نمی ماند، مگر اینکه به صلاح و پرهیزکاری می گراید و در دولت او درندگان نیز از در سازش با یکدیگر درمی آیند.

سه _ عدالت در رابطه انسان با دیگران

سه _ عدالت در رابطه انسان با دیگران

برخی دیگر از روایات به سومین مصداق ظلم؛ یعنی ستم و تجاوز به دیگران توجه کرده و از میان برداشتن همه روابط ظالمانه موجود در جوامع انسانی را یکی دیگر از مظاهر عدل مهدوی برشمرده اند. از جمله در روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده، در توصیف «قائم اهل بیت» چنین آمده است:

يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَيَقْدِسُ بِهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا. (۲)

خداوند به وسیله قائم، جهان را از هرگونه ناروایی، پاکیزه و از هرگونه ستم، پیراسته می سازد... آن گاه که او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود، میزان عدل را در میان مردم برپا می سازد و هیچ کس بر دیگری ستم روا نخواهد داشت.

ب) گستره عدالت موعود

اشاره

ب) گستره عدالت موعود

گستره عدالت موعود را با دو نگاه می توان بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. در نگاه کلان، آنچه مورد توجه قرار می گیرد، فراگیری عدالت آن حضرت و گسترش آن در سراسر کره خاک است و در نگاه جزئی و موردی، علاوه بر جهان شمولی و توسعه عام و فراگیر عدالت موعود، حاکمیت عدالت بر جنبه های مختلف حیات انسان نیز مورد توجه قرار می گیرد. به بیان دیگر، در

٢- بحار الأنوار، ج ٥٢، صص ٣٢١ و٣٢٢، ح ٢٩.

نگاه دوم، حاکمیت عدالت مهدوی بر هر یک از روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی جوامع انسانی، به تفکیک، مطالعه و بررسی می شود. در اینجا تلاش خواهیم کرد گستره عدالت موعود را با توجه به دو نگاه یاد شده، از منظر روایات بررسی کنیم:

یک _ جهان شمولی

یک _ جهان شمولی

از بررسی روایاتی که در زمینه ویژگی های عصر حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام وارد شده است، چنین برمی آید که در آن عصر، جهان با همه وسعتش در دایره حاکمیت عدل مهدوی قرار می گیرد و هیچ جای جهان از حوزه نفوذ عدالت موعود بیرون نمی ماند. از مهم ترین روایت هایی که با توجه به آنها می توان به جهان شمولی عدالت مهدوی پی برد، روایت های متواتری است که از شیعه و اهل سنت، نقل و در آنها تصریح شده است که امام مهدی علیه السلام جهان را پس از آنکه از ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می سازد. پیش از این به چند مورد از این روایات اشاره کردیم. از این رو، از تکرار آنها خودداری می کنیم.

برخی دیگر از روایات که می توان جهان شمولی عدالت مهدوی را از آنها استفاده کرد، روایاتی است که در آنها تصریح شده است با ظهور امام مهدی علیه السلام، همه زمین _ و نه فقط قسمتی از آن _ زنده می شود و حیات دوباره می یابد. این روایات، خود، کنایه از این است که با گسترش عدالت آن حضرت، جهان خسته از ستم که رفته رفته به پیکری بی جان تبدیل شده است، حیات دوباره پیدا می کند و نشاط و سرزندگی خود را باز می یابد. بخشی از این روایات، روایاتی است که در تفسیر آیه شریفه زیر وارد شده

است:

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (۱)

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم؛ باشد که بیندیشید.

در یک نمونه از این روایات که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، چنین می خوانیم:

يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَوْتِهَا. (۲)

خداوند صاحب عزت و جلال، به دست قائم _ درود خدا بر او باد _ زمین را پس از مردنش زنده می سازد.

از ابن عباس نیز در تفسیر این آیه چنین نقل شده است:

يَعْنِي يُصْلِحُ «الْأَرْضَ» بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ «بَعْدِ مَوْتِهَا» يَعْنِي مِنْ بَعْدِ جَوْرِ أَهْلِ مَمْلَكَتِهَا «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ» بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (۳)

[خداوند] به وسیله قائم آل محمد، «زمین را پس از مردنش»؛ یعنی پس از ستم ساکنان آن، آباد و سرزنده می سازد. «به راستی آیات را» به وسیله قائم آل محمد «برای شما روشن گردانیده ایم؛ باشد که بیندیشید».

دو _ همه جانبه نگری

اشاره

دو _ همه جانبه نگری

با ظهور امام مهدی علیه السلام و استقرار حکومت آن حضرت، عدالت بر تمام روابط موجود در جوامع انسانی حاکم می شود و ساحت های مختلف زندگی بشر، رنگ عدل و قسط به خود می گیرد. به بیان دیگر، عدالت مهدوی به عدالت اقتصادی یا عدالت قضایی محدود نمی شود و همه حوزه های

۱- سوره حدید ۵۷، آیه ۱۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۳.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۳، ح ۳۱.

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی را شامل می شود.

اگر چه همه جانبه نگری عدالت موعود را می توان از عموم یا اطلاق روایاتی که بر حاکمیت عدالت و نابودی ستم در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام دلالت می کنند، به دست آورد، ولی برای روشن تر شدن این موضوع، روایت هایی را که ناظر به گسترش عدالت در حوزه های مختلف اجتماعی است، به تفکیک بررسی می کنیم:

اول _ عدالت فرهنگی و آموزشی

اول _ عدالت فرهنگی و آموزشی

یکی از شاخصه های مهم عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و اعتلای فرهنگی و آموزشی برای همه مردم _ صرف نظر از جنس، طبقه یا رنگ و نژاد _ است. در نظام حکومتی امام مهدی علیه السلام، نادانی، بی سواد و کم خردی به طور کلی ریشه کن می شود و همه انسان ها به مقتضای توانایی خود، از بالاترین حد دانش و معرفت برخوردار می شوند. در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، در زمینه رشد و توسعه خردورزی در زمان امام مهدی علیه السلام چنین می خوانیم:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ. (۱)

هنگامی که قائم ما به پا خیزد، خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله، خرد آنها افزایش می یابد و به کمال می رسد.

در روایت دیگری از آن حضرت، در زمینه همگانی شدن دانش و معرفت در عصر حاکمیت امام مهدی علیه السلام چنین آمده است:

... وَ تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّهٖ

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۳۰.

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

... در دوران، او شما از حکمت برخوردار می شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود، برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ [همچون مجتهد با استنباط شخصی] به انجام تکالیف شرعی (۲) خود پردازد.

دوم _ عدالت قضایی

دوم _ عدالت قضایی

در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام، عدالت به تمام معنا در مناسبات حقوقی و قضایی حاکم می شود و داوری و قضاوت میان مردم از هرگونه شایبه، خطا، اشتباه، بی عدالتی و جانب داری پیراسته می گردد که این امر در عادلانه شدن همه روابط اجتماعی و جلوگیری از ستم و تجاوز به حقوق دیگران نقش مهمی خواهد داشت.

در این زمینه نیز روایت های فراوانی وارد شده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در روایت زیر، شیوه قضاوت امام مهدی علیه السلام را به شیوه پیامبرانی چون حضرت داود علیه السلام تشبیه می کند که قضاوت عادلانه و بدون اشتباه آنها در تاریخ مشهور است:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيْنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ... (۳)

-
- ۱- کتاب الغیبه نعمانی، ترجمه: محمدجواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶، باب ۱۳، ص ۳۳۷، ح ۳۰.
 - ۲- برخی از نویسندگان این روایت را این گونه ترجمه کرده اند: «در زمان مهدی علیه السلام، به همه مردم، حکمت و علم پیاموند، تا آنجا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند». محمد حکیمی، عصر زندگی چگونگی آینده انسان و اسلام، چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۱.
 - ۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۶.

زمانی که قائم آل محمد _ درود خدا بر آنها باد _ به پاخیزد، در میان مردم به حکم داود قضاوت خواهد کرد. او به بینه (شاهد) نیازی نخواهد داشت؛ زیرا خدای تعالی، امور را به وی الهام می کند و او بر پایه دانش خود داوری می کند و هر قومی را به آنچه پنهان کرده اند، آگاه می سازد.

بدیهی است قضاوتی که با الهام خداوند صورت گیرد، در آن، هیچ اشتباه و بی عدالتی نخواهد بود. در اینجا چند پرسش مطرح است: نخست اینکه آیا امام مهدی علیه السلام، خود، به تنهایی امر قضا را به عهده خواهد گرفت یا اینکه کسان دیگری را هم برای قضاوت برمی گزیند؟ دوم اینکه اگر امام مهدی علیه السلام، کسان دیگری را هم برای قضاوت میان مردم برمی گزیند، چه تضمینی وجود دارد که آنها دچار اشتباه و خطا یا قضاوت ناعادلانه نشوند؟ در پاسخ به این دو پرسش باید گفت آنچه از روایات استفاده می شود، این است که آن حضرت، تعدادی از یاران خود را برمی گزیند و برای قضاوت به سراسر جهان گسیل می دارد، ولی آنچه مایه در امان بودن آنها از اشتباه و قضاوت ناعادلانه می شود، این است که آنها در بالاترین مراتب پرهیزکاری قرار دارند و در ارتباطی مستقیم با امام خود، حکم همه قضایایی را که در آنها دچار شک و تردید شده اند، دریافت می کنند. در روایتی که پیش از این از امام صادق علیه السلام نقل کردیم، به این موضوع تصریح شده بود. (۱)

سوم _ عدالت اقتصادی

سوم _ عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی، یکی از مهم ترین شاخصه های عدالت اجتماعی است و به جرئت می توان گفت بسیاری از تحولات و نهضت های اجتماعی و سیاسی

۱- ر.ک: کتاب الغیبه نعمانی، باب ۲۱، ص ۴۴۳، ح ۸.

که در طول تاریخ در جوامع مختلف رخ داده، به نوعی با این موضوع مرتبط بوده است. اگر چه سوگ مندانه باید پذیرفت که هر چه انسان ها برای تحقق عدالت اقتصادی بیشتر تلاش کرده اند، کمتر بدان دست یافته اند و جز در دوره های محدودی از زندگی بشر در زمین، عدالت اقتصادی بر جوامع حاکم نبوده است.

نگاهی اجمالی به تاریخ تحولات نظام های سیاسی و اجتماعی نشان می دهد که در گذر زمان، نظام های مختلفی با داعیه برقراری و گسترش عدالت اقتصادی به میدان آمده و پس از چند صباحی حاکمیت و ائتلاف سرمایه های مادی و معنوی ملت ها، صحنه سیاست را ترک کرده اند که نظام های سوسیالیستی، آخرین نمونه از این دست نظام ها هستند.

در دولت امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین دولتی که بر زمین حکومت خواهد کرد، تأمین عدالت اقتصادی، نقش و جایگاه برجسته ای دارد و در روایت های اسلامی نیز بر این جنبه از ابعاد عدالت موعود بسیار تأکید شده است. با نگاهی گذرا به روایات اسلامی، به روشنی می توان دریافت که با استقرار حکومت مهدوی، رفاه اقتصادی همراه با قسط و عدالت بر سراسر جهان حاکم می شود و بشر به آرزوی دیرین خود دست می یابد.

برای به دست آوردن تصویری اجمالی از عدالت و رفاه اقتصادی عصر ظهور، به چند نمونه از روایت هایی که در این زمینه وارد شده است، اشاره می کنیم:

يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ تَنَعُّمًا لَمْ يَتَنَعَّمْ (يَتَنَعَّمُوا) مِثْلَهُ قَطُّ، الْبِرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ. يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا
وَلَا تَحْبِسُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا، وَيَكُونُ الْمَالُ كَدُوسًا، يَأْتِيهِ

الرَّجُلُ فَيَسْأَلُهُ فَيَجِئِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ. (۱)

مهدی در امت من است... امت من، [اعم از] نیکان و بدان آنها، در عصر او به چنان رفاه و آسایشی دست می یابند که هرگز مانند آن سابقه نداشته است. آسمان بر آنها بارش فراوان می فرستد و زمین، گیاهانش را از آنها دریغ نمی دارد. در آن زمان، مال و ثروت چون خرمن بر هم انباشته می شود. مردی پیش آن حضرت می آید و از او درخواست [کمک] می کند. ایشان هم به مقداری که آن مرد می تواند با خود بردارد، در لباسش می ریزد.

امام محمد باقر علیه السلام نیز عدالت اقتصادی دوران ظهور را چنین توصیف می کند:

... فَإِنَّهُ يَفْسِمُ بِالسَّوِيِّ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبُرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ. (۲)

... او مال و ثروت را به مساوات [بین مردم]، تقسیم و در میان آفریدگان [خدای] رحمان، [اعم از] نیکان و بدان آنها، عدالت برقرار می کند.

آن حضرت در روایتی دیگر در بیان رفاه عمومی و برابری اقتصادی که در عصر حاکمیت حضرت قائم علیه السلام ایجاد می شود، می فرماید:

... وَ يُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَزُرُّهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُخْتَاَجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمُحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا، فَيَصْرُفُونَهَا وَ يَدُورُونَ فِي دَوْرِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِيَّاهُمْ، فَيَقُولُونَ: لَاحَاجَةٌ لَنَا فِي دِرَاهِمِكُمْ،... وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيَقَالُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ، وَ رَكَبْتُمْ فِيهِ الْمُحَارِمَ. فَيُعْطَى عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹، ح ۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۱۲.

... او بخشش هایش را دو بار در سال بر مردم ارزانی می دارد و در هر ماه دوبار به آنها روزی می دهد. او میان مردم چنان برابری ایجاد می کند که هیچ نیازمند زکاتی یافت نمی شود. صاحبان زکات با زکات های خود به سوی مستمندان از شیعیان او روی می آورند، ولی آنها از پذیرش زکات خودداری می کنند. پس صاحبان زکات، زکاتشان را در همیان می گذارند و در خانه های مستمندان می گردانند و به آنها عرضه می کنند، ولی آنها می گویند: ما را نیازی به درهم های شما نیست... همه اموال اهل دنیا، چه [آنها که] از دل زمین [به دست می آید] و [چه آنها که] از روی زمین [حاصل می شود]، نزد او جمع می شود. پس او به مردم می گوید: بیایید به سوی آنچه در راه [به دست آوردن] آن، پیوندهای خویشی را گسستید، به ناحق خون ریختید و به محارم دست یازیدید. پس او چنان بخششی به مردم ارزانی می کند که پیش از آن هیچ کس ارزانی نداشته است.

نکته مهمی که از این روایات و برخی دیگر از روایات به دست می آید، این است که در زمان امام مهدی علیه السلام، مردم علاوه بر بی نیازی ظاهری که بر اثر گسترش رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت ها بدان دست می یابند، از نظر باطنی نیز به بی نیازی می رسند و روحیه زیاده خواهی و زیاده طلبی در آنها از میان می رود، تا آنجا که از پذیرش مال و ثروتی که احساس می کنند نیازی بدان ندارند، خودداری می کنند. روایت زیر که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است، این نکته را به روشنی بیان می کند:

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ، حَتَّى يَقُولَ الْمَهْدِيُّ: مَنْ يُرِيدُ الْمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا وَاحِدٌ يَقُولُ أَنَا. فَيَقُولُ: أَحْتِ فَيُحْتِي فَيَحْتَمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا أَتَى أَقْصَى النَّاسِ. قَالَ: أَلَا أَرَانِي شَرَّ مَنْ هَاهُنَا، فَيَرْجِعُ فَيُرَدُّهُ إِلَيْهِ، فَيَقُولُ: خُذْ مَالَكَ، لِحَاجَةٍ لِي فِيهِ. (۱)

هنگامی که مهدی ظهور کند، خداوند تعالی، بی نیازی را در دل های بندگان جای گزین

می سازد، تا آنجا که وقتی مهدی می گوید: چه کسی مال و دارایی می خواهد؟ جز یک نفر هیچ کس به سوی او نمی آید. پس او می گوید: [هرچه خواهی] بگیر. آن مرد هم مقداری مال برمی گیرد و بر دوش خود می گذارد، می رود، تا آنجا که به دورترین مردم می رسد. در این وقت می گوید: آیا من از این مردم هم بدترم. پس باز می گردد و آن مال را به مهدی برمی گرداند و می گوید: مالت را بگیر. نیازی به آن ندارم.

ج) ژرفای عدالت موعود

ج) ژرفای عدالت موعود

عدالت مهدوی نه تنها نمودهای مختلف روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد و روابط فرهنگی، آموزشی، حقوقی، قضایی و اقتصادی جوامع انسانی را عادلانه می سازد، بلکه بر روابط فردی مردم نیز اثر می گذارد و تا اندرونی ترین و شخصی ترین روابط مردم نیز نفوذ می کند؛ کاری که از عهده هیچ نظام سیاسی، اجتماعی ساخته نیست. امام صادق علیه السلام در توصیف عدالت قائم آل محمد علیه السلام می فرماید:

... أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخِلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ. (۱)

... به خدا سوگند، او عدالتش را تا آخرین زوایای خانه های مردم وارد می کند، همچنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود.

بر اساس این روایت می توان گفت در زمان امام مهدی علیه السلام، روابط خانوادگی اعم از روابط زن و شوهر، روابط پدر و مادر و فرزندان و روابط دیگر خویشان و بستگان با یکدیگر بر پایه عدالت سامان می یابد و هرگونه ستم، تجاوز، بی عدالتی و تضییع حقوق از نهاد خانواده، به عنوان اساسی ترین رکن اجتماع، رخت برمی بندد. در چنین شرایطی، همه آسیب ها و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱.

نابسامانی های اجتماعی که بر اثر نبود روابط عادلانه و انسانی در کانون خانواده ها به وجود می آید، از بین می رود.

(د) اهداف عدالت موعود

(د) اهداف عدالت موعود

از مجموعه آنچه تا کنون گفته شد، به تصویر جامعی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عصر ظهور دست می یابیم و بر ما روشن می شود که عدالت موعود چگونه جوامع انسانی را متحول می کند و زمینه رشد و کمال معنوی انسان ها را فراهم می سازد. به بیان دیگر، عدالت موعود، همه ابعاد وجود آدمی را هدف قرار می دهد و چون میزانی دقیق، زندگی مادی و معنوی انسان ها را به اعتدال می کشاند.

عدالت مهدوی _ چنان که در کلام پیامبر گرامی اسلام نیز بر آن تأکید شده است _ انسانی را که در پس قرون، از اصل خود، دور و در حجاب های ظلمانی غوطه ور شده بود، با حقیقت خویش آشنا می کند و به اصل خود برمی گرداند:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلَةُ [إِلَى] يَغْسُو بِهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ. (۱)

امت مهدی به سوی او پناه می برند، چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می آورند. او زمین را از عدالت پر می سازد، همچنان که از ستم انباشته شده بود؛ تا مردم آن گونه شوند که در آغاز [آفرینش] بودند.

با این بیان می توان گفت در فرهنگ مهدوی، عدالت، مظهر همه خوبی ها و ستم، نماد همه بدی هاست. از این رو، عدالت، جامع همه هدف هایی است

۱- الفتن، ص ۲۲۲؛ معجم أحادیث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۳۰.

که می توان برای انقلاب رهایی بخشی امام مهدی علیه السلام تصور کرد. به همین دلیل، می بینیم در روایات، بیش از هر چیز بر عدالت گستری و ستم ستیزی آن حضرت تأکید شده است.

فصل سوم: رجعت؛ بازگشت به دنیا در عصر ظهور

اشاره

فصل سوم: رجعت؛ بازگشت به دنیا در عصر ظهور

به اعتقاد شیعیان، پیش از برپایی قیامت کبرا و هم زمان با ظهور امام مهدی علیه السلام، گروهی از مؤمنان و پرهیزکاران پاک سرشت و جمعی از کافران و منافقان زشت طینت، پس از مرگ زنده می شوند و بار دیگر به دنیا باز می گردند تا سرانجام اعمال نیک و بد خود را دریابند و حاکمیت نهایی دولت حق را مشاهده کنند. در آموزه های شیعی از این رویداد با عنوان «رَجَعَت» یاد می شود.

از آنجا که این رویداد بزرگ از رویدادهای مرتبط با ظهور امام مهدی علیه السلام و استقرار دولت مهدوی است، در این فصل به اختصار به بررسی معنا و مفهوم و ویژگی های رجعت، دلایل و مستندات آن و جایگاه این موضوع در قرآن و روایات می پردازیم.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی رجعت

۱. معنای لغوی و اصطلاحی رجعت

«رجعت» از نظر لغوی، مصدر «مرّه»^(۱) از ماده «رجوع» و به معنای «یک بار

۱- در علم صرف مصدر انواع مختلفی دارد که یکی از آنها مصدر «مرّه» است که برای بیان وقوع یک بار فعل به کار می رود. در زبان عربی وقتی گفته می شود «جَلَسْتُ جَلْسَةً» یعنی یک بار نشستم.

بازگشت» است. (۱) این واژه در علوم مختلفی همچون فقه، کلام، عرفان، نجوم و جامعه‌شناسی به کار می‌رود و در هر علمی، معنای خاص خود را دارد. (۲) در اصطلاح اهل کلام، رجعت به معنای بازگشت به دنیا پس از مرگ و پیش از رستاخیز است که این، همان معنای مورد نظر ماست.

گفتنی است، برخی اهل لغت نیز رجعت را به بازگشت دنیا پس از مرگ معنا کرده‌اند. (۳)

شیخ مفید رحمه الله در تعریف این اصطلاح کلامی می‌نویسد:

خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که در گذشته بودند، به دنیا باز می‌گرداند و گروهی را عزیز و گروهی را خوار می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل و ستم دیدگان از اهل حق را بر ستمگران چیره می‌گرداند. این رویداد در هنگام قیام مهدی آل محمد _ بر ایشان درود باد _ رخ خواهد داد. (۴)

دیگر دانشمندان شیعه نیز در کتاب‌های خود تعاریفی مشابه، از این واژه ارائه داده‌اند. (۵) از تعریف یادشده چند نکته به دست می‌آید:

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۸، ص ۱۱۴؛ أقرب الموارد، ج ۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۲- ر.ک: محمد رضا ضمیری، رجعت یا بازگشت به جهان: بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲.

۳- ر.ک: الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۳، ص ۱۲۱۶؛ مجدالدین الفیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا]، ج ۳، ص ۲۸؛ محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱۱، ص ۱۵۲.

۴- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، مندرج در مجموعه مصنفات الشیخ المفید، ج ۴، صص ۷۸ و ۷۹.

۵- ر.ک: سید مرتضی علم الهدی، جوابات المسائل الرازیه، مندرج در مجموعه رسائل الشریف المرتضی، چاپ اول: قم، دارالقرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه: احمد جنتی، قم، مطبعه العلمیه، بی تا، صص ۲۹ و ۳۰، ۲۳۵ و ۲۳۶؛ محمدرضا مظفر، عقاید الإمامیه، ترجمه: علی رضا مسجد جامعی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴.

الف) رجعت کنندگان با همان بدن مادی و به همان صورتی که پیش از آن داشتند، به دنیا برمی گردند؛

ب) رجعت، عمومی نیست و تنها گروهی از مردگان چه اهل حق و چه از اهل باطل، رجعت خواهند کرد؛

ج) رجعت، در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام رخ می دهد؛

د) فلسفه رجعت، عزیز گردانیدن اهل حق و خوار کردن اهل باطل و چیره ساختن ستم دیدگان بر ستمگران است.

درباره این نکات در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

باید دانست که در ادبیات عرب و در متون روایات، ادعیه و زیارت، از رجعت با تعبیری چون «کزه»^(۱) و «ایاب»^(۲) _ به معنای بازگشت _ نیز یاد شده است.

۲. جایگاه رجعت در آموزه های شیعی

۲. جایگاه رجعت در آموزه های شیعی

همه دانشوران بزرگ شیعه، اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان امامان معصوم علیهم السلام بر شمرده و پیروی از مذهب تشیع و اعتقاد به رجعت را ملازم یکدیگر دانسته اند.

۱- ر.ک: الصحاح، ج ۲، ص ۸۰۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۴۹، ح ۳۴.

۲- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۰؛ ص ۹۴، ح ۱۰۵.

در اینجا برای روشن تر شدن موضوع به عبارت های چند تن از بزرگان علمای شیعه به عنوان نمونه اشاره می کنیم.

شیخ صدوق در کتاب الإعتقادات در این زمینه می نویسد: «عقیده ما درباره رجعت این است که آن حق است [و قطعاً به وقوع می پیوندد]...» ایشان پس از بیان شواهد قرآنی متعددی درباره رجعت می نویسد:

رجعت در امت های پیشین هم وجود داشته است. پیامبر اسلام _ درود و سلام خدا بر او باد _ فرمود: «همه آنچه در امت های پیشین رخ داده است، بی هیچ کم و کاست و با کمترین تفاوت در این امت هم رخ می دهد...». بنا بر این اصل، در این امت هم رجعت رخ خواهد داد. (۱)

شیخ مفید رحمه الله نیز در پاسخ پرسشی درباره رجعت می نویسد:

این موضوع [اعتقادی] از ویژگی های خاندان محمد صلی الله علیه و آله است و قرآن نیز بر آن گواهی می دهد. (۲)

شیخ طوسی رحمه الله پس از بیان موضوع رجعت می نویسد:

روایات متواتر و آیات [قرآن] بر این موضوع دلالت دارند و خداوند تعالی می فرماید: «و آن روزی که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم.» (۳) پس اعتقاد به رجعت واجب است. (۴)

سید مرتضی رحمه الله در پاسخ کسانی که درباره حقیقت رجعت از ایشان پرسیده بودند، پس از بیان مفهوم رجعت درباره دلایل و مستندات آن می گوید:

راه اثبات آن، اجماع امامیه بر وقوع این رویداد است. آنها در این زمینه هیچ

۱- الإعتقادات، مندرج در مجموعه مصنفات الشيخ المفید، ج ۵، صص ۶۰ _ ۶۲.

۲- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، المسائل السرویه، مندرج در مجموعه مصنفات الشيخ المفید، ج ۷، ص ۳۲.

۳- سوره نمل، ۲۷، آیه ۸۳.

۴- محمد بن حسن طوسی شیخ طوسی، رساله العقاید الجعفریه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۲۵۰.

اختلافی ندارند. (۱)

شیخ حر عاملی رحمه الله در کتاب خود، اجماع طایفه امامیه را یکی از دوازده دلیل درستی رجعت دانسته است و در بیان یکی از مؤیدات این اجماع می نویسد:

یکی دیگر از اموری که دلالت بر این اجماع می کند، فزونی نویسندگانی است که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های مستقل یا غیرمستقل گرد آورده اند... که تعداد آنها از هفتاد کتاب تجاوز می کند، کتاب هایی که علمای بزرگ امامیه، همچون ثقه الاسلام کلینی، رئیس محدثان ابن بابویه، رئیس طایفه [امامیه]، ابوجعفر طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشی، عیاشی، علی بن ابراهیم، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراجکی، نعمانی و... آنها را تألیف کرده اند. (۲)

علامه مجلسی رحمه الله بیش از پنجاه تن از عالمان شیعه را نام می برد که اصل رجعت را پذیرفته و روایات مربوط به آن را در کتاب های خود آورده اند. (۳)

ایشان در این باره می نویسد:

[اعتقاد به] رجعت در تمام دوره ها مورد اجماع شیعه و مانند خورشیدی که در میانه روز می درخشد، در میان آنها مشهور بوده است، تا آنجا که این موضوع را در اشعار خود می آوردند و به این موضوع در برابر مخالفان خود در همه مناطق استدلال می کردند. مخالفان شیعه نیز همواره به خاطر این موضوع بر آنها خرده می گرفتند. (۴)

با توجه به عبارت های یادشده، قاطعانه می توان گفت موضوع رجعت از

۱- جوابات المسائل الرازیه، مندرج در مجموعه رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲- الإیقاظ من الهجعه، ص ۴۵.

۳- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، صص ۱۲۲ _ ۱۴۴.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

دیدگاه عالمان بزرگ شیعه، امری مسلم و قطعی بوده و در همه ادوار تاریخ شیعه، بر اعتقاد به رجعت به عنوان یکی آموزه های تردیدناپذیر مکتب اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است. (۱)

البته باید توجه داشت که اعتقاد به رجعت یکی از اصول دین و در مرتبه اعتقاد به توحید، نبوت و معاد نیست، بلکه یکی از ضروریات مذهب تشیع است. (۲)

۳. رجعت در کتاب های اهل سنت

۳. رجعت در کتاب های اهل سنت

برخلاف شیعیان، اهل سنت به رجعت _ به معنای یاد شده _ اعتقاد ندارند و اساساً منکر این موضوع هستند. این در حالی است که آنها در کتاب های خود روایات زیادی را در مورد زنده شدن مردگان به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غیر ایشان نقل کرده اند.

«در کتاب های اهل سنت مطلب قابل توجهی درباره رجعت _ به ویژه به معنایی که در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام آمده است _ وجود ندارد. مگر در مقام بیان آرای شیعیان در این موضوع و خرده گرفتن بر آنها. البته ایشان روایاتی را که درباره بازگشت مردگان به زندگی دنیاست، نقل کرده و این گونه روایات را منکر نشده اند، بلکه آنها را جزو معجزه ها و کرامت ها دانسته اند. ابن ابی دنیا ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید بن سفیان اموی قرشی

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه سیر اعتقاد به رجعت از دوران پیدایش تا عصر غیبت کبرا. ر.ک: رجعت یا بازگشت به جهان، صص ۳۱ _ ۴۲.

۲- ر.ک: الرجعه أو العود إلى الحياه الدنيا بعد الموت، چاپ اول: قم، مرکز الرساله، ۱۴۱۸ ه. ق، صص ۵۶ و ۵۷.

(در گذشته به سال ۲۸۱ ه. ق) کتابی در این زمینه با عنوان من عاش بعد الموت (کسانی که بعد از مرگ زنده شدند) تألیف کرده است که در سال ۱۹۸۷ م. همراه با تحقیق از سوی دارالکتب العلمیه بیروت منتشر شده است.

ابونعیم اصفهانی در الدلائل و سیوطی در الخصائص بابی را به معجزات پیامبر خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ در زنده کردن مردگان، اختصاص داده اند. ماوردی و قاضی عیاض نیز برخی معجزات آن حضرت در زنده کردن مردگان را روایت کرده اند. همچنین سیوطی کرامت هایی را در زمینه زنده کردن مردگان از غیر پیامبر نقل کرده است» (۱).

«اعتقاد به رجعت، نزد اهل سنت امری زشت و ناپسند تلقی می شود و مؤلفان کتاب های رجال حدیث این طائفه، اعتقاد به این موضوع را از جمله اموری دانسته اند که موجب خدشه دار شدن شخصیت راوی و پذیرفته نشدن روایات او می گردد. عالمان جرح و تعدیل آنها پیوسته کسانی از بزرگان راویان و محدثان شیعه را که راهی برای خدشه در راستگویی، پرهیزکاری و امانتداری آنها نیافته اند، با این جمله که او اعتقاد به رجعت دارد، رد کرده اند. برای نمونه می توان به جابر بن یزید جعفی اشاره کرد که بیشتر عالمان جرح و تعدیل اهل سنت او را راستگو و مورد اعتماد در حدیث دانسته اند، با این حال برخی علمای اهل سنت، او را به دلیل اعتقاد به رجعت، متهم به دروغ گویی کرده و دیگران را از نوشتن حدیث او برحذر داشته اند» (۲).

۱- الرجعه أو العود إلى الحياة الدنيا بعد الموت، چاپ اول: قم، مرکز الرساله، ۱۴۱۸ ه. ق، صص ۶۵ و ۶۶.

۲- الرجعه أو العود إلى الحياة الدنيا بعد الموت، چاپ اول: قم، مرکز الرساله، ۱۴۱۸ ه. ق، صص ۷۰ و ۷۲ با اندکی تلخیص.

۴. رجعت در آثار اسلامی

۴. رجعت در آثار اسلامی

با توجه به جایگاه برجسته رجعت در آموزه های شیعه، عالمان و محدثان این مذهب از دیرباز به این موضوع توجهی ویژه داشته و کتاب ها و رساله های متعددی در این زمینه تألیف کرده اند که متأسفانه بسیاری از آنها در گذر زمان از بین رفته و تنها نامی از آنها در کتاب های رجال و فهرست باقی مانده است.^(۱)

شیخ آغا بزرگ تهرانی در کتاب خود سی کتاب را که در ادوار مختلف، در زمینه رجعت نوشته شده اند، معرفی کرده است.^(۲)

برخی از مهم ترین کتاب های نوشته شده در زمینه رجعت که منتشر شده و اکنون در اختیار ماست عبارتند از:

الف) الرجعه، اثر میرزا محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرآبادی (شهید به مکه در سال ۱۰۸۸ ه. ق)، تحقیق: فارس حسون کریم، چاپ دوم: قم، انوارالهدی، ۱۴۱۷ ه. ق. در این کتاب پس از مقدمه ای کوتاه در زمینه لزوم رجوع به امامان در همه امور و تسلیم شدن در برابر آنها، بیش از صد روایت در زمینه موضوع رجعت آمده است.

ب) الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه^(۳)، شیخ محمد بن حسن حرّعاملی (م)

۱- ر.ک: الرجعه أو العود إلى الحياه الدنيا بعد الموت، چاپ اول: قم، مرکز الرساله، ۱۴۱۸ ه. ق، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- ر.ک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، صص ۹۱ - ۹۵؛ ج ۷، ص ۱۱۶؛ ج ۱۰، صص ۱۶۱ - ۱۶۳ و ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۳- معادل فارسی نام کتاب چنین است: بیدار کردن از خواب با استدلال بر رجعت.

۱۱۰۴ ه. ق) تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه: احمد جنتی، قم، مطبعه العلمیه، [بی تا].

در این کتاب که در سال ۱۰۷۵ ه. ق تألیف شده است، بیش از ۱۷۰ روایت، ده ها آیه و دلایل و قرائن دیگر برای اثبات رجعت اقامه شده است.

ج) رجعت، محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ه. ق)، با مقدمه و تصحیح و حواشی ابوذر بیدار، چاپ دوم: تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۰.

در این کتاب که به زبان فارسی نگاشته شده است، چهارده روایت در زمینه ظهور امام مهدی علیه السلام و موضوع رجعت، ارائه شده است.

گفتنی است، علامه مجلسی رحمه الله در کتاب بحار الأنوار نیز به تفصیل به موضوع رجعت پرداخته و حدود دویست روایت در این زمینه نقل کرده است. (۱)

د) الشیعه و الرجعه: کتاب علمی، تاریخی، ادبی، اخلاقی يتضمن فيه بحثاً تحليلياً تحقيقاً عن الرجعه مفصلاً، محمد رضا طبسی نجفی (م ۱۴۰۵ ه. ق)، چاپ اول: نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۵ ه. ق.

در این کتاب که در سال ۱۳۷۵ ه. ق تألیف شده است، پس از بیان مباحث مقدماتی، در ضمن چند فصل، جایگاه رجعت در قرآن، ادعیه، زیارات، اجماع فقها و کلمات بزرگان بررسی شده است.

در نخستین فصل این کتاب، ۱۷۴ آیه که در روایات، به موضوع رجعت تأویل یا تفسیر شده اند، به همراه روایات مربوط ارائه شده است.

۵. رجعت در قرآن

اشاره

۵. رجعت در قرآن

دلایل قرآنی رجعت را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، آیاتی که بر وقوع رجعت (به معنای بازگشت مردگان به دنیا) در امت های پیشین دلالت می کنند. از این قبیل آیات می توان دریافت که بازگشت مردگان به دنیا، امری است ممکن و قابل قبول که با سنت های الهی مخالفت ندارد. دوم، آیاتی که بر وقوع رجعت (به معنای خاص آن) در آخرالزمان دلالت می کنند. در اینجا برای روشن شدن موضوع به نمونه هایی از هر یک از این دو دسته اشاره می کنیم:

الف) آیات ثابت کننده امکان رجعت

اشاره

الف) آیات ثابت کننده امکان رجعت

آیات فراوانی از قرآن به نقل مواردی از زنده شدن مردگان در امت های پیشین می پردازند. هدف از آوردن این آیات، چیزی جز اثبات امکان بازگشت به جهان مادی و وقوع آن در امت های گذشته نیست. البته میان رجعت به مفهومی که شیعه به آن معتقد است و رجعتی که در این آیات به آن اشاره شده است، تفاوت های زیادی وجود دارد که در بررسی روایات مربوط به رجعت به آنها اشاره خواهیم کرد. به بیان دیگر، آیاتی که بازگشت افرادی از امت های گذشته را به دنیا اثبات می کنند، گویای آن است که رجعت محال نیست و به صورت کم رنگ، در امت های پیشین وجود داشته است و بنابراین، معتقدان به رجعت، سخن عجیب و غریبی نگفته اند. (۱)

۱- حسن طارمی، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، چاپ نهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۲.

تعدادی از این آیات به شرح زیر است:

یک_ زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل

یک_ زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل

قرآن کریم، ماجرای مرگ و زنده شدن گروهی از امت موسی علیه السلام را چنین بیان می کند:

وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّيَاعِقُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (۱)

و چون گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، پس در حالی که می نگرستید، صاعقه شما را فروگرفت. سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که شکرگزاری کنید.

امام رضا علیه السلام ذیل آیه یاد شده می فرماید:

چون خداوند با موسی سخن گفت، موسی به سوی قوم خود رفت و واقعه را خبر داد. آنها گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا سخن خدا را بشنویم. حضرت موسی علیه السلام از آن جمعیت هفتصد هزار نفری، هفتاد هزار نفر و از آنان، هفت هزار و از آنان، هفتصد و از آنان، هفتاد نفر انتخاب کرد و با خود به کوه طور برد. چون آنها کلام خدا را شنیدند، گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم. پس خداوند صاعقه ای فرستاد و در اثر ستمشان از صاعقه مردند. موسی عرض کرد: خداوندا! اگر قوم، مرا متهم کند که تو چون به دروغ دعوی پیامبری می کردی، اینان را بردی و کشتی، جواب آنان را چه بگویم؟ پس خداوند دوباره ایشان را زنده کرد و همراه او فرستاد. (۲)

بررسی کتاب های تفسیر، گویای آن است که همه نویسندگان تفاسیر

۱- سوره بقره ۲ آیه ۵۵ و ۵۶.

۲- محمد بن علی بن حسین شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۱، ص ۲۵۴.

هم گام با مفسران نخستین قرآن مانند قتاده، اکرمه، سدی، مجاهد و ابن عباس بر این نظر اتفاق دارند که هفتاد تن از افراد قوم بنی اسرائیل بر اثر صاعقه ای آسمانی جان خود را از دست دادند و خدا بر ایشان مرحمت فرمود و برای دومین بار آنان را به دنیا بازگرداند. (۱)

در این میان، تنها یکی از مفسران معاصر را می بینیم که در کتاب تفسیر خود به توجیه آیه پرداخته و برخلاف نظر همه مفسران بزرگ شیعه و سنی گفته است: «مراد از برانگیختن در این آیه، گسترش نسل کسانی است که در اثر صاعقه مردند؛ زیرا گمان می رفت به سبب این مرگ، نسل ایشان نیز منقطع گردد». (۲)

روشن است که این سخن نوعی تفسیر به رأی بیش نیست و هیچ مؤیدی از قرآن و روایات ندارد. افزون بر اینکه هیچ آشنا به زبان عربی، «برانگیخته شدن پس از مرگ» را این گونه معنا نکرده است.

دو_ زنده شدن کشته بنی اسرائیل

دو_ زنده شدن کشته بنی اسرائیل

داستان زنده شدن کشته بنی اسرائیل، یکی دیگر از مصداق های رجعت در امت های پیشین است. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارْتُمْ فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَعَلْنَا اضْرِبُوهُ بِيَعْضِهَا كَذَلِكَ

۱- ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲ - ۱، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ حسین بن علی بن محمد ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۹۵ - ۲۹۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۲؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۸؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱، ص ۱۷۰؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۱، صص ۳۲۸ - ۳۳۲؛ جار الله زمخشری، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۱، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲.

يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (۱)

و چون شخصی را کشتید و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا آنچه را کتمان می کردید، آشکار گردانید، پس فرمودیم: «پاره ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید [تا زنده شود]. این گونه خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند؛ باشد که بیندیشید.

شیخ صدوق روایتی را از امام رضا علیه السلام ذیل این آیه نقل کرده است که به روشنی نشان می دهد مراد از این آیه، زنده شدن کشته بنی اسرائیل است:

یک نفر از بنی اسرائیل، یکی از خویشانش را کشت و جسدش را بر سر راه محترم ترین قبیله بنی اسرائیل انداخت. پس آمد خون بهای وی را مطالبه کرد و به حضرت موسی گفت: فلان قبیله، فلان کس را کشته اند. قاتل او کیست؟ موسی دستور داد گاوای بیاورید، گفتند: ما را مسخره کرده ای؟ گفت: به خدا پناه می برم که از جاهلان باشم. اگر بدون ایراد و گفت و گو گاوای آورده بودند، کفایت می کرد، اما سخت گیری کردند و خدا هم بر آنان سخت گرفت... سرانجام گاو را خریدند و آوردند. موسی دستور داد سرش را بریدند و دمش را به کشته زدند، فوراً زنده شد و گفت: ای پیغمبر خدا پسر عمویم مرا کشت، نه آنان که متهمشان کرده اند. (۲)

در میان مفسران بزرگ شیعه و سنی درباره مفهوم این آیات، هیچ اختلاف نظر اساسی وجود ندارد و همه آنها گفته اند پس از آنکه قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند، او زنده شد، قاتل خود را نام برد و دوباره از دنیا رفت. (۳)

۱- سوره بقره ۲، آیه ۷۲ و ۷۳.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴.

۳- ر.ک: الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۹۲؛ تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۴۰۲؛ تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۱۵۵؛ مجمع البیان، ج ۱ - ۲، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

تنها موضوع محل اختلاف در این آیات، منظور از کلمه «بعض» است و دقیقاً معلوم نیست که کدام عضو گاو را با چه بخشی از بدن مقتول تماس دادند. (۱)

گفتنی است مفسری که پیش از این از او یاد شد، در مورد این آیه هم، تفسیری شگفت انگیز ارائه داده و ادعایی کرده است که با هیچ یک از موازین تفسیر انطباق ندارد. (۲)

سه _ زنده شدن دوباره هزاران نفر

سه _ زنده شدن دوباره هزاران نفر

قرآن کریم حکایت قومی را نقل می کند که از ترس مرگ، خانه های خود را ترک کردند، ولی مرگ به سراغشان آمد و همه آنها از دنیا رفتند. سپس به اذن خدا بار دیگر زنده شدند تا نشانه ای بر قدرت پروردگار باشند:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. (۳)

آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن به مرگ بسپارید.» آن گاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس گذاری نمی کنند.

از امام صادق علیه السلام ذیل این آیه چنین روایت شده است:

خداوند قومی را که تعدادی بی شمار بودند (۴) و برای فرار از طاعون از شهر و دیار خود خارج شده بودند، برای مدت زمانی طولانی گرفتار مرگ ساخت،

۱- ر.ک: تفسیر الطبری، ج ۱، صص ۴۰۲ _ ۴۰۴.

۲- ر.ک: تفسیر القرآن الحکیم تفسیر المنار، ج ۱، صص ۳۴۷ _ ۳۵۱.

۳- سوره بقره ۲، آیه ۲۴۳.

۴- در میان مفسران در مورد تعداد جمعیت این قوم اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آنها را سه هزار نفر، برخی هشت هزار نفر، برخی ده هزار نفر، برخی سی هزار نفر، برخی چهل هزار نفر و برخی هفتاد هزار نفر ذکر کرده اند ولی قدر مسلم آن است که آنها از ده هزار نفر بیشتر بودند. ر.ک: مجمع البیان، ج ۲ _ ۱، ص ۳۴۶.

تا آنجا که استخوان های آنها پوسید، بند بند آنها از هم جدا شد و به طور کلی تبدیل به خاک شدند. آن گاه خداوند در زمانی که می خواست آفریدگانش را زنده ببیند، پیامبری به نام حزقیل را برانگیخت. این پیامبر آن قوم را فرا خواند؛ پس بدن های [متلاشی شده] آنها جمع شد؛ جان ها به بدن ها بازگشت و به همان هیئتی که از دنیا رفته بودند، به پا خاستند، بی آنکه حتی یک نفر از میان آن جمع کم شده باشد و پس از آن، مدتی طولانی زندگی کردند. (۱)

همه مفسران شیعه و سنی نیز با اندک اختلافی همین مطلب را در ذیل آیه یاد شده ذکر کرده اند. (۲)

در برخی دیگر از آیات قرآن نیز به مواردی از زنده شدن مردگان و بازگشت آنها به دنیا اشاره شده است که زنده شدن عَزِیر، صد سال پس از مرگ (۳) و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی علیه السلام (۴) از آن جمله است.

(ب) آیات بیان کننده وقوع رجعت

(ب) آیات بیان کننده وقوع رجعت

پیشوایان معصوم دین علیهم السلام، آیات فراوانی از قرآن کریم را به وقوع رجعت در آخرالزمان تفسیر و تأویل کرده اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

یک _ معروف ترین آیه ای که به آن بر وقوع رجعت استدلال شده، آیه زیر است:

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۲ به نقل از: الإحتجاج.

۲- ر.ک: الدر المنثور، ج ۱، صص ۷۴۱ - ۷۴۴؛ تفسیر الطبری، ج ۲، صص ۶۰۰ - ۶۰۵؛ تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۲۸۶؛ مجمع البیان، ج ۲ - ۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۲۸۰ - ۲۸۲.

۳- ر.ک: سوره بقره ۲، آیه ۲۵۹.

۴- ر.ک: سوره آل عمران ۳، آیه ۴۹.

و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ. (۱)

و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم، پس آنان نگاه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند.

از امام صادق علیه السلام ذیل آیه یاد شده چنین روایت شده است:

سُئِلَ الْإِمَامُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ «و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ: إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْحَشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَتْرُكُ الْبَاقِينَ؟ إِنَّمَا ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ فَأَمَّا آيَةُ الْقِيَامَةِ فَهَذِهِ «وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (۲) و (۳)

از امام ابو عبدالله [جعفر بن محمد صادق] علیه السلام درباره این سخن خدا: «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم»، پرسیده شد. آن حضرت فرمود: «مردم درباره آن چه می گویند؟» گفتم: «می گویند این آیه درباره قیامت است» سپس ابو عبدالله علیه السلام فرمود: «آیا خدای تعالی در روز قیامت، از هر امتی گروهی را محشور و بقیه آنها را رها می کند؟ [این گونه نیست] این آیه قطعاً درباره رجعت است. اما آیه قیامت این آیه است: «و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی کنیم».

بیشتر مفسران شیعه نیز به هنگام بحث از این آیه، با همین استدلال، آن را به رجعت و بازگشت به دنیا پیش از قیامت مربوط دانسته اند. علامه طبرسی در این زمینه می نویسد:

کسانی از امامیه که به رجعت عقیده دارند، با این آیه بر درستی اعتقاد خود استدلال کرده و گفته اند: آمدن «مِن» در سخن، موجب تبعیض است و بر این دلالت دارد که در روز مورد نظر در آیه، برخی از اقوام گرد آورده می شوند

۱- سوره نمل، ۲۷، آیه ۸۳.

۲- سوره کهف، ۱۸، آیه ۴۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، ح ۲۷؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۶.

و برخی دیگر گردآورده نمی شوند و این صفت روز رستاخیز نیست؛ زیرا خداوند سبحان درباره آن فرموده است: «و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فروگذار نمی کنیم» (۱).

گفتنی است مفسران اهل سنت با این برداشت از این آیه مخالفت کرده و آن را مربوط به قیامت دانسته اند (۲).

دو - یکی دیگر از آیاتی که در روایات و برخی تفاسیر شیعه بر وقوع رجعت تفسیر شده آیه شریفه زیر است:

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ (۳).

می گویند: پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟

در تفسیر البرهان ذیل آیه یادشده، از امام محمدباقر علیه السلام چنین روایت شده است: «هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ؛ این آیه در مورد گروهی از مردم است که پس از مرگ به دنیا باز می گردند» (۴).

در تفسیر القمی نیز ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ؛ این، در رجعت است» (۵).

علامه مجلسی پس از نقل این روایت در توضیح آن می نویسد:

یعنی یکی از دو زنده شدن در رجعت و دیگری در قیامت است و یکی از دو

۱- مجمع البیان، ج ۷ - ۸، ص ۳۶۶؛ همچنین ر.ک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۷۷.

۲- ر.ک: سید محمود آلوسی، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۲، صص ۲۶ و ۲۷؛ فخر رازی، تفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ج ۱۲، ص ۲۱۹.

۳- سوره مؤمن ۴۰، آیه ۱۱.

۴- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۷، صص ۱۴ و ۱۵، ح ۲۰.

۵- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۶، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۶.

میراندن در دنیا و دیگری در رجعت است. برخی از مفسران این دو بار زنده شدن و مردن را به زنده شدن در قبر برای سؤال و میراندن در قبر [پس از آن] تفسیر کرده اند. برخی دیگر میراندن نخست را بر آفریدن انسان ها به صورت مرده در حال نطفه بودن تفسیر کرده اند. (۱)

مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه یاد شده و اینکه مراد از «دو بار میراندن» و «دو بار زنده کردن» در این آیه چیست، سخن های مختلفی گفته اند که برخی از مهم ترین آنها به شرح زیر است:

اول _ نخستین میراندن، به حالت نطفه یا جنین انسان پیش از دمیده شدن روح در آن و نخستین زنده کردن به همین حالت انسان پس از دمیده شدن روح در آن اشاره دارد. دومین میراندن به مرگی که در این دنیا و در پایان عمر به سراغ انسان می آید و دومین زنده کردن، به زنده ساختن انسان ها به هنگام برپایی قیامت مربوط است. (۲)

شیخ مفید رحمه الله پس از نقل این دیدگاه که آن را به اهل سنت نسبت می دهد، بر اطلاق «میراندن» بر حالت نطفه یا جنین انسان پیش از دمیده شدن روح اشکال می گیرد و می نویسد:

این تأویل، باطل است و چنین سخنی بر زبان عرب ها جاری نمی شود؛ زیرا تنها زمانی می توان گفت فعلی بر چیزی واقع شد که آن چیز پیش از وقوع فعل دربردارنده همان صفتی که فعل بر آن دلالت می کند، نباشد. از

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۲- ر.ک: محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، ج ۱، صص ۲۲۲ - ۲۲۶، ج ۱۱، صص ۴۴ و ۴۵؛ محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لأحكام القرآن تفسیر القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۴۹، ج ۱۵، ص ۲۹۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷ - ۸، ص ۵۱۶.

همین رو، در مورد چیزی که خداوند آن را بی جان (مرده) آفریده است، نمی گویند خداوند آن را میراند و این سخن تنها در مورد چیزی گفته می شود که مرگ پس از زندگی بر آن عارض شده باشد، چنان که تنها در زمانی گفته می شود خداوند مرده ای را زنده کرد که واقعا قبل از زنده کردن، مرده باشد. (۱)

برخی از مفسران شیعه نیز در رد قول نخست، سخنانی مشابه به شیخ مفید گفته اند. (۲)

دوم _ نخستین میراندن در دنیا و در پایان عمر انسان و نخستین زنده کردن هم در دنیا و در آغاز تولد انسان رخ می دهد. دومین میراندن در قبر و پس از پرسش و پاسخ و دومین زنده کردن هم در قبر و برای پرسش از مردگان واقع می شود. (۳)

بر اساس این دیدگاه، خداوند ابتدا مردگان را در قبر زنده می سازد تا پاسخ گوی اعمال خود باشند و پس از آن دوباره آنها را می میراند.

در این دیدگاه، زنده کردن انسان ها به هنگام برپایی رستاخیز نادیده گرفته شده است.

عالمان و مفسران شیعه به این قول نیز اشکال گرفته و آن را رد کرده اند. شیخ مفید در رد این قول می نویسد:

این تأویل نیز از جنبه ای دیگر باطل است؛ زیرا زنده شدن [در قبر] برای

۱- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، المسائل السرویه، مندرج در مجموعه مصنفات الشیخ المفید، ج ۷، صص ۳۳ و ۳۴.

۲- ر.ک: المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲۴، ص ۳۱۴.

۳- ر.ک: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹؛ مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۵۱۶.

پاسخ گویی، همراه با هیچ تکلیفی نیست تا انسان به خاطر چیزهایی که در این حال از دست او رفته است، پشیمان شود. و اینکه [قرآن می فرماید] آن مردم به خاطر آنچه در دو زندگی از دستشان رفته است، پشیمان می شوند، دلالت بر این دارد که مراد زنده شدن [در قبر] برای پاسخ گویی نبوده است، بلکه مراد زندگی در [عصر] رجعت بوده است که همراه با تکلیف می باشد (۱) و فرصت دوباره ای برای اظهار پشیمانی آن مردم از تندروری هایی که [در زندگی نخست] مرتکب شده بودند، به شمار می آید و چون آنها [در این زندگی دوباره] هم پشیمان نمی شوند و برای جبران گذشته کاری انجام نمی دهند، در روز قیامت برای آنچه از دستشان رفته است، پشیمان نمی شوند. (۲)

علامه طباطبایی رحمه الله نیز از منظر دیگری به رد قول یاد شده پرداخته است. (۳)

سوم _ اولین میراندن در پایان زندگی دنیوی و اولین زنده کردن در عالم

۱- در مورد این موضوع که آیا انسان ها در عصر رجعت همانند حیات پیشین خود تکلیف دارند یا خیر، چهار دیدگاه در میان علمای شیعه وجود دارد: الف) زمان رجعت همچون قیامت، زمان پاداش و مجازات است و تکلیف در آن راهی ندارد؛ ب) در رجعت، تکلیف وجود دارد؛ زیرا رجعت در دنیا تحقق می یابد، نه در آخرت؛ ج) عصر رجعت دار تکلیف نیست، ولی کارهای خوب، پاداش و کارهای بد، جزا به دنبال خواهد داشت؛ د) برای مؤمنان دار تکلیف است و به یاری معصومان علیهم السلام می پردازند، ولی برای کفار تنها دار مجازات است. ر.ک: الإيقاظ من الهجعه، صص ۴۱۳ و ۴۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۰۸؛ خدامراد سلیمیان، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ: تحلیل و بررسی مسئله رجعت، چاپ اول: قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- المسائل السرویه، مندرج در مجموعه مصنفات الشیخ المفید، ج ۷، صص ۳۴ و ۳۵.

۳- ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۴، ص ۳۱۴.

برزخ صورت می گیرد. دومین میراندن در پایان دوران برزخ و زنده کردن دوم در آستانه رستاخیز واقع می شود. (۱)

در توضیح این قول باید گفت انسان ها پس از مردن، حیات دیگری را آغاز می کنند که از آن به حیات برزخی تعبیر می شود. در این شکل از حیات که تا روز قیامت استمرار پیدا می کند، انسان ها در قالب های مثالی که با قالب مادی زندگی متفاوت است، (۲) در عالم برزخ زندگی می کنند و بسته به اعمالی که داشته اند، در آن عالم در رنج و عذاب یا در نعمت و آسایش خواهند بود. (۳)

اقوال دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم. (۴)

با وجود اقوال مختلفی که ذیل آیه یاد شده مطرح شده است، براساس روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده است، این احتمال که آیه به رجعت گروهی انسان ها اشاره داشته باشد، قوت می گیرد.

گفتنی است افزون بر آیات یاد شده، آیات دیگری بر وقوع رجعت تفسیر

۱- ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۴، ص ۳۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ پانزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۴۳ - ۴۵.

۲- قالب مثالی ماده نیست ولی بعضی لوازم ماده بودن همچون مقدار، شکل و عرض فعلی را داراست (ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، حیات پس از مرگ، ترجمه: سیدمهدی نبوی و صادق آملی لاریجانی، چاپ سیزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، حیات پس از مرگ، ترجمه: سیدمهدی نبوی و صادق آملی لاریجانی، چاپ سیزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۲۹ - ۴۲.

۴- ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۴، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ مجمع البیان، ج ۷ - ۸، صص ۵۱۶ و ۵۱۷.

یا تأویل شده اند که در این مجال، امکان ذکر همه آنها وجود ندارد. (۱)

۶. رجعت در روایات

اشاره

۶. رجعت در روایات

رجعت از جمله امور اعتقادی است که با روایات صحیح (۲) و متواتر (۳) به اثبات رسیده و با صراحت می توان گفت در مورد هیچ یک از معارف دینی

۱- ر.ک: تفسیر القمی، ذیل آیات زیر: سوره آل عمران ۳، آیه ۸۱، سوره نحل (۱۶)، آیه ۳۸، سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۵، سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵، سوره قصص (۲۸)، آیه ۸۵؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، صص ۱۲۸ - ۱۴۲.

۲- علمای شیعی از قرن ششم به بعد برخی شرط حجیت را عدالت راوی ها و برخی وثاقت آنان دانسته اند که بر اساس همین عقیده روایات را به چهار قسم تقسیم می کنند: صحیح، حسن، موثق و ضعیف. «روایت صحیح» در نظر امامیه آن است که از نظر سند به وسیله راویان عادل و امامی مذهب به معصوم اتصال پیدا کند. «روایت حسن» آن است که به وسیله راوی امامی و خوش نام به امام برسد، بی آنکه تصریح به عدالت، و وثاقت آنها شده باشد. «روایت موثق» آن است که توسط راوی غیر امامی ولی ثقه و قابل اعتماد، به امام برسد. «روایت ضعیف» آن است که شروط سه گانه فوق را نداشته باشد. ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم، دایره المعارف فقه مقارن، چاپ اول: قم، مؤسسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۵. همچنین ر.ک: زین الدین بن علی، شهید ثانی، الرعایه لحال البدایه فی علم الدرایه و البدایه فی علم الدرایه، چاپ اول: قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ ه. ق، صص ۶۶ - ۷۲.

۳- بر اثر فاصله زمانی میان اکثر امت اسلامی با حضرات معصومین علیهم السلام، روایات، توسط واسطه های متعددی به آنان می رسد و هر چه فاصله میان مردم و معصوم بیشتر شود، واسطه ها بیشتر خواهند بود. اصطلاحاً به هر واسطه ای طبقه می گویند. «خبر متواتر» آن است که در هر یک از طبقات، گروهی وجود داشته باشند که تبانی آنان بر کذب و جعل خبر عاداتاً امکان پذیر نباشد و لذا تواتر یقین آور است. تواتر بر سه قسم است: اول: «تواتر لفظی» و آن عبارت است از خبری که تمام راویان آن با الفاظ یکسان، از آن خبر دهند. دوم: «تواتر معنوی» که همه از مدلول تضمینی یا التزامی واحدی خبر می دهند. سوم: «تواتر اجمالی» که عبارت است از اطمینان به صدور یکی از خبرها به نحو اجمال، بدون اینکه آن خبر مشخص باشد هر چند آن اخبار اشتراکی در محتوا نداشته باشند. دایره المعارف فقه مقارن، صص ۵۹ و ۶۰؛ الرعایه لحال البدایه فی علم الدرایه،

به اندازه رجعت، روایات صریح و روشن وارد نشده است.

علامه مجلسی پس از نقل نزدیک به دویست روایت درباره رجعت می نویسد:

چگونه ممکن است کسی که به حقانیت ائمه اطهار: ایمان دارد، در چیزی تردید کند که به صورت متواتر در نزدیک به دویست روایت صریح از آنها نقل شده است. روایاتی که چهل و اندی از بزرگان مورد اعتماد و علمای اعلام در افزون بر پنجاه مورد از تألیف های خود، آنها را آورده اند، بزرگانی چون ثقه الاسلام کلینی، محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، ابو جعفر طوسی (شیخ طوسی)، سید مرتضی، نجاشی، کشی، علی بن ابراهیم، سلیم هلالی، شیخ مفید و... (۱).

شیخ حر عاملی نیز در کتاب خود پس از آنکه بیش از ۱۷۰ روایت در این باره نقل می کند، می نویسد:

اینها بخشی از حدیث هایی است که من در این زمان _ با وجود کمی فرصت برای جست و جوی کامل و کمبود کتاب های مورد نیاز در این زمینه _ بدان ها دست یافتم. بی تردید این احادیث از حد تواتر معنوی فراتر است. احادیثی که در دیگر ابواب این کتاب آمده و خواهد آمد نیز بر این موضوع دلالت دارد. عقل، محال می داند که بگوییم تمام راویان این احادیث به اتفاق اقدام به دروغ گویی و نسبت ناروا کرده اند یا اینکه همه این احادیث جعل شده اند، یا اینکه روایاتی که در این زمینه به ما نرسیده بیش از روایاتی است که به ما رسیده است. کاش می دانستم کدام عاقل است که همه راویان این موضوع را دروغ گو می پندارند؛ گواهی همه بزرگانی که در کتاب های معتبر خود بر درستی این روایات گواهی داده اند، رد می کنند و روایت هایی صریحی را که در این زمینه وارد شده اند تأویل می کنند _ در حالی که این روایات از روایاتی که در زمینه تعیین هر یک از امامان وارد شده است، بیشتر و از نظر

دلالت صریح تر و واضح تر است. در هیچ یک از مسائل راجع به اصول و فروع [دین] به اندازه این موضوع، دلایل، آیات و روایات یافت نمی شود. (۱)

روایاتی را که در اثبات رجعت به آنها استدلال شده است، به دو دسته می توان تقسیم کرد: نخست، روایاتی که به صراحت از رجعت سخن گفته اند و دوم، روایاتی که به همانندی رویدادهایی که در امت های پیشین رخ داده با رویدادهایی که در امت اسلام رخ خواهد داد، اشاره کرده اند و از آنها استفاده می شود که چون در امت های گذشته بازگشت به دنیا روی داده است، این رویداد در امت اسلام هم اتفاق خواهد افتاد.

در اینجا به نمونه هایی از هر یک از دو دسته روایات اشاره می کنیم:

الف) روایات صریح

الف) روایات صریح

برخی از روایاتی که درباره رجعت از پیشوایان دین نقل شده، به شرح زیر است:

یک _ امام صادق علیه السلام در روایتی، ظهور قائم علیه السلام، رجعت و رستاخیز را در یک راستا و از مصداق های روزهای خدا دانسته است و می فرماید:

أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَوْمُ الْكُرِّهِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (۲)

روزهای خدا سه تائید: روزی که قائم به پا می خیزد، روز رجعت و روز رستاخیز.

دو _ آن حضرت در روایت دیگری کسانی را که به رجعت ایمان ندارند، از خود طرد می کند و می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا. (۳)

کسی که به رجعت ما اعتقاد ندارد، از ما [اهل بیت] نیست.

۱- الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۳، ح ۵۳.

۳- بحار الأنوار، ص ۹۲، ح ۱۰۱.

سه _ در روایت دیگری جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

قُلْتُ لَهُ: قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (۱) قَالَ: ذَلِكَ وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ،
أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ [فِي] أَنْبِيَاءِ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَقُتِلُوا وَأُئِمَّه قَدْ قُتِلُوا وَلَمْ يُنْصَرُوا فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ. (۲)

به آن حضرت عرض کردم: [مراد از این] سخن خدای عزّ و جلّ که می فرماید: «در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می ایستند قطعاً یاری می کنیم» چیست؟ فرمود: سوگند به خدا این رویداد در زمان رجعت رخ خواهد داد. آیا نمی دانی در میان پیامبران خدا کسان زیادی بودند که در دنیا یاری نشدند و به قتل رسیدند. پیشوایانی هم بودند که کشته شدند، بی آنکه یاری شوند. پس این رویداد در زمان رجعت رخ خواهد داد.

چهار _ در حدیث دیگری که علامه مجلسی آن را از کتاب صفات الشیعه شیخ صدوق نقل می کند، امام صادق علیه السلام، ایمان به رجعت را یکی از شروط هفت گانه ایمان دانسته است و می فرماید:

مَنْ أَقْرَبَ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءٍ فَهُوَ مُؤْمِنٌ. وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ. (۳)

هر کس به هفت چیز اقرار کند، از اهل ایمان خواهد بود. آن حضرت، یکی از هفت چیز را ایمان به رجعت برشمرد.

پنج _ در روایتی مشابه که در همین کتاب از امام رضا علیه السلام نقل شده است، آن حضرت، ایمان به یگانگی خدا، ایمان به رجعت و ایمان به روز

۱- سوره غافر ۴۰، آیه ۵۱.

۲- الرجعه استرآبادی، ص ۴۱، ج ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۵، ح ۵۷.

۳- الرجعه استرآبادی، ص ۱۲۱، ح ۱۶۱.

جزا را از ویژگی های شیعیان اهل بیت علیهم السلام بر شمرده است و می فرماید:

مَنْ أَقْرَبَ تَوْحِيدِ اللَّهِ... وَأَقْرَبَ بِالرَّجْعَةِ... وَأَمَّنَ بِالْمِعْرَاجِ وَالْمُسَائِلَةِ فِي الْقَبْرِ... وَالْجِزَاءِ وَالْحِسَابِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا وَهُوَ مِنْ شِيعَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (۱)

هر کس به یگانگی خدا... و رجعت اقرار کند... و به معراج و سؤال و جواب در قبر... و جزا و حساب [روز قیامت] ایمان داشته باشد، مؤمن راستین و از شیعیان ما خاندان است.

(ب) روایات غیر صریح

(ب) روایات غیر صریح

عالمان و محدثان شیعه افزون بر این دسته از روایات که در آنها به صراحت از رجعت یاد شده است، به دسته ای دیگر از روایات نیز برای اثبات رجعت استدلال کرده اند.

در این دسته از روایات که معمولاً از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است، بر این نکته تأکید شده که همه آنچه در امت های پیشین رخ داده است، بی هیچ کم و کاست، در امت اسلام هم رخ خواهد داد. از آنجا که آیات قرآن، اخبار و گزارش های تاریخی از وقوع رجعت در امت های پیشین خبر داده اند، با توجه به این روایات می توان گفت که در امت اسلام هم رجعت رخ خواهد داد.

بنابراین، شیوه استدلال به این گونه روایات چنین خواهد بود: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند همه حوادثی که در امت های پیشین روی داده است، بدون کمترین تفاوت در امت اسلام هم رخ خواهد داد و ما می دانیم که در امت های پیشین رجعت رخ داده است، نتیجه می گیریم که در امت اسلام هم رجعت واقع خواهد شد. (۲)

۱- الرجعه استرآبادی، ص ۱۲۱، ح ۱۶۱.

۲- ر.ک: الإعتقادات، مندرج در مجموعه مصنفات الشيخ المفید، ج ۵، ص ۶۲.

برخی از این گونه روایات به شرح زیر است:

یک _ امام صادق علیه السلام از پدرش و او از پدرانش نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلَهُ، حَدَّو النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّهَ بِالْقُدَّهِ. (۱)

همه آنچه در امت های پیشین رخ داده است، بی هیچ کم و کاست، در این امت هم واقع می شود.

دو _ امام رضا علیه السلام در پاسخ مأمون که از ایشان درباره رجعت پرسیده بود، به همین روایت پیامبر استدلال می کند و می فرماید:

إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ حَدَّو النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّهَ بِالْقُدَّهِ. (۲)

همانا رجعت حق است و در امت های پیشین رخ داده است و قرآن نیز از وقوع آن خبر می دهد. رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ نیز فرمود: در میان این امت نیز همه آنچه در امت های پیشین رخ داده است بی هیچ تفاوت رخ خواهد داد.

یادآوری این نکته ضروری است که احادیث یاد شده در مقام بیان قاعده ای عام و فراگیر بوده و با استناد به آنها می توان بر وقوع حوادثی مشابه با رویدادهایی که در امت های پیشین رخ داده است، در امت اسلام استدلال کرد. مگر آنکه نسبت به حادثه خاصی، دلیل قطعی بر مشابهت نداشتن این

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۱۰، ح ۱۵.

۲- الإيقاظ فی الهجعه، ص ۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۵.

امت با امت های گذشته در دست باشد. مثلاً در امت های گذشته، عذاب های جمعی و گروهی (مانند مسخ) (۱) به وقوع پیوسته و قرآن شریف برخی از این عذاب ها را گزارش کرده است، ولی بنا به تصریح قرآن، در پرتو وجود پیامبر گرامی در میان امت اسلامی و نیز به برکت استغفار در پیشگاه خدا، این گونه عذاب ها از این امت برداشته شده است:

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. (۲)

و[لی] تا تو در میان آنها هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.

بنابراین، قاعده یاد شده جز در مواردی که دلیل قطعی بر تخصیص آن داریم، به قوت و استواری خود باقی است. از آنجا که بازگشت به دنیا در امت های گذشته روی داده است و در این امت نیز دلیل بر نفی آن نداریم، با استناد به این قانون می توانیم اصل رجعت را اثبات کنیم. گذشته از اینکه دلایل و شواهدی نیز بر قطعی بودن آن در دست است. (۳)

۷. رجعت در دعاها و زیارت ها

۷. رجعت در دعاها و زیارت ها

دعاها و زیارت های نقل شده از معصومان علیهم السلام، مجموعه ای ارزشمند از معارف اسلامی به شمار می آیند و بسیاری از آموزه های ناب اسلامی را می توان از دل آنها به دست آورد. یکی از آموزه های مهم مکتب تشیع که در

۱- ر.ک: سوره بقره ۲، آیه ۶۵ و سوره اعراف (۷)، آیه ۱۶۶.

۲- ر.ک: سوره انفال ۸، آیه ۳۳.

۳- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، صص ۴۷ و ۴۸.

دعاها و زیارت نامه های مأثور به آن توجه شده، موضوع رجعت یا بازگشت به دنیاست.

یک _ در ابتدای «دعای عهد» که از امام صادق علیه السلام روایت شده، به صراحت به موضوع بازگشت به دنیا در عصر ظهور اشاره و تأکید شده است که هر کس چهل روز این دعا را بخواند، از رجعت کنندگان خواهد بود:

هر کس چهل بامداد، خدا را با این دعا بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خدای تعالی او را از قبرش خارج می سازد [تا قائم را یاری دهد].^(۱)

در ادامه این دعا نیز دعاکننده از خداوند می خواهد که اگر مرگ بین او و امام مهدی علیه السلام فاصله انداخت، او را زنده سازد تا بتواند، یاری دهنده آن حضرت باشد.

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا [مَقْضِيًّا] فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي.^(۲)

بار خدایا، اگر مرگی که آن را بر تمام بندگانت قضای حتمی قرار داده ای، میان من و او جدایی افکند، مرا از قبرم برانگیز در حالی که کفنم را تن پوش خود قرار داده ام، شمشیرم را از نیام برکشیده ام، نیزه ام را به دست گرفته ام و دعوت کننده ای را که در شهر و صحرا بانگ می آورد، لیبک می گویم.

دو _ در قسمتی از دعای حج که از امام صادق علیه السلام نقل و خواندن آن در همه ایام ماه مبارک رمضان سفارش شده است، می خوانیم:

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱؛ ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱؛ ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

تَقْتُلْ بِي اَعْدَائِكَ وَ اَعْدَاءَ رَسُوْلِكَ... (۱).

و از تو می خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راه خودت، زیر پرچم پیامبرت و همراه با بندگان خاص خود قرار دهی و از تو می خواهم که دشمنان و دشمنان پیامبرت را به دست من نابود سازی... .

چنان که برخی مفسران کتاب الکافی گفته اند، مراد از پرچم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این دعا، همان پرچمی است که در حال حاضر در اختیار حضرت قائم علیه السلام است.

این احتمال هم وجود دارد که چون پرچم پیامبر و پرچم قائم هر دو در حق بودن مشترکند، از پرچم قائم به عنوان پرچم پیامبر یاد شده است. (۲)

در هر حال، آنچه مسلم است این است که این دعا اشاره به دوران رجعت دارد و دعا کننده در حقیقت درخواست می کند که توفیق همراهی حضرت قائم علیه السلام یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در دوران رجعت، پیدا کند.

سه _ در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام روایت شده است و یکی از جامع ترین، پرمحتواترین زیارت های ائمه به شمار می آید، در موارد متعددی از رجعت سخن به میان آمده است. از جمله در بخشی از این زیارت می خوانیم:

وَ اِنِّي... مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِبِائِبِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ. (۳)

و من... به [جایگاه شما] اقرار می کنم به بازگشت شما ایمان دارم، رجعت شما را تصدیق

۱- الکافی، ج ۴، ص ۷۴، ح ۶.

۲- رک: کتاب الوافی، ج ۱۱، ص ۴۰۲.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۳؛ مفاتیح الجنان.

می کنم و امر شما را انتظار می کشم.

در بخشی دیگر از همین زیارت چنین آمده است:

فَتَبَّتَنِي اللَّهُ أَيُّدَا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مُحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ... وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي إِيَابِكُمْ. (۱)

خداوند تا زمانی که زنده ام، پیوسته مرا بر [پذیرش] سرپرستی شما، دوستی شما و دین شما پایدار بدارد... و مرا از کسانی قرار دهد که از شما پیروی می کنند، راه شما را می پویند، به هدایت شما راهبری می شوند، در شمار شما محشور می شوند، در رجعت شما [به دنیا] باز می گردند، در دولت شما حاکمیت می یابند و هنگام بازگشت شما اقتدار پیدا می کنند.

چهار _ در زیارت «آل یاسین» که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نقل شده است، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام چنین می خوانیم:

... وَ أَنَّ رَجْعَتِكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. (۲)

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست. روزی که ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

در ادعیه و زیارت های زیر نیز می توان آثار اعتقاد به رجعت را مشاهده کرد:

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام؛ (۳)

زیارتی دیگر از زیارت های امام حسین علیه السلام؛ (۴)

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۹۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۸۲؛ مفاتيح الجنان.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۴.

زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام؛ (۱)

زیارت رجبیه؛ (۲)

دعای روز سوم شعبان؛ (۳)

زیارت حضرت قائم علیه السلام در سرداب مقدس؛ (۴)

دعای روز دحوالأرض و... (۵)

۸. رجعت کنندگان

اشاره

۸. رجعت کنندگان

روایاتی را که در زمینه معرفی رجعت کنندگان وارد شده است، می توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول روایاتی که به بیان ویژگی ها و شاخص های کلی این گروه می پردازند و دسته دوم، روایاتی که مصادیقی خاص از این گروه را برمی شمارند.

در اینجا به نمونه های هر یک از این دو دسته روایات اشاره می کنیم:

الف) روایات بیان کننده ویژگی های کلی

الف) روایات بیان کننده ویژگی های کلی

براساس این دسته از روایات تنها دو گروه از مردم در عصر ظهور به دنیا بازگشت خواهند کرد: نخست، کسانی که در زمان زندگی خود در دنیا، به

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۰۸.

۵- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۹، ح ۱۱۸. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۰۱_۳۱۹ و الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۱۷۵ _ ۲۴۲.

نهایت درجه ایمان و رستگاری رسیده اند و دوم، کسانی که در کفر و شرک و نفاق تا آخرین درجه ممکن پیش رفته و پلیدی را به نهایت رسانده اند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مَحْضًا. (۱)

رجعت عمومی نیست و گروهی خاص را شامل می شود. تنها مؤمنان محض و مشرکان محض به دنیا باز می گردند.

شیخ مفید در این باره می نویسد:

کسانی که به دنیا باز می گردند، دو گروه اند: نخست کسانی که به درجه بالایی از ایمان رسیده، کارهای شایسته فراوانی انجام داده و دنیا را در حالی ترک کرده بودند که از گناهان کبیره [موجب خلود در آتش] پرهیز می کردند. پس خداوند _ عزّ و جلّ _ دولت حق را به آنها می نمایاند، به وسیله این دولت آنها را عزیز می گرداند و آنچه را از دنیا آرزو می کردند، به آنها ارزانی می دارد. گروه دوم کسانی هستند که به نهایت درجه فساد [عناد] رسیده، تا آخرین حد ممکن برخلاف حق طلبان عمل کرده، ستم فراوانی نسبت به دوستان خدا انجام داده و گناهان زیادی مرتکب شده اند. پس خداوند تعالی کسانی را که این گروه قبل از مرگشان مورد ستم قرار داده اند، یاری می دهد و قلوبشان را با مجازاتی که بر آنها وارد می کند، آرامش می بخشد.

پس از این ماجرا هر دو گروه را مرگ فرا می گیرد تا پس از رستاخیز به

۱- الأيقاظ من الهجعه، ص ۳۶۰، ح ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱؛ همچنین ر.ک: همان، ۱۴؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۷، ذیل آیه ۸۳ سوره نمل.

پاداش یا مجازات پاینده ای که مستحق آن هستند، برسند. (۱)

از برخی روایات چنین برمی آید که رجعت گروه نخست، اختیاری است و تنها در صورتی که خود تمایل داشته باشند، به دنیا برگردانده می شوند. مفضل بن عمر، یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: در مورد آن گروه از یاران ما که در انتظار قائم علیه السلام بودند و از دنیا رفتند، گفت و گو می کردیم. آن حضرت فرمود:

إِذَا قَامَ أُتِيَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ! فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامِهِ رَبِّكَ فَأَقِم. (۲)

هنگامی که او قیام می کند، [فرشتگان الهی] به قبر کسی که اهل ایمان بوده، وارد می شوند و به او می گویند: سرور و مولای تو ظهور کرده است؛ اگر می خواهی که به او پیونددی، اختیار داری و چنانچه بخواهی در کرامت پروردگارت بمانی، آزاد هستی.

(ب) روایات بیان کننده مصداق ها

(ب) روایات بیان کننده مصداق ها

در برخی روایات، از افرادی خاص به عنوان کسانی یاد شده است که در عصر ظهور، رجعت خواهند کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، پیامبران گذشته، برخی از یاران پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و... از آن جمله اند.

بر اساس این گونه روایات، نخستین کسی که رجعت خواهد کرد، امام حسین علیه السلام است و پس از او به ترتیب، امام علی علیه السلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رجعت خواهند کرد.

۱- اوائل المقالات، مندرج در مجموعه مصنفات الشيخ المفيد، ج ۴، ص ۷۸؛ همچنین ر.ک: المسائل السرويه، مندرج در

مجموعه مصنفات الشيخ المفيد، ج ۷، ص ۳۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، صص ۹۱ و ۹۲، ح ۹۸.

بکیر بن أعین می گوید: کسی که من هیچ تردیدی [در سخن او ندارم]، یعنی ابا جعفر [امام محمد باقر] علیه السلام به من گفت:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيًّا سَيَّرَ جَعَانَ. (۱)

به زودی رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ و علی [به دنیا] باز می گردند.

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرده، تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند»، (۲) فرمود:

يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۳)

پیامبر شما _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ امیر مؤمنان _ درود خدا بر او باد _ و امامان _ درود خدا بر آنها باد _ به سوی شما باز می گردند.

آن حضرت در روایت دیگری در زمینه رجعت امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین می فرماید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ وَ مَعَكَ مَيْسَمٌ تَسْمُ بِهِ أَعْدَاءُكَ. (۴)

رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ به علی _ درود خدا بر او باد _ فرمود: ای علی! خداوند تو را در آخر الزمان به بهترین صورت زنده می کند، در حالی که ابزاری در دست داری که دشمنانت را با آن نشانه می گذاری.

امام علی علیه السلام نیز درباره رجعت خود می فرماید:

وَ إِنَّ لِي الْكَرَّةَ بَعْدَ الْكَرَّةِ وَ الرَّجْعَةَ بَعْدَ الرَّجْعَةِ وَ أَنَا صَاحِبُ الرَّجْعَاتِ وَ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۲.

۲- سوره قصص ۲۸، آیه ۸۵.

۳- تفسیر القمی، ج ۲، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۴- الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۴۲ و ۳۴۳، ح ۷۲.

الکرات (۱)

برای من بازگشت پس از بازگشت و رجعت بعد از رجعت است؛ من صاحب بازگشت ها و رجعت ها هستم.

ششمین امام معصوم درباره رجعت امام حسین علیه السلام نیز می فرماید:

أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَيَمْلِكُ حَتَّى يَشَقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ. (۲)

اولین کسی که به دنیا باز می گردد، حسین بن علی _ درود خدا بر آن دو باد _ است. فرمان روایی او آن قدر به درازا می کشد که [از فرط پیری]، دو ابروی او بر روی چشمانش می افتد.

در بخشی از روایت مفصلی که در آن امام صادق علیه السلام به پرسش های متعدد مفضل بن عمر درباره ظهور امام مهدی علیه السلام پاسخ داده، درباره رجعت دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام چنین آمده است:

وَاللَّهُ لَيَرِدَنَّ وَيَلْحَضَرَنَّ السَّيِّدَ الْأَكْبَرَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الصِّدِّيقَ الْأَكْبَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۳)

به خدا سوگند که سید اکبر، محمد، رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ و صدیق اکبر، امیر مؤمنان علی _ بر او درود باد _ و فاطمه، حسن، حسین _ بر آنها درود باد _ حتما [به دنیا] برخواهند گشت و دوباره زندگی خواهند کرد.

در مورد رجعت پیامبران الهی ذیل آیه شریفه: «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ؛ البته به او ایمان بیاورید و حتما یاری اش کنید». (۴)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۷، ح ۲۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶، ح ۱۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴.

۴- سوره آل عمران ۳، آیه ۸۱.

از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده است:

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ فَهَلَّمَ جَزًّا إِلَّا وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقَاتِلُ وَ يَنْصُرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا خاتم مبعوث نکرده است، مگر اینکه به دنیا بر خواهد گشت و برای یاری پیامبر خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ و امیر مؤمنان علی _ بر او درود باد _ [با دشمنان] خواهد جنگید.

برخی دیگر از کسانی که در روایات به طور خاص، از رجعت آنها یاد شده است، عبارتند از: اصحاب کهف، یوشع، وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر (از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام)، حمران بن اعین، نجم بن اعین، مفضل بن عمر، میسر بن عبدالعزیز، داوود قمی (از یاران امام صادق علیه السلام)، عبدالله بن شریک هاوی (از یاران امام کاظم علیه السلام) و.... (۲)

۹. سرآغاز و مدت زمان رجعت

اشاره

۹. سرآغاز و مدت زمان رجعت

بی تردید، رجعت در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام رخ می دهد، ولی در مورد اینکه دوران رجعت دقیقا از کی آغاز می شود و چه قدر به طول می انجامد و آیا همه رجعت کنندگان در یک زمان به دنیا بازمی گردند یا خیر، به صراحت نمی توان اظهار نظر کرد و آنچه از روایات استفاده می شود، بسیار مجمل است.

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۴۷؛ همچنین ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ح ۹.

۲- ر.ک: رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیهم السلام، ص ۱۹۳؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، صص ۲۲۴-۲۲۹.

با توجه به نکته یاد شده، در اینجا با بهره گیری از برخی روایات و کلمات دانشوران بزرگ شیعه، به بررسی موضوع آغاز و انجام رجعت می پردازیم:

الف) سر آغاز رجعت

الف) سر آغاز رجعت

از روایات استفاده می شود که گروهی از رجعت کنندگان در آغاز ظهور امام مهدی علیه السلام به دنیا بازمی گردند تا آن حضرت را در انقلاب جهانی خود یاری دهند و گروهی از آنها پس از استقرار حکومت مهدوی و در آستانه وفات یا پس از وفات آن حضرت به دنیا بازمی گردند، به نظر می رسد بسیاری از بزرگانی که در روایات از آنها به عنوان رجعت کنندگان یاد شده است و همچنین عموم مؤمنانی که به توفیق رجعت و درک زمان ظهور دست می یابند، جزو دسته نخست و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام جزو دسته دوم هستند.

با توجه به اینکه زمان رجعت دسته نخست چندان محل بحث و گفت و گو نیست و از روایاتی که پیش از این در مورد اصل رجعت و ویژگی های رجعت کنندگان نقل کردیم به روشنی به دست می آید که این گروه هم زمان با ظهور رجعت می کنند، در اینجا تنها به بررسی زمان رجعت دسته دوم می پردازیم.

شیخ حرّ عاملی در کتاب خود در پاسخ این شبهه که «چگونه ممکن است امامان علیهم السلام در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام یا پس از آن رجعت کنند، در حالی که ما می دانیم آن حضرت خاتم اوصیاست و با رجعت دیگر امامان یا باید قائل به عزل آن امام یا عدم شمول ایشان نسبت به همه شویم؟»، نکات مختلفی را مطرح می کند و از جمله می نویسد:

احتمال دارد که رجعت همه امامان _ درود خدا بر آنها باد _ پس از وفات [امام] مهدی _ درود خدا بر او باد _ باشد. ظاهر [روایات هم] همین است؛ زیرا از طرق مختلف روایت شده

که نخستین کسی که در پایان عمر [امام] مهدی به دنیا بازمی گردد، حسین _ درود خدا بر او باد _ است. پس هنگامی که مردم آن حضرت را شناختند، مهدی از دنیا می رود و حسین او را غسل می دهد. (۱) و (۲)

عبارت یاد شده مؤید این مطلب است که پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام نه در آغاز ظهور، بلکه پس از استقرار حکومت مهدوی و وفات امام مهدی علیه السلام به دنیا رجعت می کنند.

(ب) مدت زمان رجعت

(ب) مدت زمان رجعت

در برخی روایات به مدت زمان زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخی امامان معصوم علیهم السلام پس از رجعت و هم چنین به مدت زمان دوران رجعت اشاره شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

از امام صادق علیه السلام ذیل آیه شریفه «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛ در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است» (۳)، چنین روایت شده است:

هِيَ كَرَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَيَكُونُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ يَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعًا وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. (۴)

پس بازگشت او پنجاه هزار سال به طول می کشد. امیر مؤمنان _ درود خدا بر او باد _ نیز چهل و چهار هزار سال در بازگشت خود حکومت می کند.

گفتنی است شیخ حر عاملی پس از نقل این روایت می نویسد:

۱- الإيقاظ من الهجعه، ص ۴۱۵.

۲- برای مطالعه روایات مربوط به رجعت امام حسین علیه السلام ر.ک: الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۸۹.

۳- سوره سجده ۳۲، آیه ۵؛ سوره معارج (۷۰)، آیه ۴.

۴- الإيقاظ من الهجعه، ص ۳۶۸، ح ۱۲۵؛ الرجعه استرآبادی، صص ۳۲ و ۳۳، ح ۲.

منکران رجعت، امثال این روایت را بسیار دور از ذهن می دانند، با اینکه می توان آن را حمل بر مبالغه و امثال آن کرد. چنان که برخی از مفسران در تفسیر این سخن خدای تعالی: «مقدارش پنجاه هزار سال است» و درازی روز قیامت می گویند: در این روز کارهایی انجام می گیرد [که معمولاً] به مقدار پنجاه هزار سال وقت لازم دارد یا از بس سخت و دشوار است، به مقدار پنجاه هزار سال نمود دارد، در اینجا هم اگر [این روایت] معارض صریحی داشته باشد، ممکن است به یکی از دو وجه توجیه شود. (۱)

در روایت دیگری جعفر بن محمد بن مالک کوفی به اسناد خود از حمran بن اعین چنین نقل می کند:

عُمُرُ الدُّنْيَا مِائَةُ أَلْفِ سَنَةٍ. لِسَائِرِ النَّاسِ عِشْرُونَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَ ثَمَانُونَ أَلْفَ سَنَةٍ لِأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۲)

عمر دنیا صد هزار سال است. بیست هزار سال برای دیگر مردم و هشتاد هزار سال برای خاندان محمد _ درود خدا بر آنها باد

—

شیخ حر عاملی پس از نقل این روایت نیز می نویسد:

بعید نیست که در این روایت نیز اراده مبالغه شده باشد؛ یعنی می خواسته است بگوید که نسبت [زمان] دیگر دولت ها به دولت آل محمد مانند این نسبت (بیست هزار به هشتاد هزار)؛ یعنی یک به پنج است. البته خداوند داناتر است. این توجیه بر فرض ثابت شدن روایت معارض با این روایت قابل طرح است و گرنه بعید شمردن [این گونه روایات] جایی ندارد و [این مدت] با توجه به قدرت خداوند و قابلیت اهل آن، [مدت] کمی است. (۳)

۱- الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۶۸ و ۳۶۹.

۲- الإيقاظ من الهجعه، ص ۳۶۹، ح ۱۲۷؛ الرجعه استرآبادی، ص ۳۲، ح ۱.

۳- الإيقاظ من الهجعه، صص ۳۶۹ _ ۳۷۰.

در پایان بار دیگر یادآوری می‌کنیم که اظهار نظر صریح و قطعی در مورد مدت زمان رجعت یا مدت زمان زندگی رجعت‌کنندگان در دنیا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا روایت‌هایی که در این زمینه نقل شده‌اند، بسیار انگشت‌شمارند. با این حال نباید گمان کنیم تردید در این موضوع یا بعید شمردن مدت زمان‌های ذکر شده در برخی روایات، به اصل اعتقاد به رجعت خللی وارد می‌سازد؛ زیرا اصل رجعت با اخبار صحیح و متواتر به اثبات رسیده است و از آموزه‌های تردیدناپذیر شیعه به شمار می‌آید.

البته باید توجه داشت که نمی‌توان به صرف استبعاد و دور از ذهن بودن این گونه روایات، آنها را رد کرد.

سخن خود در این زمینه را با نقل عبارتی از شیخ حر عاملی به پایان می‌بریم. ایشان در جایی دیگر از کتاب خود با اشاره به سخن کسانی که با توجه به این گونه روایات، در اصل رجعت تردید کرده و آن را دور از ذهن می‌شمارند، تأکید می‌کند:

خصوص این تحدید [های زمانی برای رجعت] یقینی نیست و به حد تواتر نرسیده است. لازم نیست هر کس به رجعت یقین دارد، به این مدت هم یقین داشته باشد. (۱)

۱۰. فلسفه و هدف رجعت

اشاره

۱۰. فلسفه و هدف رجعت

در روایات به فلسفه و هدف رجعت اشاره صریحی نشده است، ولی با توجه به برخی نکاتی که در روایات و کلمات مفسران، محدثان و متکلمان بزرگ شیعه آمده است، می‌توان موارد زیر را

۱- الإيقاظ من الهجعه، ص ۴۰۷.

از فلسفه ها و اهداف احتمالی رجعت برشمرد:

الف) استمرار تکامل معنوی مؤمنان

الف) استمرار تکامل معنوی مؤمنان

گروهی از مؤمنان خالص به دلیل زندگی در عصر کافران و ستمگران در مسیر تکامل معنوی خود با موانع و دشواری های زیادی روبه رو شده و از رسیدن به کمال نهایی خود باز مانده اند. از این رو، حکمت الهی ایجاب می کند که این گروه را بار دیگر به دنیا باز گرداند تا بتوانند در زمان حاکمیت دولت حق تکامل معنوی خود را استمرار بخشیده و به بالاترین مراتب ممکن دست یابند. (۱)

ب) مجازات کافران و گردن کشان

ب) مجازات کافران و گردن کشان

بسیاری از کافران و گردن کشان تاریخ بی آنکه به سزای اعمال ننگین خود برسند، از دنیا رفتند. رجعت دوباره آنها به دنیا این امکان را فراهم می سازد که این گروه در همین دنیا و در پیش چشم کسانی که مورد ستم قرار گرفته و حقشان پای مال شده بود، به مجازات برسند. (۲)

ج) عزیز گردانیدن مؤمنان و خوار کردن کافران

ج) عزیز گردانیدن مؤمنان و خوار کردن کافران

خداوند همواره به مؤمنان وعده داده بود که آنها را عزیز و دشمنانشان را خوار می کند، ولی در دنیا کمتر مجالی برای تحقق این وعده پیش آمده بود. عصر رجعت، فرصت مناسبی برای تحقق این وعده الهی خواهد بود. (۳)

د) انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

د) انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

۱- ر.ک: محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر العیاشی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

۲- ر.ک: رسائل الشریف، المرتضی، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳- ر.ک: رسائل الشریف، المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵؛ اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، مندرج در مجموعه مصنفات

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همواره مورد ستم بودند و همه آنها به دست گردن کشان عصر خود به شهادت رسیدند. با بازگشت دوباره دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دنیا این امکان فراهم می شود که انتقام خون های به ناحق ریخته شده آنها از دشمنانشان گرفته شود. (۱)

هـ) فراهم آوردن امکان درک حاکمیت اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنان

هـ) فراهم آوردن امکان درک حاکمیت اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنان

گروه زیادی از مؤمنان آرزو داشتند دوران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام را درک کنند و بتوانند در این دوران، در راه پیشبرد اهداف قائم آل محمد علیهم السلام مجاهده کنند. رجعت، این امکان را به وجود می آورد که این گروه بتوانند به آرزوی دیرین خود دست یابند. (۲)

این فصل را با روایت زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پایان می بریم:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى قَوْمٍ أَفْضَلُ غَنِيمَةً وَأَفْضَلُ رَجْعَةً؟ قَوْمٌ شَهِدُوا صَلَاةَ الصُّبْحِ، ثُمَّ جَلَسُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ - حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَأُولَئِكَ أَسْرَعُ رَجْعَةً وَأَفْضَلُ غَنِيمَةً. (۳)

آیا شما را به سوی گروهی راهنمایی کنم که از برترین بهره ها و برترین رجعت ها برخوردارند؟ گروهی که نماز صبح را در می یابند و سپس تا زمانی که خورشید طلوع کند می نشینند و به ذکر خدا مشغول می شوند. پس آنها سریع تر رجعت می کنند و از بهره بیشتری برخوردار می شوند.

۱- ر.ک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۵؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامه، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۲۶۰.

۲- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، صص ۹۱ و ۹۲، ح ۹۸.

۳- الذریعه، ج ۱، ص ۹۵، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

فصل چهارم: مباحث تکمیلی

اشاره

فصل چهارم: مباحث تکمیلی

با توجه به پرسش های متعددی که در زمینه ظهور امام عصر علیه السلام و مباحث مربوط به آن وجود دارد، فصل پایانی این بخش را به بررسی برخی از این پرسش ها اختصاص داده و تلاش کرده ایم در حد توان به آنها پاسخ دهیم.

۱. ظهور و پر شدن جهان از ظلم و جور

اشاره

۱. ظهور و پر شدن جهان از ظلم و جور

برخی مردم می پرسند: آیا با توجه به روایت هایی که در آنها آمده است: «امام مهدی علیه السلام جهان را از عدل و داد پر می کند، همچنان که از ظلم و جور پر شده بود» حرکت های اصلاحی و تلاش برای برقراری عدالت در عصر غیبت معنا دارد؟ زیرا بر اساس این روایات باید جهان از ظلم و جور پر شده باشد تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و اگر ما حرکتی برای از بین بردن ستم و مقابله با ستم کاران انجام دهیم، در واقع، ظهور را به تأخیر انداخته ایم.

برای پاسخ به این پرسش لازم است نکاتی را یادآور شویم:

الف) اصل وجود این روایات

الف) اصل وجود این روایات

در اصل وجود چنین روایت هایی تردیدی نیست و در منابع و مصادر شیعه و سنی، روایت های فراوانی با همین مضمون نقل شده است. (۱) از جمله در روایتی که از طریق اهل سنت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده، آمده است:

۱- ر. ک: منتخب الأثر، ج ۲، صص ۲۲۲ - ۲۳۵؛ ج ۳، صص ۱۵۵ - ۱۵۷.

شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب‌ها هستند، در امت من برانگیخته می‌شود و جهان را از عدالت و برابری پر می‌سازد، همچنان که از ستم پر شده بود. (۱)

امام محمد باقر علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید:

پدرم از پدرش و او از پدران‌ش برای من نقل کردند که رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او باد _ فرمودند: امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل. نه نفر از آنها از نسل حسین _ درود خدا بر او باد _ هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می‌خیزد و زمین را از عدل پر می‌سازد، پس از آنکه از ستم و بی‌عدالتی پر شده بود. (۲)

(ب) مفهوم «پر شدن جهان از ستم»

(ب) مفهوم «پر شدن جهان از ستم»

نخستین پرسشی که در مورد این گونه روایات مطرح می‌شود، این است که تعبیر «پر شدن جهان از ستم» به چه معناست؟ آیا مراد از این تعبیر آن است که جهان به گونه‌ای از ستم و تجاوز اشباع شده که دیگر اثری از عدل و داد، عدالت خواهی و انسان‌های صالح، هر چند ناچیز، در آن باقی نمانده است یا اینکه مراد، آن است که ستم و بیداد در جهان فراوان شده و بر عدل و داد غلبه یافته است نه اینکه دیگر هیچ اثری از عدل و داد یا انسان‌های شایسته در جهان وجود ندارد؟ با توجه به کاربردهای روزمره کلمه «پر شدن» و آنچه عرف معمولاً از این کلمه اراده می‌کند، به روشنی می‌توان گفت که برداشت دوم، درست‌تر است.

۱- المسند، ج ۳، ص ۳۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۹، ح ۲۲۸.

همچنان که وقتی گفته می‌شود: «تالار از جمعیت پر شده است»، «مغازه پر از مشتری است»، «اتاق پر از مهمان است» یا «انبار پر از کالا است»، به معنای فراوانی جمعیت، مشتری یا کالا است نه اشباع شدن به گونه‌ای که جایی برای چیز دیگر در تالار، مغازه یا انبار باقی نمانده باشد.

بنابراین، «پر شدن جهان از ظلم»، به معنای ظالم و نابکار شدن همه مردم به گونه‌ای که دیگر هیچ انسان شایسته‌ای باقی نمانده باشد، نیست. «پر شدن» در اینجا به معنای «بسیاری» و «فراوانی» ظلم و جور در جهان است.

با کمی دقت متوجه می‌شویم که خود ما هم در گفت و گوهای روزانه، هنگام توصیف وضع کنونی جهان، از این تعبیر که «جهان را ظلم و ستم فرا گرفته است»، بسیار استفاده می‌کنیم، ولی منظورمان هرگز این نیست که دیگر هیچ اثری از عدالت و عدالت خواهی در جهان وجود ندارد.

ج) توصیفی یا تکلیفی بودن بیان این روایات

ج) توصیفی یا تکلیفی بودن بیان این روایات

پرسش دیگری که درباره روایات یاد شده وجود دارد، این است که آیا این روایات در پی بیان تکلیف و وظیفه ما در عصر غیبت هستند یا اینکه تنها بیان کننده ویژگی‌های عصر ظهور امام مهدی علیه السلام و آثار ظهور ایشان هستند؟ به صراحت می‌توان گفت این گونه روایات صرفاً جنبه توصیفی دارند و اساساً نسبت به تکلیف و وظیفه مردم در عصر غیبت ساکت هستند.

این روایات از یک سو بیان کننده شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان در پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و از سوی دیگر، نشان دهنده گستره اصلاحاتی است که پس از ظهور در جهان صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، این روایات از یک سو، جهان پیش از ظهور را به تصویر می‌کشد که در همه زمینه‌ها گرفتار ستم شده و نابرابری و بی‌عدالتی در آن فراگیر گشته

است و از سوی دیگر، شرایط جهان پس از ظهور را بیان می کند که به مدد اقدامات اساسی و زیربنایی امام مهدی علیه السلام، عدل و داد در همه جای آن حاکم شده و همه روابط فردی و اجتماعی را دربر گرفته است.

بنابراین، برای پاسخ به این پرسش که مردم در زمان غیبت چه وظیفه ای بر عهده دارند، آیا باید در مقابل ستم بی اعتنا باشند و حتی به آن دامن بزنند یا اینکه باید برای از بین بردن همه مظاهر ستم و تباهی به پا خیزند؟ نمی توان به سراغ این گونه روایات رفت و باید به دیگر روایات مراجعه کرد.

(د) تکلیف مردم در برابر ستم ها و تباهی ها

(د) تکلیف مردم در برابر ستم ها و تباهی ها

حال که روشن شد روایات یاد شده، ناظر به تکلیف و مسئولیت مردم در برابر ستم نیستند، این پرسش مطرح می شود که تکلیف مردم در برابر ستم ها، فسادها و تباهی هایی که در عصر غیبت در جوامع رواج پیدا می کند، چیست؟

برای یافتن پاسخ این پرسش، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. فقهای شیعه همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند که تمامی احکام و تکالیفی که در شرع اسلام مقرر شده، به جز مواردی نادر، در زمان غیبت پابرجاست و هیچ کدام از آنها تعطیل نمی شود. بنابراین، همه مسلمانان موظفند تا زمان ظهور به همه وظایف و تکالیفی که برای آنها مقرر شده است، عمل کنند؛ چه وظایف و تکالیف فردی و چه وظایف و تکالیف اجتماعی.

۲. برخی احکام و اصول بنیادین اسلام که همگی در آموزه های قرآنی ریشه دارند، تکلیف مردم را در برابر هرگونه ستم، تجاوز، بی عدالتی، فساد، تباهی و ناهنجاری، در همه زمان ها و مکان ها مشخص کرده اند. بر اساس این

احکام و اصول، هیچ مسلمانی نمی تواند در برابر امور یاد شده بی اعتنا باشد یا خدای ناکرده به آنها تن دهد تا چه رسد به اینکه بخواهد به آنها دامن زند.

برخی از این احکام و اصول بنیادین عبارتند از: تکلیف فردی هر مسلمان به پرهیزکاری و ترک گناهان از یک سو (۱) و انجام اعمال شایسته از سوی دیگر؛ (۲) ضرورت تعاون و همکاری در نیکوکاری و پرهیزکاری و حرمت هم یاری در گناه و تجاوز به حقوق دیگران؛ (۳) وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ (۴) تکلیف هر مسلمان به رعایت عدالت در مناسبات فردی و اجتماعی. (۵)

با توجه به همین احکام و اصول است که حضرت امام خمینی رحمه الله در پاسخ به کسانی که معتقد بودند باید به گناهان دامن زد تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت صاحب الامر علیه السلام تشریف بیاورد، می فرماید:

یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا حضرت صاحب بیاید! حضرت صاحب که تشریف می آورند، برای چه می آیند؟ برای اینکه گسترش دهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم. دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهییم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند. حضرت بیایند چه

۱- ر.ک: سوره بقره ۲، آیات ۲۴، ۴۸، ۱۲۳، ۱۸۹، ۱۹۴؛ سوره آل عمران (۳)، آیات ۵۰، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۰۰ و ...

۲- ر.ک: سوره بقره ۲، آیات ۲۵، ۸۲، ۲۷۷؛ سوره آل عمران ۳، آیه ۵۷؛ سوره نساء (۴)، آیه ۵۷.

۳- ر.ک: سوره مائده ۵، آیه ۲.

۴- ر.ک: سوره آل عمران ۳، آیات ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۵؛ سوره توبه (۹)، آیات ۷۱ و ۱۱۲؛ سوره حج (۲۲)، آیه ۴۱؛ سوره لقمان (۳۱)، آیه ۷.

۵- ر.ک: سوره مائده ۵، آیه ۸؛ سوره انعام (۶) آیه ۱۵۲؛ سوره نساء (۴)، آیات ۳، ۵۸، ۱۲۰، ۱۳۵؛ سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۰.

می کنند؟ حضرت می آیند، می خواهند همین کارها را بکنند. (۱)

۳. پاره ای از روایات، به صراحت، وظیفه و تکلیف مردم را در زمان غیبت و انتظار روشن کرده اند و آنها را به پرهیزکاری، در پیش گرفتن اخلاق نیکو، (۲) انجام اعمالی که موجب خشنودی امام عصر علیه السلام می شود و ترک اعمالی که آن حضرت را آزرده خاطر می سازد، (۳) فرا خوانده اند. از این روایات به خوبی استفاده می شود که هیچ مسلمانی حق ندارد به بهانه زمینه سازی برای ظهور و تعجیل در فرج، به فساد و تباهی و ظلم و بی عدالتی تن در دهد یا به گسترش آنها در جامعه کمک کند؛ زیرا این عمل قطعا با پرهیزکاری و اخلاق نیکو مغایر است و هرگز موجب خشنودی مصلح موعود نخواهد شد.

۲. خشونت در عصر ظهور

اشاره

۲. خشونت در عصر ظهور

با توجه به روایت هایی که در زمینه جنگ ها و نبردهای عصر ظهور و برخورد قاطعانه امام مهدی علیه السلام با ستم کاران و گردن کشان دوران وارد شده است، این پرسش یا ابهام، در ذهن برخی به وجود آمده که چگونه قیامی که با هدف عدالت گستری آغاز شده است، می تواند همراه با خشونت و خون ریزی باشد؟
برای پاسخ به این پرسش، لازم است نکاتی را به عنوان مقدمه یادآور شویم.

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

الف) امام مهدی علیه السلام، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله

الف) امام مهدی علیه السلام، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله

در روایات متعددی بر این موضوع تأکید شده است که امام مهدی علیه السلام، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله، چه از نظر چهره و شمایل ظاهری و چه از نظر خلق و خو و رفتار است. از جمله در روایتی که از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده است، می خوانیم:

نهمین نفر از ایشان (فرزندان امام حسین علیه السلام) قائم (برپا دارنده) اهل بیت من و مهدی است. او شبیه ترین مردم به من در شمایل، گفتار و رفتار است ... (۱).

در روایت دیگری، وقتی راوی از امام محمد باقر علیه السلام می پرسد: «وقتی قائم به پا خیزد، با مردم چگونه رفتار می کند؟» آن حضرت پاسخ می دهد:

آن گونه که رسول خدا _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ رفتار می کردند تا زمانی اسلام آشکار و فراگیر شود.

راوی دوباره می پرسد: «سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه بود؟» و امام پاسخ می دهد:

آنچه مربوط به جاهلیت بود، نابود ساخت و با عدالت به مردم روی نمود... (۲).

امام حسن عسکری علیه السلام نیز فرزند خود را شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی می کند:

خدا را سپاس می گویم که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشینم را به من نشان داد. او شبیه ترین مردم به رسول خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ است... (۳).

همه می دانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان مهربان بود که حتی حاضر نشد دشمنان خود را نفرین کند. این ویژگی رسول خدا در قرآن کریم نیز ستایش

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، ح ۱۹۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

شده است و خداوند می فرماید:

به سبب رحمت خداست که تو با آنها چنین خوش خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت دل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند. (۱)

در جای دیگر نیز می فرماید:

هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد. هر آنچه شما را رنج می دهد، بر او گران می آید. سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است. (۲)

بنابراین، نسبت دادن خشونت و سنگ دلی به شبیه ترین مردم به پیامبر خاتم، حضرت رحمه للعالمین صلی الله علیه و آله، هرگز شایسته نیست.

(ب) قاطعیت، لازمه گسترش عدالت

(ب) قاطعیت، لازمه گسترش عدالت

چنان که می دانیم، امام مهدی علیه السلام با هدف گسترش ایمان، عدالت و معنویت و از بین بردن همه مظاهر کفر، ستم و فساد، قیام جهانی خود را آغاز می کند. طبیعی است نهضتی که با این اهداف آغاز شود، با مقاومت و مانع تراشی سران کفر و ستم و مروجان فرهنگ فساد و تباهی روبه رو می شود. بنابراین، امام مهدی علیه السلام برای پیشبرد اهداف خود چاره ای جز جنگیدن و درگیر شدن با سران جبهه کفر و استکبار و برخورد قاطع با کسانی که مانع قیام عدالت گستر ایشان هستند، ندارد. با این حال، آن حضرت در نبردهای خود هرگز خون بی گناهی را بر زمین نمی ریزد و در آغاز حرکت خود نیز از یارانش بیعت می گیرد که:

مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی آسیب نزنند؛ به خانه کسی آسیب نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند و... (۳)

۱- سوره آل عمران ۳، آیه ۱۵۹.

۲- سوره توبه ۹، آیه ۱۲۸.

۳- منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۱۱۱۷.

به دلیل همین رفتار مناسب با عموم مردم است که در روایات می خوانیم پس از ظهور، همه ساکنان زمین از امام مهدی علیه السلام خوشنودند و به او عشق می ورزند:

شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمان روایی او خوشنودند. (۱)

ج) روایت های ساختگی و نسبت های ناروا

ج) روایت های ساختگی و نسبت های ناروا

متأسفانه در طول تاریخ اسلام، افراد مختلفی با اغراض و انگیزه های متفاوت به وارد کردن روایات ساختگی در مجموعه روایات نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا دست کاری در روایات ایشان پرداخته اند. روایات باب مهدویت نیز از این موضوع دور نمانده است. با بررسی روایات متعددی که به نوعی تصویری خشن از حرکت عدالت گستر امام مهدی علیه السلام ارائه می دهند روشن می شود که راوی تعداد زیادی از آنها فردی است که علمای رجال او را بدنام و دروغگو خوانده اند که در نتیجه این روایات از اعتبار ساقط شده و نمی توان به آنها استناد کرد. (۲)

بنابراین، در بررسی روایات مربوط به حوادث پس از ظهور باید بسیار مراقب بود و هر روایتی را به راحتی نپذیرفت.

د) ارائه تصویر نادرست از قیام امام مهدی علیه السلام

د) ارائه تصویر نادرست از قیام امام مهدی علیه السلام

یکی از دلایل این چنین شبهه ها و پرسش ها در اذهان مردم تصاویر نادرست یا ناقصی است که از ظهور امام مهدی علیه السلام و رویدادهای پس از آن

۱- إثبات الهداه، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲- ر.ک: سیدصادق شیرازی، شمیم رحمت: سیره حکومتی امام زمان _ عجل الله تعالی فرجه _، چاپ دوم: قم، یاس زهرا، ۱۴۲۴ ه. ق، صص ۱۱ _ ۱۲.

در برخی از کتاب ها یا مجالس و محافل ارائه شده است. به بیان دیگر برخی به جای پرداختن به تحولات بزرگی که پس از ظهور در جنبه های مختلف حیات بشر رخ می دهد و ارائه تصویری مناسب و دلشاین از جهان پس از ظهور، به بیان رویدادهای مقدماتی که لازمه هر حرکت اصلاحی است پرداخته و برای مردم این تصور را به وجود آورده اند که قیام امام مهدی علیه السلام جز خون و خون ریزی هیچ ثمری ندارد.

مطلب زیر که به قلم یکی از نویسندگان خوب کشورمان نگارش یافته، این موضوع را به خوبی روشن می سازد:

راستش را به ما نگفتند یا لااقل همه راست را به ما نگفتند.

گفتند: تو که بیایی خون به پا می کنی، جوی خون به راه می اندازی و از کشته پشته می سازی و ما را از ظهور تو ترسانند.

درست مثل اینکه حادثه ای به شیرینی تولد را کتمان کنند و تنها از درد زادن بگویند.

ما از همان کودکی، تو را دوست داشتیم. با همه فطرتان به تو عشق می ورزیدیم و با همه وجودمان بی تاب آمدنت بودیم.

عشق تو با سرشت ما عجین شده بود و آمدنت، طبیعی ترین و شیرین ترین نیازمان بود.

اما... اما کسی به ما نگفت که چه گلستانی می شود جهان، وقتی که تو بیایی.

همه، پیش از آنکه نگاه مهرگستر و دست های عاطفه تو را توصیف کنند، شمشیر تو را نشانمان دادند. آری، برای اینکه گل ها و نهال ها رشد کنند، باید علف های هرز را وجین کرد و این جز با داسی برنده و سهمگین، ممکن نیست.

آری، برای اینکه مظلومان تاریخ، نفسی به راحتی بکشند، باید پشت و پوزه ظالمان و ستمگران را به خاک مالید و نسلشان را از روی زمین برچید.

آری، برای اینکه عدالت بر کرسی بنشیند، هر چه سریر ستم آلوده سلطنت را باید واژگون کرد و به دست نابودی سپرد.

و اینها همه، همان معجزه ای است که تنها از دست تو برمی آید و تنها با دست تو محقق می شود. اما مگر نه اینکه اینها همه مقدمه است برای رسیدن به بهشتی که تو بانی آنی.

آن بهشت را کسی برای ما ترسیم نکرد.

کسی به ما نگفت که آن ساحل امید که در پس این دریای خون نشسته است، چگونه ساحلی است؟! کسی به ما نگفت که وقتی تو بیایی:

پرنندگان در آشیانه های خود جشن می گیرند و ماهیان دریاها شادمان می شوند و چشمه ساران می جوشند و زمین چندين برابر محصول خویش را عرضه می کند. (۱)

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

دل های بندگان را آکنده از عبادت و اطاعت می کنی و عدالت بر همه جا دامن می گسترد و خدا به واسطه تو دروغ را ریشه کن می کند و خوی ستمگری و درندگی را محو می سازد و طوق ذلت بردگی را از گردن خلائق برمی دارد. (۲)

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

ساکنان زمین و آسمان به تو عشق می ورزند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین، گیاهان خود را می رویاند... و زندگان آرزو می کنند که کاش مردگانشان زنده بودند و می دیدند که خداوند چگونه برکاتش را بر اهل زمین فرو می فرستد. (۳)

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «فعند ذلك تفرح الطيور في أوكارها والحيتان في بحارها وتمدّ الأنهار و تفيض العيون و تنبت الأرض ضعف أكلها. الإختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۷۳.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «يملاً قلوب العباد عباده و يسعهم عدله»، کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۱۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۴) «به یمحق الله الکذب و یذهب الزمان الکلب و یخرج ذلّ الرق من أعناقکم». (کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۱۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹).

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «یحبه ساکن الأرض و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الأرض نباتها. لاتمسک منه شیئا، یعیش فیهم سبع سنین أو ثمانیا أو تسعا. یتمنی الأحياء الأموات ممّا صنع الله بأهل الأرض من خيره.» مستدرک الصحيحین، ج ۴، ص ۴۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

همه امت به آغوش تو پناه می آورند همانند زنبوران عسل به ملکه خویش.

و تو عدالت را آن چنان که باید و شاید در پهنه جهان می گستری و خفته ای را بیدار نمی کنی و خونی را نمی ریزی. (۱)

به ما نگفته بودند که وقتی تو بیایی:

رفاه و آسایشی می آید که نظیر آن پیش از این، نیامده است. مال و ثروت آن چنان وفور می یابد که هر که نزد تو بیاید فوق

تصورش، دریافت می کند. (۲)

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

اموال را چون سیل، جاری می کنی، و بخشش های کلان خویش را هرگز شماره نمی کنی.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

هیچ کس فقیر نمی ماند و مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمندی می گردند و پیدا نمی کنند. مال را به هر که عرضه می

کنند، می گوید: بی نیازم. (۳)

ای محبوب ازلی و ای معشوق آسمانی!

ما بی آنکه مختصات آن بهشت موعود را بدانیم و مدینه فاضله حضور تو را بشناسیم تو را دوست می داشتیم و به تو عشق می

ورزیدیم.

که عشق تو با سرشت ها عجین شده بود و آمدنت طبیعی ترین و شیرین ترین نیازمان بود.

ظهور تو بی تردید بزرگ ترین جشن عالم خواهد بود و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد.

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «تأوی إليه أُمَّته كما تأوی النحلة يعسوبها، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأول. لا يوقظ نائماً ولا يهرق دماً» منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۵۵، ح ۱۱۵۵.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «تنعم أمتي في زمانه تنعماً لم يتنعم مثله قط البرّ منهم و الفاجر و... يكون المال كدوسا يأتيه الرجل فيسأله فيحشى له في ثوبه ما استطاع أن يحلمه». بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «يفيض فيهم المال فيضا و يحثو المال حثوا و لا يعده عدداً. صحيح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

کلک مشاطه صنعتش نکشد نقش مراد

هر که اقرار بدین حسن خداداد نکرد (۱)

با توجه به نکات یاد شده متوجه می شویم که هرگز نمی توان ظهور امام مهدی علیه السلام را که از ابتدای آفرینش تا کنون همه عدالت خواهان جهان در آرزویش بوده اند، حرکتی خشونت بار، همچون جنگ هایی که در سراسر تاریخ در کره خاک در جریان بوده است، تلقی کرد. بلکه این حرکت به دلیل آن که با هدف از بین بردن همه مظاهر ظلم و ستم و گسترش عدالت در سراسر جهان آغاز شده در همه مراحل خود از هرگونه شائبه ظلم و ستم به دور و کاملاً منطبق بر موازین عدالت است.

۳. مدت حکومت امام عصر علیه السلام

اشاره

۳. مدت حکومت امام عصر علیه السلام

یکی دیگر از پرسش هایی که در مورد ظهور و رویدادهای پس از آن مطرح است، این است که حکومت امام زمان علیه السلام یا به طور کلی حکومتی که پس از ظهور مستقر می شود، چند سال به طول می انجامد؟

در روایت های شیعه و سنی، مدت زمان های متفاوتی برای حکومت عدل مهدوی ذکر شده که کمترین آنها هفت سال و بیشترین آنها ۳۰۹ سال (به مقدار توقف اصحاب کهف در غار) است. در اینجا ابتدا برخی از روایات مرتبط با این موضوع را نقل می کنیم و در ادامه، به تحلیل و بررسی وجه

۱- سیدمهدی شجاعی، «به ما نگفتند»، موعود، سال اول، ش ۵، آذر و دی ۱۳۷۶.

تفاوت مدت های ذکر شده در روایات و در صورت امکان، جمع بین آنها می پردازیم.

الف) مدت زمان های ذکر شده در روایات

اشاره

الف) مدت زمان های ذکر شده در روایات

هفت سال، هشت سال، نه سال، ده سال، نوزده سال، بیست سال، چهل سال و ۳۰۹ سال، مدت زمان هایی هستند که در روایات از آنها به عنوان مدت حکومت قائم علیه السلام یاد شده است. هر یک از دانشمندان اسلامی نیز یکی از این زمان ها را ترجیح داده و در کتاب های خود آورده اند. روایت هایی که مستند مدت های یاد شده هستند، از نظر تعداد و اعتبار یکسان نیستند، ولی در هر حال برای هر یک از آنها می توان روایت یا روایت هایی را نقل کرد. (۱)

یک _ روایت های هفت و نه سال

یک _ روایت های هفت و نه سال

در بسیاری از روایاتی که از طریق اهل سنت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده، مدت زمان حکومت امام مهدی علیه السلام، هفت یا نه سال ذکر شده است. در یکی از این روایات چنین می خوانیم:

تُمَلَأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَثْرَتِي، يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا. (۲)

زمین از ظلم و جور پر می شود؛ آن گاه مردی از خاندان من قیام می کند. او هفت یا نه [سال] حکومت می کند و زمین را از عدل و داد آکنده می سازد.

نکته قابل توجه در مورد این دسته از روایات، این است که در بیشتر آنها

۱- ر.ک: منتخب الأثر، ج ۳، صص ۱۸۵ _ ۱۸۹.

۲- المسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۸.

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که امام مهدی علیه السلام چند سال حکومت می کند، به جای سخن گفتن و بیان عددی مشخص، تمام انگشتان دست چپ و دو انگشت دست راست خود را می گشود و بدین وسیله پرسش کننده را متوجه مدت زمان حکومت آن حضرت می ساخت. محدثان اهل سنت هم با توجه به این عمل پیامبر، حکومت امام مهدی علیه السلام را هفت یا نه سال (۱) ذکر کرده اند. از این رو، این احتمال وجود دارد که مراد پیامبر از عددی که با نشان دادن انگشتانشان بیان می کرد، نه هفت سال، بلکه هفت دوره زمانی باشد. (۲)

گفتنی است علامه مجلسی هم برخی روایت هایی را که در آنها مدت حکومت امام زمان علیه السلام هفت یا نه سال بیان شده است، نقل کرده که روایت زیر از آن جمله است:

... فَيَبْعُثُ اللَّهُ رَجُلًا - مِنْ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ لَا يَدْعُ السَّمَاءَ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهَ مِدْرَارًا وَلَا يَدْعُ الْأَرْضَ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى يُتَمَنَّى الْإِحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ تَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ. (۳)

... پس خداوند، مردی از عترت و خاندان مرا برمی انگیزد و زمین را از عدل و داد پر می کند، چنان که از ظلم و جور پر شده بود. ساکنان آسمان و زمین

۱- این احتمال وجود دارد که کلمه «سبع = هفت»، در نسخه برداری هایی که از کتاب های روایی صورت گرفته است، تصحیف و تبدیل به «تسع = نه» شده باشد.

۲- ر.ک: معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴، ح ۳۹.

از او خوشنودند. آسمان چیزی از بارانش را نگه نمی دارد و همه را پی در پی فرو می فرستد. زمین هیچ رویدنی را در خود نگه نمی دارد و همه را خارج می سازد تا آنجا که انتظار می رود مردگان نیز زنده شوند. جهانیان هفت یا هشت یا نه سال در این وضع زندگی می کنند.

دو _ روایت های نوزده سال

دو _ روایت های نوزده سال

نعمانی در آخرین باب کتاب خود، چهار روایت را در زمینه مدت زمان حکومت قائم علیه السلام نقل کرده که در همه آنها از نوزده سال یا نوزده سال و چند ماه سخن به میان آمده است. (۱) در یکی از این روایات که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، چنین می خوانیم:

إِنَّ الْقَائِمَ [عَلَيْهِ السَّلَام] يَمْلِكُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا. (۲)

همانا قائم [بر او درود باد] نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

در یکی از روایات این باب، افزون بر نوزده سال، از ۳۰۹ سال هم به عنوان مدت حکومت امام مهدی علیه السلام یاد شده است که در ادامه، درباره آن سخن خواهیم گفت.

سه _ روایت های چهل سال

سه _ روایت های چهل سال

برخی روایات، مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را چهل سال ذکر کرده اند. از جمله در روایتی که امام حسن مجتبی علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده، چنین آمده است:

يَبْعَثُ اللَّهُ مَرَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا... يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ. (۳)

۱- کتاب الغیبه نعمانی، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۳۳۲، ح ۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

خداوند در آخرالزمان، مردی را برمی انگیزد... او زمین را از عدل، داد، برابری، نور و برهان پر می کند... او [به مدت] چهل سال بر شرق و غرب عالم فرمان روایی می کند. پس خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند و سخن او را بشنود.

چهار _ روایت های هفتاد سال

چهار _ روایت های هفتاد سال

برخی روایات، ابتدا مدت حکومت قائم علیه السلام را هفت سال اعلام کرده، ولی در ادامه یادآور شده اند که هر یک سال از حکومت آن حضرت، با ده سال از سال های معمولی برابر است.

عبدالکریم خثعمی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قائم _ بر او درود باد _ چند سال حکومت می کند؟» آن حضرت فرمود:

سَبْعَ سِنِينَ؛ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِتِّيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِتِّيَكُمُ، فَيَكُونُ [سِتُّونَ] مُلْكِهِ سَبْعِينَ سِنَةً مِنْ سِتِّيَكُمُ هَذِهِ (۱).

هفت سال؛ روزها و شب ها طولانی می شوند تا آنجا که هر سال از سال های او با ده سال از سال های شما برابری می کند و بدین گونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سال های شما برابر می شود.

این موضوع که در عصر امام مهدی علیه السلام، سال ها طولانی تر می شود و هر سال با ده سال از سال های کنونی برابری می کند، در روایت های متعددی آمده است. از جمله در روایتی، از امام ششم شیعیان چنین نقل شده است:

و يَأْمُرُ اللَّهُ الْفَلَكَ فِي زَمَانِهِ فَيَبْطِئُ فِي دَوْرِهِ حَتَّى يَكُونَ الْيَوْمُ فِي أَيَّامِهِ كَعَشْرِهِ مِنْ أَيَّامِكُمْ وَالشَّهْرُ كَعَشْرِهِ أَشْهُرٍ وَالسَّنَةُ كَعَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِتِّيَكُمُ (۲).

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳، ح ۶۱؛ کتاب الغيبة طوسی، ص ۲۸۳.

خداوند در عهد او به چرخ گردون فرمان می دهد که آرام تر بگردد تا آنجا که در روزگار او، یک روز برابر با ده روز از روزهای شما، یک ماه برابر با ده ماه [از ماه های شما] و هر سال برابر با ده سال از سال های شما می شود.

پنج _ روایت های ۳۰۹ سال

پنج _ روایت های ۳۰۹ سال

آخرین گروه از روایات، شامل روایاتی است که مدت زمان حکومت امام مهدی علیه السلام را به تعداد سال های اقامت اصحاب کهف در غار؛ یعنی ۳۰۹ سال دانسته اند. در یکی از این روایات که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، چنین آمده است:

إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ تِسْعَ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا. (۱)

قائم مدت ۳۰۹ سال حکومت می کند؛ به تعداد سال هایی که اصحاب کهف در غار خود درنگ کردند. او زمین را از عدل و داد پر می کند، همچنان که از ستم و بی داد پر شده بود.

نعمانی در کتاب خود از جابر بن یزید جعفی نقل می کند که امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

وَ اللَّهُ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ثَلَاثَ مَائَةٍ سِنِينَ [وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سِنِينَ] وَ يَزِدَادُ تَشِيْعًا قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: [وَ] مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قُلْتُ لَهُ: وَ كَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ سِنِينَ مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ. (۲)

«به خدا سوگند، مردی از ما اهل بیت، سیصد سال [و سیزده سال] به اضافه نه [سال] حکومت خواهد کرد.» به آن حضرت عرض کردم: [و] این کی

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۴.

۲- کتاب الغیبه نعمانی، صص ۳۳۱ و ۳۳۲، ح ۳.

خواهد شد؟ فرمود: «پس از وفات قائم علیه السلام.» به آن حضرت گفتم: قائم علیه السلام چه قدر در عالم خود برپاست تا از دنیا برود؟ فرمود: «نوزده سال از روز قیامت تا روز مرگش».

(ب) جمع بین روایات

(ب) جمع بین روایات

با توجه به اختلاف‌هایی که در زمینه مدت حکومت امام عصر علیه السلام در روایات وجود دارد، عده‌ای از عالمان و محدثان شیعه و سنی به توجیه این اختلاف‌ها و جمع میان روایات پرداخته‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

علامه مجلسی رحمه الله در این زمینه می‌نویسد:

اخبار متفاوتی که در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه السلام وارد شده است، برخی بر همه مدت فرمان‌روایی آن حضرت، برخی بر زمان استقرار دولت او، برخی بر سال‌ها و ماه‌هایی که نزد ما وجود دارد و برخی هم بر سال‌ها و ماه‌های طولانی‌زمانی ایشان حمل می‌شود. (۱)

نویسنده کتاب الشیعه و الرجعه پس از نقل روایات مختلفی که در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه السلام وارد شده است، می‌نویسد:

این اقوال در ظاهر متناقض هستند و به هیچ‌یک از آنها نمی‌توان اعتماد کرد. بله، روایت هفت سال در احادیث سنّیان و اخبار ما (شیعیان) تکرار شده است و چه بسا این روایت بر دیگر روایات ترجیح داشته باشد؛ زیرا این روایت مطابق با برخی اخبار ماست که می‌گویند مراد از هفت سال، هفتاد سال است و آن حضرت با قدرت خدای تعالی، پس از ظهور این مدت زندگی می‌کند؛ یعنی هر یک سال [از مدت زندگی ایشان] برابر با ده سال از سال‌های ما خواهد بود. این موضوع در اخبار ما که ائمه حدیث و حافظان علم درایه و

حدیث آنها را نقل کرده اند، تبیین شده است. (۱)

سید صدرالدین صدر رحمه الله در کتاب خود پس از اشاره به اختلاف روایات وارد شده در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به ویژه در روایاتی که از طریق اهل سنت نقل شده است، ابتدا سخنی را از إسعاف الراغبین (ص ۱۵۵) در ترجیح روایات هفت سال _ به شرح زیر _ نقل می کند:

بیشتر روایات بر این موضوع اتفاق دارند که مدت حکومت او هفت سال است و تردید در زیادتر از این مقدار تا تمام شدن نه سال است و در مورد روایت شش سال هم همین موضوع مطرح است. ابن حجر گفته است: آنچه احادیث بر آن اتفاق دارند، این است که او بی تردید هفت سال حکومت می کند و از ابی الحسین ابری هم نقل شده است که اخبار مستفیض و متواتر دلالت دارند که او هفت سال حکومت می کند. (۲)

و در ادامه می نویسد:

این قول ظاهرتر و مشهورتر است و این، خود فضیلتی بزرگ برای مهدی است که قیام او برای اصلاح دینی و دنیایی وعده داده شده، در این مدت کوتاه رخ می دهد، چنان که قیام جد بزرگوار او _ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد _ نیز در مدت هشت سال؛ یعنی از سال دوم هجری به بعد به ثمر نشست. (۳)

ایشان در پایان بحث، دیدگاه خود در زمینه جمع بین روایات را این گونه بیان می کند:

۱- الشیعه و الرجعه: کتاب علمی، تاریخی، ادبی، اخلاقی یبحث فیه بحثا تحلیلیا حول الإمام الثانی عشر المهدی المنتظر عج، ج ۱، ۲۲۵.

۲- سید صدرالدین صدر، المهدی علیه السلام، چاپ اول: تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۰۳ هـ. ق، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۳- سید صدرالدین صدر، المهدی علیه السلام، چاپ اول: تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۲۴۲.

ممکن است گفته شود دلیل اختلاف روایات این است که اساساً نمی خواسته اند حقیقت را در مورد مدت زمان زندگی مهدی بیان کنند _ چنان که وقت ظهور او را نیز پوشیده نگه داشته اند _ تا شنونده خود هر یک از اقوال را که مایل بود برگزیند و طولانی ترین زمان را برای بقای مهدی آرزو کند، اگرچه ترجیح _ چنان که دانستی _ با قول هفت سال است و همین هم اقواست. (۱)

سید محمد کاظم قزوینی رحمه الله پس از اشاره به روایت های مختلفی که در زمینه مدت زمامداری امام مهدی علیه السلام وارد شده است، می نویسد:

به نظر نگارنده، روایات دسته دوم که سال های حکومت آن حضرت پس از قیام برای اصلاح جهان را حدود بیست سال عنوان می کند، بیشتر است و بدان دسته بهتر می توان اعتماد کرد؛ چرا که این گروه از روایات، از امامان اهل بیت علیهم السلام که خداوند آنان را از هر لغزش و اشتباه و پلیدی، پاک و پاکیزه ساخته، رسیده است. (۲)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز در این باره می نویسد:

گرچه درباره مدت حکومت او احادیث مختلفی در منابع اسلامی دیده می شود که از پنج یا هفت سال تا ۳۰۹ سال (مقدار توقف اصحاب کهف در آن غار تاریخی) ذکر شده است که در واقع ممکن است اشاره به مراحل و دوران های آن حکومت باشد (آغاز شکل گرفتن و پیاپی شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی اش بیش از سیصد سال! دقت کنید)، ولی قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه ها و مقدمات، برای یک دوران کوتاه مدت نیست، بلکه قطعاً برای مدتی است

۱- سید صدرالدین صدر، المهدی علیه السلام، چاپ اول: تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۲۴۲.

۲- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، چاپ پنجم: قم، الهادی، ۱۳۸۳، ص ۷۷۹.

طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد. (۱)

ابن حجر عسقلانی، از علمای اهل سنت، درباره جمع روایات مدت حکومت مهدی موعود، چنین می نویسد:

در نشانه های مهدی منتظر، روایت های هفت سال، بیشتر و مشهورتر هستند. بر فرض درستی همه روایت های [وارد شده در این موضوع،] می توان آنها را این گونه جمع کرد: حکومت او از نظر ظهور و قدرت متفاوت است. پس چهل سال _ به عنوان مثال _ به اعتبار همه مدت حکومت اوست. هفت سال و مانند آن، به اعتبار نهایت ظهور و قدرت حکومت او و بیست سال و مانند آن نیز به اعتبار حد میانه [ظهور و قدرت حکومت او] است. (۲)

با توجه به مطالب یاد شده، شاید بتوان گفت که دوران زمام داری امام مهدی علیه السلام به طور خاص، ۳۰۹ سال است و دیگر سال هایی که در روایات ذکر شده است _ بر فرض صحت روایات _ ناظر به دوران های مختلف استقرار حکومت مهدوی از ظهور امام مهدی علیه السلام تا تشکیل حکومت است. البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که بر اساس برخی روایات، دولت اهل بیت علیهم السلام پس از وفات یا شهادت امام مهدی علیه السلام نیز تا صدها سال استمرار می یابد. (۳)

توجه به نکات زیر نیز در تأیید این برداشت مؤثر است:

۱. استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن ها حاکمیت کفر و ظلم نیازمند مجاهدتی طولانی و گسترده است و قطعاً حضرت مهدی

۱- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی موعودعج، چاپ سوم: قم، نسل جوان، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱.

۲- به نقل از: المهدی، ص ۲۴۲.

۳- ر.ک: همین کتاب، صص ۵۹۴_۵۹۸.

علیه السلام باید سال ها در جهان حضور داشته باشد تا بتواند به همه اهداف خود جامه عمل بپوشاند.

۲. پذیرش این مطلب که مردم، قرن ها برای تحقق حکومت عدل مهدوی در انتظار باشند و سختی ها و مشکلات بسیاری را در این راه تحمل کنند، ولی این حکومت چند سالی بیشتر به طول نینجامد، بسیار دور از ذهن است.

۳. پس از ظهور امام مهدی علیه السلام، عصر رجعت آغاز می شود و پیشوایان معصوم علیهم السلام یکی پس از دیگری به دنیا باز می گردند و پس از وفات یا شهادت امام مهدی علیه السلام، راه او را ادامه می دهند. (۱)

۴. تشخیص و تطبیق نشانه های ظهور

اشاره

۴. تشخیص و تطبیق نشانه های ظهور

در سال های اخیر ادعاهای دروغین در حوزه مهدویت بسیار گسترش یافته است و هر از چندگاه از یکی از کشورهای اسلامی اعم از ایران، عراق، بحرین، مصر، عربستان و... کسی برمی خیزد و با این ادعا که سید حسنی، سید خراسانی، یمانی، نماینده مخصوص امام زمان علیه السلام یا حتی خود مهدی موعود است، جمعی بی اطلاع را با خود همراه و آتش فتنه ای جدید را برپا می کند. در چنین فضایی به طور طبیعی برای بسیاری این پرسش مطرح می شود که چگونه می توانیم مهدی موعود علیه السلام را از مدعیان دروغین

۱- بر اساس روایات، پس از ظهور امام مهدی علیه السلام، ابتدا امام حسین علیه السلام به عنوان نخستین رجعت کننده به دنیا برمی گردد. پس از او امیر مؤمنان علی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به دنیا رجعت می کنند و سالیان سال به زندگی خود ادامه می دهند (ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، باب الرجعه، صص ۳۹-۱۴۴).

بازشناسیم؟ آیا راهی برای جلوگیری از تشخیص‌ها و تطبیق‌های نادرست وجود دارد؟ آیا اساساً ظهور امام مهدی علیه السلام و رویدادهای پیش از آن، به حدی روشن است که مردم در مورد آن دچار هیچ گونه تردید و سردرگمی نشوند؟

برای یافتن پاسخ پرسش‌های یاد شده توجه به چند نکته ضروری است:

الف) روشن بودن امر ظهور

الف) روشن بودن امر ظهور

در روایات متعددی بر این نکته تأکید شده است که امر ظهور امام مهدی علیه السلام از آفتاب نیز درخشان‌تر است و به همین دلیل، این امر بر هیچ کس مشتبه نخواهد شد و هیچ کس در حقانیت آن تردید نخواهد کرد.

در این زمینه از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

أُسْكُنُوا مَا سَيَكُنَّتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ - أَي لَا تَخْرُجُوا عَلَى أَحَدٍ - فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهَ خَفَاءٍ، أَلَا إِنَّهَا آيَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ مِنَ النَّاسِ أَلَا إِنَّهَا أَضْوَاءٌ مِنَ الشَّمْسِ لَا تَخْفَى عَلَى بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ، أَتَعْرِفُونَ الصُّبْحَ؟ فَإِنَّهَا كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهَ خَفَاءٍ.

تا آسمان و زمین ساکن است شما نیز ساکن و بی جنبش باشید - یعنی بر هیچ کس خروج نکنید - که کار شما پوشیدگی ندارد. بدانید که آن نشانه‌ای از جانب خدای عز و جل است نه از جانب مردم، بدانید که آن از آفتاب روشن‌تر است و بر نیکوکار و زشت‌کار پنهان نخواهد ماند. آیا صبح را می‌شناسید؛ امر شما همانند صبح است که پنهان ماندن در آن راه ندارد. (۱)

ابتدای روایت یاد شده، هشدار به کسانی است که با پیش افتادن بر امامان

۱- کتاب غیبت نعمانی، ترجمه: محمد جواد غفاری، باب ۱۱، ص ۲۸۶، ح ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱۳۹ و ۱۴۰، ح ۴۹.

معصوم علیهم السلام و با امید تشکیل دولت اهل بیت علیهم السلام دست به قیام های نابه هنگام و حساب نشده می زدند و سرانجام خود و گروهی از شیعیان ناآگاه را به هلاکت می انداختند.

در روایت دیگری، میمون البان از آن حضرت چنین نقل می کند:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي فُسَيْطَاطِهِ فَرَفَعَ جَانِبَ الْفُسَيْطَاطِ فَقَالَ: إِنَّ أَمْرَنَا قَدْ كَانَ أَيْبَنَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ، ثُمَّ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ هُوَ الْإِمَامُ بِاسْمِهِ، وَ يُنَادِي إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ. (۱)

من در خیمه امام باقر _ درود خدا بر او باد _ نشسته بودم که امام یک طرف خیمه را بالا زد و فرمود: امر ما از این آفتاب روشن تر است، سپس فرمود: نداکننده ای از آسمان ندا می کند که امام فلان پسر فلان است و نام او را می برد و ابلیس _ لعنت خدا بر او باد _ نیز از زمین ندا کند همچنان که در شب عقبه بر رسول خدا _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ ندا کرد.

در همین زمینه مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین روایت می کند:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَا كُمْ وَ التَّنْوِيهِ، أَمَا وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ، وَ لَتَمَحَّصَنَّ حَتَّى يُقَالَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ، وَ لَتَيَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَتُكْفَأَنَّ كَمَا تُكْفَأُ السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ وَ لَا يُنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ، وَ لَتُرْفَعَنَّ اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيُّ، قَالَ: فَكَيْتُ، فَقَالَ [إلى]: مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ؟ فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ لِأَبْكِي وَ أَنْتَ تَقُولُ: اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيُّ، فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: فَنَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلِهِ فِي الصُّفَّةِ،

فَقَالَ: يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ تَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: وَاللَّهِ لَأَمُرْنَا أُبَيُّنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ. (۱)

از ابی عبداللّه [امام صادق] علیه السلام شنیدم که می فرمود: فریاد نکنید. به خدا سوگند امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و حتما مورد آزمایش واقع شوید تا آنجا که بگویند: او مرده یا هلاک شده و به کدام وادی سلوک کرده است؟ و چشمان مؤمنان بر او بگردید و واژگون شوید همچنان که کشتی در امواج دریا واژگون شود، و تنها کسی نجات یابد که خدای تعالی از او میثاق گرفته و در قلبش ایمان نقش کرده و او را به روحی از جانب خود مؤید کرده باشد، و دوازده پرچم مُشْتَبِه برافراشته شود که هیچ یک از دیگری بازشناخته نشود. راوی گوید: من گریستم، آنگاه فرمود: ای اباعبداللّه! چرا گریه می کنی؟ گفتم: چگونه نگریم در حالی که شما می گوئید: دوازده پرچم مُشْتَبِه که هیچ یک از دیگری بازشناخته نشود، پس ما چه کنیم؟ راوی گوید: امام به پرتو آفتاب که به داخل ایوان تابیده بود، نگریست و فرمود: ای اباعبداللّه! آیا این آفتاب را می بینی؟ گفتم: آری، فرمود: به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن تر است.

با توجه به روایات یاد شده می توان گفت پدیده ظهور و مقدمات آن، چنان واضح و روشن است که به هنگام وقوع آن، همه مردم از آن آگاه می شوند و به حقانیت آن پی می برند. این گونه نیست که تنها جمعی محدود از شیعیان از آن باخبر شوند و به همراهی با آن برخیزند.

بنابراین، اینکه می بینیم هر از چندگاه کسی در گوشه ای از کشور عراق یا ایران خود را به عنوان یکی از شخصیت های مطرح در عصر ظهور معرفی می کند و عده ناچیزی از مردمان ناآگاه یا فریب خورده نیز با او همراهی

می کنند، اصلاً با واقعیت های ظهور که پدیده ای جهانی و قابل درک برای همگان است، همخوانی ندارد.

(ب) نبود ابهام در شخصیت و نشانه های مهدی موعود

(ب) نبود ابهام در شخصیت و نشانه های مهدی موعود

چنان که در مباحث مطرح شده در بخش های پیشین این کتاب ملاحظه کردید، در روایات فراوانی که از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام وارد شده، همه ویژگی ها و نشانه های منجی موعود اسلام مشخص شده است و هیچ ابهامی در مورد شخصیت او و چگونگی ظهورش وجود ندارد. بنابراین، می توان گفت اگر کسی به درستی به مطالعه معارف مهدوی پردازد و روایات نشانه های ظهور را با دقت و تأمل بررسی کند، هرگز دچار تشخیص ها و تطبیق های نادرست نمی شود و فریب مدعیان دروغین را نمی خورد. اینکه در گذشته و امروز کسانی به طرح ادعاهای دروغین پرداخته و کسانی هم با آنها همراهی کرده اند، دلیلی جز نادانی و ساده لوحی پیروان و شهرت طلبی و دنیاخواهی مدعیان نداشته است.

افزون بر این، باید توجه داشت که نشانه های ظهور _ چنان که در روایات هم آمده است _ مانند دانه های تسیح به هم پیوسته اند و در ارتباط با هم معنا و مفهوم می یابند.^(۱) به بیان دیگر نشانه های ظهور به ترتیبی خاص، در فاصله

۱- در یکی از این روایات که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است، چنین می خوانیم: «الآیات کخرزات منظومات فی سلک فانقطع السلک فتبع بعضها بعضاً؛ نشانه های ظهور چون دانه های تسیح گردن بند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد» (نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۷، ص ۳۲۱)؛ همچنین ر.ک: سید علی بن موسی ابن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه. ق، ص ۱۱۴.

زمانی معین و با شرایطی مشخص رخ می دهند و این گونه نیست که رویدادی مانند خروج خراسانی یا یمانی رخ دهد، بی آنکه زمینه ها، شرایط و مقدمات آنها که در روایات به آنها اشاره شده است، فراهم شده باشد یا دیگر رویدادها و نشانه های مرتبط با آنها رخ داده باشد.

ج) لزوم مراجعه به فقیهان و عالمان حوزه مهدویت

ج) لزوم مراجعه به فقیهان و عالمان حوزه مهدویت

افزون بر آنچه گفته شد، راه دیگری نیز برای در امان ماندن از تشخیص ها و تطبیق های نادرست و مواجه نشدن با خطر پیروی از مدعیان دروغین وجود دارد و آن مراجعه به فقیهان، عالمان و صاحب نظران حوزه مباحث مهدوی است.

تجربه تاریخی نشان می دهد که هرگاه اشخاص به دلیل غرور و خودپسندی و باور بیش از حد به خود از فقیهان و عالمان فاصله گرفته اند، به طرح ادعاهای واهی و بی اساس پرداخته و خود و جماعتی را به هلاکت انداخته اند. بنابراین، به محض مواجهه با فردی که خود را از یاران امام زمان علیه السلام و از زمینه سازان ظهور آن حضرت معرفی می کند، پیش از هرگونه تطبیق و تصدیق، باید به سراغ فقیه و عالمی سرشناس رفت و موضوع را با او در میان گذاشت تا دچار گمراهی و سرگردانی نشویم.

د) ضرورت مطالعه در سرگذشت مدعیان مهدویت

د) ضرورت مطالعه در سرگذشت مدعیان مهدویت

مطالعه سرگذشت کسانی که از صدر اسلام تا عصر حاضر ادعای باییت، وکالت، سفارت و مهدویت کرده اند و آشنایی با عوامل، زمینه ها و انگیزه های طرح چنین ادعاهایی می تواند ما را از بسیاری از تشخیص ها و تطبیق های نادرست و درافتادن در دام مدعیان دروغین در امان نگه دارد.

نویسنده کتاب امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور مدعیان مهدویت در طول تاریخ

را این گونه تقسیم می کند:

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی، آنان را «مهدی» نجات بخش خواندند.

۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی چنین ادعای دروغینی نمودند.

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین دجال گری و فریب دست یازیدند و بی شرمانه خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند. (۱)

بی تردید، مطالعه در احوال هر یک از این گروه ها، در عصر حاضر که ادعاهای دروغین بیش از هر عصر دیگری به چشم می خورد، نقش بسیار مهمی در تشخیص مهدی موعود راستین از مدعیان دروغین مهدویت دارد. (۲)

۱- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، صص ۵۶۶ و ۵۶۷.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ترجمه و تحقیق: مجتبی عزیزی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶، صص ۶۸۷-۷۲۱؛ اعتضاد السلطنه، مدعیان نبوت: سرگذشت و احوال مردانی که از آغاز تاریخ تاکنون به دعوی مهدویت و نبوت برخاسته اند، تصحیح و حواشی: هاشم رضی، چاپ اول: تهران، آسیا، ۱۳۴۳. تاریخ الغیبه الصغری، صص ۴۸۹-۵۳۸؛ پژوهشی پیرامون زندگان نواب خاص امام زمان علیه السلام، صص ۱۷۶-۲۱۲؛ امام مهدی علیه السلام، از ولادت تا ظهور، صص ۵۶۵-۵۸۰؛ در انتظار ققنوس، صص ۲۱۵ و ۲۱۶، صص ۳۰۹-۳۱۱؛ مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، معارف مهدوی، چاپ اول: قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵، صص ۲۷۳-۲۹۱؛ سید محمدباقر نجفی، بهائیان، چاپ اول: تهران، مشعر، ۱۳۸۳؛ سعید زاهد و بیژن خواجه نوری، بهائیت در ایران، چاپ سوم: تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰؛ علی اصغر مستوفیان، رهبران ضلالت، چاپ اول: تهران، مؤلف، ۱۳۸۶؛ مجتبی الساده، النور الغائب: الإمام المهدی علیه السلام و الإدعوات الکاذبه فی العصر الحدیث، چاپ اول: بیروت، دارالرسول ال-کرم صلی الله علیه و آله، ۱۴۲۸ ه. ق، صص ۱۲۷-۳۳۹؛ مجتبی الساده، «مدعیان مهدویت، بابت و سفارت» ترجمه: سید شاپور حسینی، موعود، سال دوازدهم، ش ۸۶-۸۸، فروردین _ خرداد ۱۳۸۷. برای آشنایی بیشتر با منابع مطالعاتی این موضوع ر.ک: علی اکبر مهدی پور، کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۶۳۷ و ۶۳۸.

با توجه به نکات یاد شده در می یابیم که شناسایی مدعیان دروغین و در امان ماندن از تشخیص ها و تطبیق های نادرست در حوزه مهدویت چندان کار دشواری نیست و اگر کسی از صمیم قلب در پی هدایت و یافتن راه درست باشد، هرگز در دام شیادانی که از باور راستین مردم برای رسیدن به مقاصد دنیوی خویش، سوءاستفاده می کنند، نخواهد افتاد.

بخش ششم: بایسته های گسترش فرهنگ مهدوی

اشاره

بخش ششم: بایسته های گسترش فرهنگ مهدوی

زیر فصل ها

فصل اول: بایسته های تبلیغ و ترویج

فصل دوم: بایسته های پژوهش و نگارش

فصل سوم: بایسته های برنامه سازی

فصل چهارم: ملاقات با امام زمان علیه السلام ؛ هست ها و باید ها

فصل اول: بایسته های تبلیغ و ترویج

اشاره

فصل اول: بایسته های تبلیغ و ترویج

در چند سال گذشته، شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و میان همه اقوام، ملل و مذاهب، رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انفاس قدسی حضرت بقیه الله الأعظم _ ارواحنا له الفداء _ توجه روزافزونی نسبت به موضوع مهدویت و انتظار پیدا کرده و عاشقان مهدی علیه السلام، گوشه گوشه این سرزمین را به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز سفر کرده بدل ساخته اند.

امروزه در کشور ما کمتر مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی دیده می شود که در آن، محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی یا پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. در این میان، حساسیت ها و ظرافت های باور مهدوی از یک سو و آسیب هایی که ممکن است از سوی دشمنان دانا یا دوستان نادان متوجه این باور شود از سوی دیگر، ضرورت توجه به رسالت ها و وظایف مبلغان و مروّجان باور مهدوی را دو چندان ساخته است.

اکنون با تبیین مهم ترین بایدها و نبایدهای ترویج فرهنگ انتظار و ترسیم راه کارهایی برای نهادینه سازی و گسترش هرچه بیشتر این گونه فعالیت ها، برخی از آسیب ها و آفت هایی که فعالیت های تبلیغی و ترویجی در حوزه مباحث مهدوی را تهدید می کنند، بررسی می شود.

۱. ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

در فرهنگ اسلامی کسی که نقش دعوت کننده (داعی) مردم را به عهده می گیرد، رسالت و مسئولیت سنگینی دارد و خود بیش از هر کس دیگر باید به آنچه مردم را به آن فرا می خواند، پای بند باشد؛^(۱) زیرا سخن آن گاه بر دل می نشیند که از دل برآمده باشد و تنها سخنی از دل برمی آید که از مرحله ادای زبانی فراتر رفته و به عمق جان راه یافته باشد. روشن است که انسان تا چیزی را با همه وجود نپذیرد و در عمل بدان پای بند نباشد، به عمق جانش راه نمی یابد.

با توجه به آنچه گفته شد، کسی که می خواهد جامعه پیرامون خود را به سوی امام زمان علیه السلام فرا خواند و آنها را به توجه و انس و التفات بیشتر نسبت به آن حضرت دعوت کند، باید خود بیش و پیش از دیگران با امام زمان علیه السلام رابطه معنوی برقرار کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود، یاد و

۱- با توجه به همین موضوع است که امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «...إِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بَتْرَكِهِ عِلْمَهُ وَ اتِّبَاعِهِ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ؛ از میان اهل آتش کسی که پشیمانی و حسرت او از همه بیشتر است، مردی است که بنده ای را به سوی خدا دعوت کرده و او هم دعوتش را پذیرفته و اطاعت خدا را پیش گرفته و خدا هم او را داخل بهشت کرده است، ولی آن دعوت کننده را به دلیل ترک علمش و پیروی از هوا و درازی آرزو، وارد دوزخ ساخته است». الکافی، ج ۱، ۴۴، ۱

نام آن حضرت را همواره در نظر داشته باشد.

افزون بر این، انس و ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام از جهت دیگری نیز برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است و آن، به دست آوردن پشتوانه لازم در فعالیت تبلیغی و ترویجی است. توضیح آنکه به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیط‌ها، فعالیت تبلیغی و ترویجی چندان ساده نیست و مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. از این رو، اگر مروج و مبلغ این فرهنگ، ظرفیت و تحمل بالایی نداشته باشد، چه بسا که پس از مدتی دچار ناامیدی و دل سردی شود. در این شرایط، تنها چیزی که می‌تواند ظرفیت و تحمل لازم را به فعالان این حوزه ببخشد و پشتوانه لازم را برای آنها فراهم کند، ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است. در صورت وجود این ارتباط معنوی، ظرفیت و تحمل محدود منتظر در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام گسترش می‌یابد و توان تحمل سختی‌ها و مشکلات این راه را پیدا می‌کند.

در اینجا ممکن است پرسیده شود چگونه می‌توان با امام مهدی علیه السلام رابطه معنوی برقرار کرد؟ در پاسخ باید گفت این کار بسیار ساده است. البته به شرط آنکه از همان ابتدا به دنبال دست یافتن به جایگاه‌های بسیار بالایی چون تشریف خدمت آن حضرت نبود، بلکه باید قدم به قدم و به تدریج، این رابطه معنوی را گسترش داد و تعمیق بخشید.

نخستین قدم‌ها برای ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام می‌تواند با انجام یک یا چند مورد از کارهای زیر آغاز شود: خواندن دعای عهد در هر صبح گاه؛ عرض سلام خدمت آن حضرت در آغاز و پایان هر روز؛ خواندن

زیارت آل یاسین یا دعای ندبه در هر روز جمعه؛ دعا برای سلامتی آن حضرت هنگام قنوت نماز و تعقیب نمازهای روزانه؛ خواندن نماز امام زمان؛ توسل به آن حضرت هنگام سختی و مشکلات و

لازم نیست همه این کارها را یک باره و هم زمان آغاز کنید. یکی دو مورد از کارهای یاد شده را انتخاب کنید و بکوشید آن را به طور مرتب و مستمر انجام دهید و به تدریج کارهای دیگر را نیز به برنامه خود اضافه کنید. بهره گیری از کتاب ها و آثار مختلفی که در زمینه وظایف و تکالیف منتظران و راه های افزایش انس و پیوند معنوی با امام عصر علیه السلام به نگارش درآمده است نیز می تواند در این زمینه به شما کمک کند. (۱)

همچنین شما می توانید با بهره برداری از کتاب هایی که در آنها دعاها، زیارت ها، نمازها و صلوات و توسلات مرتبط با امام عصر علیه السلام جمع آوری شده است، به راه های جدیدی برای انس و ارتباط با امام زمان علیه السلام دست

۱- ر.ک: دبیرالدین صدرالإسلام علی اکبر همدانی م ۱۳۲۶ ه. ق، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه و السلام)، چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱. در این کتاب، پس از مقدمه نویسنده، تکالیف منتظران در زمان غیبت، در شصت عنوان مستقل بررسی شده است. سید محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ه. ق گفتنی است این کتاب را انتشارات برگ شقایق در سال ۱۳۸۰ با اصلاحات به چاپ رسانده است. ترجمه نام کتاب چنین است: «پیمانانهای خوبی ها، درباره فواید دعا برای قائم علیه السلام». سید محمدتقی اصفهانی در مقدمه کتاب مکیال المکارم یادآور می شود که این کتاب را بر اساس سفارشی که امام مهدی علیه السلام در خواب به او کرده، نگاشته است.

این نخستین قدم در راه ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است. با انجام کارهایی که از آنها یاد شد، رفته رفته روح انتظار در شما زنده تر و پیوند معنوی شما با امام مهدی علیه السلام مستحکم تر می شود و با آن حضرت انس و الفتی بیشتر پیدا می کنید. پس از این مرحله باید بکوشید که حضور امام عصر علیه السلام را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس کنید. احساس حضور امام به این است که شما آن حضرت را شاهد و ناظر بر رفتار، گفتار و پندار خود بدانید و هر آنچه را خشنودی امام زمان علیه السلام در آن است، انجام دهید و از هر آنچه مایه ناخشنودی آن امام می شود، دوری گزینید. این حداقل وظیفه ای است که در برابر حجت خدا داریم. در روایتی که پیش از این بیان شد، دیدیم که آن حضرت نیز به صراحت، انجام این وظیفه را بر عهده همه منتظران گذاشته است. (۲)

۲. شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

۲. شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

در طول بیش از یازده قرنی که از غیبت امام مهدی علیه السلام می گذرد، دانشوران، پژوهشگران و نویسندگان فراوانی به تألیف و تصنیف در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار روی آورده و در این زمینه نظریه پردازی کرده اند که حاصل آن، کتاب ها، رساله ها و مقاله های فراوانی است که امروزه در دست رس ما

۱- ر.ک: جواد قیومی اصفهانی، صحیفه المهدی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷؛ سید مرتضی مجتهدی، صحیفه مهدیه مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا... ترجمه: محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱؛ راز و نیاز منتظران (دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب الزمان)، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

۲- ر.ک: همین کتاب، صص ۲۹۸ و ۲۹۹.

قرار دارد.

در این میان، دو دیدگاه اصلی وجود دارد که آشنایی با آنها برای همه مبلغان و مروّجان فرهنگ مهدوی ضروری است: دیدگاه کلامی - تاریخی و دیدگاه فرهنگی - اجتماعی.

چنان که پیش از این نیز گفته شد، این دو دیدگاه مکمل یکدیگرند و بر همه کسانی که در عصر حاضر به دنبال احیا و گسترش فرهنگ مهدویت هستند، لازم است که اصول و مبانی مورد پذیرش نظریه پردازان هر دو دیدگاه را به خوبی بشناسند. (۱)

۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

اشاره

۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

همه فعالیت هایی که با هدف احیا، گسترش و نهادینه سازی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در جامعه صورت می گیرد، از مصداق های «انتظار فرج» و در نتیجه، از جمله عبادات، بلکه از شایسته ترین آنها به شمار می آید. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین عبادت ها انتظار فرج است.» (۲) از این رو، در این گونه فعالیت ها، مانند هر عبادت دیگری، نیت و اخلاص، شرط اساسی است و بدون نیت خالصانه، این فعالیت ها هیچ ثمری برای انجام دهندگان آنها نخواهد داشت.

انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی خالصانه برای امام عصر علیه السلام مستلزم درك چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آنها را یادآور می شویم:

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: همین کتاب، صص ۳۳۶-۳۴۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

الف) مدیون بودن همه منتظران نسبت به امام عصر علیه السلام

الف) مدیون بودن همه منتظران نسبت به امام عصر علیه السلام

استمرار هستی و بقای همه ما بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ زیرا به فرموده امام محمد باقر علیه السلام: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمَ مَا بَلَإِ إِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند، اهلش را در خود فرو می برد.» (۱) همه نعمت ها و خیرات و برکاتی که در جهان نصیب ما می شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و طفیل هستی ایشان است، چنان که در دعای عدیله می خوانیم:

بِقَائِهِ بَقِيَتْ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثُبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ. (۲)

به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او، مردم روزی داده می شوند و به واسطه وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست.

از این رو، می توان گفت همه ما در زندگی خود وام دار امام عصر علیه السلام هستیم و ایشان نسبت به همه ما حق حیات دارند. به همین دلیل، اگر موفق شویم که در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت قدمی برداریم، جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان، کاری انجام نداده ایم.

ب) خدمت به امام عصر علیه السلام، افتخار همه اولیا و بزرگان

ب) خدمت به امام عصر علیه السلام، افتخار همه اولیا و بزرگان

امام مهدی علیه السلام چنان جایگاه رفیعی در جهان هستی دارد که حتی ائمه معصومین علیهم السلام، خدمت به ایشان را افتخار خود می دانستند و آرزو می کردند خداوند، توفیق خدمت به آن حضرت را نصیبشان فرماید. وقتی از امام صادق علیه السلام می پرسند که: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» می فرماید: «لا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدِمْتُهُ»

۱- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۷، ح ۶۴.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

أَيَّامَ حَيَاتِي؛ خیر، ولی اگر او را درک کنم، همه روزهای زندگی ام خدمت گزارش خواهم بود» (۱).

با توجه به این موضوع، کسی که توفیق خدمت به آرمان ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می آورد، نه تنها منتی بر امام عصر علیه السلام ندارد، بلکه باید خدا را برای توفیقی که نصیب او کرده است، شکر کند.

ج) جاری شدن برکت در زندگی خدمت گزاران به امام عصر علیه السلام

ج) جاری شدن برکت در زندگی خدمت گزاران به امام عصر علیه السلام

بدون تردید، هرگونه فعالیتی که با هدف ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام، گسترش فرهنگ امامت و ولایت در جامعه و نهادینه سازی عشق و ارادت مردم به خاندان رسالت صورت گیرد، مورد رضایت حضرت حق است و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می شود.

با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام ساخته و در این راه، از استعدادها، توانایی ها و امکانات مادی و معنوی خود بیشترین بهره را برده اند، درمی یابیم که این گونه افراد در زندگی خود از توفیق ها و برکت های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده اند. رمز این مسئله نیز روشن است؛ زیرا به اعتقاد ما، هر کس در راه امیر مؤمنان، علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آنها را در حد توان خود یاری کند، مشمول این دعای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و طهارت خواهد شد که: «اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲. در برخی از کتاب ها این روایت به امام حسین علیه السلام استناد داده شده است که ظاهراً صحیح نیست.

خدایا، یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند.» (۱) یا:

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ... وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذُلْ خاذِلِيهِ. (۲)

خدایا، او (مهدی علیه السلام) را یاری کن به وسیله او دینت را، دوستانت را، دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری کن و ما را از ایشان قرار بده... و هر کس که او را یاری می کند، یاری ده و هر کس که او را خوار می کند، خوار کن.

توجه به نکته های یاد شده، مبلّغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هر گونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساحت مقدس آن حضرت فارغ می سازد و به او یاری می دهد با نیت خالصانه، به دور از هر گونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذم این و آن، به فعالیت در این حوزه پردازد.

۴. توجه به جایگاه رفیع امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام، عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین است، چنان که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام، خطاب به ایشان عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلٰی وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ... الْمُتَنَهِّي إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ. (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۶، ح ۲۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۸۳؛ مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر، به نقل از: سید بن طاووس.

سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا... آن که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است. آن حضرت چنان مقامی نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارد که خطاب به ایشان، از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده اند. از جمله در روایتی که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است، می خوانیم:

بِأَبِي وَ أُمِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبٌ (جَلَابِيبُ) النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ. (۱)

پدر و مادرم به فدای او که هم نام من، شبیه من و شبیه موسی پسر عمران است. او جامه هایی از نور دارد که از پرتو قدس روشنایی می گیرد.

امام علی علیه السلام نیز در مورد فرزندش امام مهدی علیه السلام می فرماید: «بِأَبِي إِبْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ...؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان...» (۲).

امام خمینی رحمه الله در بیان جایگاه بی مانند امام مهدی علیه السلام در جهان هستی می فرماید:

من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ بزرگ تر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود علیه السلام است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. (۳)

با توجه به همین مقام و مرتبت رفیع امام عصر علیه السلام است که در روایات سفارش شده است برای عرض سلام و ارادت به پیش گاه آن حضرت، از

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۱، ح ۲۳.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

واژگان و عبارت های ویژه ای استفاده کنیم. از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، چنین می خوانیم:

مَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرَّسَالَةِ». (۱)

هر کس از شما که قائم ما را دریابد، پس هنگام دیدار با او باید بگوید: «سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری، کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین بیان شده است:

لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». (۲)

هیچ سلام دهنده ای بر آن حضرت سلام نمی دهد، مگر اینکه می گوید: «سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین».

مطالعه سیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می دهد که آنها نهایت ادب و احترام را نسبت به حضرت صاحب الامر علیه السلام رعایت می کردند و از هر سخن و عملی که در آن، اندک شایبه بی توجهی به جایگاه آن حضرت وجود داشت، پرهیز داشتند. حکایتی از مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیت الله العظمی بروجردی نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده که بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود. در آن مجلس، شخصی با صدای بلند گفت: برای سلامتی امام زمان و آیت الله بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که در حیاط قدم می زد، با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۲.

با عصا محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند، ترسیدند که نکند اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر است. آیت الله بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید».^(۱)

بر اساس آنچه گفته شد، همه مبلغان فرهنگ مهدوی اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران و مدیحه سرایان، در نوشته ها، گفته ها، سروده ها و به تعبیر عام تر، در همه فعالیت های تبلیغی و ترویجی خود، باید به نکته های زیر توجه کنند:

الف) به کار نبردن واژگان و تعبیرهایی که شایسته جایگاه رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛

ب) رعایت نهایت ادب و احترام هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛

ج) ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن هنگام بیان نام خاص ایشان؛

د) رعایت ساحت قدسی آن امام و پرهیز از تعمیم ویژگی های خاص ایشان به دیگران.

۵. دشمن شناسی و دوست شناسی

۵. دشمن شناسی و دوست شناسی

شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان، مقدمه دل بستن و درآویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است.^(۲) از این رو، برای همه

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت.

۲- در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است: «... وَالْحُبُّ فِرْعَ الْمَعْرِفَةِ؛ ... و دوستی، فرع حاصل معرفت است». (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۲، ح ۲۲).

کسانی که خواهان هدایت و رستگاری اند به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، دوست شناسی و دشمن شناسی ضروری است. اینان تا ولایت مهدوی را که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است، چنان که باید، نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند، شناخت جدی نداشته باشند، نمی توانند آنچه آنچنان که شایسته است، به ریسمان ولایت مهدوی در آویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند. (۱)

با توجه به آنچه گفته شد، مبلغان و مروّجان فرهنگ مهدوی باید همه تلاش خود را برای شناخت توطئه ها و نقشه هایی که در عصر حاضر، نظریه پردازان، استراتژیست ها و سیاست مداران غربی برای مقابله با اصول گرای اسلامی و به زیر سلطه درآوردن کشورهای اسلامی می کشند، به کار بندند. آنان باید با جریان های خطرناک و سلطه طلبی چون «مسیحیت صهیونیستی» که امروزه با حاکمیت در کاخ سفید در پی نابودی همه کشورهای اسلامی و گسترش نفوذ اسرائیل در قلمرو مقدس مسلمانان است، بیش از پیش آشنا شوند. (۲)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: همین کتاب، صص ۲۰۸ _ ۲۱۵.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: رضا هلال، مسیح یهودی و فرجام جهان: مسیحیت سیاسی و اصول گرا در امریکا، ترجمه: قیس زعفرانی؛ چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳. نصیر صاحب خلق، پروتستانتیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳؛ عدنان اکتار، تاریخ ناگفته و پنهان امریکا، ترجمه: نصیر صاحب خلق، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳؛ گریس هالسل، یدالله: چرا ایالت متحده امریکا برای اسرائیل از منافع خود می گذرد؟، ترجمه: قیس زعفرانی، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۴؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، مثلث مقدس: راز عداوت غرب با اسلام و مسلمانان، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۵؛ جورجی کنعان، میراث اسطوره ها: اصول گرای مسیحی در نیمکره غربی، ترجمه: واحد ترجمه مؤسسه فرهنگی موعود، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۵؛ استیون سائزر، صهیونیسم مسیحی، نقشه راه به سوی آرماگدون، ترجمه: حمید بخشنده و قدسیه جوانمرد، چاپ اول: قم، کتاب طه، ۱۳۸۶.

۶. توجه به دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید

۶. توجه به دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید

در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه، افراط‌ها و تفریط‌های فراوانی در موضوع مهدویت رخ داده است و جریان‌های انحرافی بسیاری در این زمینه شکل گرفته‌اند. در همه این زمان‌ها، جریان قدرتمند فقاقت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعی، با همه این انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌ها مقابله کرده و همواره مبلّغ و مروج اندیشه ناب برگرفته شده از آموزه‌های معصومین علیهم السلام بوده است. از این رو، بر گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه مباحث مهدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های خود، همواره دیدگاه‌های مراجع عالی قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را در نظر داشته باشند و از انجام هرگونه فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند؛ زیرا بر اساس فرمایش امام عصر علیه السلام، آنها حجت بر همه هستند:

... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورِهِ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (۱)

... و اما در رویدادهایی که [برای شما] پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.

از این رو، می‌توان گفت هر فعالیت فرهنگی و تبلیغی که در آن دیدگاه

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

مراجع عظام تقلید نادیده گرفته شود _ هر چند به نام مبارک امام عصر علیه السلام باشد _ نه تنها مورد رضایت آن حضرت نیست، بلکه چه بسا ممکن است مردم را از آرمان های واقعی امامشان دور کند و مایه گرفتاری هرچه بیشتر در دام غفلت شود.

۷. توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اشاره

۷. توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار نیز مانند هر اندیشه و فرهنگی، آفت ها و آسیب هایی دارد که اگر به آنها توجه نشود، آثار منفی و مخربی خواهد داشت. البته این آسیب ها می تواند در هر زمان، متفاوت از زمان دیگر باشد. از این رو، مقابله با آنها نیازمند آسیب شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان شناس و مراکز فرهنگی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی است.

به نظر می رسد در حال حاضر، فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب های مختلفی روبه روست که می توان آنها را در دو عنوان کلی دسته بندی کرد:

الف) عوام زدگی و سطحی نگری

الف) عوام زدگی و سطحی نگری

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آنها به مباحث مهدوی، با غفلت از فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رؤیا و حکایت های ضعیف و بی اساس سرگرم می سازند و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبّر در معارف مهدوی، برداشت های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده اند.

سخنرانی ها و آثار مکتوبی که این گروه عرضه می کنند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل می سازد و آنان

را به این اندیشه وا می‌دارد که تنها باید در خلوت خود در جست‌وجوی امام غایب بود و کوشید که با به دست آوردن ادعیه و توسلات، راهی برای تشرف به خدمت آن حضرت پیدا کرد. (۱) همانا اگر این افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند، دچار دل‌زدگی و ناامیدی می‌شوند و شاید به طور کلی از فرهنگ مهدوی روی گردان شوند.

با توجه به خطرهای یاد شده، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری گفتمان مهدویت می‌فرماید:

می‌بایست پژوهشگران و محققان بسیار ژرف‌اندیشی داشته باشید تا آنچه را درباره وجود مبارک حضرت است، از هم تفکیک کنند. باید مدعیان رؤیت، بساطشان را جمع کنند؛ چون افراد به شدت به حضرت علاقه مند و ارادتمندند. اگر کسی ادعای رؤیت کند و ظاهرالصلاح هم باشد، ممکن است مقبول قرار بگیرد و این، مشکلات فراوانی دارد. در جریان رؤیت باید این کارها روشن شود. خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد، شفا پیدا می‌کند یا گم شده‌ای دارد، پیدا می‌کند، اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد یا اینکه یکی از اولیای خود را اعزام می‌کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گم شده را به منزل می‌رساند یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها

۱- این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشرف خدمت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام و ملاقات ایشان نیست؛ زیرا اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت، هرگز به ما سفارش نمی‌کردند در هر بامداد و هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه‌السلام، با خدای خود نجوا کنید که: «اللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلِعَةَ الرَّشِيْدَةَ؛ بار خدایا! آن چهره زیبای رشید را به من بنمای.» این سخن، ناظر به دیدگاه‌هایی است که ملاقات با امام زمان علیه‌السلام و تلاش برای رسیدن به آن را اصلی‌ترین وظیفه منتظران می‌دانند.

دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد، آن تمثلات نفسانی را انسان مشاهده می کند و خیال می کند، واقعیت است. این بخش اول که مشهود است، تمثلات نفسانی بوده، باید از واقعیت بینی جدا شود.

در بخش دوم که حقیقتا کسی را می بیند و مشکل او حل می شود یا شفای مرضی بوده یا گم شده ای را به مقصد می رساند، در اینجا نیز هیچ برهانی ندارد که حضرت باشد یا شاگردی از شاگردان او. حضرت، شاگردان فراوانی دارد. این سیصد و سیزده نفری که هستند، الان ممکن است افراد فراوانی باشند که تحت تدبیر آن حضرت مأموریت هایی را انجام می دهند.

بخش سوم آن است که نظیر مرحوم بحر العلوم خدمت خود حضرت می رسد. این را هم بعضی منکر هستند، [ولی] این هیچ استبعادی ندارد، بلکه امکان هم دارد، اما در این بخش دو مسئله وجود دارد: فرد حق ندارد بگوید من خدمت حضرت رسیده ام؛ ما حق نداریم قبول کنیم. به ما گفته اند که شما تکذیب کنید؛ یعنی نگوئید او دروغ می گوید، بلکه اثر عملی بار نکنید. تکذیب، به معنای اینکه شما دروغ می گوئید و حضرت غیرقابل دیدن است، نیست. ... امام، وحید دهر است؛ مثل شمس آسمان است؛ همان طور که شما با دستتان نمی توانید به آفتاب برسید، نمی توانید به این راحتی به امام برسید. (۱)

خطر دیگر این گونه سخنرانی ها و آثار، آن است که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام را نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد. (۲)

(ب) روشن فکری و تأویل گرایی

(ب) روشن فکری و تأویل گرایی

گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می بینند و همه حقایق

۱- عبدالله جوادی آملی، مقاله «این ماییم که غایبیم»، مجله موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳. به نقل از: هفته نامه افق حوزه، دوشنبه ۱۳۸۳/۷/۱۳.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه: ر.ک: همین کتاب، صص ۶۸۳-۶۹۷.

هستی را با ملا-ک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می کنند، برداشت های روشن فکرانه از قیام و انقلاب مهدی انجام می دهند و شاخصه های دموکراسی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصر علیه السلام قرار داده اند. این گروه تلاش می کنند روایات مربوط به ظهور و رویدادهای پس از آن را به گونه ای تأویل و تفسیر کنند که با چارچوب های به ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آنها کاملاً هم خوانی داشته باشد.

آثاری که بر اساس دیدگاه های این گروه عرضه می شوند، از یک سو، اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار را در اذهان مخاطبان خود در حد یک اندیشه اجتماعی، مانند دیگر اندیشه های اجتماعی که چه بسا در آن جای چون و چرا و نقض و ابرام نیز وجود دارد، تنزل می دهد و رفته رفته جوانان را نسبت به حتمیت و قطعیت واقعه ظهور و کارآمدی آن دچار تردید می کند. از سوی دیگر، این اندیشه را از همه پشتوانه های غیبی و الهی خود تهی می سازد و امام مهدی علیه السلام را در قالب رهبر یک جنبش اجتماعی که چون هر رهبر اجتماعی دیگر گرفتار سازوکارهای پذیرفته شده جوامع بشری است، مجسم می کند.

چنان که گفته شد، هر یک از این دو دیدگاه، آثار و پی آمدهای مخربی برای اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار دارد و آسیب های جبران ناپذیری به کارکردها و آثار این اندیشه و فرهنگ وارد می سازد. از این رو، لازم است که مبلغان و مروّجان فرهنگ مهدوی با درایت و تیزبینی از غلبه این قبیل دیدگاه ها بر فعالیت های خود، جلوگیری و با آثار زیان بار آنها مقابله کنند. (۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه آسیب شناسی باور مهدوی ر.ک: خسرو باقری، مقاله «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، مجله انتظار، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰؛ عباس پسندیده، «آسیب شناسی باور به ظهور منجی»، موعود، سال نهم، ش ۵۳، خرداد ۱۳۸۴.

۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

چنان که می‌دانید، وعده به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان عدالت گستر موعود، از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام؛ یعنی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و در عصر امامت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به اوج خود رسید. با توجه به این موضوع بود که رفته رفته مجموعه قابل توجهی از روایات درباره موضوع تولد، غیبت و حوادث پیش و پس از ظهور امام مهدی علیه السلام شکل گرفتند که روایان و محدثان شیعه و اهل سنت سینه به سینه، نقل یا در کتاب‌های خود ثبت کرده بودند. رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد، موجب شد برخی از روایت‌های نقل شده از معصومین، با دقت و صراحت کافی به ما منتقل نشوند و دستگاه خلافت و صاحبان قدرت، گروه‌های معارض و داعیه داران خلافت و حکومت، مخالفان شیعه، افراد متأثر از آموزه‌های یهودی و گروه‌های دیگر، با انگیزه‌های مختلف، به جعل (۱) (وضع)، تحریف (۲) و تدلیس (۳) در این مجموعه روایات _ به ویژه روایات نقل

۱- «جعل» در لغت به معنای ساختن، قرار دادن، نهادن، مبدل ساختن، دیگرگون کردن و از حالتی به حالت دیگر درآوردن آمده است. ر.ک: لغت نامه (دهخدا، ج ۵، ص ۶۸۳۵) و در اصطلاح علم حدیث به معنای ساخت حدیث دروغین است. در کتاب‌های «علم الحدیث» یا «علم الدراییه» به جای این واژه بیشتر از کلمه «وضع» استفاده می‌شود. به حدیث دروغین و حدیثی که راوی، خود آن را ساخته باشد، حدیث مجعول یا موضوع می‌گویند. (ر.ک: علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۸۹؛ علم الحدیث، ص ۱۱۳).

۲- معنای لغوی «تحریف»، گردانیدن سخن و چیزی از جای خود است و معنای اصطلاحی آن کم و زیاد کردن در سند یا متن حدیث یا نهادن حرفی به جای حرف دیگر است. گاه به جای این اصطلاح از کلمه «تصحیف» استفاده می‌شود. تحریف یا تصحیف گاه به صورت غیر عمدی و به دلیل اشتباه راوی یا کسانی که از کتاب‌های حدیثی نسخه برداری کرده‌اند، رخ می‌دهد و گاه به صورت عمدی با هدف تغییر در معنای حدیث. به حدیثی که در آن تحریف و تصحیف رخ داده، محرف و مصحّف می‌گویند. ر.ک: علم الحدیث و درایه الحدیث، صص ۶۵ و ۶۶؛ علم الحدیث، صص ۶۴ و ۶۵.

۳- «تدلیس» در لغت، پنهان کردن و پوشیدن عیب کالا بر خریدار معنا می‌دهد. ر.ک: لغت نامه (دهخدا ج ۴، ص ۵۷۳۷) و در اصطلاح علمای حدیث به معنای پوشاندن و مخفی کردن عیب حدیث است. به این گونه که راوی در سند حدیث عملی انجام دهد که موجب اعتبار آن شود، مانند اینکه روایان ضعیف را از سند حدیث حذف کند یا از کسی روایت کند که او را ندیده یا از او خبری شنیده است. به حدیثی که در آن تدلیس صورت گرفته، حدیث «مدلّس» می‌گویند. (ر.ک: علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۸۵؛ علم الحدیث، ص ۱۰۵)

شده از طریق اهل سنت _ دست بزنند. آنان می خواستند این روایات را بر خود منطبق سازند یا به وسیله آنها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند یا اینکه با ترسیم چهره ای مخدوش، خون ریز و خشونت طلب از امام مهدی علیه السلام، مردم را از انتظار آن حضرت بر حذر دارند. (۱)

از سوی دیگر، جذابیت و گیرایی ویژه ای که در موضوع منجی گرایی و مباحث مربوط به آینده و آخرالزمان وجود دارد، موجب شده است که در طول تاریخ، خرافات (۲) و اندیشه های موهوم بسیاری درباره این باور و اعتقاد

- ۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم امینی، داد گستر جهان، چاپ هجدهم: قم، شفق، ۱۳۷۸، صص ۲۱۷ _ ۲۲۶؛ تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، صص ۶۹ _ ۷۱؛ اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه های ظهور»، مندرج در کتاب چشم به راه مهدی علیه السلام؛ صص ۳۱۳ _ ۲۴۱، شمیم رحمت: سیره حکومتی امام زمانعج، صص ۱۲ _ ۲۱.
- ۲- «خرافه» در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل و افسانه و اسطوره، کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد، گفته ها یا عقاید بی بنیان و وهمی و سخن بیهوده است. ر.ک: لغت نامه (دهخدا)، ج ۶، ص ۸۶۴۲؛ فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۴۵.

اصیل شکل گیرد. این روند در عصر حاضر نیز متوقف نشده است و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی، هنوز هم کسانی گاه _ به گمان خودشان _ با انگیزه های خیرخواهانه و گاه با انگیزه های سودجویانه، به ترویج خرافه و اندیشه های موهوم در میان مردم می پردازند.

با توجه به همین شرایط بود که چندی پیش حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، در پایان درس خارج خود، با ابراز نگرانی از رواج خرافات در جامعه فرمود:

اخیرا در محراب مسجد جمکران، یک تشکیلات شیشه ای سبزرنگ و چراغ و... درست کرده اند که کم کم به صورت امام زاده ای درآمده است... مردم برای بوسیدن این شیشه صف می کشند، به شیشه ها دست می کشند و به خودشان می مالند. کسانی هم هنگام دور شدن عقب عقب می روند، مثل کاری که در حرم امامان و امام زاده ها می کنند... بعضی ها هم فاتحه می خوانند، عده ای تعظیم می کنند، بعضی از عوام هم می گویند اینجا قبر حضرت ولی عصر علیه السلام است... . حتما چند سال دیگر هم فردی پیدا می شود و کتابی می نویسد که هفتاد نفر از اوتاد در اینجا دفن شده اند... هر کس مرتکب این کار شده، اشتباه کرده است. این ضربه ای به مسجد جمکران است... مسجد جمکران، مسجدی خالص از هر گونه خرافات بود، آمده اند آلوده اش کرده اند. (۱)

لازم به یادآوری است که در پی این تذکر روشن گرانه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تولیت محترم مسجد مقدس جمکران موارد یاد شده

را جمع آوری کرد و در حال حاضر، این مسجد کاملاً از این مظاهر خرافه پاک سازی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، بر همه مؤسسه ها، مراکز و کانون های فرهنگی مهدوی لازم است با ژرف اندیشی و احاطه کافی بر معارف مهدوی، در گام نخست، این معارف را از هرگونه روایت ضعیف و احياناً مجعول و تحریف شده و همچنین از باورهای خرافی پالایش کنند و در گام دوم، در حد توان، جلوی عرضه این گونه مطالب را بگیرند. (۱)

۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

جشن ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده سازی جامعه برای ظهور یگانه منجی بشریت است. متأسفانه در سال های اخیر، بسیاری از این جشن ها و مراسم، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خنثا، بی محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن ها و مراسم، رفتارهایی صورت می گیرد که خلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیه الله الاعظم _ ارواحنا له الفداء _ است، مانند: پخش موسیقی های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش های سخیف و بی محتوا و

در این شرایط، وظیفه گروه ها و تشکل های فعال در حوزه فرهنگ

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محمد مهدی شیرمحمدی، «رخنه خرافه در موعود گرایی»، کتاب نقد، سال هشتم، ش ۴۰، پاییز ۱۳۸۵.

مهدوی دوچندان شده و بر آنها لازم است که با تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی، از هر کاری که بر خلاف احترام و قداست این گونه مراسم و مغایر با خواسته های امام عصر علیه السلام است، جلوگیری کنند.

توجه به سخنان حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده، در این زمینه راه گشاست. ایشان می فرماید:

از این برنامه ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه سرایی، سخنرانی و همایش برگزار می شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجت الله یگانه زمان بهره برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولی خدا و ابعاد و اطراف و خصایص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت، مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می شود، برحذر نمایند. (۱)

۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

فراگیر شدن شور و شوق انتظار در جامعه و گرایش گروه های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی، ضرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه ها و قشرهای مختلف اجتماعی به این مباحث را دوچندان ساخته و رسالت مراکز، نهادها و گروه های فعال در این حوزه را سنگین تر کرده است. بدیهی است در شرایط

حاضر نمی توان تنها با طرح مطالب و مباحث سنتی مهدوی آن هم در قالب ها و اشکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روزافزون جامعه به این مباحث را پاسخ داد. از این رو، بر مبلغان فرهنگ مهدوی لازم است با گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوع های مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، عرضه این گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می توان از منظر علوم مختلف انسانی، از جمله جامعه شناسی، روان شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی از منظر هنرهای تصویری چون سینما به عرضه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوع ها و مسائل جدیدی که تا کنون در این حوزه مطرح نبوده است، توجه مخاطبان را جلب کرد. موضوع ها و مسائلی مانند: آینده جهان و جهان آینده، اقتصاد جهانی، عدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسیب شناسی اجتماعی انتظار، منجی گرایی در سینما و

ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف نگری و احاطه به مباحث مهدوی از یک سو و علم و اطلاع کافی از مبانی علوم مورد نظر از سوی دیگر است. از همین رو، لازم است کانون ها و مجامع مهدوی که قصد ورود به این حوزه را دارند، پیش از هر کاری، با کارشناسان شناخته شده و مورد اطمینان مشورت کنند تا خدای نخواستہ، به دام التقاط یا ابتدال گرفتار نشوند.

۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

چنان که پیش از این نیز گفته شد، تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا ممکن است منتظران را به سستی یا ناامیدی

بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده ای نه چندان دور، ظهور رخ نخواهد داد، انسان های منتظر به طور طبیعی دچار سکون و رکود می شوند و به این بهانه که هنوز تا زمان ظهور فاصله زیادی وجود دارد، از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می کنند. از سویی دیگر، اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به آنها وعده داده شده است، رخ ندهد، دچار ناامیدی می شوند و چه بسا در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز تردید کنند.

بنابراین، همه باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از پرداختن به موضوع زمان ظهور و تعیین وقت برای آن خودداری ورزند. (۱)

۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست و بی اساس

۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست و بی اساس

دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تا کنون، صدها کتاب روایی، کلامی و تاریخی در این باره نگاشته اند. (۲) روایت های فراوانی نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: همین کتاب، صص ۴۳۱-۴۴۳.

۲- تنها در کتاب الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی، افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده است که فقیهان، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در قرون متمادی نگاشته اند. در کتاب نامه هایی هم که در سال های اخیر به چاپ رسیده، نزدیک به دو هزار کتاب که در زمینه مباحث مهدوی نوشته شده اند، معرفی شده است. ر. ک: علی اکبر مهدی پور، کتاب نامه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

علیهم السلام در زمینه موضوع های مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده است.^(۱) مروری بر این کتاب ها و روایت ها نشان می دهد که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت الهی و منجی آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه های عقلی و نقلی استوار و خلل ناپذیری برخوردار است که راه هر گونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می بندد. مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رؤیاهای بی اساس برای اثبات حقانیت این اندیشه بی نیاز می سازد.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله در پیامی به «دومین جشنواره برترین های فرهنگ مهدویت»، در این زمینه فرموده بود:

در اینجا تذکر این نکته را لازم می بینم که در این وادی، اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هر گونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می کند، اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت، هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیر صحیح نیست. باید در منابر از جذبه های واقعی ولایت و آثار و کرامت های مسلم الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر، باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات؛ که آن امری است غیر پایدار و گذرا.^(۲)

۱- چنان که پیش از این گفته شد، در کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی، نزدیک به ۱۳۰۰ روایت و در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، نزدیک به دو هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مباحث مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام نقل شده است. البته این ارقام صرف نظر از روایات مشابه و تکراری است.

۲- مجله موعود، سال ششم، ش ۳۲، تیر ۱۳۸۱.

تکیه بر مطالب سست و بی بنیادی چون خواب و رؤیا برای ترویج و تبلیغ فرهنگ مهدوی، نه تنها مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می دهد، بلکه اعتقاد و باور آنها را نیز بسیار شکننده و آسیب پذیر می سازد؛ زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب و رؤیا جذب فرهنگ مهدوی می شوند، با وارد شدن اندک خدشه ای در این نقل ها، دچار تزلزل و سردرگمی می گردند.

با عنایت به مطالب یاد شده، بر همگان لازم است که در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدوی، به صورت شایسته ای به نکته های زیر توجه کنند:

الف) تلاش برای دفاع عقلانی از اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار و تبیین هر چه بهتر و دقیق تر مبانی این اندیشه و فرهنگ؛

ب) دقت و مراقبت کامل در نقل مطالب و مباحث مهدوی به ویژه حکایت های مربوط به تشرفات و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛

ج) پرهیز از مطرح ساختن خواب و رؤیاهایی که پایه و اساس محکم و متقنی ندارند، هر چند بسیار جذاب و اثرگذار باشند.

۱۳. پرهیز از غرض ورزی جناحی و گروهی

۱۳. پرهیز از غرض ورزی جناحی و گروهی

در سال های اخیر با گسترش فعالیت های مهدوی در جامعه، گروه ها و قشرهای مختلف اجتماعی با گرایش های متفاوت سیاسی، بیش از پیش به فرهنگ مهدوی روی آورده و به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پایان بخش همه ناامیدی ها و نامرادی ها و آخرین ذخیره شیعه برای رهایی همه جهان از تیرگی ها و پلیدی ها دل بسته اند. از این رو، بر همه مراکز، مؤسسه ها، هیأت های مذهبی و کانون هایی که به فعالیت های مهدوی مشغولند، لازم است در

فعالیت های خود، تنها رضایت حضرت صاحب الامر علیه السلام را در نظر داشته باشند و از درآمیختن این موضوع با هرگونه اغراض و گرایش های جناحی و گروهی خودداری کنند. در این شرایط، هر حرکتی که برای کسب منافع جناحی و گروهی و بهره برداری سیاسی و حزبی از این گرایش ناب و خالص مردمی صورت گیرد، موجب از دست رفتن آخرین امید مردم، بدین شدن آنها به فعالیت های مهدوی و در نتیجه، پراکنده شدن آنها از پیرامون مهم ترین محور وحدت امت اسلامی می شود که خطایی جبران ناپذیر و گناهی نابخشودنی است.

۱۴. پرهیز از بیان مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

۱۴. پرهیز از بیان مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

چنان که پیش از این نیز گفته شد، در معارف اسلامی، شناخت امام از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار است تا آنجا که وقتی شخصی از امام حسین علیه السلام پرسید: «يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛ ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟» آن حضرت پاسخ داد: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ شناخت اهل هر زمان نسبت به امامی که باید از او فرمان برند» (۱).

چنان که از روایت یاد شده نیز به دست می آید، شناخت امام عصر علیه السلام، مقدمه ای برای اطاعت اوست. از این رو، ما تنها موظف به شناخت آن دسته از موضوع ها و مسائل مرتبط با امام عصر خود هستیم که ما را به اطاعت او نزدیک تر و از مخالفت او دورتر می سازد یا بر آمادگی و شوق ما برای حاضر شدن در پیش گاه آن حضرت و اطاعت از او امر و نواهی ایشان می افزاید.

۱- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ح ۳۸.

شناخت هر آنچه دانستن آن در اطاعت ما نسبت به آن امام هیچ تأثیری ندارد، در دایره تکلیف ما داخل نمی شود.

با توجه به آنچه گفته شد، مرّوجان و مبلّغان فرهنگ مهدوی باید همه توان خود را صرف پرداختن به موضوع هایی مانند: ویژگی های امام، ضرورت وجود امام و حجت الهی، جایگاه حجت در هستی، مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران، چگونگی تحقق ظهور، ویژگی های جهان پس از ظهور و... کنند. آنان باید از دامن زدن به موضوع ها و مسائل کم اهمیت یا بی اهمیتی مانند محل زندگی و اقامت امام عصر علیه السلام یا ازدواج آن حضرت که دانستن آنها وظیفه و تکلیف مردم نیست و تأثیری هم در اطاعت آنها نسبت به امام زمان علیه السلام ندارد، خودداری کنند و اذهان مخاطبان خود را درگیر این گونه موضوع ها نسازند.

مراد از این سخن، بی پاسخ گذاشتن پرسش های مردم در این زمینه ها نیست، بلکه مراد این است که به میزان اهمیت و جایگاه این قبیل موضوع ها در مجموعه معارف مهدوی توجه و از پرداختن بیش از حد لازم به آنها خودداری شود.

فصل دوم: بایسته های پژوهش و نگارش

فصل دوم: بایسته های پژوهش و نگارش

علمای شیعه در طول دوران پرفراز و نشیب غیبت کبرا همواره چون مرزدارانی جان بر کف، پاسدار حریم مقدس تفکر شیعی با همه ابعاد آن اعم از فقه، حدیث، کلام و... بوده اند. آنان در هر زمان که احساس کرده اند شیاطین جن و انس، از روزنه ای، قصد نفوذ و تجاوز به این حریم مقدس و ایجاد شبهه در اذهان ضعیفای شیعه را دارند، با تمام توان خویش، به مقابله با متجاوزان فرهنگی و غارتگران فکری پرداخته اند.

نکته مهمی که در بررسی آثار علمای گران قدر شیعه به چشم می خورد، این است که هرگز اشتغال آنها در عرصه هایی همچون فقه و حدیث، مانع از پرداختن به وظیفه اصلی شان؛ یعنی دفاع از حریم اعتقادات شیعی و تبیین و ترویج جان مایه تفکر شیعی (اندیشه ولایت) نشده است. از همین رو، بسته به مقتضیات زمان و با توجه به شبهه هایی که در هر عصر متوجه تفکر ناب شیعی بوده است، به تدوین کتاب ها و رساله هایی برای پاسخ گویی و رد آن شبهه ها پرداخته اند.

مروری بر آثار علمای بزرگوار هم چون شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه. ق)،

شیخ مفید (۳۲۸ _ ۴۱۳ ه. ق)، شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰ ه. ق)، امین الإسلام طبرسی (۴۶۸ _ ۵۴۸ ه. ق)، علامه حلی (۶۴۸ _ ۷۲۶ ه. ق)، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ ه. ق)، علامه مجلسی (۱۰۳۷ _ ۱۱۱۱ ه. ق) و... درستی مدعای بالا را اثبات می کند. این بزرگان، آنی از احوال یتیمان آل محمد علیهم السلام غافل نشده و در هر زمینه که احساس کرده اند جامعه شیعه دچار ناتوانی است، به تألیف کتاب و رساله پرداخته اند. دیگر علمای شیعه نیز هر یک در عصر خود، چونان خورشیدی درخشیده و به طالبان حقیقت، نور و روشنایی و زندگی بخشیده اند.

در میان موضوع های مختلفی که علمای پیشین بدان ها پرداخته اند، موضوع غیبت امام عصر علیه السلام از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. علمای شیعه عنایت ویژه ای به این موضوع داشته اند تا جایی که به نقل کتاب شناس بزرگ شیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، فقیهان، متکلمان و محدّثان بزرگ شیعه در قرون متمادی افزون بر چهل کتاب و رساله را با عنوان الغیبه نگاشته اند.^(۱) از جمله این بزرگان می توان به ابو محمد فضل بن شاذان (م ۲۶۰ ه. ق)، محمد بن علی بن عزافر (م ۳۲۳ ه. ق)، ابوبکر محمد بن قاسم بغدادی (م ۳۳۲ ه. ق)، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (م ۳۶۰ ه. ق)، محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه. ق)، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ ه. ق)، ابوالقاسم علی بن حسن موسوی معروف به سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ه. ق) و محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ طوسی اشاره کرد.

۱- الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۱۶، صص ۷۵ _ ۸۳.

حتی برخی از بزرگان شیعه به تألیف یک کتاب و رساله بسنده نکرده و کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در موضوع غیبت موعود آخرالزمان تألیف کرده‌اند، چنان که شیخ مفید با حدود سیزده رساله (۱) و شیخ صدوق (۲) با حدود ده رساله در صدر این سلسله جلیله قرار دارند.

بی تردید، آنچه همه این بزرگان را به تلاش برای زدودن زنگارهای جهل و خرافه از موضوع غیبت آخرین ذخیره الهی، حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام واداشته، شناخت و معرفتی بوده است که آنها نسبت به وظیفه خود در برابر موضوع یاد شده داشته‌اند. امامان شیعه، این وظیفه را برای علمای این مذهب ترسیم کرده و از آنها خواسته‌اند که با تمام توان خود در راه ترویج و تبلیغ این موضوع تلاش کنند. در روایتی از امام هادی علیه السلام، وظیفه علمای شیعه در زمان غیبت این گونه تصویر شده است:

لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمُكُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لَضَعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فَخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ لَكِنَّهُمْ الدَّابِّينَ يُمَسِّكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا، أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۳)

اگر پس از غیبت قائم شما _ درود خدا بر او باد _ نبودند علمایی که مردم را به سوی او می خوانند و به سوی او راهنمایی می کنند و با برهان های الهی از دین او پاسداری می کنند و

۱- عبدالجبار الرفاعی، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت عليهم السلام، چاپ اول: تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۹، صص ۸۶ _ ۲۴۷.

۲- عبدالجبار الرفاعی، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت عليهم السلام، چاپ اول: تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۹، صص ۱۶۲ _ ۲۴۰.

۳- الإحتجاج، ج ۱، ص ۹.

بندگان بیچاره خدا را از دام های ابلیس و پیروان او و همچنین از دام های دشمنان اهل بیت رهایی می بخشند، هیچ کس بر دین خدا باقی نمی ماند. علمای دین، دل های مترزل شیعیان ناتوان را حفظ می کنند، همچنان که کشتی بان سکان کشتی را حفظ می کند. این دسته از علما نزد خداوند دارای مقام و فضیلت بسیاری هستند.

در روایت دیگری نیز که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، چنین می خوانیم:

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئَهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَمِّ عَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنَ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ اتَّصَبَ لِذَلِكَ مِّنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرِكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفَ مَرَّةٍ، لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنَ أَذْيَانِ شِيعَتِنَا وَ مُحِيبِنَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنَ أَبْدَانِهِمْ. (۱)

علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده اند، پاسداری می دهند و آنها را از اینکه بر شیعیان ناتوان هجوم برند، باز می دارند و اجازه نمی دهند که شیطان و پیروان او و دشمنان اهل بیت بر ضعفای شیعه تسلط یابند. پس هر کس از شیعیان ما که برای این موضوع نصب شود، از کسانی که با روم و ترک و خزر در جهادند، هزار هزار مرتبه برتر است؛ زیرا او از باورهای شیعیان و دوستان ما دفاع می کند و آن [مجاهدان] از بدن های ایشان.

همچنین در روایتی از امام جواد علیه السلام، وظایف علمای دین هنگام غیبت امام از جامعه چنین بیان شده است:

إِنَّ مَنْ تَكَفَّلَ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْمُتَقَطِّعِينَ عَنَ إِمَامِهِمْ، الْمُتَحَيِّرِينَ فِي جَهْلِهِمْ، الْأَسَارَى فِي أَيْدِي شَيَاطِينِهِمْ وَ فِي أَيْدِي النَّوَاصِبِ مِنْ أَعْدَائِنَا، فَاسْتَقْدَهُمْ مِنْهُمْ وَ أَخْرَجَهُمْ مِنْ حَيْرَتِهِمْ وَ قَهَرَ الشَّيَاطِينَ بِرَدِّ وَ سَاوَسِهِمْ وَ قَهَرَ النَّاصِبِينَ بِحُجَجِ رَبِّهِمْ وَ دَلَائِلِ أُمَّتِهِمْ، لِيَحْفَظُوا عَهْدَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ بِأَفْضَلِ الْمَوَانِعِ لِيَفْضَلُوا عِنْدَ اللَّهِ عَلَى الْعَابِدِ بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِعِ، بِأَكْثَرِ مِنْ فَضْلِ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْحُجُبِ عَلَى السَّمَاءِ وَ فَضْلُهُمْ عَلَى هَذَا الْعَابِدِ كَفَضْلِ

لَيْلَهُ الْبُدْرِ عَلَى أَخْفَى كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ. (۱)

کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد _ درود خدا بر آنها باد _ را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت گرفتار آمده اند، به عهده گیرد و آنها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد و از حیرت و جهالت خارج سازد و وسوسه های شیاطین را از آنها دور کند و با دلایل پروردگارشان و برهان های امامانشان، آنها را بر دشمنان اهل بیت چیره سازد تا عهد خدا بر بندگانش را به بهترین شکل حفظ کند، نزد خداوند، بر عابدی که در بهترین زمان ها به عبادت پرداخته است، برتری دارد؛ بیشتر از آنچه آسمان بر زمین و عرش و کرسی و حجاب ها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی، مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک ترین ستاره آسمان است.

حال باید دید آیا ضرورت هایی که استوانه های فقهت شیعه را به تدوین کتاب و نگارش رساله در زمینه شناخت آخرین حجت حق و دیگر موضوع های مرتبط با غیبت امام عصر علیه السلام واداشته، از بین رفته است یا خیر؟ آیا آن نگرانی که خاطر شیخ صدوق را پریشان ساخت و او را به تألیف کتاب کمال الدین و تمام النعمه وادار کرد، دیگر بر طرف شده و جایی برای نگرانی خاطر باقی نمانده است؟ (۲) آیا آن شبهه ها و پرسش های گوناگون درباره غیبت که شیخ مفید را وا می داشت برای پاسخ گویی به آنها، رساله های گوناگونی همچون الفصول العشره فی الغیبه، (۳) خمس رسائل فی إثبات الحججه، (۴) فی سبب إستتار الحججه (۵) و... را

۱- الإحتجاج، ج ۱، صص ۱۴ و ۱۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه کتاب در بیان انگیزه شیخ از تألیف این کتاب.

۳- معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت علیهم السلام، ج ۹، صص ۸۶ - ۲۴۷.

۴- ر.ک: معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت علیهم السلام، ج ۹، ص ۱۵۴.

۵- ر.ک: معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت علیهم السلام، ج ۹، ص ۲۲۷.

بنگارد، دیگر از بین رفته است؟ آیا آن احساس ضرورتی که شیخ طوسی را وادار می ساخت با همه گرفتاری های علمی و درگیری در عرصه هایی همچون فقه، تفسیر، حدیث و رجال، به تألیف کتاب الغیبه دست بزند، دیگر زمینه ای ندارد؟ آیا دیگر هیچ خطری سرمایه اعتقادی شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله را تهدید نمی کند؟ آیا دیگر ضعفای شیعه به چنان اعتقادی دست یافته اند که مزداران حریم اندیشه شیعی بتوانند بی هیچ دغدغه ای به کارهای علمی خود پردازند؟ آیا جوانان و نوجوانان ایران اسلامی که به تعبیر امام راحل، «کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان علیه السلام است»، به چنان شناختی از حجت عصر رسیده اند که علمای شیعه و دعوت کنندگان به سوی قائم بتوانند با خاطری آسوده سر به بالین بگذارند؟

بدون تردید، امروز دیگر بسیاری از شبهه ها و پرسش هایی که پیش از این در مورد امام مهدی علیه السلام وجود داشتند، مطرح نیستند. بسیاری از موضوع هایی که علمای پیشین نسبت به آنها احساس نگرانی می کردند، جایی برای طرح شدن ندارند و بسیاری از خطرهایی که در گذشته، کیان اعتقادی شیعه و باور مهدوی را تهدید می کردند، از میان رفته اند. با این حال، این سخن هرگز بدان معنا نیست که جامعه امروز ما هیچ شبهه و پرسشی در مورد امام زمان خویش ندارد یا در مورد اعتقاد مردم به امام عصر هیچ نگرانی وجود ندارد یا باور مهدوی و فرهنگ انتظار را هیچ خطری تهدید نمی کند.

به جرئت می توان گفت امروزه موعودباوری اسلامی و شیعی بیش از هر زمان دیگر دست خوش تهدیدهای دشمنان دانا و آسیب های دوستان نادان قرار گرفته است.

حجم کتاب هایی که در سالیان اخیر در ردّ باورهای شیعی به ویژه موضوع

مهدویت و انتظار نوشته شده است و دستگاه های اطلاعاتی کشورهایی چون امریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی آنها را در شمارگان فراوان منتشر کرده اند، رو به گسترش است. در دو سه دهه گذشته، فیلم های فراوانی با هدف ترویج و تبلیغ نگرش آخرالزمانی مسیحی - یهودی و تقبیح و تحقیر نگرش آخرالزمانی و موعودباوری اسلامی ساخته شده اند. شمارگان کتاب های سطحی، نازل، عوام پسندانه و مبتنی بر باورهای سست و خرافی که در چند سال اخیر در کشور ما در زمینه موضوع مهدویت نوشته شده اند، بسیار زیاد است. مجالس و محافلی که به بهانه ذکر و یاد امام زمان علیه السلام، در همه جای این سرزمین تشکیل می شوند و به جای بارور کردن روحیه امید، سرزندگی، تلاش و تکاپو در دل جوانان این سرزمین و بالابردن سطح هشیاری، احساس مسئولیت و آمادگی آنها برای ظهور، بذر نومی، گوشه نشینی، بی مسئولیتی و سستی را در دل آنان می کارند، روز به روز افزایش می یابند. شبهه ها و پرسش هایی که امروز در جامعه اسلامی ما در مورد امام زمان علیه السلام مطرح می شود، با این وضعیت، بسیار افزایش یافته است. با این وضعیت خواهیم پذیرفت که ادعای یاد شده بی اساس نیست و یتیمان آل محمد علیهم السلام بیش از هر زمان دیگر، نیازمند سرپرستی و توجه علمای دین هستند.

به نظر می رسد در شرایط کنونی، مهم ترین مسئولیت هایی که متوجه علمای دین و حوزه های علمیه است، به شرح زیر است:

۱. نگارش آثار مهدوی برای قشرهای مختلف

نخستین و مهم ترین رسالت امروز دانش وران و صاحب نظران حوزه های علمیه، تألیف و تدوین کتاب ها و نشریاتی است که با بهره گیری از منابع اصیل و متقن شیعی، معارف مهدوی را به دور از هرگونه پیرایه، در اختیار گروه های مختلف سنی (کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ سالان) و قشرهای مختلف اجتماعی (فرهیختگان، دانشگاہیان، دانشجویان، کارمندان، کارگران، کشاورزان، زنان خانه دار و...) قرار دهند و آنها را نسبت به وظایف و تکالیفی که نسبت به امام عصرشان برعهده دارند، آگاه سازند.

۲. پاسخ گویی عالمانه به پرسش ها و شبهه های موجود

نشر کتاب ها و آثاری که به پرسش ها و شبهه های مطرح در حوزه مباحث مهدوی به صورتی عالمانه و متناسب با ذهن و زبان نسل امروز پاسخ دهد، یکی از ضرورت های فرهنگ مهدویت در عصر حاضر است که تنها در توان علما و اندیشه وران حوزه های علمیه است.

۳. جلوگیری از نشر و پخش آثار بی محتوا، خرافی و انحرافی

بر علمای حوزه لازم است که با نظارت مستمر بر کتاب ها و نشریاتی که در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار منتشر می شوند، از پخش آثاری که به عرضه مطالب بی محتوا، کم محتوا، خرافی، انحرافی، سست و بی اساس در جامعه می پردازند، جلوگیری و شرایط لازم را برای ارائه آثار ارزشمند فراهم کنند.

۴. رصد دائمی رسانه های بیگانه

یکی دیگر از مسئولیت های مهم علمای حوزه در عصر حاضر، رصد دائمی پایگاه های اطلاع رسانی، شبکه های ماهواره ای، مطبوعات و کتاب های خارجی و فراهم آوردن پاسخ های مناسب برای شبهه هایی است که آنها القا می کنند.

۵. ترجمه معارف مهدوی به زبان های روز دنیا

با توجه به اقبال روزافزون جهانیان به معارف مهدوی، بر علمای حوزه لازم است که معارف مهدوی را به زبان های روز دنیا ترجمه کنند و در اختیار همه مشتاقان این فرهنگ در سراسر جهان قرار دهند.

۶. مقابله با بدعت ها و انحراف ها

مقابله با انحراف ها، بدعت ها، کج فهمی ها، بدفهمی ها و افراط ها و تفریط هایی که در حوزه مباحث مهدوی در جامعه ما رواج پیدا کرده است یا خواهد کرد، یکی دیگر از مسئولیت های مهمی است که امروز بر دوش همه دانش پژوهان، دانش وران و صاحب نظران حوزه های علمیه قرار دارد.

به یقین، اگر علمای دین به وظیفه و تکلیفی که در برابر حجت خدا برعهده دارند، چنان که باید و شاید، عمل کنند و وظیفه خود را در زمینه تبیین، ترویج و تبلیغ باور مهدوی و فرهنگ انتظار، آن گونه که شایسته است، به انجام رسانند، می توان امیدوار بود جامعه ما در پرتو گسترش و نهادینه سازی این باور و فرهنگ، در برابر همه تهدیدها و توطئه ها پایداری ورزد و به آمادگی بیشتری برای استقبال از پیک خجسته عدالت و رستگاری دست یابد.

فصل سوم: بایسته های برنامه سازی

اشاره

فصل سوم: بایسته های برنامه سازی

در دو سه دهه گذشته، موضوع منجی گرایی، موعودباوری و آخرالزمان شناسی، به شدت مورد توجه رسانه های غربی به ویژه رسانه های دیداری و شنیداری قرار گرفته و در طول این سال ها، ده ها فیلم سینمایی و ویدئویی با موضوع هایی چون نبرد آخرالزمان (آرمگدون)،^(۱) رویدادهای آخرالزمان، ظهور مسیح به عنوان منجی موعود آخرالزمان و حوادث و رویدادهای پیش از این ظهور در قالب برنامه های نمایشی و مستند ساخته و پخش شده است، به گونه ای که شما در یک جست و جوی ساده در اینترنت به اسامی ده ها فیلم با موضوع های یاد شده برخورد می کنید.

در مورد چرایی رشد و گسترش این مباحث در رسانه های تصویری غربی، دیدگاه های مختلفی مطرح شده است. بر اساس ادله و مستندات موجود می توان گفت که دلیل این رشد و گسترش، توسعه دامنه نفوذ فرهنگی و سیاسی جریان مسیحیت بنیادگرا یا مسیحیت صهیونیستی در طول سال های اخیر است؛ زیرا این جریان، آموزه های آخرالزمانی کتاب مقدس را دست مایه فعالیت های سیاسی، نظامی و سلطه طلبانه در جهان قرار داده و همه تلاش خود را متوجه پیش گویی های کتاب مقدس ساخته است. از همین رو، از

ابزار رسانه ها به بهترین شکل برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کند.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که سیاست رسانه ای این جریان، از یک سو تبلیغ و ترویج آموزه های آخرالزمانی کتاب مقدس و از سوی دیگر، مقابله با آموزه های آخرالزمانی اسلام و ترسیم چهره ای نامناسب از منجی موعود مسلمانان است.

متأسفانه «صدا و سیمای جمهوری اسلامی»، با تأخیری ده پانزده ساله به موضوع مهدویت پرداخته است. البته از حدود ۱۳۷۴ برنامه ای با عنوان «انتظار سبز» از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش می شد و برخی شبکه های رادیویی همچون رادیو جوان و رادیو معارف هم در سال های اخیر برنامه هایی در این زمینه داشته اند، ولی در حوزه سیما، کار با تأخیر بیشتری آغاز شده است. برخی از مجموعه برنامه های مهدوی که در چند سال اخیر از شبکه های مختلف سیما پخش شده اند، عبارتند از: مجموعه «پایان دوران» از شبکه اول سیما؛ مجموعه های «به سوی ظهور»، «چهل وادی تماشا»، «پرده عشق» و «مشق انتظار» از شبکه دو سیما؛ برنامه «سپهری دیگر» از شبکه چهار و برنامه «صبح امید» از شبکه قرآن.

با توجه به اقبال گسترده ای که در سال های اخیر در جامعه ما نسبت به مباحث مهدوی صورت گرفته است، این انتظار وجود دارد که رسانه ملی نیز هم گام با مردم، موضوع مهدویت و انتظار را بیش از پیش مورد توجه قرار دهد تا بتواند به نیازهای فرهنگی روزافزونی که در این زمینه احساس می شود، پاسخ گوید.

در تولید و پخش برنامه های دینی از جمله برنامه های مهدوی، حساسیت ها و ظرافت های خاصی وجود دارد که اگر نسبت به آنها بی توجهی

یا کم توجهی صورت گیرد، آن برنامه ها نه تنها اهداف مورد نظر را محقق نخواهند ساخت، چه بسا ممکن است موجب ایجاد شبهه ها و پرسش های مختلفی نسبت به آموزه های دینی شوند.

مهم ترین بایسته هایی که در ساخت برنامه های مهدوی باید مورد توجه قرار گیرند، به شرح زیر است:

۱. ارتقا و گسترش معرفت و ایمان روشن بینانه به مهدویت

اشاره

۱. ارتقا و گسترش معرفت و ایمان روشن بینانه به مهدویت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان نقش و مسئولیت صدا و سیما در حوزه دین، ارتقای «معرفت دینی» و «ایمان دینی» مردم را مورد توجه قرار داده است و می فرماید:

معرفت دینی باید ارتقا و گسترش پیدا کند، اما یک معرفت روشن بینانه و آگاهانه... . طبیعتاً از وظایف صدا و سیما، ارتقای معرفت دینی و ایمان دینی است؛ هر دو. معرفت و ایمان با هم تفاوت دارد. هم ایمان مردم باید تقویت شود، هم معرفت و شناخت مردم. شناخت دینی مردم باید ارتقا پیدا کند. در زمینه معرفت دینی باید توجه داشت که این ایمانی که مردم پیدا می کنند، سست، عوامانه، سطحی و قشری نباشد؛ به شدت از این پرهیز بشود. اکتفا نشود به تغلیط احساسات مردم و تشریفات افراطی. تأکید بر این چیزها به طور افراطی، هیچ مفید نیست؛ هیچ تبلیغ دین محسوب نمی شود. (۱)

بر اساس این سخن مقام معظم رهبری، در برنامه های مهدوی صدا و سیما _ همچون دیگر برنامه های دینی _ باید به موضوع ارتقا و گسترش معرفت و ایمان مخاطبان رسانه ملی توجه کرد و تلاش شود که این گونه برنامه ها، هم شناخت مردم را از موضوع مهدویت افزایش دهند و هم ایمان و

۱- از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۱/۹/۱۳۸۳.

باور آنها را نسبت به این موضوع ارتقا بخشند. بنابراین، بر همه مدیران و برنامه سازان صدا و سیما لازم است که از یک سو از طرح مطالب سست، عوامانه، سطحی و قشری در برنامه های مهدوی جلوگیری کنند و از سوی دیگر، از بسنده کردن به شاعرانه ها و مطالب صرفاً احساسی و عاطفی که جنبه معرفت افزایی ندارند، خودداری کنند.

برای تحقق آنچه گفته شد، اقدام های متعددی باید صورت گیرد که در اینجا به چند مورد از مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

الف) بهره گیری از پژوهش در ساخت برنامه ها

هرگز نمی توان از برنامه ای که برای ساخت آن هیچ پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است و برنامه ساز صرفاً بر اساس اطلاعات محدود خود یا حداکثر استفاده از چند کتاب دست چنم، برنامه خود را سامان داده است، انتظار ارتقا و گسترش معرفت و ایمان مردم در زمینه باور مهدوی را داشت. از این رو، بر سازندگان برنامه های مهدوی رسانه ملی لازم است که در تهیه و تولید این گونه برنامه ها، به پژوهش بیش از پیش بها دهند و از طرح مطالبی که بر پژوهش و تحقیق مبتنی نیست، خودداری کنند.

ب) استفاده از کارشناسان و مجریان زبده و فهیم

یکی دیگر از عواملی که می تواند در افزایش سطح برنامه های مهدوی و در نتیجه، ارتقای معرفت و ایمان مخاطبان این برنامه ها مؤثر باشد، استفاده از آن دسته از کارشناسان حوزوی و دانشگاهی است که در موضوع مهدویت به طور تخصصی کار کرده اند و صرفاً به ارائه اطلاعات عمومی نمی پردازند. بهره گیری از افراد آشنا به موضوع مهدویت برای اجرای برنامه های مهدوی نیز می تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد.

ج) تأمل و تدبر در تولید برنامه ها

شتاب زدگی در ساخت برنامه های مختلف از جمله برنامه های مهدوی، آفت بزرگی است که مانع تحقق اهدافی چون معرفت افزایی و تعمیق ایمان و باور مردم می شود و برنامه ها را همواره در سطحی نازل از محتوا قرار می دهد. راه رهایی از این آفت، داشتن برنامه ریزی مناسب برای تولید این گونه برنامه هاست.

۲. توجه به وجوه سه گانه فرهنگ مهدویت

۲. توجه به وجوه سه گانه فرهنگ مهدویت

فرهنگ و اندیشه مهدویت شیعی وجوه مختلفی دارد و بینش ها، گرایش ها و کنش های انسان ها را دربرمی گیرد. از این رو، در ترویج و گسترش این فرهنگ و اندیشه متعالی از طریق صدا و سیما باید به همه ابعاد وجودی انسان ها توجه شود. از یک سو باید تلاش کرد که مخاطبان به «شناخت عقلی» مناسبی نسبت به معارف مهدوی دست یابند و از این نظر کاملاً اقناع شوند و از سوی دیگر باید در پی این بود که مردم از نظر عاطفی و احساسی نیز از این معارف اثر پذیرند تا به «پیوند قلبی» مستحکمی با مهدی موعود دست یابند. همچنین باید تلاش شود شنوندگان و بینندگان از نظر رفتاری هم از معارف مهدوی متأثر شوند تا در نهایت به «همراهی عملی» شایسته ای با امام و مقتدای خود برسند و رفتار آنها رنگ و بوی مهدوی پیدا کند.

به بیان دیگر، در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار باید «دانش افزایی»، «شورآفرینی» و «حرکت زایی» در کنار هم مورد توجه قرار گیرد تا همه وجوه این فرهنگ در جامعه محقق شود. البته این سخن به این معنا نیست که یک برنامه همه این وجوه را داشته باشد، بلکه مراد این است

که برآیند کلی برنامه های صدا و سیما و حاصل تولیدات متعدد و متنوع رسانه در عرصه مهدویت باید به گونه ای باشد که تصویر جامعی از فرهنگ مهدویت و انتظار ارائه دهد و همه ابعاد وجودی انسان ها را از این فرهنگ متأثر سازد.

۳. سرلوحه قرار دادن اندیشه امام خمینی رحمه الله درباره انتظار

در جامعه ما دیدگاه ها و اندیشه های متفاوت و گاه متعارضی در زمینه مهدویت و انتظار وجود دارد. گروهی با برخورد «غیرفعال» با اندیشه انتظار، هرگونه حرکت اصلاحی را در دوران غیبت نفی می کنند و هیچ تکلیف و مسئولیتی را برای زمینه سازی ظهور متوجه منتظران نمی دانند. در نگاه این گروه، حداکثر وظیفه منتظران، دعا برای فرج امام زمان علیه السلام و تلاش برای تشریف خدمت آن حضرت است. گروهی هم با اثرپذیری از اندیشه های امام خمینی رحمه الله و با نگاهی «فعال» به مفهوم انتظار، انتظار فرج را «انتظار قدرت اسلام» می دانند و بر این باورند که در عصر غیبت، شیعیان باید تلاش کنند که با تشکیل حکومت و گسترش عدالت و صلاح در جامعه، مقدمات ظهور امام مهدی علیه السلام را فراهم آورند. حال این پرسش مطرح است که برنامه های مهدوی صدا و سیما باید مروج و مبلغ چه دیدگاهی باشد و برآیند عمومی برنامه های تولید شده، مخاطبان را به کدام دیدگاه متمایل سازد؟

پاسخ این پرسش در نگاه اول آسان به نظر می رسد و همه اذعان می کنند که باید برنامه های صدا و سیما مروج و مبلغ دیدگاه دوم باشد، ولی مهم این است که در عمل چه اتفاقی می افتد و ساختار برنامه های تولیدی، بخش های

مختلف آنها و فضای کلی حاکم بر برنامه ها کدام دیدگاه را تقویت و کدام دیدگاه را تضعیف می کند؟

به نظر می رسد در حال حاضر در بیشتر برنامه های مهدوی به وجه معرفتی موضوع مهدویت و انتظار، چنان که باید توجه نمی شود و رویکرد آنها بیشتر احساسی _ عاطفی است. در این برنامه ها از تکالیف و وظایف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منتظران در عصر غیبت کمتر سخنی به میان می آید. مباحث مطرح شده در این برنامه ها نیز با شرایط امروز جهان اسلام و تهدیدهای بالقوه و بالفعلی که کیان اسلام و شیعه را تهدید می کند، هیچ ارتباطی ندارند. بدین ترتیب نمی توان انتظار داشت این گونه برنامه ها در نهایت، مخاطبان را به سوی دیدگاهی رهنمون شود که برای انتظار، نقشی سازنده، تحول آفرین و زندگی بخش قائل است. بنابراین، مدیران و برنامه سازان رسانه ملی باید مراقبت کنند که با افزایش کمی و ارتقای کیفی برنامه های ویژه مهدویت، این گونه برنامه ها در عمل، مروج و مبلغ دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله یا همان انتظار فعال باشند.

۴. شبهه زایی از اندیشه ها

۴. شبهه زایی از اندیشه ها

تنوع و تکثر مخاطبان رسانه و اختلاف سطح علمی، فرهنگی و اعتقادی آنها اقتضا می کند که طرح مباحث مهدوی به گونه ای صورت گیرد که خدای ناکرده برای کسی ایجاد شبهه و ابهام نکنند. به یقین، نمی توان همه مطالب و مباحثی را که در یک جمع محدود از ارادتمندان حضرت مهدی علیه السلام بیان می شود _ هر چند بسیار جذاب و شنیدنی باشد _ در رسانه ملی مطرح کرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما بر این موضوع تأکید کرده و فرمود:

برنامه دینی باید نسبت به دین شبهه زدا باشد از ذهن شنونده؛ نه شبهه زا. من گاهی بعضی از بیانات دینی را از تلویزیون یا از رادیو گوش می کنم و می بینم شبهه ایجاد می کند! یک حدیث سستی، یک حرف نامعقولی، یک مطلبی که حالا در جمع مثلاً بیست نفره یا پنجاه نفره یک عده مؤمن مخلص، زدنش خوب است و ایمان آنها را زیاد می کند، در سطح میلیونی مردم به زبان آوردن، جز اینکه ایمان یک عده ای را سست کند و در ذهنشان تردید ایجاد کند، هیچ فایده دیگری ندارد؛ از این چیزها باید پرهیز کرد. بیان دینی و تبیین دینی باید شبهه زدا باشد؛ شبهه زا نباشد. (۱)

بنابراین، در تولید برنامه های مهدوی همواره باید دو نکته را نظر داشت: نخست اینکه مطالب و مباحث مطرح شده در این گونه برنامه ها، شبهه ای را به ذهن بیننده یا شنونده القا نکند و دوم اینکه اگر برنامه به پاسخ شبهه ای می پردازد، پاسخ گویی به گونه ای باشد که کاملاً برای مخاطبان با همه اختلاف سطحی که دارند، قانع کننده باشد. در غیر این صورت، شبهه مطرح شده در ذهن مخاطب باقی می ماند بی آنکه پاسخی مناسبی برای آن دریافت کرده باشد و این، همان شبهه زایی است که مقام معظم رهبری به آن اشاره فرمود.

گفتنی است با توجه به نکته یاد شده، برخی معتقدند اساساً رسانه حتی با هدف پاسخ گویی هم نباید به طرح شبهه ها پردازد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که مخاطب، اصل شبهه را به خوبی درک کند و ذهنش شبهه دار شود، ولی پاسخ شبهه را به خوبی درک نکند یا از آن قانع نشود.

۵. طرح مطالب درست و متقن

۵. طرح مطالب درست و متقن

۱- از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.

مخاطبی که برنامه های مهدوی رسانه برای خود انتخاب می کند، ممکن است از نظر سن و سال یا سطح تحصیلات متفاوت باشند. مثلاً برنامه ای ویژه نوجوانان و برنامه دیگری برای فرهیختگان تولید شود، ولی در همه این برنامه ها این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که مطالب کاملاً درست و متکی به منابع متقن باشد، اگرچه سطح این مطالب با هم متفاوت است و با توجه به مخاطب ممکن است ساده یا پیچیده باشد. رهبر معظم انقلاب در همین زمینه می فرماید:

درست است که ما تبیین دینی را در سطح نخبگان، در سطح متوسط و در سطح پایین و در سطح کودکان داریم، اما همان که در سطح کودکان است، مطلقاً باید صحیح باشد... آنچه ما به کودک یا به انسان عامی، در زمینه دین تفهیم می کنیم، مطلقاً نبایست غلط باشد که بعد در ارتقای معرفت دینی ببیند آن حرف، حرف نادرستی بوده است نه درست؛ منتها ساده. بنابراین، حرف دینی در همه سطوح بایستی صحیح باشد. (۱)

با توجه به این سخن مقام معظم رهبری، رسانه ملی باید از طرح هر گونه مطلب سست، واهی و بی اساس در حوزه مهدویت _ حتی اگر برای مخاطب جذاب و شنیدنی باشد _ خودداری کند.

۶. استفاده نکردن از متن های بی محتوا یا کم محتوا

۶. استفاده نکردن از متن های بی محتوا یا کم محتوا

قالب ادبی اعم از شعر یا نثر، وسیله مناسبی برای انتقال مفاهیم دینی از جمله معارف مهدوی است و در ایجاد انس و ارتباط میان مردم و موعود منتظر بسیار اثر دارد. با این حال، باید توجه داشت که در استفاده از این قالب

۱- از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.

هم نمی توان نسبت به محتوا و مضمون بی اعتنا بود و از هر متنی صرفاً به دلیل زیبایی و داشتن آرایه های ادبی استفاده کرد.

متأسفانه بسیار دیده می شود که مجریان برنامه های صدا و سیما به ویژه در برنامه های زنده، شعر یا قطعه ادبی را با آب و تاب در مدح و ثنای امام عصر علیه السلام می خوانند، بی آنکه توجه کنند این شعر یا قطعه ادبی چیزی به معرفت مردم اضافه می کند یا انس آنان را با امامشان بیشتر می کند یا خیر؟ سخنان رهبری در این زمینه خواندنی است:

گاهی انسان برنامه ای را می بیند که شخصی با شد و مدّ و مثل یک قطعه ادبی، فرضاً راجع به امام هفتم، موسی بن جعفر، حرف می زند: «در سرادق ملکوت!» که هیچ معنا ندارد و مثل پفک بزرگ است. این کارها نه ایمان کسی را زیاد می کند، نه لذتی دارد، نه هنر نویسندگی به معنای حقیقی کلمه در این کار به کار رفته. چرا ما این برنامه ها را پخش می کنیم؟... به جای صدای آن طوری، چند فضیلتِ درست، منطقی _ با سند درست _ از امام موسی بن جعفر نقل کند و زندگی او را شرح دهد؛ انسان گوش می کند، لذت می برد، معرفت و محبتش زیاد می شود، دلش از شنیدن مناقب این بزرگواران روشن می شود. (۱)

بنابراین، نباید تصور کرد که رسالت صدا و سیمای جمهوری اسلامی در زمینه ترویج و گسترش معارف مهدوی تنها به این کار خلاصه می شود که در شب های جمعه یا آخرین ساعت های روز جمعه، دقایقی را به امام زمان علیه السلام اختصاص دهد و با پخش چند شعر و قطعه ادبی همراه با تصویرهایی از مسجد مقدس جمکران، مردم را سرگرم کند. رسالت رسانه ملی آن گاه به طور کامل محقق می شود که برنامه های مهدوی، معرفت و محبت مردم را

۱- از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۱/۹/۱۳۸۳.

نسبت به امام عصر علیه السلام افزایش دهد.

۷. نوآوری در قالب و محتوا

۷. نوآوری در قالب و محتوا

با نگاه اجمالی به برنامه هایی که صدا و سیما جمهوری اسلامی در سال های اخیر در زمینه موضوع مهدویت تولید و پخش کرده است، به روشنی می توان دریافت که این برنامه ها بیشتر در قالب گفت و گو، میزگرد، برنامه های ترکیبی و گاه مستند بوده است و نوآوری و ابتکار از نظر قالب و محتوا در این برنامه ها کمتر به چشم می خورد. این در حالی است که رسانه های رقیب برای تبیین، تبلیغ و ترویج معارف آخرالزمانی کتاب مقدس، از همه توان مندی های خود بهره می گیرند و با هوشمندی تمام از همه قالب های برنامه سازی استفاده می کنند.

بی تردید، برای احیا و گسترش فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه شیعی ایران و در سطح جهانی نیازمند بهره گیری از همه ابزارهای رسانه ای به ویژه صدا و سیما هستیم و تا زمانی که صدا و سیما نتواند معارف مهدوی را با استفاده از قالب های جذاب برنامه سازی به جامعه عرضه کند، نمی توان انتظار داشت این معارف چنان که باید و شاید، در میان همه اقشار به ویژه نسل جوان نهادینه شود.

با توجه به آنچه گفته شد، بر مدیران و برنامه سازان رسانه ملی لازم است با بهره گیری از دیدگاه های کارشناسان در چگونگی عرضه معارف مهدوی از صدا و سیما، تحولی اساسی پدید آورند و به جای طرح مباحث تکراری در قالب های کلیشه ای، مباحث جذاب و شنیدنی مهدوی را با بهره گیری از

قالب های متنوع برنامه سازی، از جمله قالب نمایش به مخاطبان خود عرضه کنند.

۸. توجه ویژه به کودکان و نوجوانان

۸. توجه ویژه به کودکان و نوجوانان

بهترین زمان برای آموزش و درونی سازی آموزه های دینی، کودکی و نوجوانی است. اگر نهادها و دستگاه های آموزشی و تبلیغی بتوانند معارف دینی را در قالب هایی زیبا و جذاب به مخاطبان خود در این سنین ارائه دهند، می توان امیدوار بود که این معارف برای همیشه در ذهن و دل آنها ماندگار شود. از این رو، صدا و سیما جمهوری اسلامی که در پی احیا و گسترش فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه شیعی ایران است، در درجه اول باید به مخاطبان میلیونی کودک و نوجوان این سرزمین بیندیشد و سهم عمده ای از برنامه های مهدوی خود را به این گروه سنی اختصاص دهد؛ چیزی که امروز در برنامه های صدا و سیما کمتر دیده می شود.

۹. آسیب شناسی و آسیب زدایی مستمر

۹. آسیب شناسی و آسیب زدایی مستمر

فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه ما دچار آسیب ها و آفت های متعددی شده است. بسیاری از خرافه ها و اندیشه های واهی و بی اساس با آن درهم آمیخته و گسترش یافته است. از این رو، همه سازمان ها، نهادها و مؤسسه هایی که در پی تبلیغ و ترویج این فرهنگ هستند، باید با آسیب شناسی و آسیب زدایی پیوسته، معارف ناب مهدوی را به مردم ارائه دهند. صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست و مدیران و برنامه سازان رسانه ملی باید تلاش کنند با در پیش گرفتن تدبیرهای

پیش گیرانه و نظارت دقیق بر ساخت برنامه های مهدوی رسانه، نه تنها این برنامه ها را از آسیب هایی چون عوام زدگی، سطحی نگری، خرافه گرایی، برداشت های نادرست و مانند آن که این روزها، برخی مجالس، مراسم و آثار مهدوی به آنها دچار شده اند، حفظ کنند، بلکه این برنامه ها را به ابزاری قدرتمند برای مقابله با آسیب ها و آفت های موجود بدل سازند.

۱۰. ترسیم تصویری زیبا از قیام جهانی امام عصر علیه السلام

۱۰. ترسیم تصویری زیبا از قیام جهانی امام عصر علیه السلام

یکی از رسالت های مهم صدا و سیما در زمینه تبلیغ و ترویج موضوع مهدویت و انتظار، زدودن غبار اوهام از چهره زیبای قیام جهانی و حکومت عدل امام مهدی علیه السلام است. متأسفانه به دلیل تبلیغات نادرست و اطلاعات غلطی که در اختیار جوانان و نوجوانان این سرزمین قرار گرفته است، بیشتر آنها تصویر مناسبی از ظهور امام مهدی و پی آمدهای آن در ذهن ندارند و حداکثر چیزی که آنان از این قیام عدالت گستر می دانند، این است که آن حضرت با شمشیر قیام می کند، شمار زیادی از مردم را به قتل می رساند، چند سالی حکومت می کند و بعد هم به دست پیرزنی به شهادت می رسد، در حالی که می دانیم آن قدر زیبایی ها و لطافت ها در این حرکت اصلاح گرانه جهانی وجود دارد که همه انبیا و اولیا در آرزوی دیدنش بوده اند.

با توجه به آنچه گفته شد، دست اندرکاران رسانه ملی، باید بخش مهمی از برنامه های مهدوی را به تصویر جهان پس از ظهور، بیان زیبایی های آن و تبیین تحولات مثبتی اختصاص دهند که در عصر ظهور، در همه عرصه های زندگی انسان ها رخ می دهد.

۱۱. بهره گیری از نمادها و جلوه های تصویری نو و بدیع

۱۱. بهره گیری از نمادها و جلوه های تصویری نو و بدیع

تأثیر نمادها و جلوه های تصویری در ماندگار ساختن اندیشه ها و آرمان های متعالی در ذهن و دل مخاطبان رسانه بر هیچ کس پوشیده نیست. انتخاب و به کارگیری هوشمندانه یک نماد برای نشان دادن مفهومی والا و ارزشمند می تواند آن مفهوم را با همه ویژگی هایش، برای مخاطب تداعی کند و برای همیشه در خاطر او ماندگار سازد.

با وجود نقش و تأثیر فراوان نمادها و جلوه های تصویری، متأسفانه تاکنون تلاش درخوری برای طراحی نمادها و جلوه های تصویری که بتواند مفاهیم و درون مایه های ارزشمند فرهنگ مهدویت و انتظار را به خوبی برای مخاطب تداعی کند، صورت نگرفته است و سال هاست که سیمای جمهوری اسلامی به هنگام پرداختن به یاد و نام امام عصر علیه السلام، تنها به نشان دادن نمادهایی از مسجد مقدس جمکران یا اسب سواری که بی هدف در بیابان می تازد، بسنده می کند. گویی که فرهنگ مهدویت و انتظار هیچ نماد و جلوه تصویری دیگری ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، بر مراکز پژوهشی و آموزشی صدا و سیما و همه مدیران و برنامه سازان لازم است که با به کارگیری همه استعدادها و قابلیت های هنری موجود در رسانه و رایزنی مستمر با صاحب نظران حوزه مهدویت، نمادها و جلوه های تصویری ویژه فرهنگ مهدویت و انتظار را طراحی کنند تا از قابلیت ها و ظرفیت های رسانه برای انتقال مفاهیم ارزشمند دینی بیش از پیش استفاده شود.

۱۲. جاری کردن مفاهیم فرهنگ انتظار در برنامه های نمایشی

۱۲. جاری کردن مفاهیم فرهنگ انتظار در برنامه های نمایشی

بی تردید، برنامه های نمایشی از طرفدارترین و تأثیرگذارترین قالب های

برنامه سازی هستند و در صورت استفاده مناسب از آنها می توان بسیاری از ارزش ها و هنجارها را در جامعه نهادینه و بسیاری از ضد ارزش ها و ناهنجاری ها را از جامعه برطرف کرد. با توجه به این قابلیت برنامه های نمایشی، بر مدیران و برنامه سازان رسانه لازم است که افزون بر فراهم آوردن زمینه های لازم برای ساخت برنامه های نمایشی با مضامین مرتبط با تاریخ و فرهنگ مهدویت، همچون زندگانی نواب اربعه، زندگی برخی از تشریف یافتگان، زندگی علما و دانشمندی که مورد عنایت امام عصر علیه السلام قرار گرفته اند، جنبش های اجتماعی که تحت تأثیر اندیشه انتظار در ایران ایجاد شده اند و...، مفاهیم و ارزش های متعالی فرهنگ مهدویت و انتظار را نیز به گونه ای در ساختار برنامه های نمایشی یا گفت و گوهای بازیگران جاری سازند. مفاهیم و ارزش هایی چون عدالت گستری، ظلم ستیزی، امید به آینده، توسل به امام عصر علیه السلام، باور به حضور عینی امام در جامعه و شاهد و ناظر بودن آن حضرت نسبت به اعمال شیعیان، دستگیری امام از در ماندگان و... .

فصل چهارم: ملاقات با امام زمان علیه السلام؛ هست ها و بایدها

اشاره

فصل چهارم: ملاقات با امام زمان علیه السلام؛ هست ها و بایدها

در سال های اخیر، توجه روزافزون اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان به موضوع مهدویت و انتظار، موجب رونق بازار کتاب ها و نشریه های مرتبط با این موضوع شده و هر از چند گاه کتاب یا نشریه جدیدی به این جرگه وارد می شود.

پدیده یاد شده گرچه در جای خود بسیار مبارک و امیدوارکننده است، ولی بیم ها و نگرانی هایی را هم در پی دارد که بایسته است علمای حوزه، صاحب نظران مسائل اعتقادی و مسئولان فرهنگی کشور با حساسیت و دقت نظر بیشتری به این پدیده توجه کنند.

یکی از موضوع هایی که در این میان بسیار اهمیت دارد و نیازمند دقت و

توجه بیشتری است، پرداختن افراطی به موضوع تشرفات و ملاقات با امام زمان علیه السلام است. متأسفانه موضوع یاد شده، این روزها دست مایه بسیاری از کتاب‌ها و نشریه‌های نوظهور قرار گرفته است و نویسندگان و ناشران این قبیل کتاب‌ها و نشریه‌ها تلاش می‌کنند با داغ‌تر کردن فضای بحث و گفت‌وگو در این زمینه، مخاطب بیشتری جلب کنند و بر شمارگان کتاب‌ها و نشریه‌های خود بیفزایند.

با توجه به اهمیت موضوع یاد شده و به دلیل پرسش‌های فراوانی که دانشجویان، فرهنگیان و دیگر اقشار اجتماعی در این زمینه مطرح می‌کنند، به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع می‌پردازیم.

۱. امکان یا عدم امکان تشریف

۱. امکان یا عدم امکان تشریف

امام مهدی علیه السلام در آخرین توقیعی که خطاب به چهارمین نایب خاص خود، علی بن محمد سمري، صادر کرد، فرمود:

يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سَيِّتَةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُؤْصِرْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعِيدَ وَفَاتِكَ، فَصَدَّقَ وَقَعَتِ الْعَجِيبَةُ الثَّانِيَةَ [التَّامَةُ] أَفَلَا ظَهُورَ إِلَّا بَعِيدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَذَلِكَ بَعِيدَ طُولِ الْأَمِيدِ وَقِسْوَهُ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُورًا وَسَيِّئَاتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ. (۱)

ای علی بن محمد سمري، خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر می‌میری. پس کارت را سامان ده و به کسی به عنوان جانشین پس از خود، وصیت مکن که دیگر غیبت دوم [تامه] ارخ داده است. دیگر ظهوری نیست، مگر به اذن

۱- کتاب الغیبه طوسی، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

خداوند و آن، پس از مدتی دراز و بعد از آنکه دل‌ها سخت شد و زمین از ستم پرشد، رخ خواهد داد. به زودی از شیعیانم، کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار (مشاهده) مرا می‌کنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا کرد، دروغ گو و افترازننده است.

این توفیق شریف، زمینه ساز بحث و گفت و گوهای فراوانی در زمینه امکان یا عدم امکان ملاقات حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت شده و علمای شیعه را به اظهارنظر در این زمینه واداشته است.^(۱) آنچه از مجموع این بحث و گفت و گوها برمی آید، این است که در اصل امکان ملاقات با آن حضرت تردیدی نیست و اینکه افراد زیادی در طول دوران غیبت کبرا به این شرافت رسیده اند، گواه روشنی بر این مدعاست. با این حال، سخن در شرایط و ویژگی های آن است.

یکی از نکته هایی که همه علمای شیعه در این زمینه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که در عصر غیبت کبرا، باب نیابت و سفارت، به گونه ای که در مورد نایبان خاص آن حضرت و در دوران غیبت صغرا وجود داشت، بسته شده است. از این رو، هیچ کس نمی تواند ادعا کند که با آن حضرت در ارتباط است و هر زمان اراده کند، می تواند با ایشان ملاقات کند یا به طور خاص از سوی ایشان نیابت یافته است که اموری را به انجام رساند یا دستورهایی را به مردم ابلاغ کند.

نکته دیگری که بسیاری از علمای شیعه در کتاب‌ها و آثار خود به آن

۱- ر.ک: هادی دانشور، مقاله «تشرفات بین نفی و اثبات»، مجله موعود، سال اول، ش ۱، ۳ و ۵، فروردین _ دی ۱۳۷۶.

اشاره کرده اند، این است که ملاقات با امام زمان علیه السلام مستلزم شایستگی های ویژه ای است که حتی بسیاری از بزرگان به آن دست نیافتند و گروهی هم که به این توفیق دست یافتند، با تلاش های فراوانی بوده است.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این زمینه می فرماید:

امام علیه السلام، وحید دهر است. مثل شمس آسمان است. همان طور که شما با دستتان نمی توانید به آفتاب برسید، نمی توانید به راحتی به امام برسید. (۱)

حضرت آیت الله ناصر نوری نیز وجود «سنخیت» را شرط لازم برای حصول تشریف دانسته است و می فرماید:

تنها کسانی می توانند آن حضرت را ببینند و ایشان را بازشناسند که خود از بُعد مادی عالم خارج شده باشند و با آن حضرت که سلطان عالم مجردات هستند سنخیت برقرار کرده باشند. از این روست که «سنخیت» را نخستین و مهم ترین شرط برای حصول تشریف می دانیم... دو شیء تنها به این شرط می توانند به هم منضم شوند و پیوستگی یابند که از سنخیت نسبت به یکدیگر بهره مند باشند. حال اگر کسی سنخیت با عالم ماده و مادیات داشته باشند، نمی تواند هم سنخ عالم مجردات باشد و با فرشتگان و برتر از آنان، حضرت ولی عصر علیه السلام ارتباط برقرار کند. (۲)

ایشان در ادامه سخنان خود، پیراستن نفس از رذیل اخلاقی (تخلیه) و آراسته شدن به صفات پسندیده (تحلیه) را تنها راه ایجاد سنخیت می دانند:

تخلیه نفس از رذائل اخلاقی و تحلیه آن به صفات پسندیده، تنها راه ایجاد سنخیت و زان پس تشریف یافتن به محضر آن حضرت است؛ چه، مادام که

۱- ر.ک: جوادی آملی، «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

۲- آب حیات: مجموعه سخنرانی های حضرت آیت الله ناصر نوری در مورد امام زمان علیه السلام، تدوین و گردآوری: مجید هادی زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

نفس انسان از صفات رذیله تخلیه نشود و به صفات حمیده آذین نبندد، حجاب های نفسانی مانع از دیدن خورشید وجود آن حضرت است. (۱)

با توجه به آنچه گفته شد، باید بسیار مراقب بود که در طرح موضوع ملاقات با امام زمان علیه السلام به گونه ای رفتار نکنیم که مردم گمان کنند هر کس می تواند ادعای رؤیت کند و هر ادعایی را هم به راحتی می توان پذیرفت.

۲. دسته بندی تشرفات

۲. دسته بندی تشرفات

یکی از موضوع هایی که در این زمینه باید بدان توجه داشت، این است که آیا همه کسانی که ادعا می کنند با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده اند، به راستی شخص آن حضرت و وجود واقعی ایشان را دیده اند یا احتمال های دیگری در این میان وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت احتمال ها و فرض های مختلفی در این زمینه مطرح است و هرگز نمی توان ادعا کرد که همه مدعیان رؤیت امام مهدی علیه السلام به واقع آن حضرت را دیده اند.

حضرت آیت الله جوادی آملی در زمینه دسته بندی کسانی که موفق به دیدار امام زمان علیه السلام شده اند، می فرماید:

خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد، شفا پیدا می کند یا گم شده ای دارد، پیدا می کند، اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد؟ یا اینکه یکی از اولیای خود را اعزام می کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گم شده را به منزل می رساند یا مشکل کسی را حل می کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت

۱- آب حیات: مجموعه سخنرانی های حضرت آیت الله ناصر در مورد امام زمان علیه السلام، تدوین و گردآوری: مجید هادی زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶، ص ۳۵۰.

هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد، آن تمثلات نفسانی را انسان مشاهده می کند و خیال می کند واقعیت است. این بخش اول که مشهود است تمثلات نفسانی بوده، باید از واقعیت بینی جدا شود.

در بخش دوم که حقیقتا کسی را می بیند و مشکل او حل می شود یا شفای مرضی بوده یا گم شده ای را به مقصد می رساند، در اینجا نیز هیچ برهانی ندارد که حضرت باشد یا شاگردی از شاگردان او. حضرت، شاگردان فراوانی دارد. این سیصد و سیزده نفری که هستند، الآن ممکن است افراد فراوانی باشند که تحت تدبیر آن حضرت، مأموریت هایی را انجام می دهند.

بخش سوم آن است که نظیر مرحوم بحر العلوم خدمت خود حضرت می رسد. این را هم بعضی منکر هستند، [ولی] این هیچ استبعادی ندارد، بلکه امکان هم دارد. اما در این بخش دو مسئله وجود دارد: یک، فرد حق ندارد بگوید من خدمت حضرت رسیده ام؛ دو، ما حق نداریم قبول کنیم. به ما گفته اند که شما تکذیب کنید؛ یعنی نگویید او دروغ می گوید، بلکه اثر عملی بار نکنید. تکذیب به معنای اینکه شما دروغ می گوید و حضرت غیرقابل دیدن است، نیست. (۱)

حضرت آیت الله ناصری نیز در این باره می فرماید:

بسیاری از کسانی که ادعای تشرف به محضر آن حضرت را داشته اند و گاه گاه واقعا از فیض آن حضرت نیز برخوردار شده اند، نه ایشان که یکی از یاران خاص ایشان را زیارت کرده اند؛ چه، همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولی مطلق به سر می برند و در خدمت ایشان از جان و دل می کوشند. اینان اوتاد، نجباء، نقباء، رجال الغیب و صلحا هستند که اگرچه از جنس دیگر مردمانند، به مراتبی از تهذیب نفس و جلای باطن نائل شده اند

۱- «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

که می توانند در محضر آن حضرت به سر برند. طرفه آنکه غیر از طبقه صلحاء، گویا بقیه این طبقات دارای تشرف اختیاری هستند و می توانند در هر لحظه ای که طلب کنند، به محضر ایشان بار یابند.

اگرچه شماره اینان به درستی بر ما معلوم نیست، گویا جمعیت حاضر در محضر آن حضرت، بیش از پانصد نفر هستند. اینان دائما در فرمان آن حضرتند و حوائج شیعیان و محبتان ایشان را به فرمان آن حضرت روا می دارند. ازین روست که شماری از کسانی که ادعای تشرف به محضر آن حضرت را دارند، هر چند واقعا مورد نظر و فیض خاص آن حضرت واقع شده اند، اما نه خود ایشان که یکی از یاران خاص ایشان را زیارت کرده اند، اما با اصرار مدعی می شوند که خود آن حضرت را دیده اند. باید از اینان پرسید: آیا پیش از این ایشان را دیده اند که از چگونگی چهره ایشان آگاه باشند تا بتوانند آن حضرت را باز شناسند؟

یاران آن حضرت و به ویژه طبقه رجال الغیب، همواره به امر آن حضرت به میان مردم رفت و شد می کنند و حوائج آنان را برطرف می سازند. بدین ترتیب، اگر کسی با یکی از مردان الهی روبه رو شد که پس از انجام حوائج مادی و یا معنوی او، از دیده نهان گشت، نباید پندارد که خود آن حضرت را دیده است؛ چه بسا یکی از یاران خاص آن حضرت که سر در فرمان ایشان دارند را دیده است. (۱)

با توجه به مطالب یاد شده، نباید هر عنایتی را که از سوی امام زمان علیه السلام به شخصی می شود و هر گونه گره گشایی را که از سوی آن حضرت صورت می گیرد، به حساب ملاقات یا تشرف گذاشت. همچنین نباید هر ادعای تشرفی را به سادگی پذیرفت و بر گفته های مدعی مهر تأیید زد.

۳. آسیب های دامن زدن به موضوع تشرفات

۳. آسیب های دامن زدن به موضوع تشرفات

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آنها به مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رؤیا و حکایت های ضعیف و بی اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبّر در معارف مهدوی، برداشت های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده اند.

سخنرانی ها و آثار مکتوب منتشر شده این گروه، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل می سازد و آنان را به این اندیشه وا می دارد که تنها باید در خلوت در جست و جوی امام غایب کوشید و با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی، راهی برای تشریف خدمت آن حضرت پیدا کرد.^(۱) چه بسا اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند، دل زده و ناامید و به طور کلی از فرهنگ مهدوی روی گردان شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی ها و آثار دارد، این است که اعتقاد به

۱- این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشریف خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام و ملاقات ایشان نیست؛ زیرا اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت، هرگز به ما سفارش نمی کردند که در هر بامداد و هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه السلام، با خدای خود نجوا کنید که: «اللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلِعَةَ الرَّشِيْدَةَ؛ بار خدایا! آن چهره زیبای رشید را به من بنمای.» این سخن ناظر به دیدگاه هایی است که ملاقات با امام زمان علیه السلام و تلاش برای رسیدن به آن را اصلی ترین وظیفه منتظران می داند.

امام مهدی علیه السلام را نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد.

با توجه به این آسیب ها است که مراجع عظیم الشان تقلید و علمای حوزه، افراد را از دامن زدن به این مباحث برحذر داشته اند و همه را به پرداختن بیشتر به مباحث اعتقادی و معارف اصیل و حقیقی دین دعوت می کنند.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

باید همه باور نماییم که آن حجت خدا، نظاره گر اعمال ماست. باید بدانیم مهم ترین مسئله مورد نظر ایشان، مسائل اعتقادی و عملی است و از این جهت، لازم است هرچه بیشتر در رابطه با مسائل واقعی اسلام ساعی و کوشا باشیم و از خرافات و دروغ گویی و خواب های بی اساس و ادعاهای واهی پرهیز کنیم و بدانیم که این امور غیرواقعی، چهره اسلام و شیعه را مشوه و زبان طعن دشمنان را می گشاید. باید واقعیت ها و معارف اصیل و حقیقی را که دین ما مشحون از آنهاست، بیاموزیم. (۱)

بیان حضرت آیت الله جوادی آملی نیز در این زمینه راه گشاست. ایشان می فرماید:

می بایست پژوهشگران و محققان بسیار ژرف اندیشی داشته باشید تا آنچه را درباره وجود مبارک حضرت علیه السلام است، از هم تفکیک کنند. باید مدعیان رؤیت، بساطشان را جمع کنند، چون افراد به شدت به حضرت علاقه مند و ارادتمندند، اگر کسی ادعای رؤیت کند و ظاهرالصلاح هم باشد، ممکن است مقبول قرار بگیرد و این مشکلات فراوانی دارد. (۲)

۱- افق حوزه هفته نامه خبری حوزه های علمیه، سال چهارم، ش ۴۴، ۲۸ شهریور ۱۳۸۴.

۲- «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

حضرت آیت الله ناصری نیز با توجه به پی آمدهای نامناسب دامن زدن به موضوع تشرفات در جامعه، تکذیب مدعیان تشرّف به محضر امام عصر علیه السلام را ضروری دانسته است و می فرماید:

اگر کسی ادّعی تشرّف به محضر آن حضرت کرد، وظیفه شرعی همه مسلمین است که او را تکذیب کنند و از این سخنان باز دارند. آنچه امروزه در جامعه ما شایع شده که هر از چند گاه کسی ادّعی تشرّف و حتّی نیابت می کند، وظیفه ما را در این رابطه سنگین تر کرده است. گروهی خیال پرداز و گروهی دیگر که مفاهیم مذهبی را وسیله اشتهاار خود کرده اند، امروزه در کارند تا مردم را به جای آنکه به آن حضرت بخوانند، به سوی خود بخوانند و به بهانه تشرّف و حتّی ارتباط دائمی، قلوب مردم را به سوی خود جذب کنند.

متأسّفانه شماری از کسانی که بدون ارتباط با استاد، مداومت بر ذکرهای خاصّی می کنند و پس از مدّتی دچار توهمات و خیالات عجیب می شوند نیز به چنین ادّعاهایی دست می برند.

اینان بدون آنکه تحت نظر استاد فن قرار گیرند و با ملاحظه استعداد و توان خود به قرائت اذکار پردازند، ذکر را انتخاب می کنند و بر عددی خاص از آن مداومت می نمایند و سرانجام همچون روان پریشان به حالاتی عجیب مبتلا می شوند و در خیال خود ادّعاهای عجیبی پیدا می کنند.

اینان، گاه مدّعی تشرّف به محضر آن حضرت و یا رؤیت جبرائیل و یا ورود به بهشت و سیر در عوالم آخرت و... می شوند. و خطرناک تر آنکه در مراحل روانی سخت، این ادّعاها را به دیگران نیز منتقل می کنند و بدین ترتیب حتی خود را از سوی آن حضرت مأمور به انجام بعضی از کارها نشان می دهند.

گذشته از اینان، همیشه گروهی تجارت پیشه هم در جوامع اسلامی حضور داشته اند که مفاهیم مذهبی و اعتقادات مردمان را وسیله کسب و تجارت خود قرار می داده اند. اینان با سوءاستفاده از قلب های ساده بعضی از معتقدان

به مبانی تشیع، خود را نایبان آن حضرت می خوانده اند و به وضوح از این گونه اعتقادات انسان ها بهره برداری مادی می کرده اند. از همین روست که در احادیث اهل بیت، به وضوح مردم را از پذیرش سخن اینان بازداشته اند و تمامی کسانی که مدعی تشرّف به محضر آن حضرت هستند را دروغزن و عوام فریب خوانده اند. (۱)

با توجه به آنچه بیان شد، بر همه گویندگان و نویسندگان لازم است که به جای دامن زدن به موضوع تشرفات و طرح حکایت هایی که گاه اساس محکمی هم ندارد، تلاش خود را متوجه اصل لزوم انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم و یادآوری وظایف منتظران کنند.

۵. محوریت یا عدم محوریت تشرّف

۵. محوریت یا عدم محوریت تشرّف

نکته دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، این است که آیا موضوع درخواست ملاقات با امام عصر علیه السلام و تشرّف خدمت ایشان، از موضوع های محوری مباحث مهدویت است یا خیر؟

با بررسی روایات مهدوی به دست می آید که آنچه بیش از هر موضوع دیگری در عصر غیبت اهمیت دارد، معرفت امام عصر علیه السلام، منتظر بودن و عمل به شرایط انتظار و تکالیف منتظران است، تا آنجا که به تعبیر روایات، حتی اصل درک زمان ظهور هم چندان موضوعیتی ندارد و مهم این است که شیعه منتظر در زمان غیبت، امام خود را به درستی بشناسد و به وظایف خود در برابر او به خوبی عمل کند. در این صورت، درست مانند کسی خواهد بود

که زمان ظهور را درک کرده و با امام خود، همراه و هم داستان است.

برای روشن تر شدن این موضوع چند روایت را می آوریم:

ابوبصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «جُعِلَتْ فِدَاكَ مَتَى الْفَرَجُ؟؛ فدایت شوم، این گشایش کی فرا می رسد؟» آن حضرت فرمود:

يَا أَبَا بَصِيرٍ وَ أَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا؟ مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فَرَّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ. (۱)

ای ابابصیر! آیا تو از آن گروهی که به دنبال دنیایند؟ هر کس این امر را بشناسد، به سبب انتظارش برای او گشایش حاصل می شود.

امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ حسن بن جهم که از ایشان در مورد فرا رسیدن گشایش می پرسد، می فرماید:

أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؟

آیا تو نمی دانی که چشم به راه گشایش بودن، خود، [جزئی] از گشایش است؟

او در پاسخ می گوید: «لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي؛ نمی دانم، مگر اینکه شما به من بیاموزید.» آن حضرت بار دیگر می فرماید: «نَعَمْ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؛ آری، انتظار گشایش، [جزئی] از گشایش است.» (۲)

براساس همین نگرش است که در روایت های متعددی تأکید شده است برای منتظران واقعی تفاوتی ندارد که ظهور را درک کنند یا نکنند؛ چون آنها در عصر غیبت نیز در خدمت امام زمان خویش هستند، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۳.

۲- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۷۶.

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُتَنَتِّظٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ... (۱).

هر کس بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام و در خیمه اش باشد...

اگر کسی در عصر غیبت مؤمنانه زندگی کند، از بدی ها و زشتی ها دوری گزیند، خصال شایسته را پیشه خود سازد، وظایف و تکالیفی را که در صحنه حیات فردی و اجتماعی متوجه اوست، به درستی به جای آورد و در انتظار ظهور امامش نیز باشد، خداوند متعال، فرج و گشایش واقعی را که همان یافتن راه هدایت و رستگاری و رسیدن به سعادت و نیک بختی در دنیا و آخرت است، نصیب او می سازد. در این صورت، پیش افتادن و پس افتادن ظهور برای او هیچ تفاوتی نخواهد داشت و او در هر حال امام منتظر خویش را درمی یابد.

از این رو، می توان گفت برای منتظران واقعی آنچه بیش از هر موضوع دیگری اهمیت دارد، عمل به تکلیف و وظیفه در برابر امام عصر علیه السلام است و موضوع ملاقات با آن حضرت برای آنان در مرتبه بعدی قرار دارد.

۶. دیدن یا دیده شدن، کدام یک؟

۶. دیدن یا دیده شدن، کدام یک؟

در زمینه موضوع ملاقات با امام زمان علیه السلام باید توجه داشت که دیدن امام زمان علیه السلام به خودی خود نمی تواند فضیلت باشد، بلکه آنچه فضیلت است، رسیدن به مقام معرفت امام و بصیرت داشتن نسبت به جایگاه ایشان در هستی است.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این زمینه می فرماید:

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که مقامش بالاتر از همه ائمه است، کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می دیدند، اما خدای سبحان درباره آنها در قرآن فرمود: «وَتَرَاهُمْ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ؛ آنها را می بینی که به تو نگاه می کنند ولی تو را نمی بینند.» (۱) اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند. اگر ما سعی کنیم وجود مبارک امام زمان علیه السلام ما را ببیند، هنر است.

در قرآن کریم آمده است: خدا که به کلّ شیء بصیر است روز قیامت به یک عده نگاه نمی کند: «وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ.» (۲) آن نگاه تشریفی را نسبت به عده ای اعمال نمی کند. اگر ما واقعا در مسیر صحیح حرکت کنیم، حضرت ما را می بیند، و دیدن و نظر تشریفی ایشان برای ما شرف است و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کارساز نیست. همچنان که خیلی ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را می دیدند، ولی بصیرت نداشتند. دیدن های تشریفی مهم است، نه نگاه صوری، البته گاهی همان نگاه صوری هم پدید می آید و انسان وجود حضرت را از نزدیک زیارت می کند و فیضی می برد و مشکل او هم به برکت حضرت از طرف ذات اقدس اله حل می شود، اما مهم همان دیدن از روی بصیرت است. (۳)

حضرت آیت الله ناصری در زمینه علاقه امام عصر علیه السلام برای دیدار شیعیان خود می فرماید:

حضرت ولی عصر علیه السلام فیاض بالعرض هستند و اگر شرایط تشرف در کسی فراهم شود، ایشان بخل نمی ورزند و فرد لایق را به حضور می پذیرند. گذشته از این، ایشان علاقه خاصی به شیعیان خود دارند و از این رو، خود در پی

۱- سوره اعراف، ۷، آیه ۱۹۸.

۲- سوره آل عمران، ۳، آیه ۷۷.

۳- عبدالله جوادی آملی، توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها در محضر حضرت آیت الله جوادی آملی، تنظیم و تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، چاپ سوم: معارف، ۱۳۸۵، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

ملاقات اولیای خویشند؛ چه، دیدیم که وظیفه آن حضرت در دوران غیبت و نیز ظهور، رسانیدن موجودات به کمال لایق خود است و اگر موجودی آن چنان مراتب کمال را طی کند که گذر از مراتب بعدی منوط به تشرّف به محضر ایشان باشد، وظیفه آن حضرت اقتضاء می کند که او را به حضور بپذیرند و در وادی کمال، راهنمای او باشند.

علاقه آن حضرت به شیعیانی که در مسیر تکامل گام برمی دارند، به گونه ای است که خود طالب ملاقات اینانند؛ چه، هیچ امری همچون تکامل انسان ها نمی تواند آن حضرت را شادمان سازد. (۱)

روحانی وارسته و پارسا حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی بهلول رحمه الله (۲) نیز در پاسخ به این پرسش که: «چه وقت می شود به حضور آقا امام زمان _ ارواحنا فداه _ مشرف شد؟» می فرماید:

با تقوا باشید؛ وقتی که بین شما و حضرت علیه السلام سنخیت باشد.

سپس می فرماید:

دیدن امام زمان علیه السلام _ روحی فداه _ مهم نیست، مهم این است که او ما را ببیند، خیلی ها هم علی علیه السلام را دیدند، اما دشمن او شدند. اگر کاری کردیم که نظر آنها را جلب کنیم، آن ارزش دارد. (۳)

۱- آب حیات، ص ۳۵۵.

۲- مقام معظم رهبری درباره شخصیت این مرد بزرگوار می فرماید: «نود سال از یک قرن عمر خود را به خدمت به مردم و عبادت خداوند گذرانید. زهد و وارستگی او، تحرک و تلاش بی وقفه پیکر نحیف او، ذهن روشن و فعال او، حافظه بی نظیر او، دهان همیشه صائم او، غذا و لباس و منش فقیرانه او، شجاعت و فصاحت و ویژگی های اخلاقی برجسته او، از این مؤمن صادق، انسانی استثنایی ساخته بود». افق حوزه هفته نامه خبری حوزه های علمیه، شماره ۴۱، دوشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۲.

۳- عباس موسوی مطلق، ملکوتی خاک نشین: سیری در زندگی حاج شیخ محمدتقی بهلول رحمه الله، چاپ اول: قم، هنارس، ۱۴۲۵ هـ. ق، ص ۹۶.

با امید به آنکه از این پس، همه ما با دقت و وسواس بیشتری از موضوع ملاقات و تشرفات صحبت کنیم و مردم ما نیز با حساسیت بیشتری با کتاب ها و نشریاتی که به طرح افراطی این موضوع می پردازند، برخورد کنند. (۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: مرتضی آقائهرانی، سودای روی دوست: راه کارهای عملی دیدار با حضرت ولی عصر عج، چاپ اول: قم، احمدیه، ۱۳۸۴؛ «دیدار امام زمان علیه السلام؛ هست ها و بایدها»، موعود، سال یازدهم، ش ۷۷، تیر ۱۳۸۶؛ علی اکبر ذاکری، «ارتباط با امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت» مندرج در: چشم به راه مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف، صص ۳۱ _ ۱۰۴.

بخش هفتم: جلوه های انتظار

اشاره

بخش هفتم: جلوه های انتظار

زیر فصل ها

فصل اول: فضیلت شب نیمه شعبان

فصل دوم: رمضان، بهار انتظار

فصل سوم: مهدی باوری در کلام رضوی

فصل چهارم: امام مهدی علیه السلام؛ محور اتحاد ملی و انسجام اسلامی

فصل پنجم: غیبت و ظهور ثقلین

فصل اول: فضیلت شب نیمه شعبان

اشاره

فصل اول: فضیلت شب نیمه شعبان

نیمه شعبان در اذهان شیعیان و محبّان اهل بیت علیهم السلام به عنوان روز میلاد نجات بخش موعود معنا و مفهوم می یابد. روز میلاد بزرگ مردی که انسانیت، ظهور او را به انتظار نشسته است و عدالت برای پای بوسی قدمش لحظه شماری می کند. نیمه شعبان شرافتش را وام دار مولود خجسته ای است که در این روز، زمین را با گام های خویش متبرک ساخته است، ولی همه عظمت آن در این مطلب خلاصه نمی شود و در تقویم عبادی اهل ایمان نیز از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار است.

در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، فضیلت های بسیاری برای عبادت و راز و نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان شمرده اند. با توجه به اهمیت فراوانی که در روایات به شب نیمه شعبان داده شده است و حتی آن را هم پایه شب قدر شمرده اند، برخی از روایت هایی را که در بیان مقام و منزلت این شب روحانی وارد شده است، بررسی می کنیم.

۱. نیمه شعبان در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. نیمه شعبان در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت های بسیاری در این زمینه نقل شده که یکی از آنها به این شرح است:

شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل به بالین من آمد و گفت: ای محمد! چگونه در این شب خوابیده ای؟ پرسیدم: ای جبرئیل! مگر امشب چه شبی است؟ گفت: شب نیمه شعبان است. برخیز ای محمد! پس مرا از جایم بلند کرد و به سوی بقیع برد. در آن حال گفت: سرت را بلند کن! امشب درهای آسمان گشوده می شوند، درهای رحمت باز می گردند و همه درهای خشنودی، آمرزش، بخشش، بازگشت، روزی، نیکی و بخشایش نیز گشوده می شوند. خداوند در این شب، به تعداد موها و پشم های چارپایان [بندگان] را از آتش دوزخ [آزاد می کند. امشب خداوند زمان های مرگ را ثبت و

روزی های یک سال را تقسیم می کند و همه آنچه را در طول سال رخ می دهد، نازل می سازد. ای محمد! هر کس امشب را با منزه داشتن خداوند (تسبیح)، ذکر یگانگی او (تهلیل)، یاد بزرگی او (تکبیر)، راز و نیاز با او (دعا)، نماز، خواندن قرآن، نمازهای مستحب (تطوع) و آمرزش خواهی (استغفار) صبح کند، بهشت جایگاه او خواهد بود و خداوند همه آنچه را پیش از این انجام داده است و یا پس از این انجام می دهد، خواهد بخشید... (۱).

یکی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حالت های ایشان را در شب نیمه شعبان چنین بیان می کند:

در یکی از شب ها که پیامبر خدا نزد من بود، ناگهان متوجه شدم ایشان بستر خود را ترک کرده است. غیرت خاص زنانه به سراغ من آمد و به گمان اینکه حضرت نزد یکی دیگر از همسران خود رفته است، به جست و جوی ایشان پرداختم، ولی ناگاه دیدم که حضرتش مانند جامه ای که بر زمین افتاده باشد، به سجده رفته است و چنین راز و نیاز می کند:

أَصْبَحْتُ إِلَيْكَ فَقِيرًا خَائِفًا مُسْتَجِيرًا فَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُجْهِدْ بِلَائِي وَ اغْفِرْ لِي.

به سوی تو آمدم در حالی که تهی دست، ترسان و پناه جویم. پس نام مرا برمگردان؛ جسم مرا تغییر مده؛ گرفتاری ام را افزون مساز و از من درگذر.

آن گاه سر خود را بلند کرد و بار دیگر به سجده رفت و در آن حال شنیدم که می فرمود:

سَخِيْدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُوَادِي هَذِهِ يَدَايَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمُ تُرْجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ اِغْفِرْ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ.

سراپای وجودم برای تو سجده کرده و قلبم به تو ایمان آورده است. این دو دست من است با همه جنایتی که بر خود روا داشته ام. پس ای بزرگی که

برای هر کار بزرگی، امیدها به سوی تو است! از گناهان بزرگ من درگذر؛ زیرا از گناهان بزرگ در نمی گذرد، مگر پروردگار بزرگ.

پس از ادای این کلمات، سر خود را بلند کرد و برای سومین بار به سجده رفت و این جمله ها را بر زبان جاری ساخت:

أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ وَأَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ.

از خشم تو به خشنودی ات پناه می برم. از کیفر تو به بخشش تو پناهنده می شوم و از تو به سوی خودت پناه می جویم. تو همان گونه ای که خود توصیف کرده ای و بالاتر از آنی که گویندگان می گویند.

لحظاتی دیگر سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت، در حالی که می فرمود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهٗ السَّمٰوٰتُ وَ الْاَرْضُ وَ قَشَعَتْ بِهٖ الظُّلُمٰتُ وَ صَلَّحَ بِهٖ اَمْرُ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ اَنْ يَّحِلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ اَوْ يُنْزِلَ عَلَيَّ سَخَطُكَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ فِجَاةِ نِقْمَتِكَ وَ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ جَمِيْعِ سَخَطِكَ، لَكَ الْعُتْبٰى فَيَمَا اسْتَطَعْتُ وَ لِحَوْلٍ وَ لِقُوَّةٍ اِلَّا بِكَ.

خدایا به نور وجه تو که آسمان ها و زمین از آن روشن شده، تاریکی ها با آن از بین رفته و کار پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح شده است، پناه می برم از اینکه به خشم تو گرفتار شوم یا دشمنی تو بر من نازل شود. پناه می برم به تو از زوال نعمت، نزول ناگهانی عذابت، دگرگونی سلامت بخشی ات و همه آنچه خشم تو را در پی دارد. خشنودی نسبت به آنچه من در توان دارم، از آن توست و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به سبب تو.

چون این حال را از پیامبر دیدم، او را رها کردم و شتابان به طرف خانه حرکت کردم. نفس نفس زنان به خانه رسیدم. وقتی پیامبر به خانه برگشت و حال مرا دید، گفت: «چه شده است که این چنین به نفس نفس افتاده ای؟» گفتم: «ای رسول خدا من به دنبال شما آمده بودم.» پس فرمود:

آیا می دانی امشب چه شبی است؟ امشب، شب نیمه شعبان است. در این شب اعمال ثبت می شوند؛ روزی ها قسمت می شوند؛ زمان های مرگ نوشته می شوند و خداوند تعالی همه را می بخشد، مگر آن که به خدا شرک ورزیده یا به قمار نشسته یا قطع رحم کرده یا بر خوردن شراب مداومت داشته یا بر انجام گناه اصرار ورزیده است... (۱).

در بسیاری از روایات تصریح شده است که تعیین زمان مرگ مردمان و تقسیم روزی آنها در شب قدر و در ماه مبارک رمضان صورت می گیرد. با این حال، چرا در دو روایت، از شب نیمه شعبان به عنوان زمان تقدیر این امور یاد شده است؟

سید بن طاووس (م ۶۶۴ ه. ق) در پاسخ این پرسش می گوید:

شاید مراد روایات این باشد که تعیین زمان مرگ و تقسیم روزی، به صورتی که احتمال محو و اثبات آن وجود دارد، در شب نیمه شعبان صورت می گیرد، ولی تعیین حتمی زمان مرگ یا تقسیم حتمی روزی ها، در شب قدر انجام می شود. شاید مراد آنها این باشد که در شب نیمه شعبان، این امور در لوح محفوظ تعیین و تقسیم می شوند، ولی تعیین و تقسیم آنها در میان بندگان در شب قدر واقع می شود. این احتمال هم وجود دارد که تعیین و تقسیم امور یاد شده در شب قدر و شب نیمه شعبان صورت گیرد؛ به این معنا که در شب نیمه شعبان، وعده به تعیین و تقسیم امور مزبور در شب قدر داده می شود. به بیان دیگر، اموری که در شب قدر تعیین و تقسیم می گردند، در شب نیمه شعبان به آنها وعده داده می شود. همچنان که اگر پادشاهی در شب نیمه شعبان، به شخصی وعده دهد که در شب قدر، مالی را به او می بخشد، در مورد هر دو شب، این تعبیر صحیح خواهد بود که بگوییم مال در آن شب

بخشیده شده است. (۱)

۲. نیمه شعبان در روایات امامان معصومین علیهم السلام

۲. نیمه شعبان در روایات امامان معصومین علیهم السلام

کمیل بن زیاد، از یاران امام علی علیه السلام، درباره فضیلت شب نیمه شعبان، از آن حضرت چنین روایت می کند:

در مسجد بصره نزد مولا-یم امیر مؤمنان نشسته بودم و گروهی از یاران آن حضرت نیز حضور داشتند. در این میان، یکی از ایشان پرسید: معنای این سخن خداوند که: «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ در آن شب هر امری با حکمت، معین و ممتاز می گردد»، (۲) چیست؟ حضرت فرمود: قسم به کسی که جان علی در دست اوست، همه امور نیک و بدی که بر بندگان جاری می شود، از شب نیمه شعبان تا پایان سال، در این شب تقسیم می شود. هیچ بنده ای نیست که این شب را احیا دارد و در آن دعای خضر بخواند، مگر آنکه دعای او اجابت شود. پس از آنکه امام از ما جدا شد، شبانه به خانه اش رفتیم. امام پرسید: چه شده است ای کمیل؟ گفتم: ای امیر مؤمنان آمده ام تا دعای خضر را به من بیاموزی. فرمود: بنشین ای کمیل! هنگامی که این دعا را حفظ کردی، خدا را در هر شب جمعه یا در هر ماه یک شب یا یک بار در سال یا دست کم یک بار در طول عمرت، با آن بخوان؛ چون خدا تو را یاری و کفایت می کند و تو را روزی می دهد و از آمرزش او برخوردار می شوی. ای کمیل! به خاطر زمان طولانی که تو با ما همراه بوده ای، بر ما لازم است که درخواست تو را به بهترین شکل پاسخ دهیم و آن گاه دعا را چنین انشا

۱- إقبال الأعمال، ص ۲۱۴.

۲- سوره دخان ۴۴، آیه ۴. بیشتر مفسران، آیه یاد شده را ناظر به شب قدر دانسته اند. (ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۳۰).

فرمود... (۱).

این دعا، همان دعایی است که امروزه آن را با نام «دعای کمیل» می شناسیم.

در روایت دیگری که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده، در فضیلت شب نیمه شعبان چنین آمده است:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يُعْجِبُنِي أَنْ يَفْرَغَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ فِي السَّنَةِ أَرْبَعَ لَيَالٍ: لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَ لَيْلَةَ الْأَضْحَى، وَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ. (۲)

علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود: در شگفتم از کسی که چهار شب از سال را به بیهودگی بگذرانند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه رجب... .

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که پدر بزرگوارشان در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه شعبان از ایشان پرسیده بود، فرمود:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِمَنِّهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ تَعَالَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرِدَ سَائِلًا لَهُ فِيهَا، مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً وَ إِنَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِزَاءِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنَّهُ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ تَعَالَى فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ وَ حَمَدَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ كَبَّرَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ مَعَاصِيهِ وَ قَضَى لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا التَّمَسُّهُ مِنْهُ، وَ مَا عَلِمَ حَاجَتَهُ إِلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يَلْتَمِسْهُ مِنْهُ كَرَمًا مِنْهُ تَعَالَى وَ تَفَضُّلاً عَلَى عِبَادِهِ. (۳)

۱- إقبال الأعمال، ص ۲۲۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۷ ح ۱۲.

۳- إقبال الأعمال، ص ۲۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۵ ح ۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴ ح ۱.

این شب، برترین شب‌ها بعد از شب قدر است. خداوند در این شب، فضلش را بر بندگان جاری می‌سازد و از ممت خویش، گناهان آنان را می‌بخشد. پس تلاش کنید که در این شب به خدا نزدیک شوید. همانا این شب، شبی است که خداوند به وجود خود سوگند یاد کرده است که در آن، درخواست کننده‌ای را تا زمانی که درخواست گناه نداشته باشد، از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند آن را برای ما خاندان قرار داده است، چنان که شب قدر را برای پیامبر ما قرار داده است. پس بر دعا و ثنای بر خداوند تعالی بکوشید؛ چون هر کس در این شب خداوند را صد مرتبه تسبیح گوید، صد مرتبه حمدش را بر زبان جاری سازد، صد مرتبه زبان به تکبیرش گشاید و صد مرتبه ذکر یگانگی (لا اله الا الله) او را به زبان آورد، خداوند از سر فضل و احسانی که بر بندگان دارد، همه گناهانی را که او انجام داده است، بیامرزد و درخواست های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد، چه درخواست هایی که بر خداوند اظهار کرده و چه درخواست هایی که اظهار نکرده و خداوند با علم خود بر آنها آگاه است...

آنچه ذکر شد، بخشی از روایات فراوانی است که در فضیلت شب و روز نیمه شعبان وارد شده است. (۱) باید دانست شرافت این شب خجسته، افزون بر آنچه بیان شد، به اعتبار مولود مبارکی است که در این شب قدم به عرصه خاک نهاده است. وجود مقدسی که سال‌ها پیش از تولدش، مژده میلاد او را به مسلمانان داده بودند. شاید همه عظمت این شب و تکریم و بزرگداشتی که در سخنان معصومان علیهم السلام از آن شده است، به دلیل وجود همین مولود مبارک باشد، چنان که بزرگانی چون سید بن طاووس به این موضوع اشاره کرده و بر همگان لازم دانسته اند در این شب، خدای خویش را به سبب ممت بزرگی که با میلاد امام عصر علیه السلام بر آنها نهاده است، سپاس گویند و تا آنجا که توان دارند، شکر این نعمت الهی را به جای آورند. (۲)

در یکی از دعاهایی که در شب نیمه شعبان وارد شده است، چنین می‌خوانیم:

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: إقبال الأعمال، صص ۲۰۷ _ ۲۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵، ۹۴، ۸۵.

۲- إقبال الأعمال، ص ۲۱۸.

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عِدْلاً لَأُمِّ يَدِلَّ
لِكَلِمَاتِكَ... (۱).

بار خدایا! تو را می خوانیم به حق این شب و مولود آن و به حق حجت و موعود این شب که فضیلتی دیگر بر فضیلت آن
افزودی و سخن تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسیده و هیچ کس را یارای تبدیل و تغییر سخنان تو نیست.

بر اساس روایت های بسیاری که شیعه و اهل سنت آنها را نقل کرده اند، میلاد خجسته امام عصر علیه السلام در شب نیمه
شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق رخ داده و بر فضیلت این شب مبارک افزوده است. (۲)

فصل دوم: رمضان، بهار انتظار

اشاره

فصل دوم: رمضان، بهار انتظار

ماه خدا با برکت، رحمت و مغفرت الهی به بندگان خدا روی می آورد و همگان را به مهمانی خدا فرا می خواند؛ ماهی که
روزهایش، بهترین روزها؛ شب هایش، بهترین شب ها و ساعت هایش، بهترین ساعت هاست؛ (۳) ماهی که

۱- إقبال الأعمال، ص ۲۱۹.

۲- ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۲؛ عبدالله بن محمد شبراوی، الإتحاف بحب
الأشراف، مصر، المطبعة الأدبية، ۱۳۱۶ هـ. ق، ص ۱۷۹؛ الفصول المهمه فی معرفه أحوال الأئمه عليهم السلام، ص ۳۱۰.

۳- برگرفته از خطبه شعبانیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله. (ر.ک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۵؛
بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶).

در لحظه لحظه اش خدا جاری است و هر آنش سرمایه ای است که باید چون جان آن را پاس داشت و به راحتی از کف نداد. مگر می توان به جز ماه مبارک رمضان، ماهی را پیدا کرد که یک شب از شب های آن ارزشی فزون تر از هزار ماه داشته باشد؟ (۱) مگر می توان جز این ماه، ماهی را سراغ گرفت که در سرتاسر آن، درهای بهشت بر روی مردمان گشوده و درهای دوزخ بر روی آنان بسته باشد؟ (۲) مگر می توان ماه دیگری را نشان داد که در آن، نفس کشیدن، حکم تسبیح و خوابیدن حکم عبادت داشته باشد؟ (۳)

رمضان، بهار قرآن و بهار دعا و مناجات به درگاه پروردگار بی نیاز است. در هیچ ماهی به اندازه ماه مبارک رمضان، دعا، مناجات، ذکر و نمازهای مستحبی وارد نشده است. هر روز آن، دعایی خاص و هر شبش، نماز و ذکری ویژه خود دارد. در این میان، رمضان، بهار انتظار نیز هست؛ زیرا در دعاها و مناجات های این ماه به همان اندازه که روح بندگی و تضرع به درگاه خداوند و طلب آمرزش و رستگاری از او موج می زند، روح انتظار و امید فرا رسیدن دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام نیز جاری است.

با بررسی اجمالی اعمال ماه مبارک رمضان روشن می شود که افزون بر تضرع و بندگی در پیش گاه خالق هستی، دو موضوع دیگر نیز در مجموع این اعمال مورد توجه جدی قرار گرفته است که عبارتند از:

۱- ر.ک: سوره قدر ۹۷، آیه ۳.

۲- برگرفته از خطبه شعبانیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۳، صص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۳، صص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی

۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی

در اعتقاد شیعه، امامت تنها به امور شرعی و اعتقادی مردم یا حتی امور اجتماعی و سیاسی محدود نمی شود، بلکه امام به عنوان حجت خدا در عالم تکوین نیز نقش دارد و واسطه فیض الهی به بندگان است. به عبارت دیگر، آنچه خداوند در جهان هستی مقدر فرموده است، از مجرای امام و حجت عصر بر مردم جاری و ساری می شود. از این رو، در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام نقل شده است، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام عرض می کنیم:

... بِكُمْ فَتَبَحَّ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتَمُّ، وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ... (۱)

... خداوند، [هستی را] به وسیله شما آغاز کرد و به وسیله شما [نیز] به انجام می رساند. او به وسیله شما باران را نازل می کند و به وسیله شما، تا زمانی که خود اراده کند، آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد، نگاه می دارد و هم به وسیله شما غم و اندوه را برمی دارد و سختی ها را برطرف می سازد.

در زیارت مطلقه حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیه السلام که از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده، خطاب به آن وجود مقدس و دیگر ائمه هدی علیهم السلام چنین می گوئیم:

... إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ مِوَاتِكُمْ. (۲)

اراده پروردگار در همه آنچه او مقدر داشته، به شما محول شده است و از خانه های شما صادر می شود.

۱- ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۳؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام، زیارت اول.

با توجه به این بیش و این اعتقاد نسبت به امامان معصوم و حجت های الهی علیهم السلام است که شب قدر مفهوم می یابد؛ شبی که فرشتگان و روح به اذن پروردگار خویش «کلّ امر» یا برنامه یک ساله جهان هستی را بر کسی که خداوند به ولایت برگزیده است، عرضه می دارند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

آمِنُوا بِاللَّيْلِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَلِيكَ وُلاَهُ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ. (۱)

به شب قدر ایمان بیاورید. همانا در این شب، امور یک سال (همه آنچه در یک سال رخ می دهد) نازل می شود و برای این موضوع، پس از من پیشوایانی وجود دارند که عبارتند از: علی بن ابی طالب و یازده تن از نوادگان او.

بنابراین، ماه مبارک رمضان که شب مقدس قدر را در خود جای داده، فرصت مناسبی است برای توجه دادن مردمان به جایگاه برجسته حجت های الهی علیهم السلام به طور عام و امام عصر و حجت زمان علیه السلام به طور خاص در هستی و یادآوری وظیفه ای که آنان نسبت به این واسطه های فیض خداوندی دارند.

علامه مجلسی رحمه الله در بیان اعمال ماه مبارک رمضان می نویسد:

از جمله وظایفی که در هر شب (ماه رمضان) مقرر شده، این است که بنده در آغاز هر دعای نیکو و در پایان هر عمل پسندیده، آن کس را که جانشین خداوند _ جَلَّ جلاله _ در میان بنندگان و سرزمین های او می داند، یاد کند؛ زیرا آن جانشین، عهده دار همه نیازمندی های روزه دار است؛ از خوراکی و آشامیدنی او گرفته تا همه آنچه او در نظر دارد؛ یعنی همه اسباب و وسایلی

که در اختیار جانشین پروردگار بزرگ (رب الارباب) است. همچنین هر روزه دار وظیفه دارد آن جانشین خدا را به آنچه شایسته مانند اوست، دعا کند و معتقد باشد که خداوند _ جل جلاله _ و جانشینش، بر وی منت گذاشته اند که چنین جایگاه و منزلتی را به او بخشیده اند. (۱)

علامه مجلسی پس از این عبارت، روایتی را از ابن ابی قره نقل می کند که در آن، به نقل از صالحین علیهم السلام چنین آمده است:

در شب بیست و سوم ماه رمضان، ایستاده و نشسته و در هر حالی که هستی و همچنین در تمام این ماه و به هر صورت ممکن، بلکه در تمام مدت روزگارت، پس از بزرگداشت نام خدای تعالی و درود و صلوات بر پیامبر و خاندان او بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا... (۲)

خداوندا، ولی و برپا کننده امرت، محمد، زاده حسن، مهدی را _ که برترین درودها و سلام ها بر او و پدرانش باد _ در این ساعت و در همه ساعت ها، سرپرست، نگه دار، راهبر، یاور، راهنما و پشتیبان باش تا او را [نه از سر زور، بلکه] به اختیار [مردم] در زمین جایگاه بخشی و او را در درازا و پهنای زمین بهره ور و کامران سازی.

با توجه به آنچه گذشت، بر همه ما لازم است در فرصت به دست آمده در ماه مبارک رمضان، از یک سو به نقش و جایگاهی که حضرت

۱- بحار الأنوار، ج ۹۴، صص ۳۴۸ و ۳۴۹، به نقل از: إقبال الأعمال، ص ۸۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۴، صص ۳۴۸ و ۳۴۹، به نقل از: إقبال الأعمال، ص ۸۶.

بقیه الله الاعظم _ ارواحنا فداه _ به عنوان حجت خدا و امام عصر در سراسر جهان هستی و در زندگی همه انسان ها دارد، توجه کنیم و آن را به درستی بشناسیم. از سویی دیگر، از وظیفه و تکلیف خود در برابر آن وجود مقدس که ولی نعمت همه و واسطه همه فیوضات الهی هستند، به خوبی آگاه شویم. باید بدانیم همه نعمت ها و برکت های الهی به سبب وجود ایشان بر ما جاری شده است. بنابراین، بی توجهی و غفلت نسبت به آن حضرت، ناسپاسی و قدرناشناسی بزرگی است که خداوند به سادگی از آن نخواهد گذشت.

۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام

اشاره

۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام

در برخی از دعاهایی که در ماه مبارک رمضان وارد شده، موضوع انتظار و آمادگی برای ظهور مورد توجه قرار گرفته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) دعای افتتاح

الف) دعای افتتاح

یکی از دعاهایی که خواندن آن در هر شب ماه رمضان سفارش شده، دعای افتتاح است. نکته قابل توجه در مورد این دعا آن است که بیش از یک سوم آن به دعا برای گشایش و پیروزی قائم آل محمد علیه السلام، درخواست ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام، نجوای عاشقانه در فراق ولی زمان و شکایت از غیبت و دوری او اختصاص دارد. در بخشی از دعای افتتاح چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ وَصِيْلٌ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَيْدِلِ الْمُتَنَتَّرِ وَحُفَّةِ بَمَلَائِكِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيْدِيهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ... (۱)

۱- بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۳۲؛ مفاتيح الجنان.

خدایا! بر ولی امرت، آن قیام کننده مورد آرزو و آن عدالت مورد انتظار درود فرست و او را با فرشتگان مقربت دربرگیر و با روح القدس یاری کن، ای پروردگار جهانیان. خدایا! او را فرا خواننده به سوی کتابت و برپا کننده دینت قرار ده و او را بر روی زمین جانشین قرار ده، چنان که کسانی را که پیش از او بودند، جانشین قرار دادی... .

باز در همین دعا می خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ تُعْزُبُ بِهَا الْاِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ اَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ... (۱)

خدایا! ما به راستی آرزو داریم از تو دولت بزرگ منشی را که به واسطه آن، اسلام و اهل آن را عزیز گردانی و نفاق و اهل آن را خوار گردانی و در آن دولت ما را از جمله کسانی قرار دهی که به سوی طاعت تو فرا می خوانند و به راه تو راهبری می کنند. به واسطه آن دولت، کرامت و بزرگواری را در دنیا و آخرت روزی ما قرار ده... .

گفتنی است این بخش از دعای افتتاح در دعای مفصلی نیز که از امام صادق علیه السلام هنگام حلول ماه مبارک رمضان وارد شده، آمده است.

(ب) دعای حج

(ب) دعای حج

یکی دیگر از دعاهاى ماه مبارک رمضان که مضمون انتظار و آمادگی برای ظهور در آن موج می زند، دعایی است که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از آن به عنوان «دعای حج» یاد کرده است. کلینی با نقل این دعا از امام جعفر صادق علیه السلام، خواندن آن را در همه ایام مبارک رمضان سفارش کرده است. در بخشی از این دعا چنین می خوانیم:

وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيْلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيَائِكَ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ

بِیْ اَعْدَائِكَ وَ اَعْدَاءِ رَسُوْلِكَ... (۱).

و از تو می خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راه خودت، زیر پرچم پیامبرت و همراه با بندگان خاص خود قرار دهی و از تو می خواهم که دشمنانت و دشمنان پیامبرت را به دست من نابود سازی... .

چنان که برخی مفسران کتاب الکافی گفته اند، مراد از پرچم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این دعا، همان پرچمی است که در حال حاضر در اختیار حضرت قائم علیه السلام است. این احتمال هم وجود دارد که چون پرچم پیامبر و پرچم قائم هر دو در حق بودن مشترکند، از پرچم قائم به عنوان پرچم پیامبر یاد شده است. (۲)

دعاهای دیگری نیز در این ماه وجود دارد که در آنها به نوعی، به موضوع انتظار و آرزوی برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. دولتی که در پناه آن، همه فقیران بی نیاز می گردند، همه گرسنگان سیر می شوند، همه برهنگان پوشیده می شوند، همه بده کاری ها ادا می شود، گرفتاری همه گرفتاران برطرف و همه امور مسلمانان اصلاح می شود.

در پایان، یادآوری می کنیم که یکی از نشانه های اصلی ظهور؛ یعنی ندای آسمانی نیز در ماه رمضان رخ می دهد. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

آن ندای آسمانی برنخواهد خاست، مگر در ماه رمضان که ماه خداست. آن

۱- الکافی، ج ۴، کتاب الصیام، باب ما یقال فی مستقبل شهر رمضان، ص ۷۴، ح ۶؛ همچنین ر.ک: مفاتیح الجنان.

۲- ر.ک: کتاب الوافی، ج ۱۱، ص ۴۰۲.

ندا از جبرئیل است که خطاب به مردم سر داده می شود و نام قائم را در همه جا طنین انداز می سازد، تا آنجا که همه ساکنان زمین از شرق تا غرب، آن ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا، هر کس که در خواب فرو رفته است، بیدار می شود و هر کس برپا ایستاده است، ناچار به نشستن می شود و هر کس بر زمین نشسته است، به ناگاه از جای برمی خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را بشنود و به آن پاسخ گوید. (۱)

فصل سوم: مهدی باوری در کلام رضوی

اشاره

فصل سوم: مهدی باوری در کلام رضوی

مژده به ظهور امام مهدی علیه السلام از همان سال های آغازین ظهور اسلام آغاز شد. پیامبر گرامی اسلام در هر فرصت و مناسبتی که پیش می آمد، مردم را به ظهور عدالت گستر موعود در آخرالزمان بشارت می داد و آنها را از نسل و تبار، تولد و غیبت، ویژگی های ظاهری، نشانه های ظهور، ویژگی های قیام رهایی بخش و حکومت جهانی آن حضرت آگاه می ساخت. به همین دلیل، امروز ما صدها روایت در دست داریم که از طریق شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل شده است. (۲)

۱- کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۵۴؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۲۷۴.

۲- ر.ک: معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۱ و ۲. در این کتاب، ۵۶۰ حدیث که از طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام نقل شده، جمع آوری شده است. البته این رقم بدون احتساب احادیث مشابه است.

این سیر پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، در میان اهل بیت طاهرین او استمرار یافت. هر یک از آن بزرگواران در عصر خود تلاش کردند باور مهدوی و فرهنگ انتظار را در میان امت اسلامی زنده و پویا نگه دارند و بدین طریق به پیروان خود در برابر هجوم مصایب، رنج‌ها، دردها و بلاهای گوناگونی که حاکمان جور بر آنها روا می‌داشتند، پایداری بخشند.

حرکت رو به گسترش معارف مهدوی در زمان امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به اوج خود رسید و آن دو امام بزرگوار با تبیین، تشریح، پالایش و پیرایش آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی و تحکیم پایه‌های ایمانی پیروان خود، برای گسترش و نهادینه‌سازی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در میان شیعیان تلاش فراوانی کردند و با به جا گذاردن صدها روایت در این زمینه، این اندیشه و فرهنگ را تازگی و طراوت بیشتری بخشیدند.^(۱)

پس از این دو امام و پیش از امام حسن عسکری علیه السلام، امامی که بیش از همه بر موارث شیعی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار افزود و گنجینه‌های گران‌بهایی برای امت اسلام به یادگار گذاشت، امام رضا علیه السلام بود.

بر اساس پژوهش مسند الإمام رضا علیه السلام^(۲) و مجموعه ارزشمند معجم أحادیث الإمام

۱- ر.ک: معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۳ و ۴. مجموعه روایاتی که در این کتاب از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام نقل شده، بدون در نظر گرفتن احادیث مشابه، افزون بر ۴۵۰ روایت است.

۲- ر.ک: عزیزالله عطاردی خوشانی، مسند الإمام الرضا علیه السلام، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶هـ. ق ج ۱، صص ۲۱۶ - ۲۲۸.

المهدی علیه السلام،^(۱) افزون بر سی روایت از امام رضا علیه السلام در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار نقل شده است که هر یک از آنها ما را با جنبه ای از ابعاد بی کران شخصیت امام مهدی علیه السلام و قیام رهایی بخش و عدالت گستر آن حضرت آگاه می سازد.

برخی از موضوع هایی که در این روایات به آنها پرداخته شده، به شرح زیر است:

۱. خالی نبودن زمین از حجت های الهی

۱. خالی نبودن زمین از حجت های الهی

امام رضا علیه السلام در مواضع متعددی با تأکید بر اینکه زمین هیچ گاه از حجت الهی و امام حق خالی نمی ماند، به طور غیرمستقیم موضوع امامت را تثبیت می کرد. از جمله آن حضرت در پاسخ سلیمان الجعفری یا سلیمان بن جعفر الحمیری که پرسید: «تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ؟؛ آیا زمین از حجت خدا خالی می ماند؟» فرمود: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَهُ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین [به اندازه] یک چشم برهم زدن از حجت خالی بماند، ساکنانش را در خود می برد».^(۲)

مضمون این روایت را شمار دیگری از راویان نیز با تغییرهای جزئی در عبارت، نقل کرده اند.^(۳) بر اساس این روایت، تا آستانه قیامت، زمین از امامی که حجت خداست، خالی نخواهد ماند، هر چند در دوره ایی از تاریخ، این

۱- ر.ک: معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۴، صص ۱۵۳ - ۱۷۹.

۲- بصائر الدرجات، ص ۴۸۹، ح ۸.

۳- ر.ک: بصائر الدرجات، صص ۴۸۸ و ۴۸۹، ح ۴، ۶ و ۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۱.

حجت الهی بنا بر ضرورت هایی، در غیبت به سر برد.

۲. نام و نسب امام مهدی علیه السلام

۲. نام و نسب امام مهدی علیه السلام

با توجه به ضرورت شناخت امام دوازدهم و جلوگیری از حیرت و سرگردانی شیعه در شناسایی منجی موعود، امام رضا علیه السلام در احادیث متعددی، گاه به نقل از پدران و اجداد طاهرینش تا رسول اعظم صلی الله علیه و آله و گاه بدون نقل از ایشان، به معرفی سلسله نسب آن امام می پرداخت. از جمله در یکی از روایت هایی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران بزرگوار خود از رسول اسلام نقل می کند، چنین آمده است:

أَنَا سَيِّدٌ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، وَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَهُ الْعَرْشِ وَ جَمِيعَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَ الْحَوْضِ الشَّرِيفِ وَ أَنَا وَ عَلِيُّ أَبُو هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ، عَزَّ وَجَلَّ، وَ مِنْ عَلِيٍّ سَبَطَ أُمَّتِي وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَشَعُّهُ أَئِمَّةٌ، طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، تَسَاعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ مَهْدِيُّهُمْ. (۱)

من سرور آفریده های خدای عزّ و جلّ هستم. من از جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش، همه فرشتگان مقرب خدا و پیامبران مرسل خدا برترم. من صاحب شفاعت و حوض شریف [کوثر] هستم. من و علی، دو پدر این امتیم؛ هر کس که ما را شناخت، خدای عزّ و جلّ را شناخته است و هر که ما را انکار کند، خدای عزّ و جلّ را منکر شده است. دو سبط این امت و دو سید جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، از [فرزندان] علی هستند. از نسل

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۶۱، ح ۷؛ مسند الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۲۱، ح ۳۸۵.

حسین، نه امامند که پیروی از آنان، پیروی از من و نافرمانی از آنها، نافرمانی از من است. نهمین نفر از این امامان، قائم (برپا دارنده) و مهدی آنان است.

آن حضرت در روایت دیگری می فرماید:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مَنْ وُلِدَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ. (۱)

آن جانشین صالح، فرزند ابومحمد، حسن بن علی است و او صاحب الزمان و مهدی است.

در روایت دیگری که از امام رضا علیه السلام نقل شده است، آن حضرت پس از آنکه دعبل، قصیده معروف خود را در وصف اهل بیت علیهم السلام خواند و در آن، از قیام آخرین امام یاد کرد، فرمود:

يَا دِعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعِيدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَ بَعِيدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُتَنَزِّرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا. (۲)

ای دعبل! امام پس از من، فرزندم، محمد و پس از محمد، فرزندش، علی و پس از علی، فرزندش، حسن و پس از حسن، فرزندش، حجت قائم است. همو که در غیبتش انتظار کشیده می شود و در ظهورش اطاعت می شود. اگر از [عمر] دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند _ عَزَّ وَ جَلَّ _ آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همچنان که از جور و ستم پر شده بود.

در این زمینه، احادیث دیگری نیز از آن حضرت نقل شده است که

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۴۳، ح ۳۱.

۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، صص ۳۷۲ و ۳۷۳، ح ۶؛ مسند الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۲۰، ح ۳۸۴؛ ص ۲۲۱، ح ۳۸۶.

فرصت پرداختن به همه آنها نیست. (۱)

۳. ویژگی های امام مهدی علیه السلام

۳. ویژگی های امام مهدی علیه السلام

امام هشتم شیعیان در موارد متعددی به توصیف ویژگی های ظاهری و جسمی امام مهدی علیه السلام پرداخته است تا باب هرگونه شبهه و اشتباه را بر مردم ببندد. از جمله آن حضرت در پاسخ ریان بن صلت که پرسید: «أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟» آیا صاحب این امر [حکومت اهل بیت علیهم السلام] شما هستید؟، فرمود:

أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا، وَ كَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ ضِعُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُعَيِّنُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ، ثُمَّ يُظَهِّرُهُ فَيَمْلَأُ [بِهِ] الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا. كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا. (۲)

من صاحب این امر هستم، ولی آن که زمین را پر از عدل می کند، همچنان که پر از جور شده بود، من نیستم. چگونه من با این ناتوانی جسمی که می بینی، می توانم او باشم. به درستی که قائم کسی است که هنگام قیامت، در سن پیرمردان و با چهره جوانان ظاهر می شود. او از چنان قوت بدنی برخوردار است که اگر دستش را به سمت بزرگ ترین درختی که روی زمین وجود دارد، دراز کند، آن را از ریشه برمی کند و اگر در بین کوه ها فریاد کشد، صخره ها متلاشی می شوند. عصای موسی و خاتم سلیمان _ درود خدا بر آنها باد _ با اوست و او چهارمین فرزند من است. خداوند، او را تا زمانی که بخواهد، در پوشش خود غایب می سازد. سپس او را

۱- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

آشکار می سازد تا زمین را به وسیله او از قسط و عدل آکنده سازد، همچنان که [پیش از آن] از جور و ستم پر شده بود.

همچنین آن حضرت در پاسخ ابی صلت هروی که پرسید: «ما علاماتُ القائمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؟»؛ نشانه های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟»، فرمود:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَ الْمُنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَحْسَبَهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي، حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ. (۱)

نشانه او این است که سن پیران و چهره جوانان دارد، تا آنجا که وقتی کسی او را می بیند، گمان می برد که چهل سال یا کمتر سن دارد. به درستی که از نشانه های او این است که گذر شب و روز، او را پیر و سالخورده نمی سازد تا زمانی که اجل او فرارسد.

آن حضرت در روایت دیگری، به توصیف جمال نورانی امام دوازدهم پرداخته است و می فرماید:

بِأَبِي وَ أُمِّي سَجِيئٌ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ. (۲)

پدر و مادرم به فدای او که هم نام جدّم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. بر او نوارهای نورانی است که از پرتو نور قدس روشنایی می گیرد.

۴. غیبت و نهان زیستی امام مهدی علیه السلام

۴. غیبت و نهان زیستی امام مهدی علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز چون دیگر اجداد طاهرینش، موضوع غیبت آخرین حجت حق را پیش بینی و شیعیان را برای برخورد با این پدیده آماده کرده است. در یکی از روایاتی که حسن بن علی بن فضال از آن حضرت نقل کرده

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

است، در این زمینه چنین می خوانیم:

كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي كَأَلَنَّمِ يَطْلُبُونَ المَرَعَى فَلَا يَجِدُونَهُ. قُلْتُ لَهُ: وَلِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ. (۱)

گویا شیعیان را می بینم که هنگام نبودن سومین فرزند من، (۲) مانند گوسفندانی که به دنبال چوپان خود می گردند، سرگردانند و او را نمی یابند. گفتم: چرا این گونه است ای پسر رسول خدا؟ فرمود: زیرا امامشان از آنها غایب شده است. پرسیدم: چرا؟ فرمود: برای اینکه هنگام قیامش با شمشیر، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.

آن حضرت در روایت دیگری به نقل از رسول گرامی اسلام می فرماید:

بَابِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ ابْنَ النَّوْبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الْفَمِّ، الْمُنتَجَبِ الرَّحِمِ... وَ هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ وَ حَيْدُهُ، صَاحِبُ الْغَيْبِ يُقَالُ مَاتَ أَوْ هَلَكَ، أَيَّ وَاذٍ سَلَكَ؟ (۳)

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان، فرزند آن [کنیز] اهل نوبه (۴) که دهانی خوش بو و رحمی نیک نژاد دارد. او رانده شده (دور افتاده)، بی خانمان و کسی است که انتقام خون پدر و جدش گرفته نشده و صاحب غیبت است. گفته می شود: او مرده یا هلاک شده است، در چه سرزمینی سیر می کند؟

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴.

۲- ظاهراً در اینجا از سوی راوی یا کسانی که از او نقل کرده اند، اشتباهی رخ داده است؛ زیرا امام مهدی علیه السلام، چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام به شمار می رود، نه سومین فرزند.

۳- الکافی، ج ۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳، ح ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ۲۱، ح ۷.

۴- «نوبه»، ولایتی از بلاد سودان از اقلیم اول، به جنوبی مصر بر کنار رود نیل... هم اکنون نیمی از سرزمین نوبه جزو مملکت مصر و نیم دیگر جزو سودان است. لغت نامه (دهخدا، ج ۱۴، ۲۰۱۵۷ و ۲۰۱۵۸) مراد از کنیز اهل نوبه (نوبیه)، مادر امام جواد علیه السلام است.

همچنین امام هشتم شیعیان در زمینه غیبت آخرین امام، به نقل از پدران بزرگوار خود، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيَّبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعَهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ، وَ يَشْكُ آخِرُونَ فِي وِلَادَتِهِ. فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِحِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيَزِيلُهُ عَن مَلَّتِي وَ يُخْرِجُهُ عَن دِينِي، فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُوئِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ، وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. (۱)

سوگند به آن که مرا بحق به عنوان بشارت دهنده برگزید، [امام] قائم از فرزندان من، بر اساس پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، از دیده ها پنهان می شود تا آنجا که بیشتر مردم می گویند: خدا نیازی به خاندان محمد ندارد. گروهی دیگر در ولادت او شک می کنند. پس هر کس زمان او را دریابد، باید به دین او در آویزد و به واسطه شک خود، برای شیطان راهی به سوی خود باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل و از دین من بیرون نکند، همچنان که پیش از این، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. به درستی که خداوند _ عَزَّ وَ جَلَّ _ شیطان را سرپرست (ولی) کسانی که ایمان ندارند، قرار داده است.

۵. فضیلت انتظار امام مهدی علیه السلام

۵. فضیلت انتظار امام مهدی علیه السلام

موضوع دیگری که در زمینه باور مهدوی در کلام امام رضا علیه السلام یافت می شود، موضوع «انتظار فرج» یا چشم به راه گشایش بودن است. آن حضرت در روایات متعددی، به موضوع فضیلت انتظار فرج اشاره کرده است. از جمله در روایتی خطاب به حسن بن جهم که از ایشان در مورد «فرج» پرسید،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

فرمود: «آیا می دانی که انتظار فرج، [بخشی] از فرج است؟» وی گفت: نمی دانم، مگر اینکه شما به من بیاموزید. فرمود: «آری، انتظار فرج، بخشی از فرج است». (۱)

در روایت دیگری نیز می فرماید:

مَا أَحْسَبُنُ الصَّبْرُ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: «وَازْتَقِيُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (۲) «وَفَسَانَتْظَرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْتَظِرِينَ» (۳) فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ وَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ... (۴)

چه نیکوست صبر و انتظار فرج. آیا سخن بنده صالح خدا [شعیب] را نشنیدی که فرمود: «و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم» و «پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم». بر شما باد به بردباری؛ چون گشایش پس از ناامیدی فرا می رسد و به تحقیق، کسانی که پیش از شما بودند، از شما بردبارتر بودند.

ایشان در روایت بسیار زیبایی، فضیلت انتظار را این گونه بیان می کند:

... أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ يَنْتَظِرُ أَمْرًا فَإِنْ أَدْرَكَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بَدْرًا، وَإِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا فِي فُسْطَاطِهِ... (۵)

... آیا هیچ یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود، مانند کسی است که به همراه

۱- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۹.

۲- سوره هود ۱۱، آیه ۹۳.

۳- سوره اعراف ۷، آیه ۷۱.

۴- قرب الإسناد، ص ۲۲۴، به نقل از: مسند الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۱۷، ح ۳۷۳.

۵- الکافی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در [نبرد] بدر به شهادت رسیده است. اگر هم مرگ به سراغ او نیاید، مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد.

۶. ظهور امام مهدی علیه السلام

۶. ظهور امام مهدی علیه السلام

موضوع دیگری که در روایات رضوی به آن پرداخته شده، موضوع ظهور امام مهدی علیه السلام و آثار و پی آمدهای آن است. از جمله در روایتی که حسین بن خالد آن را نقل می کند، آن حضرت در پاسخ این پرسش که: «یا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنْ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟» ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ می فرماید:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، [وَ هُوَ] الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْعَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ. فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ [بِنُورِ رَبِّهَا] وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا، وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوا فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ» وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (۱)». و (۲)

چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، کسی است که خداوند به واسطه وی، زمین را از هر بی عدالتی پاک و از هر ستمی، پیراسته می سازد. او کسی است که مردم در ولادتش شک می کنند. او کسی است که پیش از خروجش غیبت می کند و آن گاه که خروج کند، زمین به نورش (نور پروردگارش) روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت را برقرار کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند. او کسی است که زمین برای او درهم پیچیده می شود و سایه ای

۱- سوره شعرا ۲۶، آیه ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۵.

برای او نباشد. او کسی است که ندا کننده ای از آسمان او را به نام ندا کند و به سوی او فراخواند، به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند. می گوید: «آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است. پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست» و این همان سخن خدای تعالی است که فرمود: «اگر بخواهیم، از آسمان برایشان آیتی نازل می کنیم که در برابر آن به خضوع سر فرود آورند».

۷. دعا به امام مهدی علیه السلام

۷. دعا به امام مهدی علیه السلام

میان امام رضا علیه السلام و امام مهدی علیه السلام چنان پیوند قلبی وجود داشته که آن حضرت از سال ها پیش از تولد نسل چهارم خود، با بیان های متعدد و متفاوت، او را دعا کرده و یاری اش را از خداوند خواسته است. در یکی از این دعاها چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِلْأَحَدِ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيُكَ سُلْطَانًا وَ انْذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

خداوندا! [امور] بنده و جانشینت را اصلاح کن، آنچنان که [امور] پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت دربرگیر و با روح القدس از جانب خودت یاری کن. در پشت سر و پیش روی، نگهبانانی قرار ده که او را از بدی در امان دارند. بیم و نگرانی او را به امنیت و آرامش تبدیل کن تا تنها تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ یک از آفریدگانت را بر ولی ات مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی.

۱- معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ص ۱۷۱، ح ۴؛ به نقل از: شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۳۲۶.

فصل چهارم: امام مهدی علیه السلام؛ محور اتحاد ملی و انسجام اسلامی

اشاره

فصل چهارم: امام مهدی علیه السلام؛ محور اتحاد ملی و انسجام اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی با روشن گری و درک عمیق از شرایط سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور، سال ۱۳۸۶ خورشیدی را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» اعلام کرد و فرمود:

به نظر من، امسال، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما، اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت های گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها. (۱)

ایشان در نخستین سخنرانی سال یاد شده نیز با تأکید دوباره بر این موضوع فرمود:

ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی کنیم که مورد اختلاف است. (۲)

۱- بخشی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۶ شمسی، به نقل از: www.leader.ir.

۲- بخشی از سخنرانی مقام معظم رهبری در حرم مطهر امام رضا علیه السلام، به نقل از: www.leader.ir.

بی تردید، تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی نیازمند شناسایی مبانی و پایه های وحدت و انسجام و تلاش در راه تقویت و تحکیم این مبانی و پایه هاست. اصل اعتقاد به یگانگی خداوند و نبوت پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله می تواند زمینه ساز اتحاد ملت ایران با نژادها، رنگ ها و قومیت های مختلف آن و انسجام جهان اسلام با ملیت ها و مذاهب گوناگون آن باشد. با این حال، به نظر می رسد افزون بر این عامل زمینه ساز، موضوع دیگری نیز وجود دارد که می تواند بروحدت و انسجام امت اسلامی و اتحاد آنها در برابر دشمن واحد بیفزاید و آن چیزی نیست جز اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان منجی موعود و آخرین بازمانده از اهل بیت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله .

در آموزه های دین اسلام، به صورت عام از امامت ائمه اهل بیت علیه السلام به عنوان راهی برای در امان ماندن مسلمانان از تفرقه و اختلاف یاد شده و از جمله در خطبه معروف حضرت زهرا علیها السلام آمده است:

فَفَرَضَ اللَّهُ... طَاعَتَنَا نِظَامًا وَإِمَامَتَنَا أَمْنًا مِنَ الْفُرْقَةِ وَحُبَّنَا عِزًّا لِلْإِسْلَامِ. (۱)

سپس خداوند واجب فرمود... پیروی ما را مایه وفاق و امامت ما را مانع افتراق و دوستی ما را عزت مسلمانی.

افزون بر آن، به صورت خاص نیز از امام مهدی علیه السلام به عنوان کسی یاد شده است که به همه اختلاف ها پایان می دهد و همه را حول یک محور جمع می کند، چنان که در یکی از زیارت های آن حضرت می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلْمُ بِهِ الشَّعْثَ. (۲)

سلام بر مهدی، آن که خدای عز و جلّ وعده او را به امت ها داده و مژده داده است که به وسیله او اتحاد و یگانگی را برقرار و پراکندگی ها را برطرف می سازد.

۱- ابوالفضل احمد بن ابی طاهر مروزی، بلاغات النساء، صص ۲۳ و ۲۴، به نقل از: سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۲۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از: سید بن طاووس.

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به این موضوع که همه مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام مهدی علیه السلام و حاکمیت قسط و عدل در سراسر جهان به وسیله آن حضرت اتفاق نظر دارند،^(۱) آرمان تحقق جامعه عدل مهدوی و حاکمیت جهانی اسلام در آخرالزمان را می توان محوری برای اتحاد و اتفاق مسلمانان دانست. البته این موضوع به فراهم شدن زمینه ها و مقدماتی نیاز دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. کاربردی ساختن آموزه های آخرالزمانی اسلام

۱. کاربردی ساختن آموزه های آخرالزمانی اسلام

آموزه های آخرالزمانی قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام از نظر ژرفا، دامنه و گسترده در سطحی بسیار بالاتر از مفاهیم و تعالیم آخرالزمانی دیگر ادیان و مذاهب قرار دارد. با این حال، باید گفت این آموزه ها تا کنون چنان که بایسته است، از سطح مباحث صرفاً نظری بالاتر نرفته و به مباحث راهبردی مورد نیاز جهان اسلام تبدیل نشده است.

در سال های اخیر شاهد بوده ایم که جهان مسیحیت به مدد مطالعات آکادمیک و با پشتیبانی نهادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود، اندیشه موعودباوری و منجی گرایی کتاب مقدس را به مباحث راهبردی ناظر به شرایط سیاسی و اجتماعی عصر حاضر تبدیل ساخته و حتی حرکت های سیاسی و نظامی خود در جهان را به نوعی مستند به این اندیشه کرده است. بر اثر همین کار، امروز آموزه های کتاب مقدس با وجود حاکمیت گفتمان سکولار

۱- ر.ک: المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنّه و الإمامیه، ج ۱ و ۲؛ مهدی فقیه ایمانی، الإمام المهدی عند أهل السنّه، چاپ دوم: قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ ه. ق.

در جوامع غربی، با اقبال بیشتر روبه رو شده است. اکنون اندیشه های بنیادگرایانه مبتنی بر آموزه های آخرالزمانی مسیحیت در برخی از کشورهای مسیحی به ویژه ایالات متحده امریکا به عاملی نیرومند برای همراه ساختن خیل عوام مسیحی با اهداف کلیسای پروتستان تبدیل شده است.

ما نیز اگر در پی تبدیل اندیشه مهدویت به عاملی برای وحدت و هم گرایی جهان هستیم، چاره ای جز تبدیل این اندیشه به مباحث راهبردی ناظر به حال و آینده جهان اسلام نداریم. البته در سال های اخیر، برخی از اندیشه ورزان تلاش هایی را در این زمینه آغاز کرده اند که امیدواریم با گسترش این تلاش ها، در آینده ای نزدیک شاهد تحولی در نگرش مسلمانان جهان به اندیشه گران سنگ و تحول آفرین منجی گرایی و موعودباوری اسلامی باشیم.

۲. تکیه بر وجود مشترک موعودباوری سنی و شیعی

۲. تکیه بر وجود مشترک موعودباوری سنی و شیعی

چنان که گفته شد، امام مهدی علیه السلام، موعود منتظر همه جهان اسلام است و تمامی فرقه های اسلامی با وجود اختلاف هایی که در زمینه برخی مباحث اعتقادی و فقهی دارند، در اصل این موضوع هم رأی و هم داستان هستند. بنابراین، باید تلاش کرد با تکیه بر وجود مشترک این موعودباوری و تقویت زمینه های اتحاد و اتفاق در این موضوع، بر این گمان اشتباه که انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام تنها در اندیشه شیعیان است، خط بطلان کشیم.

۳. طرح اندیشه مهدویت به عنوان باوری عزت بخش و قدرت آفرین

۳. طرح اندیشه مهدویت به عنوان باوری عزت بخش و قدرت آفرین

جهان اسلام برای رسیدن به وحدت، انسجام و یک پارچگی در برابر جهان

کفر، بیش از هر چیز دیگر، نیازمند بازیافتن هویت خود و باور به عزت و قدرت خود در سایه آموزه های اسلام است. تا زمانی که مسلمانان، خود را در برابر جهان استکبار، خوار و حقیر احساس می کنند، هیچ گاه در پی وحدت و انسجام اسلامی که آنها را به قطبی قدرتمند در برابر قدرت های موجود تبدیل می سازد، بر نمی آیند. مستکبران نیز از همین احساس خواری و زبونی برای ایجاد اختلاف و دودستگی در جهان اسلام بیشترین بهره را می برند. بنابراین، برای ایجاد وحدت و انسجام مورد نظر باید در درجه اول، مسلمانان را متوجه قدرت و عظمت خود در جهان ساخت و آنها را برای رسیدن به جایگاهی که در خور آن هستند، آماده کرد. این کار نیز تنها با تکیه بر اندیشه مهدویت امکان پذیر است که در واقع، بشارت دهنده عزت و شوکت مسلمانان در جهان است. در برخی ادعیه و زیارات، از امام مهدی علیه السلام به عنوان عزت بخش مؤمنان یاد شده است:

أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ. (۱)

کهجاست آن عزت بخش دوستان و خوارکننده دشمنان.

از همین رو بود که امام خمینی رحمه الله با ژرف اندیشی تمام از احیای فرهنگ مهدویت و انتظار به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلام و وسیله ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان یاد می کرد و می فرمود:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام

در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود؟^(۱)

۴. مقابله جدی با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی

۴. مقابله جدی با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی

در طول تاریخ اسلام همواره گروه ها و جریان های مختلفی تلاش کرده اند که با تکیه بر باور مسلمانان درباره قیام عدالت گستر امام مهدی علیه السلام و مطرح ساختن خود به عنوان مهدی موعود یا نماینده و مأمور آن حضرت، مردم را با خود همراه سازند تا به اهداف دنیوی خود دست یابند. این کار به شیعیان محدود نمی شود و در میان سنیان نیز همواره مدعیانی وجود داشته است. همچنین اندیشه های انحرافی و خرافی درباره مهدی موعود پیوسته در میان فرقه های اسلامی مطرح بوده است.

اگر جهان اسلام بخواهد باور مهدویت را به عاملی برای وحدت و انسجام خود تبدیل کند، باید در گام اول، با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی که همواره در پیرامون این باور ناب اسلامی وجود داشته است، مقابله کند و موعودباوری را از هر گونه شایبه جعل و تحریف پیراسته سازد تا دشمنان نتوانند هر از چندگاه با تحریک عده ای جاهل و فرصت طلب، جوامع اسلامی را در این زمینه با مشکل روبه رو سازند.

۵. باور به هراس استکبار جهانی از موعودباوری اسلامی

۵. باور به هراس استکبار جهانی از موعودباوری اسلامی

امروزه همه قراین و شواهد نشان می دهد که استکبار جهانی با محوریت امریکا، انگلیس و اسرائیل با شناخت کامل از موعودباوری اسلامی و تحلیل

جامع ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های این اندیشه و آگاهی دقیق از چگونگی تحقق ظهور منجی موعود مسلمانان، همه توان سیاسی، فرهنگی و نظامی خود را برای مقابله با واقعه مبارک ظهور گرد آورده و منطقه حساس خاورمیانه را که منطقه ظهور آن منجی موعود است، آماج یورش‌های نظامی خود قرار داده است تا به گمان باطل خود، مانع تحقق وعده الهی شود. (۱)

به یقین، اگر جهان اسلامی به این باور دست یابد که استکبار جهانی، امام مهدی علیه السلام را خطری برای حیات و بقای خود می‌داند و تلاش دارد که به هر شیوه ممکن، با آن حضرت مقابله کند، بر وحدت و انسجام خود حول محور مهدویت خواهد افزود و تلاش خواهد کرد با همراهی و هم‌دلی بیشتر، توطئه حساب‌شده غریبان را برای مقابله با تفکر مهدوی خنثی سازد.

امید است روز به روز، شاهد وحدت و هم‌دلی هر چه بیشتر مسلمانان با تکیه بر اندیشه ناب مهدویت با هدف تحقق حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام باشیم.

۱- ر.ک: مثلث مقدس راز دشمنی غرب با اسلام و مسلمین.

فصل پنجم: غیبت و ظهور ثقلین

اشاره

فصل پنجم: غیبت و ظهور ثقلین

یکی از نکاتی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره بر آن تأکید کرده و مسلمانان را نسبت به آن هشدار می دادند، لزوم تمسک به قرآن و عترت و جدایی ناپذیری این دو از یکدیگر بود. آن حضرت بر اساس روایت شریفی که به صورت متواتر از شیعه و اهل سنت نقل شده است، می فرماید:

من دو چیر گرانها را در میان شما به یادگار می گذارم و تا زمانی که بدانها تمسک جوئید هرگز گمراه نمی شوید: یکی کتاب خدا و دیگری خاندان و اهل بیت من. این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا زمانی که در [کنار] حوض [کوثر] بر من وارد شوند. (۱)

امام علی علیه السلام نیز در روایتی، مضمون حدیث ثقلین را به صورت دیگری بیان کرده اند. آن حضرت می فرماید:

خداوند ما را پاکیزه داشته و از خطا حفظ کرده است. او ما را گواه بر

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ح ۳؛ الخصال، ج ۱، صص ۶۵ و ۹۷؛ الإرشاد، ج ۱، ص ۱۲۴؛ الترمذی، سنن، ج ۵، ص ۶۶۳، ح ۳۷۸۸؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷ و ۲۶.

آفریدگان خویش و حجت خود در زمینش قرار داده و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرین ساخته است؛ نه ما از قرآن جدا می شویم و نه قرآن از ما. (۱)

بر اساس این حقیقت انکارناپذیر، می توان گفت: عزلت و غیبت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موجب مهجوریت قرآن و غیبت آن از متن جامعه می شود، چنان که اقبال و رویکرد مردم به این خاندان و حضور فعال آنان در عرصه اجتماع، موجب ظهور و بروز قرآن و جاری شدن آن در بستر جامعه می گردد.

بررسی روایاتی که به جایگاه و نقش قرآن پیش و پس از ظهور اشاره دارند، این موضوع را بر ما روشن ساخته و حقانیت کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را بیش از پیش آشکار می سازد.

با توجه به آنچه گفته شد، در این فصل مروری اجمالی بر روایات یاد شده خواهیم داشت؛ باشد تا با ظهور امام مهدی علیه السلام و تجلی کامل ولایت، شاهد ظهور و تجلی کامل قرآن کریم و بهره وری تام و تمام جهانیان از این مائده آسمانی باشیم.

۱. جایگاه قرآن پیش از ظهور

۱. جایگاه قرآن پیش از ظهور

در تصویری که روایات معصومان علیهم السلام از جایگاه قرآن در پیش از ظهور امام عصر علیه السلام ارائه می دهند، قرآن کتابی مهجور و متروک است که تنها رسمی از آن باقی مانده است و مردم تنها به تلاوت آن اکتفا می کنند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ. يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ عَنْهُ. مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى. (۱)

بر امت من زمانی پیش می آید که از قرآن جز نقش آن و از اسلام جز نام آن باقی نمی ماند، به ظاهر مسلمان نامیده می شوند در حالی که بیش از همه مردمان از آن دورند. مسجدهایشان آباد، ولی خالی از هدایت است.

آن حضرت در روایت دیگری وضعیت اسلام و قرآن در قبل از ظهور را چنین توصیف می کند:

... وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ وَيُجَدِّدُهُ. (۲)

... زمانی برای امت من فرا می رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نمی ماند. در این هنگام خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند.

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله همچنین در بخشی از خطبه ای که در آن به بیان حوادث آینده و احوال مردمان پس از خود می پردازند، درباره جایگاه قرآن در آن زمان می فرماید:

مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْأَذَانِ وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَ اسْتَحْفُوا بِالْقُرْآنِ وَ بَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلِّ هَوَانٍ. (۳)

مسجدهایشان با اذان آباد، ولی دل هایشان خالی از ایمان است، قرآن را سبک می شمارند و مؤمن از آنها به هر خواری دچار می شود.

امام صادق علیه السلام نیز ضمن روایت مفصلی، یکی از ویژگی های جهان پیش

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، ح ۲۱.

۲- ينابيع الموده، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴، ح ۱۴۸.

از ظهور را کهنه و مهجور شدن قرآن دانسته است و می فرماید:

فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدِمَاتٍ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ، وَ رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمَلَ الْبِلَادَ، وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ حَلِقَ وَ أُحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ، وَ وُجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ، وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكِفِي ۙ الْمَاءُ فِي الْإِنَاءِ. (۱)

هنگامی که بینی حق از بین رفته است و اهل آن رخت بر بسته اند و بینی که ستم همه شهرها را فرا گرفته است و بینی که قرآن کهنه شده و آنچه در آن نیست احداث شده و بر طبق خواسته ها توجیه و تفسیر شده است و بینی که دین دگرگون شده آنچنان که آب در ظرف دگرگون می شود.

آنچه گذشت بخشی از روایات فراوانی است که در آنها وضعیت قرآن و دین در پیش از ظهور و استقرار حکومت اهل بیت علیهم السلام توصیف شده است. چنان که ملاحظه می شود در نگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در این دوران، قرآن از جایگاه شایسته ای برخوردار نیست و با آرا و احوای مردم توجیه و تفسیر می شود.

۲. جایگاه قرآن پس از ظهور

اشاره

۲. جایگاه قرآن پس از ظهور

بر خلاف تصویری که از جایگاه قرآن در پیش از ظهور ارائه شده است، در جهان پس از ظهور قرآن از جایگاه برجسته ای برخوردار است و در زندگی فردی و اجتماعی مردم نقش مهمی دارد.

بر اساس روایاتی که در آنها به توصیف حوادث پس از ظهور پرداخته شده است، می توان گفت در عصر ظهور دو اقدام اساسی در جهت احیای قرآن صورت می گیرد:

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴۷.

الف) بیان معارف قرآن

نخستین اقدامی که حضرت مهدی علیه السلام در این زمینه انجام می دهد، توسعه و ترویج آموزش قرآن و بیان علوم و معارف آن است. به همان صورت که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده بود.

امیر مؤمنان علیه السلام یکی از نخستین کارهای امام مهدی علیه السلام را آموزش عمومی قرآن به مردم _ بر همان اساسی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده بود _ دانسته است و می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ. (۱)

گویی با چشم خود می بینم که شیعیانم در مسجد کوفه خیمه زده اند و قرآن را آن چنان که نازل شده بود آموزش می دهند.

امام باقر علیه السلام نیز در همین زمینه می فرماید:

وَ إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ، عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ. (۲)

هنگامی که قائم آل محمد _ درود خدا بر او باد _ برپا خیزد، برای کسانی که قرآن را بر طبق نزول آموزش می دهند، چادر می زند.

امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه بیان زیبایی دارند، آن حضرت می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى حَدِّهِ وَ أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ. (۳)

چون قائم _ درود خدا بر او باد _ قیام کند، کتاب خدای عز و جل را آن چنان

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، ج ۱۳۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ج ۸۵.

۳- الکافی، ج ۳، ص ۶۳۳، ح ۲۳.

که هست تلاوت می کند و قرآنی را که امیر مؤمنان _ درود خدا بر او باد _ نوشته بود، بیرون می آورد.

آن حضرت در ادامه روایت درباره مصحف امام علی علیه السلام می فرماید:

أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ [اللَّهُ] عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحِينَ فَقَالُوا: هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصَيَّفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ. فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا، إِنَّمَا كَانَ عَلِيٌّ أَنْ أَخْبَرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَفْرُوهُ. (۱)

هنگامی که علی _ درود خدا بر او باد _ از نوشتن قرآن کریم فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خدای عز و جل است، آن گونه که خدا بر محمد _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ نازل کرد، و من آن را از دو لوح گرد آورده ام. مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآن را در بر دارد، دیگر نیازی به این نداریم. پس آن حضرت فرمود: به خدا سوگند، دیگر بعد از امروز آن را نخواهید دید! من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم آن را بر شما عرضه کنم تا شما آن را بخوانید.

(ب) اقامه احکام قرآن

دومین قدم اساسی امام مهدی علیه السلام برای احیای قرآن در جامعه بر پا داشتن احکام قرآن و بنای جامعه عادلانه بر اساس آموزه های قرآنی است.

در عصر ظهور _ بر خلاف عصر غیبت که برخی مردم قرآن را بازیچه هوا و هوس های خود ساخته و برای تحقیق ایده ها و آرزوهای خود آن را به هر گونه که بخواهند تأویل و تفسیر می کنند، _ قرآن و آموزه های آن بر امیال و هواهای نفسانی مقدم شده و محور برنامه ریزی های اجتماعی قرار می گیرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیان بسیار زیبایی اقدام امام مهدی علیه السلام در زمینه حاکم کردن احکام قرآن بر هواجس و امیال نفسانی انسان ها را، به عنوان مقدمه برپایی عدالت، چنین توصیف می کند:

هواهای نفسانی را به متابعت هدایت الهی باز می گردانند، آن زمان که مردم هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند. آراء و اندیشه ها را تابع قرآن گردانند وقتی که قرآن را تابع آراء و اندیشه های خود ساخته باشند [...] و او به شما نشان خواهد داد که دادگری چگونه است و کتاب خدا و سنت را که متروک شده زنده گرداند. (۱)

به دلیل همین پیوند ناگسستنی احیای احکام کتاب و سنت و برقراری عدالت است که در دعای ندبه ناله سر می دهیم:

أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ.

کجاست آن که برای زنده کردن کتاب (قرآن) و حدود آن، امیدها به اوست. (۲)

و در دعای عهد از خداوند متعال چنین درخواست می کنیم:

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۳)

خداوند! او را پناه گاه بندگان ستم دیده ات و یاری دهنده کسی قرار ده که جز تو یآوری ندارد. و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل گردیده است، برقرار ساز و او را برپا دارنده آنچه از نشانه های دینت و سنت های پیامبرت _ درود خدا بر او و خاندانش باد _ وارد شده است، قرار ده. (۴)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، خطبه ۱۳۸، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷؛ مفاتیح الجنان.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ مفاتیح الجنان.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ مفاتیح الجنان.

در پایان این فصل لازم است نکاتی را یادآور شویم:

۱. آنچه در مورد غیبت و مهجوریت قرآن در عصر غیبت امام عصر علیه السلام گفته شد، قطعاً نسبت به همه زمان ها یکسان نیست و در هر زمان که مردم به اهل بیت علیهم السلام توجه بیشتری داشته و در تحقق خواسته های آنها تلاش فزون تری از خود بروز داده اند، قرآن نیز در جامعه ظهور و بروز بیشتری یافته و تا حدی از مهجوریت خارج شده است؛ همچنان که در پی استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران که به بیان امام خمینی رحمه الله زمینه ساز حکومت امام عصر علیه السلام است، شاهد توسعه و ترویج علوم قرآنی و توجه روزافزون مردم به قرآن بوده ایم. اگرچه هنوز تا تحقق جایگاه مطلوب قرآن در جامعه فاصله زیادی داریم.

۲. نکته مهمی که در مورد ظهور و حضور قرآن در جامعه مطرح است، عمل به احکام قرآن و بهره گیری از آن برای سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان و اداره جامعه است؛ یعنی چیزی که در حال حاضر کمتر به آن توجه می شود و حتی در میان اهل علم نیز قرآن جایگاه شایسته ای در زمینه استنباط احکام ندارد و تنها به تعداد محدودی آیه که به عنوان «آیات الاحکام» شناخته شده است، بسنده می شود. این همان موضوعی است که در حکومت امام عصر علیه السلام به طور کامل به آن توجه و قرآن به عنوان منشور حکومت مهدوی و پایه های عدالت موعود مطرح می شود. (۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: همین کتاب، صص ۵۳۶ _ ۵۳۸.

پیوست ها

اشاره

پیوست ها

زیر فصل ها

۱. منشور راهبردی فرهنگ مهدویت (با رویکرد پژوهشی، آموزشی و ترویجی)

۲. موضوع هایی برای پژوهش

۱. منشور راهبردی فرهنگ مهدویت (با رویکرد پژوهشی، آموزشی و ترویجی)

اشاره

۱. منشور راهبردی فرهنگ مهدویت (با رویکرد پژوهشی، آموزشی و ترویجی)

مقدمه

در چند سال گذشته، شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان همه اقوام، ملل و مذاهب، رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انفاس قدسی حضرت بقیه الله الأعظم _ ارواحنا له الفداء _ به موضوع مهدویت و انتظار،

توجه روزافزونی داشته و عاشقان مهدی علیه السلام، گوشه گوشه این سرزمین را به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز تبدیل کرده اند.

امروزه در کشور ما کمتر مرکز علمی و آموزشی دیده می شود که در آن، محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی یا پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. رسانه های عمومی اعم از صدا و سیما، مطبوعات و پایگاه های اطلاع رسانی نیز از این قافله عقب نمانده و با سرعت روزافزونی به سمت تولید آثار دیداری، شنیداری و نوشتاری مرتبط با فرهنگ مهدویت به پیش می روند. از سوی دیگر، شاهد افزایش مراکز و مؤسسه های فرهنگی، تبلیغی و پژوهشی مهدوی در کشور هستیم.

شرایط به وجود آمده، موجب زنده شدن روح امید و سرزندگی در جامعه ما شده و باور به ظهور منجی موعود را بیش از پیش در جامعه ما زنده ساخته است. با این حال، بیم ها و نگرانی هایی را هم در میان صاحب نظران مباحث اعتقادی و فرهنگی ایجاد کرده است؛ زیرا فضای موجود، زمینه طرح اندیشه های انحرافی و دیدگاه ها و نظریه های افراطی و تفریطی را در حوزه باور مهدوی و فرهنگ انتظار فراهم ساخته است. از این رو، بیم آن می رود که عده ای به دلیل نشناختن درست این باور و فرهنگ، نداشتن بینش عمیق در این زمینه یا تحت تأثیر برخی دشمنان دانا و دوستان نادان، علاوه بر اینکه خود دچار آسیب و انحراف عقیدتی شوند، فرهنگ ارزشمند مهدویت را نیز دچار آسیب سازند.

از این رو، ضروری به نظر می رسد که مراکز و مؤسسه های فعال مهدوی با تدوین منشوری که در آن، اصول و چارچوب های فعالیت های پژوهشی، آموزشی و ترویجی در حوزه مهدویت تبیین شده باشد، مقدمات ایجاد

وحدت نظری و عملی را در این زمینه فراهم آورند و از آسیب‌ها و انحراف‌های احتمالی پیش‌گیری کنند. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که جامعه شیعی ایران از یگانه‌دستاویز خود برای دست‌یابی به رستگاری دنیوی و اخروی به خوبی بهره‌جوید و با بهره‌گیری از فرهنگ مهدویت، از فتنه‌ها و آشوب‌های عصر غیبت به سلامت به درآید.

منشور حاضر با این هدف از سوی «مؤسسه فرهنگی موعود» تهیه شده است و امیدواریم، به عنوان سندی برای فعالیت‌های مهدوی در کشور مطرح شود.

در همین جا از همه صاحب‌نظران و فعالان در حوزه مباحث مهدوی دعوت می‌کنیم با بیان دیدگاه‌های خود درباره این منشور، قدم مؤثری در راه اتقان و تکمیل آن بردارند.

الف) مبانی نظری

الف) مبانی نظری

۱. «امامت»، تداوم «نبوت» و تکمیل‌کننده رسالت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله بوده و در عصر حاضر، امامت در وجود شریف حضرت خاتم الاوصیا امام مهدی علیه السلام تجلی یافته است.

۲. بر اساس روایات قطعی و تردیدناپذیری که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده، معرفت امام زمان بر هر فردی لازم است و دست نیافتن به این معرفت، با مرگ جاهلی (مرگ در حال کفر یا شرک یا نفاق) برابر است.

۳. معرفت امام زمان آن‌گاه می‌تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود، از هدایت‌های ایشان بهره‌مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم.

۴. امام مهدی علیه السلام، آخرین حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت های الهی، خاتم اوصیا، وارث همه انبیا و اولیای پیشین و آخرین امام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۵. حضرت حجت علیه السلام با وجود غیبت ظاهری، شاهد و ناظر رفتار شیعیان بوده و از همه آنچه بر آنان می گذرد، آگاه است.

۶. امام مهدی علیه السلام از پس پرده غیبت، اداره و ولایت امور جهان را بر عهده دارد و عنایت آن حضرت شامل حال مردم می شود.

۷. بر اساس روایات اسلامی و فرمایش صریح امام عصر علیه السلام، در عصر غیبت، فقیهان شیعه، حجت بر همه مردم هستند و مردم موظفند از دیدگاه این فقیهان در همه امور پیروی کنند.

۸. هدایت و سرپرستی امور سیاسی - اجتماعی مسلمانان در عصر غیبت، به فقیهی برگزیده از میان فقیهان جامع الشرایط سپرده شده است و مردم با پذیرش ولایت این فقیه می توانند جامعه خود را تا عصر ظهور امام عصر علیه السلام به صورت شایسته ای که مورد رضای آن حضرت است، اداره کنند.

۹. انتظار منجی موعود و اعتقاد به تحقق آینده ای روشن و به دور از هرگونه تیرگی، تباهی، ستم و فساد برای جهان، در میان همه ملل و نحل به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی مطرح است و همه مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت در انتظار ظهور مردی از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه زهرا علیها السلام هستند.

۱۰. در اندیشه شیعی، انتظار موعود، به عنوان اصل مسلم اعتقادی مطرح است و همه شیعیان موظفند همواره در انتظار ظهور آخرین حجت خدا باشند.
۱۱. انتظار، عملی آگاهانه همراه با آمادگی و مجاهده در سطوح مختلف فکری، اخلاقی و عملی، برای ساختن آینده ای روشن بر اساس برنامه و نقشه الهی است.
۱۲. انتظار، ضامن حفظ سلامتی اخلاقی فرد و جامعه، تداوم انگیزه مجاهده و تلاش، بقای روحیه امیدواری و نشاط در جامعه، پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات، مصونیت عمومی در برابر ابتلائات سوء عصر غیبت و گسترش و نهادینه سازی انس و الفت با ساحت قدس اهل بیت علیهم السلام است.
۱۳. بر اساس آموزه های ائمه معصومین علیهم السلام، منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت، بتواند با سربلندی در پیش گاه حجت خدا حاضر شود.
۱۴. شیعیان در عصر غیبت، وظایف و تکالیف مختلفی در برابر حجت خدا دارند و تنها با عمل کردن به آنها می توانند در برابر آن حضرت سربلند باشند و رضایت خداوند را به دست آورند.
۱۵. از مهم ترین وظایف شیعیان در برابر حجت خدا، پیراستن خود از ویژگی های ناپسند و آراستن خویشتن به اخلاق نیکو، حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت، کسب آمادگی همه جانبه فکری، فرهنگی و عملی و فراهم آوردن شرایط برای

ظهور، ارتباط با فقیهان و مراجع تقلید به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام و دعا برای سلامتی آن حضرت و تعجیل در فرج است.

۱۶. در عصر حاضر که دوران امامت و ولایت آخرین حجّت خدا، امام مهدی علیه السلام است، از یک سو وظیفه داریم به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنییم و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را بر اساس خواست و رضایت آن حضرت که از طریق کتاب و سنت به دست ما می رسد، سامان دهیم و از سوی دیگر مکلفیم از تمسک به ولایت دشمنان ایشان خودداری کنیم و از هر آنچه در تقابل با این ولایت است، بیزاری جوئیم.

۱۷. شناسایی همه جانبه (نظری و عملی) کفر، شرک و نفاق و مظاهر آنها در عصر حاضر برای پیراستن مناسبات فردی و جمعی مسلمانان از هرگونه شایبه و کسب آمادگی برای مقابله با آن مظاهر و اصلاح مناسبات و مصونیت بخشی به جنبه های مختلف حیات فرهنگی و مادی مسلمانان، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

۱۸. امام خمینی رحمه الله با طرح اندیشه حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، معنا و مفهوم تازه ای به «انتظار» بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

۱۹. پرداختن به باور مهدوی و فرهنگ انتظار، ضرورت انکارناپذیر عصر ماست و احیا و گسترش این باور و فرهنگ در جامعه ما می تواند اقشار مختلف به ویژه جوانان را در برابر امواج مسموم تهاجم فرهنگی بیگانه بیمه سازد.

ب) راهبردها**ب) راهبردها**

۱. شناسایی و نقد بنیادین جنبه های مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد. انسان های عصر غیبت تنها زمانی می توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند.

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی که بیشتر به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است. این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی توانند به راه کارهای مبتنی بر آموزه های دینی برای خروج از فتنه های فراگیر عصر غیبت دست یابند.

۳. تلاش برای تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، بر اساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار.

۴. تبیین وظایف و مسئولیت های نهادها و دستگاه های مختلف فرهنگی، آموزشی، تبلیغی و اجرایی برای گسترش و نهادینه سازی باور مهدوی در جامعه.

۵. بازشناسی جنبه های مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و... .

۶. تلاش برای پالایش اندیشه ناب مهدوی از هر گونه شایبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی اساس و هر گونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط.

۷. پاسخ گویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهه ها، پرسش ها و ابهام های موجود در زمینه منجی گرایی شیعی.

۸. شناساندن معارف مهدوی به نسل جوان و نهادینه ساختن این معارف در متون آموزشی از دبستان تا دانشگاه.

۹. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی.

۱۰. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر علیه السلام، نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور.

۱۱. مقابله جدی با جریان های سیاسی _ فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم افزارهای رایانه ای، پایگاه های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه موعود گرایی شیعی می پردازند، از طریق گسترش

فرهنگ ناب مهدوی و نقد و بررسی جریان‌ها و اندیشه‌های انحرافی و التقاطی.

۱۲. بررسی و نقد دیدگاه‌هایی که متفکران مادی‌گرا و فرقه‌های انحرافی در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح کرده‌اند.

۱۳. بهره‌گیری شایسته از ابزارهای هنری و رسانه‌های دیداری و شنیداری به ویژه سینما و تلویزیون برای تبلیغ و ترویج معارف مهدوی.

۱۴. ترویج و گسترش مفاهیمی چون امید به آینده، یاری مظلومان، منجی‌گرایی، ستم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی و... که از عناصر جوهری فرهنگ مهدویت و انتظار به شمار می‌آیند، از طریق قالب‌های مختلف هنری (ادبیات داستانی، شعر، نمایش‌نامه، فیلم و...).

۱۵. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوع‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار.

ج) سیاست‌ها

ج) سیاست‌ها

۱. توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام و خودداری از به کار بردن واژگان و تعبیرهایی که شایسته جایگاه و شأن آن حضرت نیست.

۲. توجه به دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های مهدوی.

۳. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی و تلاش برای حفظ کارکرد اصلی این مجالس و مراسم که چیزی جز تجدید پیمان با امام عصر علیه السلام، یادآوری تکالیف و رسالت‌های ما نسبت به آن امام، ترویج فرهنگ انتظار و آماده‌سازی جامعه برای ظهور یگانه منجی بشر نیست.

۴. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور و متمرکز کردن همه تلاش های فرهنگی و تبلیغی بر اصل لزوم انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران.
۵. پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس مبتنی بر خواب و رؤیا برای ترویج و تبلیغ فرهنگ انتظار.
۶. پرهیز از دامن زدن به موضوع تشرفات و خودداری از طرح تشرفاتی که منبع و مستند محکم و قابل اعتمادی ندارند.
۷. خودداری از بهره برداری های مادی از موضوع تبلیغ و ترویج نام امام عصر و پرهیز از هرگونه برخورد سوداگرانه با این موضوع.
۸. بسنده نکردن به جنبه احساسی و عاطفی موضوع مهدویت و انتظار و تلاش برای بالا بردن سطح معرفت مردم در این زمینه.
۹. پرهیز از هرگونه افراط و زیاده روی در طرح یاد و نام امام عصر علیه السلام در محافل، مجامع، رسانه ها و دستگاه های تبلیغی به گونه ای که موجب زدگی مردم از این موضوع شود.
۱۰. توجه به تمایزها و تفاوت های ادبیات آخرالزمانی و منجی گرایی شیعی با ادبیات آخرالزمانی و منجی گرایی دیگر ادیان و مذاهب.
۱۱. بهره گیری از منابع متقن و مستدل در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدوی.

۲. موضوع هایی برای پژوهش

۲. موضوع هایی برای پژوهش

برای پاسخ گویی به نیازهای نوشونده جامعه اسلامی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار لازم است که هر روز پژوهش های تازه ای در این زمینه صورت گیرد. از این رو، در پایان این کتاب، موضوع هایی را برای استفاده همه عزیزانی که به پژوهش علاقه مند هستند، پیشنهاد می کنیم. با امید به آنکه جامعه ما هر روز شاهد عرضه اثر پژوهشی تازه ای در زمینه مهم ترین باور اعتقادی شیعه باشد.

۱. آخرالزمان (مفهوم، ویژگی ها، جایگاه آن در معارف اسلامی، وظایف مسلمانان در این دوران)؛

۲. آخرالزمان گرایی در اقوام و ملل مختلف (ریشه ها، پی آمدها، مظاهر و مصداق ها)؛

۳. آخرین دولت (بررسی شکست تجربه های مختلف بشر در طول تاریخ برای رسیدن به صلح، عدالت، امنیت و رفاه و ضرورت تأسیس دولت مهدوی به عنوان آخرین دولت، برای تحقق این آرزوها)؛

۴. آسیب شناسی باور مهدوی و فرهنگ انتظار (در طول تاریخ و در عصر حاضر از ناحیه عوام و روشن فکران)؛

۵. آمادگی برای ظهور (مفهوم، ضرورت و چگونگی)؛

۶. امید به آینده و نقش آن در زندگی انسان ها (از دیدگاه علوم تربیتی، روان شناسی و آموزه های دین اسلام)؛
۷. انتظار (مفهوم، ویژگی ها، فضیلت ها، آثار فردی و اجتماعی، آسیب ها)؛
۸. انتظار و دیدگاه ها (نقد و بررسی دیدگاه های مختلف با توجه به دیدگاه امام خمینی رحمه الله)؛
۹. انس و ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام (مفهوم، ضرورت، فواید و آثار، چگونگی، راه کارها و آسیب ها)؛
۱۰. انقلاب اسلامی و انتظار (نقش فرهنگ انتظار در انقلاب اسلامی، تأثیر انقلاب اسلامی در تحول مفهوم انتظار)؛
۱۱. بیم ها و امیدها در عصر حاضر (بررسی مظاهر مختلف ستم، فساد و تباهی در جهان از یک سو و جلوه های مختلف گرایش به دین، موعودگرایی، معنویت خواهی و... از سوی دیگر)؛
۱۲. تجدید عهد و پیمان با امام زمان (مفهوم، ضرورت، فواید، آثار و چگونگی)؛
۱۳. تربیت نسل منتظر (ضرورت، چگونگی، راه کارها و آسیب ها)؛
۱۴. تکالیف و وظایف منتظران (ضرورت توجه به آنها، مصداق های فردی و اجتماعی، مرجع شناسایی)؛
۱۵. توسل به امام زمان (مفهوم، ضرورت، فواید، آثار، چگونگی، راه کارها و آسیب ها)؛
۱۶. توقیعات امام زمان (مفهوم، تاریخچه صدور، موارد و موضوع ها)؛
۱۷. تولد امام زمان (زمان و مکان، شاهدان تولد، دلایل پنهانی بودن تولد، پاسخ به شبهه ها)؛

۱۸. جریان شناسی منجی گرایی در ایران (بررسی جریان های صحیح و انحرافی که بر محور مهدویت در تاریخ ایران شکل گرفته اند)؛

۱۹. جشن ها و مراسم نیمه شعبان (فلسفه و کارکرد، آسیب شناسی، پیشنهادها)؛

۲۰. جوانان و امام زمان علیه السلام (وظایف در عصر غیبت، جایگاه آنان در عصر ظهور به عنوان یاران حضرت با توجه به تأکید روایات بر جوان بودن بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام از یک سو و جوان بودن جامعه ایران از سوی دیگر)؛

۲۱. جهان در آستانه ظهور (بررسی بحران های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، زیست محیطی و... حاکم بر جهان با توجه به روایات مربوط به آخرالزمان)؛

۲۲. جهان در عصر ظهور (وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی جهان پس از ظهور)؛

۲۳. حجت خدا (مفهوم، ضرورت وجود، جایگاه و نقش حجت در هستی)؛

۲۴. حکومت امام مهدی علیه السلام (گستره، ویژگی ها، حاکمان، تفاوت آن با دیگر حکومت ها)؛

۲۵. دعا برای سلامتی امام زمان (مفهوم، ضرورت، مصداق ها و نمونه ها، اوقات)؛

۲۶. دولت کریمه (مفهوم، ویژگی ها، مصداق)؛

۲۷. دیدار امام زمان علیه السلام (مفهوم، گونه ها، شرایط، دیدارکنندگان،

۲۸. رجعت (مفهوم، دلایل و مستندات، رجعت کنندگان، ارتباط آن با ظهور امام مهدی علیه السلام)؛

۲۹. زمینه سازی برای ظهور (مفهوم، ضرورت، نقش مردم، نقش حکومت، دیدگاه امام خمینی رحمه الله)؛

۳۰. زنان در آخرالزمان (ویژگی های مثبت و منفی آنان، هشدارها)؛

۳۱. زنان در عصر ظهور (نقش آنان در ظهور و پس از آن، ارتقای جایگاه و شخصیت آنان پس از ظهور)؛

۳۲. زیارت امام زمان علیه السلام (ضرورت، مصداق ها و نمونه ها، اوقات)؛

۳۳. ستم و بی عدالتی در جهان (مظاهر مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ناکارآمدی ساختارهای موجود برای پایان دادن به آنها)؛

۳۴. سینما و آخرالزمان (بررسی و تحلیل فیلم های آخرالزمانی در سینمای هالیوود، اهداف و انگیزه ها از ساخت آنها)؛

۳۵. شب نیمه شعبان (فضیلت، آداب و اعمال)؛

۳۶. ظهور امام زمان علیه السلام (مفهوم، ضرورت، ویژگی ها، آثار و پی آمدهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و...)

۳۷. عدالت مهدوی (مفهوم، ضرورت، ابعاد و ارکان، نسبت آن با عصر حاضر)؛

۳۸. غرب و آخرالزمان (دلایل، زمینه ها و انگیزه های گرایش غرب به این موضوع، تأثیر آن در استراتژی سیاسی و نظامی آن)؛

۳۹. غرب و مقابله با باور مهدوی شیعیان (تاریخچه، عرصه های مقابله اعم از فرهنگی، سیاسی، نظامی و...)

۴۰. غیبت (تاریخ، اقسام، نقش و جایگاه نایبان چهارگانه امام عصر علیه السلام)؛

۴۱. غیبت (مفهوم، حکمت و فلسفه، نقش مردم در تحقق و خاتمه آن، آثار و پی آمدها)؛

۴۲. فرجام جهان در قرآن (دیدگاه قرآن درباره فرجام جهان، تصویر فرجام جهان در قرآن و...)

۴۳. مدعیان مهدویت (شناسایی آنان در طول تاریخ و در ایران و جهان، زمینه ها و انگیزه ها)؛

۴۴. مساجد، مقام ها و اماکن مرتبط با امام مهدی علیه السلام (مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد جمکران، مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در قم، سرداب مقدس سامرا، مقام صاحب الزمان در کربلا، مقام حضرت مهدی علیه السلام در قبرستان وادی السلام نجف و...)

۴۵. مسیحیت صهیونیستی و آخرالزمان (تاریخچه، اهداف، نمودهای سیاسی، فرهنگی و نظامی)؛

۴۶. معرفت امام زمان علیه السلام (ضرورت، مفهوم، انواع، وجوه، آثار و...)

۴۷. منابع و مصادر اولیه فرهنگ و معارف مهدوی (معرفی کتاب، نویسنده و جایگاه اثر در مجموعه معارف مهدوی، نقد و بررسی)؛

۴۸. منجی گرایی در ادیان و مکاتب (پیشینه تاریخی، دلایل و انگیزه ها، مصداق ها و نمونه ها)؛

۴۹. منکران منجی گرایی (نقد و بررسی دیدگاه کسانی که اعتقاد به منجی را صرفا امری اسطوره ای و غیرمبتنی بر واقعیات تلقی می کنند)؛

۵۰. موعود اهل ایمان (اسلام، مسیحیت، یهود، زرتشت و...)

۵۱. موعود در قرآن (بررسی آیاتی که به امام مهدی علیه السلام تأویل و تفسیر شده اند)؛

۵۲. نایبان چهارگانه امام عصر (جایگاه نیابت و وکالت در سازمان امامت، فلسفه انتخاب، نقش ها و مسئولیت ها، تاریخ زندگی، چگونگی ارتباط با امام عصر علیه السلام)؛

۵۳. نشانه های ظهور (مفهوم، فلسفه تعیین، دسته بندی ها، مصداق ها، هشدارها)؛

۵۴. نظریه ها درباره جهان آینده و آینده جهان (بررسی نظریه های هگل، مارکس، گنون، مک لوهان، تافلر، فوکویاما، هانتینگتون و... و نقد آنها از دیدگاه اسلامی)؛

۵۵. نقش امام زمان در زندگی انسان ها (مفهوم، مصداق های مختلف آن همچون: هدایت، تربیت، فریادرسی، مشکل گشایی، رساندن روزی مادی و معنوی به انسان ها و...)

۵۶. نقش فرهنگ انتظار در جنبش های اجتماعی _ سیاسی ایران (از سرداران تا انقلاب اسلامی)؛

۵۷. نیاز به منجی (بررسی ریشه های منجی گرایی از دیدگاه دین شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و...)

۵۸. ویژگی های امام مهدی علیه السلام (نام ها، لقب ها، ویژگی های ظاهری، ویژگی های اخلاقی)؛

۵۹. ولایت امام عصر علیه السلام (مفهوم، مظاهر، چگونگی اعمال آن در عصر

غیبت، راه های بهره مندی شیعیان از آن؛

۶۰. یاران امام زمان علیه السلام (تعداد، ویژگی های جسمی و روحی، شیوه گزینش و انتخاب، طبقات).

یادآوری

۱. عنوان هایی که در مقابل هر موضوع ذکر شده، سرفصل هایی است که در قالب موضوع کلی مورد نظر باید بدان ها پرداخت.

۲. بسیاری از این موضوع ها را می توان در منابعی که در قسمت های مختلف این کتاب معرفی شد، ردیابی و جست و جو کرد.

کتاب نامه

الف) کتاب ها

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ اول: قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۲۱ هـ . ق، ۱۳۷۹.
۲. آب حیات: مجموعه سخنرانی های حضرت آیت الله ناصری در مورد امام زمان علیه السلام، گردآوری: مجید هادی زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶.
۳. آقا تهرانی، مرتضی، سودای روی دوست، راهکارهای عملی دیدار با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول: قم، احمدیه، ۱۳۸۴.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ هـ . ق.
۵. ابن حماد مروزی، ابو عبدالله نعیم، الفتن، تحقیق: سهیل زکار، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۹ هـ . ق.
۶. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۷. ابن شعبه الحرّانی، حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
۸. ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، بی تا.

٩. ابن صباغ المالكي، نورالدين علي بن محمد، الفصول المهمه في معرفه الأئمه عليهم السلام، نجف، مكتبه دارالكتب، بي تا.
١٠. ابن طاووس، سيد علي بن موسى، إقبال الأعمال، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٧ هـ . ق.
١١. _____، سعد السعود، قم، مكتبه الرضي، ١٣٦٣.
١٢. _____، الملاحم و الفتن، ترجمه: محمدجواد نجفي، تهران، كتاب فروشى اسلاميه، بي تا.
١٣. _____، الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٨ هـ . ق.
١٤. _____، مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٧ هـ . ق.
١٥. ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء الحافظ، النهايه في الفتن و الملاحم، تصحيح: احمد عبدالشافي، چاپ دوم: بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٣ هـ . ق.
١٦. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، تحقيق و تعليق: محمدفؤاد عبدالباقي، مصر، داراحياء الكتب العربيه.
١٧. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، ١٥ + ٣ج، چاپ اول: بيروت، داراحياء التراث العربي و مؤسسه التاريخ العربي، ١٤١٦ هـ . ق.
١٨. ابوداوود، سليمان بن اشعث، سنن ابي داوود، بيروت، داراحياء التراث العربي، بي تا.
١٩. ابوداود الطيالسي، سليمان بن داوود، مسند، بيروت، دارالمعرفه.
٢٠. ابوالفتوح رازي، حسين بن علي بن محمد، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، ٢٠ ج، مشهد، بنياد پژوهش هاي اسلامي آستان قدس رضوي، ١٣٧٦.
٢١. ابومعاش، سعيد، الإمام المهدي في القرآن والسنة، چاپ دوم: مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه، ١٤٢٥ هـ . ق.

۲۲. اعتضاد السلطنه، مدعیان نبوت: سرگذشت و احوال مردانی که از آغاز تاریخ تاکنون به دعوی مهدویت و نبوت برخاسته اند، تصحیح و حواشی: هاشم رضی، چاپ اول: تهران، آسیا، ۱۳۴۳.
۲۳. اکتار، عدنان، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، ترجمه: نصیر صاحب خلق، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۴.
۲۴. الإربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، ۳ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.
۲۵. امین، سید محسن، سیره معصومان، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ۶ ج، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۷۴.
۲۶. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ هجدهم: قم، شفق، ۱۳۷۸.
۲۷. بحرانی حسینی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱ + ۸ ج، چاپ اول: بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ه. ق.
۲۸. _____، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
۲۹. البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، المكتبة الثقافید، بی تا.
۳۰. بدری، سید سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه: ناصر ربیعی، چاپ اول: قم انوارالهدی، ۱۳۸۰.
۳۱. _____، شبهات و ردود، ۴ ج، چاپ دوم: قم، مؤلف، ۱۴۱۷ ه. ق.
۳۲. بنی هاشمی، سید محمد، راز پنهانی و رمز پیدایی، چاپ اول: تهران، نیک معارف، ۱۳۸۴.
۳۳. _____، معرفت امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، نیک معارف، ۱۳۷۵.
۳۴. پورامینی، محمد، جوانان، یاوران مهدی علیه السلام، چاپ اول: تهران،

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۹.

۳۵. پورسید آقایی، مسعود و دیگران، تاریخ عصر غیبت: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم: قم، حضور، ۱۳۸۳.

۳۶. پورطباطبایی، سید مجید، در جست و جوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان علیه السلام، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۳۷. جباری، محمدرضا، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ۲ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۲.

۳۸. جُزّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه: سید حمید طیبیان، چاپ نهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۳۹. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، چاپ اول: قم، انصاریان، ۱۳۷۵.

۴۰. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، چاپ سوم: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۴۱. جوادی آملی، عبدالله، توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها / در محضر حضرت آیت الله جوادی آملی، تنظیم و تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، چاپ سوم: قم، نشر معارف، ۱۳۸۵.

۴۲. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)، تحقیق: احمد الغفور عطار، تهران، امیری، ۱۳۶۸.

۴۳. حائری یزدی، شیخ علی، چهره درخشان امام زمان (ترجمه إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام)، ترجمه: سید محمدجواد مرعشی نجفی، ۳ ج، چاپ اول: قم، علمیه، ۱۳۹۹_۱۴۰۱ ه. ق.

۴۴. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ۴ ج، بیروت، دارالفکر.

۴۵. حُرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ۷ ج، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه: احمد جنتی، چاپ اول: تهران، دارالکتب

۴۶. _____، الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، تصحيح: سيدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه: احمد جنتی، قم، علمیه، ۱۳۴۱.

۴۷. _____، وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، ۲۰ ج، تصحيح و تحقيق: عبدالرحيم رباني شیرازی، چاپ هشتم: تهران، اسلامیه، ۱۳۷۳.

۴۸. حسين، جاسم، تاريخ سياسى غيبت امام دوازدهم عج الله تعالى فرجه الشريف، ترجمه: سيد محمد تقى آيت اللهی، چاپ دوم: تهران، اميرکبير، ۱۳۷۷.

۴۹. حسینی، سيد هادی، امام مهدی عج الله تعالى فرجه الشريف: طول عمر، نظارت و اشراف: محمد حکیمی، چاپ اول: مشهد، به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۸۱.

۵۰. الحسينى الاسترabadى، سيد شرف الدين على، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، چاپ اول: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ هـ ق.

۵۱. حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی عج الله تعالى فرجه الشريف در قرآن (ترجمه کتاب المحجّه فى ما نزل فى القائم الحجه عليه السلام)، ترجمه: سيد مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

۵۲. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چاپ نوزدهم: تهران، آفاق، ۱۳۷۵.

۵۳. _____، عصر زندگی (چگونگی آینده انسان و اسلام)، چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

۵۴. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۵۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، مراصد الإطلاع على اسماء الإمكنه و البقاع، بیروت، دارالجيل، ۱۴۱۲ هـ ق.

۵۶. الحميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقيق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ هـ ق.

۵۷. خادمی شیرازی، محمد، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی

عليهم السلام، چاپ دوم: قم، مؤلف، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۵۸. _____، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۵۹. _____، نشانه های ظهور او، چاپ اول: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.

۶۰. خرازی، سید محسن، بدهیه المعارف الإلهیه فی شرح عقائد الإمامیه، ۲ ج، چاپ سیزدهم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵ هـ. ق.

۶۱. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ۷ ج، مقدمه و تصحیح: میرجلال الدین حسینی ارموی، چاپ اول: تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

۶۲. الخزاز القمی، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی، کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر، قم، بیدار، ۱۳۵۹.

۶۳. الخوری الشرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، ۳ ج، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۶۴. دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول: تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱.

۶۵. دبیرخانه دین پژوهان کشور، جهانی شدن و دین: فرصت ها و چالش ها، (مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان، چاپ اول: قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، ۱۳۸۲).

۶۶. دخیل، علی محمد علی، الإمام المهدی علیه السلام، چاپ دوم: بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۶۷. درگاهی، سمیه، ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دیدگاه ها، اثبات و پاسخ به شبهات، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، تهران، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶.

۶۸. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، ۲ ج در یک مجلد، چاپ

سیزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.

۶۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۵ ج، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۷۰. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

۷۱. رازی، محمد، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی)، چاپ اول: تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۰.

۷۲. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشی، بیروت، دارالکلمات العربی، ۱۳۹۲ هـ . ق.

۷۳. الرجعه: العوده إلى الحیاه الدنیا بعد الموت، چاپ اول: قم، مرکز الرساله، ۱۴۱۸ هـ . ق.

۷۴. رسائل الشریف المرتضی، ۴ ج، تصحیح و تحقیق: سیدمهدی رجایی، چاپ اول: قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ هـ . ق.

۷۵. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۷۶. الرفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، چاپ اول: تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.

۷۷. رکنی، محمدمهدی، نشانی از امام غایب عجیل الله تعالی فرجه: بازنگری و تحلیل توقیعات، چاپ سوم: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

۷۸. زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری، بهائیت در ایران، چاپ سوم: تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

۷۹. الزبیدی، محمد مرتضی الحسینی الواسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، ۲۰ ج، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ . ق.

۸۰. زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل، ۴ ج، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۸۱. الساده، مجتبی، شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور)، ترجمه: محمود مطهری نیا، چاپ اول: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۲.
۸۲. _____، النور الغائب: الإمام المهدي عليه السلام و الإدعاء الكاذبه في العصر الحديث، چاپ اول: بیروت، دارالرسول الاكرم صلى الله عليه و آله، ۱۴۲۸ هـ . ق.
۸۳. سائزر، استیون، صهیونیسم مسیحی، نقشه راه به سوی آرماگدون، ترجمه: حمید بخشنده و قدسیه جوانمرد، چاپ اول: قم، طه، ۱۳۸۶.
۸۴. سجستانی، ابو حاتم سهل بن محمد، المعمرّون و الوصایا، تحقیق: عامر عبدالمنعم، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۶۱ م.
۸۵. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ۲ ج، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
۸۶. سلیمیان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ: تحلیل و بررسی مسئله رجعت، چاپ اول: قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۸۷. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۸ ج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ . ق.
۸۸. الشبراوی الشافعی، عبدالله بن محمد، الإتحاف بحبّ الأشراف، مصر، المطبعه الأدبیه، ۱۳۱۶ هـ . ق.
۸۹. شعرانی، ابوالحسن، ترجمه و شرح کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، چاپ دوم: تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ هـ . ق.
۹۰. شفیعی سروستانی، اسماعیل، درآمدی بر استراتژی انتظار، ۳ ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.
۹۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل، مثلث مقدس: راز عداوت غرب با اسلام و مسلمانان، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۵.
۹۲. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم: قم، دفتر تبلیغات

۹۳. شوشتری، شیخ محمد تقی، الأخبار الدخیله، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۱ هـ . ق.
۹۴. شوشتری، سید نورالله، مجالس المؤمنین، ۲ ج، چاپ اول: تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۵.
۹۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعايه لحال البدایه فی علم الدرایه و البدایه فی علم الدرایه، تحقیق: مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامیه قسم إحياء التراث الإسلامی، چاپ اول: قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ هـ . ق.
۹۶. شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، چاپ چهارم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۹۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین (ابن بابویه)، الاعتقادات، تحقیق: عصام عبدالسید، مندرج در مصنفات الشیخ المفید، ج ۵.
۹۸. _____، الأمالی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ . ق.
۹۹. _____، التوحید، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۱۰۰. _____، علل الشرائع، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ . ق.
۱۰۱. _____، کتاب الخصال، ۲ جلد در یک مجلد، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ پنجم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۱۰۲. _____، الهدایه [فی الأصول و الفروع]، تحقیق: مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، چاپ اول: قم، پیام امام هادی علیه السلام، ۱۳۸۴.
۱۰۳. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ ج، تحقیق: مؤسسه الإمام الخمینی رحمه الله، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۱۳ هـ . ق.
۱۰۴. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ ج، تحقیق و تصحیح:

علی اکبر غفاری، ترجمه: منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

۱۰۵. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ ج در یک مجلد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۱۰۶. _____، معانی الأخبار، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۳۶۱.

۱۰۷. _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، ۴ ج، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۰ هـ . ق.

۱۰۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، خورشید در نهان، در اثبات امامت، غیبت و ظهور حجت بن الحسن علیه السلام (ترجمه کتاب الغیبه)، ۲ ج، ترجمه: عباس جلالی، چاپ اول: قم، مؤسسه تعاون امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴.

۱۰۹. _____، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ هـ . ق.

۱۱۰. _____، کتاب الغیبه، تحقیق: عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۷ هـ . ق.

۱۱۱. _____، کتاب الغیبه، ترجمه و تحقیق: مجتبی عزیزی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.

۱۱۲. _____، کتاب الغیبه، تهران، مکتبه نبوی الحدیثه. بی تا.

۱۱۳. _____، مصباح المتهجد، بیروت، ۱۴۱۱ هـ . ق.

۱۱۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم: قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم المقدسه، ۱۴۱۴ هـ . ق.

۱۱۵. _____، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.

۱۱۶. _____، الرساله الثالثه فی الغیبه، مندرج در مصفات

الشیخ المفید، ج ۷.

۱۱۷. _____، المسائل السرویة، مندرج در مصنفات الشیخ المفید، ج ۷،

۱۱۸. شیرازی، سید حسن، کلمه الإمام المهدی علیه السلام، ترجمه: سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ هـ. ق.

۱۱۹. شیرازی، سید صادق، شمیم رحمت: سیره حکومتی امام زمان علیه السلام، چاپ دوم: قم، یاس زهرا علیه السلام، ۱۴۲۴ هـ. ق.

۱۲۰. صاحب خلق، نصیر، پروتستانتیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳.

۱۲۱. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول: قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

۱۲۳. _____، معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عزّنی نفسک)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵.

۱۲۴. _____، نوید امن و امان: پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵.

۱۲۵. _____، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ هـ. ق.

۱۲۶. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله)، ۲۱ ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

۱۲۷. الصدر، السید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، چاپ اول: بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۲ هـ. ق.

۱۲۸. _____، تاریخ مابعدالظهور، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ هـ . ق.
۱۲۹. _____، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۵ هـ . ق.
۱۳۰. صدر، سید محمدباقر، رهبری بر فراز قرون: پژوهشی درباره امام مهدی علیه السلام (ترجمه کتاب بحث حول المهدي عليه السلام)، تحقیق: دکتر عبدالجبار شراره، ترجمه: مصطفی شفیعی، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.
۱۳۱. الصفارالقمی، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ اول: قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ . ق.
۱۳۲. ضمیری، محمدرضا، رجعت یا بازگشت به جهان: بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل، چاپ اول: موعود عصر، ۱۳۷۸.
۱۳۳. طارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، چاپ نهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۳۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳۵. _____، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ۲۰ ج، چاپ اول: تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۳۶. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تحقیق: ابراهیم البهاری، محمدهادی به، به اشراف: جعفر سبحانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، اسوه، ۱۴۱۳ هـ . ق.
۱۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (امین الإسلام طبرسی)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۲ ج، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ هـ . ق.
۱۳۸. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج

در ۵ مجلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۹ هـ. ق.

۱۳۹. _____، مشكاه الأنوار فی غرر الأخبار، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات،

۱۴۱۱ هـ. ق.

۱۴۰. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ۱۳ ج، چاپ سوم: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰

هـ. ق.

۱۴۱. _____، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۱۳ هـ. ق.

۱۴۲. _____، دلائل الإمامه، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ هـ. ق.

۱۴۳. طبسی، محمدجواد، زنان در حکومت امام زمان علیه السلام، چاپ چهارم: تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

علیه السلام، ۱۳۷۹.

۱۴۴. طبسی نجفی، محمدرضا، الشیعه و الرجعه: کتاب علمی، تاریخی، ادبی، اخلاقی، بیحث فیہ بحثا تحلیلیا حول الإمام الثانی

عشر المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲ ج، چاپ دوم: نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ. ق / ۱۹۵۶ م.

۱۴۵. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ پنجم: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

۱۴۶. طریقه دار، ابوالفضل (ترجمه و تحقیق)، جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟!، چاپ هفتم: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۱۴۷. طهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه إلی تصانیف الشیعه، ۲۴ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، بی تا.

۱۴۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، جزیره خضراء، در ترازوی نقد: پژوهشی در علامات ظهور، بیان الاثمه، خطبه البیان، جزیره

خضراء، ترجمه: محمد سپهری، چاپ سوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

۱۴۹. _____، دارسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء،

چاپ اول: بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۲ هـ . ق.

۱۵۰. عسکری، نجم الدین جعفر بن محمد، المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنه و الإمامیه، ۲ ج، چاپ اول: تهران، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۳۶۰.

۱۵۱. عطاردی الخبوشانی، عزیزالله، مسند الإمام الرضا علیه السلام، ۴ ج، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ هـ . ق.

۱۵۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ ج، چاپ پنجم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۱۵۳. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی باوری، ترجمه: مهدی علیزاده، چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.

۱۵۴. _____، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه: محمداقرباب محبوب القلوب، چاپ سوم: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳.

۱۵۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ ج، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ . ق.

۱۵۶. غروی، محمد، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ هـ . ق.

۱۵۷. غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول: قم، نبوغ، ۱۳۷۵.

۱۵۸. فخر رازی، تفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر.

۱۵۹. فریدونی، حسین، زنده روزگاران، جستاری در دیرزیستی امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۸۱.

۱۶۰. فقیه ایمانی، مهدی، الإمام المهدی عند أهل السنه، چاپ دوم: قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ هـ . ق.

۱۶۱. _____، شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۲ هـ . ق.

۱۶۲. الفيروز آبادی، مجد الدين، القاموس المحيط، بيروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۶۳. فیض کاشانی، مولی محمد محسن، کتاب الوافی، ۲۳ ج، چاپ اول: اصفهان، مکتبه الامام امیرمؤمنان علی علیه السلام، ۱۳۶۸ / ۱۴۰۹ هـ . ق.
۱۶۴. فیومی، الفیومی، احمد بن محمد بن علی المقری، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۶۵. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۱۶۶. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و محمد حسینی، چاپ پنجم: قم، الهادی، ۱۳۸۳.
۱۶۷. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۱۶۸. _____، منتهی الآمال، ۲ ج، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳.
۱۶۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ ج، چاپ اول: بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ هـ . ق.
۱۷۰. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، ۳ ج، چاپ اول: تهران، اسوه، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۱۷۱. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه المهدی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۷۲. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۸۱ م.
۱۷۳. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹.
۱۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)، ۴ ج، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

۱۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۷۶. کنعان، جورجی، میراث اسطوره ها: اصول گرایبی مسیحی در نیمکره غربی، ترجمه: واحد ترجمه مؤسسه فرهنگی موعود، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۵.

۱۷۷. کورانی، علی، عصر ظهور، (ترجمه کتاب عصر الظهور)، ترجمه: عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۷۸. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام: (ترجمه موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام)، چاپ ششم: قم، معروف و مشرقین، ۱۳۸۱.

۱۷۹. اللیثی الواسطی، ابوالحسن علی محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین الحسنی البیرجندی، چاپ اول: قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶.

۱۸۰. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، شرح اصول الکافی، چاپ اول: بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.

۱۸۱. المتقی الهندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۸۲. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا...، ترجمه: محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۱۸۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، ۱۱۰ ج، چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۸۴. _____، رجعت، با مقدمه و تصحیح حواشی ابوذر بیدار، چاپ دوم: تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۰.

۱۸۵. _____، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ + ۲ ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ه. ق.

۱۸۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (همراه با ترجمه فارسی)، ۱۵

ج، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم: قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۱۸۷. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایه الحدیث، ۲ ج در یک مجلد، چاپ پانزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸۸. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، معارف مهدوی، چاپ اول: قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵.

۱۸۹. مرکز المصطفی للدراسات الإسلامیه، العقائد الإسلامیه، ۴ ج، چاپ اول: قم، مرکز المصطفی للدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۹ هـ . ق.

۱۹۰. مستوفیان، علی اصغر، رهبران ضلالت، چاپ اول: تهران، مؤلف، ۱۳۸۶.

۱۹۱. مسعودی، ابوالحسن، علی بن حسین، إثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب، چاپ اول: قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ هـ . ق.

۱۹۲. _____، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم: قم، دار الهجرة، ۱۴۰۴ هـ . ق.

۱۹۳. مسلم بن الحجاج، ابوالحسین، صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۱۹۴. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم: مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

۱۹۵. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ نوزدهم: تهران و قم، صدرا، ۱۳۷۷.

۱۹۶. _____، جامعه و تاریخ، مندرج در: مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۵.

۱۹۷. _____، مجموعه آثار، ۲۱ ج، چاپ هشتم: تهران و قم، صدرا، ۱۳۷۵.

۱۹۸. _____، جهان بینی توحیدی، مندرج در: مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۵.

۱۹۹. مظاهری، محمد، امکان طول عمر تا بی نهایت: برگرفته از قرآن و حدیث، چاپ اول: قم، ارغوان دانش، ۱۳۸۳.
۲۰۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۶ ج، چاپ سیزدهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۰۱. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم، دائره المعارف فقه مقارن، چاپ اول: مؤسسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵.
۲۰۲. _____، تفسیر نمونه، ۲۷ ج، چاپ پانزدهم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۰۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم: قم، نسل جوان، ۱۳۸۴.
۲۰۴. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ۲ ج، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ه. ق.
۲۰۵. موسوی خمینی، سید روح الله، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۰۶. _____، کتاب البیع، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۹۴ ه. ق.
۲۰۷. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ۲۳ ج، قم، مدینه العلم آیت الله العظمی خوئی، بی تا.
۲۰۸. موسوی مطلق، سید عباس، ملکوتی خاک نشین: سیری در زندگی حاج شیخ محمدتقی بهلول، چاپ اول: قم، هنارس، ۱۴۲۵ ه. ق.
۲۰۹. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، چاپ دوازدهم: قم، رسالت، ۱۳۸۴.
۲۱۰. _____، طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علوم و

ادیان، چاپ دوم: تهران، کعبه، ۱۴۰۴ ه. ق.

۲۱۱. _____، کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.
۲۱۲. _____، با دعای ندبه در پگاه جمعه، چاپ اول: تهران، موعود عصر عج الله تعالی فرجه الشریف .
۲۱۳. مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار علامه مجلسی)، ترجمه: علی دوانی، چاپ چهاردهم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، بی تا.
۲۱۴. مهری، سید مصطفی، مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف یارانی اینگونه دارد، چاپ اول: قم، علامه بحرانی، ۱۳۸۰.
۲۱۵. میرجهانی، سید حسن، نواهب الدهور فی علائم الظهور، ۲ ج در چهار مجلد، کتاب خانه صدر، ۱۳۶۹.
۲۱۶. _____، ولایت کلّیه، تحقیق و تصحیح: سید محمود لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.
۲۱۷. میردامادی، محمد جواد، پژوهشی علمی پیرامون طول عمر، کهولت و پیش گیری از پیری، زیر نظر: رضا ملک زاده، چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۷۸.
۲۱۸. میرصابری، سید داود، الآیات الباهره فی بقیه العتره الطاهره، چاپ اول: تهران، قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، ۱۴۰۲ ه. ق.
۲۱۹. مؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، مصنّفات الشیخ المفید رحمه الله، ۱۴ ج، چاپ اول: قم، ۱۴۱۳ ه. ق.
۲۲۰. مؤدب، سید رضا، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، چاپ اول: قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۸.
۲۲۱. نجفی، سید محمدباقر، بهائیان، چاپ اول: تهران، مشعر، ۱۳۸۳.
۲۲۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۲۲۳. نظری، غلام رضا، جزیره خضراء: تحریفی در تاریخ شیعه، چاپ اول: قم، طلعه نور، ۱۳۷۸.

۲۲۴. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.

۲۲۵. _____، کتاب الغیبه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ترجمه: محمدجواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

۲۲۶. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ۱۰ ج، تهران، قسم الدراسات العلمیه فی مؤسسه البعثه، ۱۳۶۳.

۲۲۷. نودهی، علی رضا، نظریه اختیاری بودن ظهور: بررسی نقش شیعیان در تعجیل و تحقق ظهور، چاپ اول: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۵.

۲۲۸. النوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، ۴ ج، رحلی، تهران، المکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۲ هـ. ق.

۲۲۹. نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، چاپ نهم: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.

۲۳۰. واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، پیشگویی ها و آخر الزمان (مجموعه مقالات)، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۲.

۲۳۱. نهج البلاغه (امام علی علیه السلام)، گردآورنده شریف رضی، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

۲۳۲. نهج البلاغه، (امام علی بن ابی طالب علیه السلام)، گردآورنده: شریف رضی، ترجمه و شرح: سید علینقی فیض الاسلام، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۳۳. نهج البلاغه (امام علی بن ابی طالب علیه السلام)، گردآورنده: شریف رضی، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ اول: تهران، صائب، ۱۳۸۰.

۲۳۴. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (المعروف بمجموعه ورام) ۲ ج در یک مجلد، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، بی تا.

۲۳۵. هالسل، گریس، یدالله: چرا ایالات متحده امریکا برای اسرائیل از

منافع خود می گذرد؟، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۴.

۲۳۶. هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان (مسیحیت سیاسی و اصول گرا در امریکا)، ترجمه: قیس زعفرانی، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳.

۲۳۷. همدانی، دبیرالدین صدرالاسلام علی اکبر، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه و السلام)، چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

۲۳۸. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، پیشوای دوازدهم (حضرت امام حجه بن الحسن المهدی علیه السلام)، قم، در راه حق، ۱۳۷۶.

۲۳۹. الهیئه العلمیه فی مؤسسه المعارف الإسلامیه، معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲۴۰. الهیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ۱۰ ج، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ ه. ق.

۲۴۱. یزدی حائری، شیخ علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام، ۲ ج، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ ه. ق.

(ب) مقاله ها

۱. «انسان و جهان آینده»، گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، سال هشتم، شماره ۴۲، فروردین و اردی بهشت ۱۳۸۳.

۲. باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

۳. پسندیده، عباس، «آسیب شناسی باور به ظهور منجی»، موعود، سال نهم، شماره ۵۳، خرداد ۱۳۸۴.

۴. «جایگاه امام معصوم علیهم السلام در نسبت با کل هستی»، گفت و گو با آیت الله محمدعلی گرامی، موعود، سال اول، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۷۶، شماره ۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۶.
۵. جوادی آملی، عبدالله، «این ماییم که غایبیم»، موعود، سال نهم، شماره ۴۸، آبان ۱۳۸۳.
۶. دانشور، هادی، «تشرفات بین نفس و اثبات»، موعود، سال اول، شماره ۱، ۳ و ۵، فروردین _ دی ۱۳۷۶.
۷. «دیدار با امام زمان علیه السلام؛ هست ها و بایدها» (اقتراح با حضور حجج اسلام مرتضی آفاته‌رانی، سیدمهدی حائری قزوینی، علی اکبر مهدی پور و جعفر ناصری)، موعود، سال یازدهم، شماره ۷۷، تیر ۱۳۸۶.
۸. ذاکری، علی اکبر، «ارتباط با امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت»، مندرج در کتاب چشم به راه مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف .
۹. الساده، مجتبی، «مدعیان مهدویت، بابت و سفارت» ترجمه: سیدشاهپور حسینی، موعود، سال دوازدهم، شماره ۸۶ _ ۸۸، فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷.
۱۰. شجاعی، سید مهدی، «به ما نگفتند»، موعود، سال اول، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۷۶.
۱۱. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی» مندرج در کتاب پیشگویی ها و آخرالزمان (مجموعه مقالات)، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۲.
۱۲. شیرمحمدی، محمد مهدی، «رخنه خرافه در موعود گرایی»، کتاب نقد، سال هشتم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۵.
۱۳. قهاری کرمانی، محمد هادی، «امام مهدی در قرآن: بررسی تطبیقی»، موعود، سال یازدهم، شماره ۶۸، مهر ۱۳۸۵.
۱۴. «معرفت امام عصر علیه السلام: اقتراح با حضور حجج الاسلام و المسلمین

محمدباقر تحریری، سیدمحمد مهدی میرباقری و دکتر ابراهیم شفیعی سروسستانی، «موعود»، سال دوازدهم، شماره ۸۶ و ۸۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷.

۱۵. محمدی، محمدتقی، «سیمای یاران حضرت مهدی علیه السلام»، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.

۱۶. مهري، سيدمصطفی، «الگوهای برای چگونه بودن»، موعود، سال هشتم، شماره ۵۱، اسفند ۱۳۸۳، سال نهم، شماره ۵۲، فروردین ۱۳۸۴.

۱۷. میرباقری، سیدمحمد مهدی، «معرفت الله، معرفت ولی خداست»، موعود، سال دهم، شماره ۷۰، آذر ۱۳۸۵.

ن_م_ای_ه_ا

اشاره

ن_م_ای_ه_ا

آیات

روایات

اشخاص

مکان ها

کتاب ها

آيات

إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ، ٥٠١

أَسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، ٦٢٣

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ، ٥٠٩، ٥٤٩

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ، ٤٨٣

الَّذِينَ إِن مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا، ٥٤٥

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ، ٢٢٠

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ، ٣٢٤

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ، ٥٧٠

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ، ١٥٤

إِنَّ آرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ، ٤٧٢

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ، ٥٩٠

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا، ٤٢٠

إِنَّ الْمُلْكَ لِلرَّحْمَنِ الْيَوْمَ، ٢٧٢

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ...، ٥٨٠

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى...، ٤٧٦

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ...، ٥٢٠

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...، ٣٢٨

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...، ٢١١، ٢١٢، ٢١٣

أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ...، ١٦٦، ١٦٧

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ...، ٥١٠

أَنَا رَبِّكُمْ الْأَعْلَى...، ٣٧٦

أَوْ مَنْ كَانَ مِثْنًا فَأَخْبَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا...، ٥١٥، ٥١٧

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا نِعْمَةً...، ١٠٣

رُسُلًا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِثَلَاثًا يَكُونُ...، ٢٤١

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ...، ٤٦٦

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ...، ٤٦٨

فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ...، ٤٣

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...، ٢٠٤

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا...، ٥٢٦

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ...، ٢٧٠

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا ائْتِنَّا وَاحْيِينَا...، ٥٧٣

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ...، ٤٧٣

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا...، ٤٦٢

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ...، ٣٣٢

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ...، ٥٢٠

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...، ١٧٩

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ...، ١٧٩

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ...، ١٧٩

كَذَّابٍ ءَالٍ فِزَعُونَ وَالَّذِينَ...، ٤٧٥

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...، ٤٣

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا...، ٥١٥

- ما كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ ...، ٩٩
- مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ...، ٩٨
- مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ...، ٥١٨
- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى، ٥١٦، ٥١٧
- مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ...، ٤٤٥
- وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا مَرَدَّ، ٤٧٣
- وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ ...، ٥٦٧
- وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ ...، ٢٢٨
- وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُشِيرُ ...، ٥٠٧
- وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا ...، ٥٢٠
- وَ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ ...، ٤١١
- وَ إِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُوا نَكَ مِنْ الْأَرْضِ ...، ٤٥٩
- وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ...، ٤٤
- وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ ...، ٤٦٠
- وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ، ٢٠٢، ٢٤٤
- وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ ...، ٥٢٥
- وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ ...، ٤٤٦
- وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ ...، ٦٩٥
- وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا ...، ٥٠٨

وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشَىٰ بِهِ فِي النَّاسِ...، ٥١٧

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ...، ٥١٩

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ...، ١٧٥

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...، ١٧٥

وَذَكَّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ...، ٢٦٩

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...، ٢٦٦، ٤٧٨، ٤٧٩

وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ...، ٤٦٨

وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ...، ٢٣١

وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي...، ٤٧٨

إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ...، ٥١٣

إِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ...، ١٦٨، ١٧٠، ١٧١

وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ...، ٥١٨

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...، ١٧٣

وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً...، ٤٦٧

وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ...، ٦٩٥

وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ...، ٤٦٦

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا...، ٤٤٥

وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...، ٤٧٨

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ...، ٤٧٠

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ...، ٢٧٦، ٢٧٧

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا، ٥٢٥

وَ لَوْ قَاتَلْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا...، ٤٦١

وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ...، ٤٧٢

وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ...، ٤٤٥

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ...، ٤٤٥

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...، ٤٣

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...، ٥٨٤

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ...، ٥١٣، ٥١٤

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا...، ٢٦٧

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ، ٢٧٢

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ، ٤٧١

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا...، ٥٧٢

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا...، ٥٠١

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى...، ٢٦٤، ٣٧٢، ٥٤٣

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ، ٥١٦

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا...، ٣٠١

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ...، ٢٣٦

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ...، ٣٢٩

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ...، ٣٢٩

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي...، ٣٢٩

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ...، ١٥٤

يَا بَنِي إِذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا...، ٢٨٤

يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا...، ٦٣

يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ...، ٣٨١

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ...، ٢٦٩، ٣٢١

روايات

آخِرَ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا...، ٩٧

آمِنُوا بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ...، ٦٩، ٧١١

آه آه سَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ...، ٥٠٨

آيَاتِنَ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ...، ٤٢٩

أَبَشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ - قَالَهَا ثَلَاثًا - يَخْرُجُ...، ٥٢٣

أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَيَّ...، ٥٢٨

أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمَ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ...، ٢٧٠

أَخْبَرَنِي عَنْ عِلْمِ عَالِمِكُمْ...، ١٩١

أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ...، ٧٤٠

ادخلوا الأرض المقدسه...، ٢٢٨

أَذْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ...، ٢١٥

إِذَا أَدَانَ اللَّهُ مَعَزَّ وَجَلَّ...، ٤٨٩

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى الْغِنَى...، ٥٥٥

إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامَكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ...، ٥٢١

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... ١٠٤

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ...، ٤٤٩

إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ...، ٩٧

إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ...، ٥٢١

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ...، ٥٤٠

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ...، ٧٤٠

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ...، ٤٤٩

إِذَا قَامَ أُتِيَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ...، ٥٨٩

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ: حَكَمَ بَيْنَ...، ٥٥١

إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ...، ٣٩٠

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ...، ٥٢٠، ٥٢٢

إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ...، ٢٢٢، ٧١١

أَصْبَحْتُ إِلَيْكَ فَقِيرًا خَائِفًا مُسْتَجِيرًا...، ٧٠٣

إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ...، ٣٠١

إِصْبِرُوا عَلَىٰ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا...، ٣٠١

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثَ مَائَةٍ...، ٤٩٥

أَظْهَرَ بَعْدَ ذَلِكَ...، ٢٦٥

إِعْتِقَادُنَا لِوَلَايَتِهِمَا حِطَّةٌ لِدُنُونِنَا...، ٢٣٠

أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ...، ٧٠٣

أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ...، ٢٧٥

أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ...، ٢٠١

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ...، ٢٨٥، ٦٣٦

أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ...، ٢٨٥

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ...، ٢٨٥

أَفْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...، ٤٦٣

الْأَيْمَةُ عُلَمَاءُ صَادِقُونَ مُفَهِّمُونَ مُحَدِّثُونَ...، ١٩٧

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ...، ٢٨٧

الْإِمَامُ مِنَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا...، ٢١

الْأَوْصِيَاءُ هُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ...، ١٨٠

الْآيَاتُ هُمُ الْإِيمَةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ...، ٢٦٩

الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ...، ٣٨١

أَلْ مُحَمَّدٍ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ سَبِيلُهُ...، ١٨٠

إِمَّا السُّكُوتَ وَ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ...، ٩١

إِنَّ الْإِيمَةَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدًا، ٥٢٩

إِنَّ الْإِسْلَامَ لَا يَزَالُ عَزِيزًا...، ١٦٠

إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامٌ...، ١٤٧

إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...، ٢٤٦، ٢٤٧

إِنَّ الدُّنْيَا لَتَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ...، ٥١

إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ...، ٥٨٨

إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ...، ١٩٠

إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ...، ٧٢١، ٤٠

إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثَ مَائَةٍ...، ٦١٧

إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَجَمِيعٌ...، ٣٣٣

إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا جَوَارَ قَوْمٍ نَزَعْنَا ...، ١٠٤

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلُ الْأَرْضَ ...، ٢٢٣

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلَ ثَلَاثَةٍ ...، ٥٣

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ ...، ٥٣١

إِنَّ اللَّهَ -طَهَّرَنَا وَغَصَمَنَا وَجَعَلَنَا...، ١٧٣، ٢٠٣، ٢١٤

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْعِ الْأَرْضَ ...، ٢٥٢

إِنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّهُ يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ يُنَكِّتُ فِي آذَانِكُمْ ...، ١٩١

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ ...، ٢٨٩

إِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيْأَسُوا...، ٢٨٥

إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ، مَاشِيَةٌ...، ٨٩

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَالَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ ...، ٥٩١

إِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ...، ١٩٠

أَنْسَيْتَ يَا شَيْخُ أَوْ تَنْسَيْتَ ...، ١١٨

إِنَّ عَهْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَارَ عِنْدَ عَلِيٍّ ...، ٢٧٥

إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ...، ١٩٤

إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] [عَلَامَاتُ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ...، ٢٧٧

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ...، ٨٥، ٨٦، ١١٥، ١٢٣

إِنَّ لَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» شُرُوطًا وَ إِنِّي وَ ذُرِّيَّتِي...، ٢٠٦

إِنَّ لِلْقَائِمِ مِثْلَ غَيْبَةٍ يُطَوَّلُ أَمْدُهَا...، ٩٥

إِنَّ لِلَّهِ عِلْمًا عَامًا وَعِلْمًا...، ١٨٦

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ...، ٢٤٠

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا...، ٣١٩

إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ...، ٦٩

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ...، ١٧٦

إِنَّمَا كُفِيَ النَّاسُ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الْأَنْمَةِ وَالتَّسْلِيمَ...، ٢٥٣، ٤٤٩

إِنَّ مَنْ تَكْفَلَ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ...، ٦٦٢

إِنَّ وَلِيِّهِمْ وَلِيُّ اللَّهِ وَعَدُوَّهُمْ...، ٢٣٨

إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ...، ٥٨٣

إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ...، ٥٤٤

إِنَّهُ سَمِعَ الصَّوْتِ وَ لَا يَرَى الشَّخْصَ...، ١٩٧

إِنَّهُ قَالَ بَعْدَ مَا صَلَّى الْعَصْرَ مَا بَقِيَ...، ٣٩٨

إِنَّهُ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِهِ...، ٢٤

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي...، ٩٥

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ...، ٢٠٢

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...، ١٧٦

إِنِّي خَلَفْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ...، ٢٢٦

إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ...، ٢٢٤

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءِ...، ٢٥٠

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى قَوْمٍ أَفْضَلُ غَنِيمَةً، ٥٩٨

أَلَا أَمَلُ رَحْمَةً لِأُمَّتِي...، ٢٨١

أَلَا مَنْ دَانَ اللَّهُ - بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...، ٤٤٧

أَلَا وَ إِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُعْفَرُ...، ٥٤٢

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا...، ٢٩٧

أَلَا يَا تُ هُمْ الْأَيْمَةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ...، ٣٢١

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا...، ٣٧

أَلْسَلَامٌ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ...، ٥٠٨

أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَوَةِ...، ٥١١

أَللَّهُمَّ أَرْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ...، ٣٠٠

أَللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَن هَذِهِ...، ٤٣٨

أَللَّهُمَّ إِنَّا نَزَعْبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ...، ٧١٤

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ...، ٥٨٥

اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ...، ٦٣٨

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انصِرْ بِهِ لِديْنِكَ وَ انصُرْ...، ٦٣٨

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ...، ٣٠٢، ٤٥٠، ٤٨١

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ...، ٧٠٣

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ...، ٣٥

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ...، ٣١٣، ٧٢٨

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِعْبَتِهِ...، ١١٧

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا...، ٧٠٨

اللَّهُمَّ بَلِي، لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ...، ٢٤٨

اللَّهُمَّ صَلِّ وَ سَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ...، ٤٧

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي...، ١٨٤

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ...، ٣١٢

اللَّهُمَّ فَتَبَّنِي عَلَى دِينِكَ...، ٤٤٢

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمِ...، ٣١١، ٧١٢

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ...، ٧١٤

اللَّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي...، ٢١٣

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ، ٤٤٤

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ...، ١٧٠

أَمَّا جُمْلُهُ الْعِلْمِ فَعِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ...، ١٩٥

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ...، ٣٨٨

أَمَّا وَاللَّهُ لَأَقْتُلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ...، ٩٧

أَمَّا وَاللَّهُ لَيَدْخِلُنَّ عَلَيْهِمْ عَذَابَهُ جَوْفَ...، ٥٥٦

أَمَّا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ...، ٧٢٦

أَنَا سَيِّدٌ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ...، ٧١٩

أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي...، ٧٢١

أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ...، ٧٢١

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمَا السَّلَامُ سَيَرْجِعَانِ...، ٥٩٠

أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ...، ٥١٥، ٥١٧

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ...، ٤٧٨

أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ...، ١٧١

أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْ تَنْتَظِرُ الْفَرْجَ...، ٦٩٤

أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ...، ٥٩١

أَهْلُ بَيْتِي عِثْرَتِي مِنْ لَحْمِي...، ١٦٣

أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ...، ٥٨٠

أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ...، ٢٧٠

أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟...، ٣٢٧

أَيُّنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ...، ٥١١، ٧٤٢

أَيُّنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ...، ٧٣٣

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ، جَلَّ ذِكْرُهُ...، ١٤٩

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ...، ٢٣٧

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجُّنِي...، ٤٥

بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ [...] وَتَعْرِفُهُ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ...، ٤٨

بِأَبِي إِبْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ.....، ٦٣٩، ٧٢٤

بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَشَبِيهِي...، ٧٢٣

بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ وَشَبِيهِي وَشَبِيه...، ٣٨، ٦٣٩

بِبَقَائِهِ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى...، ٢٢٤، ٦٣٦

بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا...، ٢٠٧

بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا...، ٢٢٢

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ مَوْ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ...، ٢٢٣، ٧١٠

بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ...، ٢٢١

بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ...، ٥٢٣

بَيْنَا شَبَابَ الشَّيْخَةِ عَلَى ظُهُورٍ...، ٤٩٦

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلَةُ...، ٥٥٧

تَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ...، ٣٨

تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ...، ٧١٩

تَرَى هَذَا الْجَبَلَ؟ هَذَا جَبَلٌ يُدْعَى...، ١٢٣

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ...، ١٧٠

تُمَلَأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...، ٦١٣

ثُمَّ تَمْتَدُّ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ...، ٢٩٢

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكِرَّةَ عَلَيْهِمْ...، ١٣٧

ثُمَّ لَيْشَحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ...، ٤٨٥

ثُمَّ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ...، ٤٩٣

جَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...، ١٨١

جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي وَ اللَّهُ أَحِبُّكَ...، ١٠٥

جَلَالَتِكَ تَمَعْنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ...، ٧٥

الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ...، ٣٣٠

حَدَّثَنِي الْحَكِيمَةُ ابْنَهُ مُحَمَّدٍ...، ٧٧

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ...، ٥٢٩

الْحُسَيْنُ يُخْرَجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ...، ١٣٨

خَرَجَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ...، ٧٣

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ...، ٤٢٦

خُرُوجُ الْحُسَيْنِ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ...، ١٣٧

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ...، ٧٧

دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ...، ٢١٢

دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ...، ٧٠

دَلَالَتُهُ فِي الْعِلْمِ وَاسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ...، ٤٩

دَوَّلْتَنَا آخِرَ الدُّوَلِ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ...، ٥٣٠

ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ...، ٤١١

ذُرْوَةُ الأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ...، ١٤٨

الذُّكْرُ أَنَا وَ الأَيْمَةُ أَهْلُ الذُّكْرِ...، ٢٠٤

ذِكْرُ المُحَدَّثِ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...، ١٩٧

ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ...، ٥٧٤

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الإِمَاءِ...، ٧٢٦

الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...، ٢٠١، ٢٧٧

رَأَيْتُهُ بَيْنَ المَسْجِدَيْنِ وَ هُوَ غُلَامٌ...، ٧٧

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الحَدِيدِ...، ٤٨٥

رُوِّينَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...، ١٨٨

سُئِلَ الإِمَامُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ...، ٥٧٢

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ...، ٥٤٣

سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...، ٤٩٠

سَبْعَ سِنِينَ؛ يَطُولُ الأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى...، ٦١٦

سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلا عِلْمٍ يُرَى...، ٤١٤

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي وَ آمَنَ بِكَ...، ٧٠٣

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ...، ٧٣٠

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَةِ وَالْآيَاتِ ...، ٢١٦

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ...، ٢١٢

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ ...، ١٨٥، ٦٤٠

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى ...، ١٨٣

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ...، ٦٤٠

السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ...، ٥١١

السَّلَامُ عَلَى وَاٰرِثِ الْاَنْبِيَاءِ...، ٤٤، ٦٣٩

سَمِعْتُ ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ...، ٧٤

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: اَيَّاكُمْ وَ التَّنْوِيَةَ...، ٦٢٤

سَمِيَتْ فَاطِمَةُ ٣ مُحَدَّثَةٌ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهَيَّبُ...، ١٩٧

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...، ٢٨٧، ٢٨٨، ٣٣١

الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مُنْذُ مِائَتِي...، ٤٣٤

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ...، ٤٢٨

طُوبَى لِشَيْعِهِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ...، ٢٩٠، ٣٢٢، ٤٨٣

عَدَدَ الْأَسْبَاطِ...، ١٦٥

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ...، ٤٠، ٧٢٢

عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيدًا...، ٥٠

عُلَمَاءُ شَيْعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ...، ٦٦١

عُمُرُ الدُّنْيَا مِائَةٌ أَلْفِ سَنَةٍ...، ٥٩٥

الْعَهْدُ مَا أَخَذَ النَّبِيُّ عَلَى النَّاسِ فِي...، ٤٤٦

فَإِذَا تَمَّتِ السَّبْعُونَ السَّنَةَ...، ١٤٠

فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدِمَاتٍ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ...، ٧٣٨

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبٌ...، ٤٩٥

فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ...، ٢٥٣

فَأَنَا نُحِيطُ [يُحِيطُ] عِلْمًا...، ١٧٢

فَاءَنَّ أَمْرًا بَعَثَهُ فُجَاءَهُ حِينَ لَا...، ٤٣٦

فَأِنَّهُ يَفْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقٍ...، ٥٥٤

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ...، ٣٠٩

فَأَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ...، ٢١١

فَتَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ...، ٥٨٦

فَجَعَلْنَاهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ...، ٢٠٥

فَفَرَضَ اللَّهُ... طَاعَتَنَا نِظَامًا وَ إِمَامَتَنَا...، ٧٣٠

فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلُ إِلَيْكَ...، ١٨٠

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْكُمْ بِمَا يَتَّقِبُ...، ٢٩٦

فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ...، ٩١

فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ...، ٢٩٧

فَهَذِهِ لَالِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله...، ٥٤٥

فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ...، ٥٣٧

فَهُوَ مَعْصُومٌ مُّؤَيَّدٌ مُّوَفَّقٌ مُّسَدَّدٌ...، ٢١٤

فِي الْمَرَضِ الَّذِي تَوَفَّى فِيهِ لِعَايَشِهِ...، ١٩٢

فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ. هَيْهَاتَ...، ٩٨

فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِّنْ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي...، ٦١٤

فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَرَعُ...، ٤٨٤

فَيَعُودُ عَائِدٌ مِّنْ [فِي] الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ...، ٤٩١

فَيَكُونُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ...، ٥٩٥

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ...، ٧٠٥

فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ...، ٥٩٥

الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ...، ٥٠٣

قال: تَقُولُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ...، ٤١٤

قَالَ لِي يَوْمًا يَا جَابِرُ إِذَا...، ١٧٨

قَدَّرُ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ...، ٢٩٣

قَدْ مَضَى وَلَكِنْ قَدْ خَلَّفَ...، ٧٥

قَدْ وَضَعَ بُنُو أُمَّيَّةِ...، ٦٦

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ...، ١٤٦

قُلْتُ لَهُ: قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...، ٥٨٠

قِيمَهُ كُلِّ امْرِيٍّ مَا يُحْسِنُهُ...، ٢٩٣

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ، ٤٨٢، ٤٨٨

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ...، ٧٣٩

كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمْ الثَّالِثَ مِنْ...، ٧٢٣

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا...، ٤٨٧

كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ...، ٤٣٣

كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ...، ٥٨٣

كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلِيَّ الدِّينِ...، ٣٢٦

كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ...، ٤٩٨

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ...، ١٦١، ١٦٢، ١٦٣

كَمِ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ...، ٣٠٥

كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ...، ٢٥٠

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي فُسْطَاطِهِ فَرَفَعَ...، ٦٢٣

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالطَّوَافِ، فَنَظَرْتُ...، ٣٨٣

كُونِي مَكَانَكَ، يَا أُمَّ سَلَمَةَ...، ٢١٣

لَيْلًا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ...، ٩٥، ٧٢٣

لَيْسَ لِي مَنْ يَنْتَهِي الْمَنَ فِقُونََ وَالَّذِينَ...، ٤٥٩

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَحْضِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي...، ٢٠٧

لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي...، ٦٩٤

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزْلِهِ...، ١٢٢

لَا، وَلَكِنْ لِأَوْصِيَائِي مِنْهُمْ عَلَيَّ...، ٢٣٧

لَا وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ...، ٣١٥

لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي...، ٦٣٧

لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُهُمْ...، ٢٣٥

لَا يُخْرِجُ الْقَائِمُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى تَكْمُلُ...، ٤٩١

لَا يُرَى جِسْمُهُ، وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ...، ٨٩

لَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا...، ٦٤٠

لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ...، ١١٦

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا...، ٤٤٦

لَتَغْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا...، ٢٦٨

لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ...، ٥٩٢

لَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّهُ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ...، ١٩٨

لَقَدْ كَانَ فِيمَا قَبْلِكُمْ مِنَ الْأُمَمِ مُحَدِّثُونَ...، ١٩٩

لَقَدْ كَانَ فِيْمَنْ كَانَ قَبْلِكُمْ...، ٢٠٠

لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْذُ كَانَتْ مِنْ حُجَّهِ...، ٢٥٢

لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا...، ٢٢٥

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهَهُمْ...، ٣٠٣

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ...، ١٠٧، ٤٥١

لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ...، ٤٨٨

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ...، ٢٢٥

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا...، ٦٣٦

لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَهُ عَيْنٍ مِنْ حُجَّهِ...، ٧١٩

لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمُكُمْ...، ٦٦١

لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ...، ٢٤٢

لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ...، ٢٦٦

لَهُ غَيْبُهُ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ...، ٩٧

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ...، ٢٠٤

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ...، ٤٢٥

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا...، ٥٨٠

لَيَعِدَنَّ أَحَدَكُمْ لِيُخْرِجَ الْقَائِمَ...، ٣٠٤

لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ فُضَاءَ السُّوءِ، وَيَقْبِضَنَّ...، ٣٨٦

مَا أَحْسَنُ الصَّبْرِ وَانْتِظَارِ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ...، ٧٢٥

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ فَهَلُمَّ جَرًّا...، ٥٩٢

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ! قَوْلَ اللَّهِ...، ٣٨٣

مَا تُنْكِرُونَ أَنْ يُمِدَّ اللَّهُ...، ٥٤

مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَاللَّهُ تَعَالَى...، ٢٤٣

مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَاللَّهُ فِيهَا...، ٢٥٤

مَا عِلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؟...، ٧٢٢

مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ...، ١٧٠

مَا مِنْ لَيْلَةٍ جُمِعَ فِيهَا إِلَّا وَالْأَوْلِيَاءِ...، ١٩٩

مَاؤُكُمْ أَبَوَابُكُمْ أَيُّ الْأَيْمَةِ وَالْأَيْمَةِ...، ٥٢١

مَبْلَغُ عِلْمِنَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ...، ١٨٧

مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْأَذَانِ وَقُلُوبُهُمْ...، ٧٣٨

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ أَرَادَ أَنْ...، ١٦٥

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ...، ٤٤٧

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ...، ١٥٠، ٦٥٧

مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرُنَا...، ٣٠٥

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاهِ...، ٣٣٠

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ...، ٢٣٥

مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَابْتِغَىٰ لِلَّهِ... ٣٢٦

مَنْ أَدْرَكَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ... ٦٤٠

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَاءِ بَعْضِكُمْ وَمَنْ وَحَدَّهُ... ٢١٠

مَنْ أَقَرَّ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ... وَأَقَرَّ بِالرَّجْعَةِ... ٥٨١

مَنْ أَقَرَّ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءٍ فَهُوَ مُؤْمِنٌ... ٥٨١

مِنْ بَنِي هَاشِمٍ مِنْ ذُرْوَاهِ طَوْدِ الْعَرَبِ... ٥٠

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...، ٢٩٠

مَنْ دَانَ بِدِينِي وَ سَلَكَ مِنْهَا جِي...، ٢٢٩

مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ...، ٣٠٢

مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ...، ٢٨٤

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ...، ٢٩٦، ٣١٩

مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عَلَّمَهُ اللَّهُ...، ١٥٥

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَوَةِ الْفَجْرِ...، ٣١٤

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ...، ٤٤٧

مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...، ٢٤٧

مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً...، ١٤٦

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا...، ٢٩٠، ٦٩٤

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ...، ١٤٦، ١٨٤، ٢٩٥

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...، ١٤٦، ٢٤٧، ٢٩٥

مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ...، ١٦٣

مِنْ وُلْدِي أَحَدَ عَشَرَ نَقَبَاءَ نَجَبَاءَ...، ١٦٤

مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهُ - وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...، ٣٢٨

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَوْنُهُ...، ٣٨

الْمَهْدِيُّ سَمَّحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ...، ٣٨٦

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ...، ٣٩

المَهْدِيُّ مِنْ عَثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ...، ١٣٧

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي...، ٣٦

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِيِّ...، ٣٨

المَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلِي الْجِبْهَةِ أَفْنَى الْأَنْفِ...، ٣٨

النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا قُبِضَ إِزْتَدَّ النَّاسُ عَلَيَّ...، ٤٤٨

النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ...، ٢١٨، ٢١٩

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَىٰ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ ...، ١٧٣

نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ السَّمَاءَ...، ٢٢٢

نَحْنُ الْعَالِمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ...، ١٥٠، ١٨١

نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا...، ٣٣٢

نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ، نَحْنُ تَرَاجِمُهُ...، ٢٠١

نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ...، ٢٣١

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ...، ١٦٧

نَحْنُ وَ إِن كُنَّا ثَاوِينَ...، ١٢١

نَحْنُ وُلَاهُ أَمْرُ اللَّهِ وَ خَزَنَتُهُ...، ١٨٥

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ...، ٢٦٧

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي فِي سُورَةِ الْحَدِيدِ...، ٥١٠

نَظَرَ اللَّهُ (سُبْحَانَهُ) إِلَىٰ أَهْلِ الْأَرْضِ...، ٢٣٤

نَعَمْ، إِنْ تَنْتَظِرُ الْفَرْجَ مِنَ الْفَرْجِ...، ٦٩٤

نَعَمْ هُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...، ١٦٧

نَعَمْ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِحْدَىٰ يَهُمَا أَطْوَلُ...، ٨٥

وَ اجْعَلُهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ...، ٥٣٨، ٧٤٢

وَ اخْلِطِ الشَّدَّةَ بِضِعْفٍ مِنَ اللَّيْنِ...، ٣٨٧

وَ إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَرَبَ...، ٧٤٠

وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَارَأْتُمْ...، ٥٦٩

وَاعْلَمُوا أَنَّ خَلَاصَكُمْ وَنَجَاتَكُمْ فِي حَقِّنِ الدِّمَاءِ...، ٣٨٧

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو...، ١٠١

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ...، ٣٨٨

وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ...، ٥١٢

وَ الْأَيْمَةَ تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ...، ١٧١

وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ...، ٢٥٣

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِّغَيْبٍ...، ٧٢٤

وَاللّٰهُ اِنَّا لَخُرَّانُ اللّٰهِ فِي سَمَائِهِ...، ١٨٥

وَاللّٰهُ اِنَّ اَرْوَاحَنَا وَ اَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ...، ١٩٨

وَ اللّٰهُ اِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْاَمْرِ لَيَحْضُرُ...، ٩٠

وَ اللّٰهُ لَقَدْ عٰهَدَ اِلَيْنَا...، ١٣٩

وَ اللّٰهُ لَيَرَدُّنَّ وَ لَيَحْضُرَنَّ السَّيِّدُ الْاَكْبَرُ...، ٥٩٢

وَ اللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو...، ٣١٤

وَ اللّٰهُ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا اَهْلَ الْبَيْتِ...، ٦١٧

وَ اللّٰهُ مَا تَرَكَ اللّٰهُ اَرْضًا مُنْذُ قَبْضَ...، ٢٤٣

وَ اللّٰهُ مَا مَنَا اِلَّا مُقْتُوْلٌ شَهِيدٌ...، ١٣٩

وَ اللّٰهُ مَا نَزَلَ تَاوِيْلُهَا بَعْدُ...، ٢٦٤

وَ اللّٰهُ يَا اَبَا خَالِدٍ لَا يَجْبُنَا...، ١٥٦

وَ اِنَّ لِي الْكِرَّةَ بَعْدَ الْكِرَّةِ...، ٥٩١

وَ اِنِّي لَأَمَانٌ لِّاَهْلِ الْاَرْضِ...، ٢١٩

وَ اِنِّي... مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِاِيَابِكُمْ...، ٥٨٦

وَ اتُّوا الْبُيُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا...، ١٨٠

وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ...، ٥٨٥، ٧١٥

وَ اَعِنَّا عَلٰى تَاْدِيَةِ حُقُوْقِهِ اِلَيْهِ...، ٢٩٨

وَ اَفْضَلُ الْاَعْمَالِ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّٰهِ...، ٢٨٦

وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ ...، ٣١٤، ٤٤٠

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا...، ٣٠٩، ٣٦٨، ٤٤٣

وَ أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ...، ٥٣

... وَ أَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى...، ٤٩٧

وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ...، ٤٣٧

وَ أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخِلَنَّ (القَائِمُ) عَلَيْهِم...، ٣٨٩

وَأَمَّا وَجْهَ الْأَعْتَابِ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَكَأَلَأَعْتَابٍ، ٢٥٠

وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ...، ٧٧

وَأَنْتَ مِنَّا، يَا جَبْرَائِيلُ...، ٢١٣

وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَارِيبٍ فِيهَا...، ٣٢٢

وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَارِيبٍ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا...، ٥٨٧

وَتُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ...، ٥٥٠

وَجَعَلْ صَلَوَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا...، ٢٣٠

وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي عَيْتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ...، ١١٠

وَرَأَتْهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنْ عَلِيٍّ...، ١٩١

وَرُبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ...، ٤٦٥، ٤٧٠

وَرَضِيكُمْ... أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ...، ٢٠٥

وَ كُلُّ شَرَعَتْ لَهُ شَرِيعَةً وَ نَهَجَتْ لَهُ...، ٢٤٠

وَلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ...، ٣٣

وَ لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ...، ١٦٢

وَ لَا يَهُ عَلِيٍّ بِنِ أَيْبَطَالِبِ حِصْنِي...، ٢٠٧

وَ لِدْنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا...، ٧٤

وَ لَمْ تَخُلْ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ...، ٢٤٨

وَ مَثَلِ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِي...، ٢٢٦

وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى...، ٤٤، ٤٥، ٤٦

وَهُمْ أَطْوَعُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا...، ٤٨٧

وَهُوَ كَأَقْرَبِهَا مِنْ أَرْجَائِهَا قَدْ تَكَانَفَ عَلَيْهَا...، ٤١

وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى...، ٥٣٧، ٧٣٨

وَيَأْمُرُ اللَّهُ الْفَلَكَ فِي زَمَانِهِ فَيُطِئُ...، ٦١٦

وَيَجِيئُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مَائَةٍ...، ٤٩٢

وَيُحَكِّكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ...، ٣٨٥

و يَسِيرُ الرُّعْبُ قَدَامَهَا شَهْرًا...، ٥٠٣

وَ يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ...، ٥٥٤

هَذَا صَاحِبُكُمْ...، ٧٦، ٧٧

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي...، ٧٦

هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ...، ٤٤٧

هَذِهِ النُّجُومُ الَّتِي فِي السَّمَاءِ...، ٢٢٠

هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ...، ٣٢٦

هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ...، ٢٢٧

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ...، ٤٣٦

هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَنْبَعُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ...، ٢٦٧

هُمُ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ...، ٢٦٦

هُمُ [وَاللَّهِ] شِعْتُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ...، ٢٦٦

هُوَ الَّذِي تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ يَذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ...، ١٠٦

هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ هُوَ النَّاطِقُ...، ٥٣٧

هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ...، ٥٧٣

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ...، ٧٠٧

هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْتِيَهُمْ...، ٤٣٦

هُؤُلَاءِ بَنُو إِسْرَائِيلَ نُصِبَ لَهُمْ...، ٢٢٩

يَا أَبَا الْقَاسِمِ، إِنَّ الْقَائِمَ...، ٢٨٨

يا ابن النعمان إنَّ العالمَ لا يُقدِرُ أنْ يُخْبِرَكَ...، ٤٤١

يا ابنَ رَسولِ اللَّهِ وَ مَنِ القَائِمِ...، ٧٢٦

يا أبا القاسِمِ هذا وَ اللَّهِ دِينُ اللَّهِ...، ٢٣٨

يا أبا بَصِيرٍ وَ أَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا...، ٦٩٣

يا أبا مُحَمَّدٍ عَلَّمَ رَسولُ اللَّهِ...، ١٨٩

يا أبا مُحَمَّدٍ! وَ إِنَّ عِنْدَنَا الجَامِعَةَ...، ١٩٣

يا أَبَانُ، سَيَأْتِي اللَّهَ مِثْلًاثَ مَائَةٍ...، ٤٩٩

يَا بَنَ الْاِيَاتِ وَ الْيِّنَاتِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ...، ٢١٦

يَا بَنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ...، ١٢٠

يَا بَنَ بُكَيْرِ إِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا...، ١٠٤

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي أَنْتَ وَ أُمِّي...، ٦٥٧

يَا جَابِرُ إِنَّ لِبَنِي الْعَبَّاسِ رَايَةً...، ٤٩٨

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا...، ٥١١

يَا دِعْبِلُ الْإِمَامِ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ...، ٧٢٠

يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ...، ٤٣٥

يَا زُرَّارَةَ إِنَّ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الزَّمَانَ...، ١٥٠

يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ...، ٣٢، ٦٨٤

يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ...، ٢٣٤

يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا...، ٤٣٧

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَ مَنْ...، ٤٤

يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ...، ٧٣٧

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ...، ٤٨٤

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ...، ٦١٥

يَتَمَسَّحُونَ بِسَوْجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ...، ٤٨٦

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمُهْدَى نِعْمَةً...، ٥٢٧

يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ...، ٤٤٩

يُحْيِيهَا اللَّهُ مُعَزَّزًا وَجَلًّا بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...، ٥٤٩

يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الدَّبِيحِ...، ٩٣

يَخْرِجُ ابْنَ آكَلِهِ الْأَكْبَادِ مِنْ...، ٤٢٤

يَخْرِجُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ...، ٣٩

يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَنْثَمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ...، ٥٩٠

يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ ...، ٥٤٧

يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ ...، ٥٢٤

يُعْجِبُنِي أَنْ يَفْرُغَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ ...، ٧٠٦

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا ...، ٥٣٨

يَعْلَمُهُ إِلَّا أَنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ ...، ١٩٥

يَعْنَى بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرِ ...، ٥٠٩

يَعْنَى خُرُوجِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ ...، ٣٢٢

يَعْنَى «لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَيَّ» وَوَلَايَةِ ...، ٥٢٦

يَعْنَى يُصْلِحُ «الْأَرْضَ» بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ...، ٥٤٩

يُفَرِّجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ ...، ٥٤٦

يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ ...، ٥٣٦

يُقْفِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ ...، ٨٩

يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي ... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي ...، ٥٥٣

يَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ ...، ٤٨

يَكُونُ تِسْعُهُ أَيْمَهُ بَعْدَ ...، ٧١

يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبُهُ ...، ١٢٤

يَمُضُونَ الثَّمَادُ وَ يَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ ...، ١٨٩

يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ ...، ٣٩٠، ٣٩١

يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا ...، ٥٤٦

يَمْلِكُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا...، ٦١٥

يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ...، ٢٧١

يَوْمَ الْفَتْحِ يَوْمَ تُفْتَحُ الدُّنْيَا...، ٢٧٣

يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ...، ٥٠٣

اشخاص

آدم، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۶، ۷۷، ۷۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۳، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۷۰، ۳۶۶، ۴۲۹، ۴۴۴، ۴۴۶، ۵۹۲

آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، ۴۱۸، ۶۶۰

آل بویه، ۱۵۸

آل سام، عبدالاعلی مولى، ۱۲۳

ابان بن تغلب، ۴۹۹

ابن ابی دنیا ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید بن سفیان، ۵۶۳

ابن ابی قره، ۳۱۱، ۷۱۲

ابن اثیر، علی بن محمد، ۲۱، ۲۵۹، ۲۶۰

ابن بابویه، علی بن حسین بن بابویه، ۳۲، ۱۵۸

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، ۳۰۷

ابن حماد، محمد بن علی، ۵۰، ۴۱۸، ۴۹۴، ۷۶۱

ابن حنبل، احمد، ۱۶۱، ۷۳۶

ابن داود، ۱۳۲

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۶۵

ابن صباغ مالکی، ۲۱۲

ابن عباس، عبدالله بن عباس، ۶۹، ۷۰، ۱۶۶، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۵۶۸

ابن فارس، احمد بن فارس، ۲۵۹

ابن مسعود، عبدالله بن مسعود، ۱۶۱، ۲۳۴

ابن منظور، محمد بن مكرم، ٢٤٠، ٤٥٧، ٧٦٢

ابن مهزيار، ابراهيم بن مهزيار، ٤٠، ٤١

ابوالاديان بصري، ٨٠

ابوبصير محمد بن قاسم بغدادى، ٧١، ٨٥، ١١٦، ١٦٩، ١٨٨، ١٩٣، ٢١٧، ٤١١، ٤٩٠، ٥٤٣، ٦٩٣

ابوذر غفارى، ٢٢٦، ٢٣٣، ٤٤٩

ابوعتاب، ٣٣

ابومحمد فضل بن شاذان، ٦٦٠

ابومعاش، زين الدين على بن فاضل، ٢٦٣

ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله، ٥٦٣

ابوهاشم جعفرى، ٧٤

ابوهريه، عبد الله بن عامر، ١٦٦

ابى سفيان، ٤٢٤

ابى غانم خادم، ٧٥

احمد بن ابراهيم بن مخلد، ٣٢

احمد بن محمد بن عبدالله، ٧٢

أخوخ بن يرد (ادريس)، ٥٧

اسحاق، ٣٦، ٧٣، ٧٤، ٧٧، ٧٨، ١٧٥

اسحاق بن يعقوب، ٢١٩، ٢٥٠، ٣٠٩، ٣١٤، ٤٣٧

اسماعيل، ٧، ٤٥، ٧٧، ١٦١، ٢٥٨، ٣٥٥، ٣٥٦، ٤١٨، ٦٤٢، ٦٤٩، ٧٦٣، ٧٦٤، ٧٦٨

اصفهانى، ميرزا عبدالله، ١٢٩

اقتطع، عمر بن عبد اللّٰه، ٢١

الياس، ١٩٥

امام باقر عليه السلام محمد بن علي عليه السلام

امام حسن عسكري عليه السلام حسن بن علي عليه السلام

امام حسن مجتبي عليه السلام حسن بن علي عليه السلام

امام حسين عليه السلام حسين بن علي عليه السلام

امام رضا عليه السلام على بن موسى عليه السلام

امام زين العابدين عليه السلام على بن الحسين عليه السلام

امام صادق عليه السلام جعفر بن محمد عليه السلام

امام على عليه السلام على بن ابيطالب عليه السلام

امام موسى كاظم عليه السلام موسى بن جعفر عليه السلام

امام مهدي عليه السلام حجت بن الحسن عليه السلام

امام هادي عليه السلام على بن محمد عليه السلام

ام خالد، ٤٩٣

ام سلمه، ١٣٧، ٢١٣، ٤٩١

امين، سيد محسن، ٢٤، ٢٦

انبارى، ١٢٩

انصارى، ابودجانه، ٥٩٢

انصارى، جابر بن عبدالله، ٣٦، ٧٠، ١٦٦، ١٧٧، ٢٥٠

أنوش بن شيث، ٥٧

ايوب، ٤٦، ٧٨

أم ايمن، ٤٩٢

بحرالعلوم، سيد مهدي، ١٢٨، ٦٤٦، ٦٨٨

بخارى، محمد بن اسماعيل، ١٦١

برقى، محمد بن خالد، ٧٩، ٢١٧

بروجردی، سید محمد حسن، ۶۴۰، ۶۴۱

برید بن معاویه، ۲۰۱

بکیر بن أعین، ۵۹۰

بنی تمیم، ۱۴۰

بنی نضیر، ۵۰۲

بوش، جورج، ۸

بهبهانی، وحید، ۱۲۸

بهلول، محمدتقی، ۶۹۷

جابر بن سمره، ۱۶۰، ۱۶۱

جعفر بن علی صائقه، ۲۱

جعفر بن محمد علیه السلام، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۹، ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۱۰، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۶، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۵، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۰۶، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۳۸

جعفر کذاب، ۸۰

جعفی، ابو عبدالله، ۳۰۵

جعفی، اسماعیل بن ابراهیم، ۱۶۱

جعفی، جابر بن یزید، ۴۹۱، ۵۶۴، ۶۱۷، ۶۹۸

جلالی، عباس، ۱۵۴، ۳۴۴، ۴۳۰، ۷۶۹، ۷۷۴

جمیل بن درّاج، ۵۸۰

جوادی آملی، عبدالله، ۱۵۳، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۶۴، ۷۸۰

جوسق، ۸۰

الجوهری، عبید بن شریه، ۵۸

حاجز و شّا، ۸۱

حازم، ٢٤٤ ٨٥

جابه والبيه، ٤٩٣

حسن بن علي عليه السلام، ١٩، ٢٠، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٢٤، ٢٥، ٢٦، ٢٧، ٢٨، ٢٩، ٣٢، ٣٦، ٤٧، ٤٢، ٤٦، ٤٨، ٤٩، ٥٢، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٧، ٨٨، ٩٧، ١٠٢، ١١٥، ١٣٩، ١٤٥، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٨، ١٦٠، ١٦٦، ١٦٩، ١٨٥، ٢٠٢، ٢١٣، ٢١٦، ٢٢٣، ٢٢٨، ٢٣٠، ٢٣٨، ٢٤٠، ٢٥٨، ٢٦٠، ٢٩٩، ٣٠٥، ٣٠٩، ٣١٣، ٣١١، ٣١٤، ٣٣٤، ٣٤٣، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٤٧، ٣٨٧، ٣٢٥، ٤٤١، ٤٥٦، ٤٥٥، ٤٥٦، ٤٥٩، ٤٥١، ٤٥٩، ٥١٧، ٥١٦، ٥١٧، ٥٥٩، ٥٥٩، ٥٦١، ٥٦٥، ٥٦٧، ٥٩١، ٥٩٢، ٥٩٦، ٦٠٦، ٦١١، ٦١٥، ٦٢٨، ٦٦٠، ٦٧٢، ٦٧١، ٦٧٣، ٧٧١، ٧٧٣، ٧٧٧، ٧٧٨، ٧٦٩، ٧٧٠، ٧٧١، ٧٧٣، ٧٧٧، ٧٧٨

حسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام، ١٩، ٢٠، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٢٤، ٢٥، ٢٦، ٢٧، ٢٨، ٢٩، ٣٠، ٣٦، ٤٨، ٤٩، ٥٢، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨٠، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٧، ٨٨، ١٠٢، ١٠٣، ١٢٣، ١٢٦، ٢٢٣، ٢٣٠، ٢٨٥، ٣٠٩، ٣١٤، ٣٣٤، ٣٨٦، ٤٠٦، ٤٠٦، ٤٦٠، ٤٦١، ٤٦٣، ٤٦٤، ٤٦٥، ٤٦٦، ٤٦٧، ٤٦٨، ٤٦٩، ٤٧٠، ٤٧١، ٤٧٢، ٤٧٣، ٤٧٤، ٤٧٥، ٤٧٦، ٤٧٧، ٤٧٨، ٤٧٩، ٤٨٠، ٤٨١، ٤٨٢، ٤٨٣، ٤٨٧، ٤٨٨، ١٠٢، ١٠٣، ١٢٣، ١٢٦، ٢٢٣، ٢٣٠، ٢٨٥، ٣٠٩، ٣١٤، ٣٣٤، ٣٨٦

حسين بن ابي علاء، ١٦٧

حسين بن خالد، ٧٢٦

حسين بن علي عليه السلام، ٩٧، ١٣٨، ١٤٠، ١٤٩، ١٥٠، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١٣، ٢٢٢، ٤٤١، ٤٩٨، ٥٨٧، ٥٩٠، ٥٩١، ٥٩٤، ٥٩٥، ٥٩٦، ٥٩٧، ٥٩٨، ٥٩٩، ٦٠٠، ٦٠١، ٦٠٢، ٦٠٣، ٦٠٤، ٦٠٥، ٦٠٦، ٦٠٧، ٦٠٨، ٦٠٩، ٦١٠، ٦١١، ٦١٢، ٦١٣، ٦١٤، ٦١٥، ٦١٦، ٦١٧، ٦١٨، ٦١٩، ٦٢٠، ٦٢١، ٦٢٢، ٦٢٣، ٦٢٤، ٦٢٥، ٦٢٦، ٦٢٧، ٦٢٨، ٦٢٩، ٦٣٠، ٦٣١، ٦٣٢، ٦٣٣، ٦٣٤، ٦٣٥، ٦٣٦، ٦٣٧، ٦٣٨، ٦٣٩، ٦٤٠، ٦٤١، ٦٤٢، ٦٤٣، ٦٤٤، ٦٤٥، ٦٤٦، ٦٤٧، ٦٤٨، ٦٤٩، ٦٥٠، ٦٥١، ٦٥٢، ٦٥٣، ٦٥٤، ٦٥٥، ٦٥٦، ٦٥٧، ٦٥٨، ٦٥٩، ٦٦٠، ٦٦١، ٦٦٢، ٦٦٣، ٦٦٤، ٦٦٥، ٦٦٦، ٦٦٧، ٦٦٨، ٦٦٩، ٦٧٠، ٦٧١، ٦٧٢، ٦٧٣، ٦٧٤، ٦٧٥، ٦٧٦، ٦٧٧، ٦٧٨، ٦٧٩، ٦٨٠، ٦٨١، ٦٨٢، ٦٨٣، ٦٨٧، ٦٨٨، ١٠٢، ١٠٣، ١٢٣، ١٢٦، ٢٢٣، ٢٣٠، ٢٨٥، ٣٠٩، ٣١٤، ٣٣٤، ٣٨٦

الحسيني الاسترآبادي، سيد شرف الدين علي، ٢٦٣

حسيني بحراني، سيد هاشم، ١٣١، ١٧٨، ٢٦٢، ٥٠٩

حكيمه، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٧٦، ٧٧

حلي، حسن بن يوسف (علامه)، ١٠٩، ١٣٢، ٦٩١

حلي، شيخ جلال الدين عبدالله بن حرام، ١٣٠

حلي، شيخ شمس الدين بن نجيج، ١٣٠

حمران، ٤٥١، ٥٩٣، ٥٩٥

حموي، ياقوت، ١٢٤

حواء، ٥٦

ختعمي، عبدالكريم، ٦١٦

خزاز، حسن بن علی ، ۱۱۸

خزّاز قمی، علی بن محمد ، ۱۶۳

خزاعی، دعبل، ۳۱۶، ۷۲۰، ۷۲۱

خمینی، سید روح الله، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۶۱، ۳۶۹، ۵۳۱، ۷۴۲

داوود، ۴۶، ۵۸، ۷۴، ۱۶۱، ۲۱۰، ۵۹۳، ۷۶۲

دخیل، علی محمد علی ، ۵۸

دوانی، علی ، ۳۴۷

دومغ، ۵۸

ص: ٤١٧

دويد بن زيد بن نهدي، ٥٨

رازي، شيخ محمد، ٣٤٤

راغب اصفهاني، حسين بن محمد، ٢٤٠، ٢٥٨، ٤٥٧، ٧٦٦

رشيد، هجري، ٤٩٣

ريان، ٥٨، ٧٢١

زبيده، ٤٩٢

زراره بن اعين، ١٥٠

سدير، ٩٥، ٩٦، ٢٠٠

سعيده، ١٤٠

سفياي، ٣٣، ٤٢٤، ٤٢٦، ٤٣٠، ٦٨٤

سلمان فارسي، ١٦٣، ٢٣١، ٥٩٢، ٥٩٣

سلمه، ٨٠، ١٥٦، ٢١٢، ٢١٣

سليمان بن داوود (پيامبر)، ٥٨، ١٦٠

سليم بن قيس، ١٧٣، ٢٣٦

سلمان، ٢٧، ٨٠

سمرى، ابوالحسن على بن محمد، ٢٦، ٣٢، ٨٨، ٣٩٥

سميه، ٨٢، ٤٩٢، ٧٦٦

سوسن، ٢٠

سيد شمس الدين، ١٢٧، ١٢٨، ١٣٢

سيوطى، جلال الدين، ٢١١، ٥٦٣، ٥٦٤، ٥٦٨، ٧٦٨

شداد، ٥٨

شفيعى سروسنانى، ابراهيم، ٣، ١٥٣، ١٥٤، ٣٩٨، ٧٨١

شمعون، ٢٠، ٤٥

شوشترى، قاضى نورالله، ١٢٨، ١٣٥

شهيد اول، محمد بن مكى العاملى، ١٢٨، ١٣٥

شیخ بن آدم، ۴۵، ۵۶، ۵۷

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۲۲، ۳۲، ۵۴، ۷۶، ۷۷، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۴، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۸۵، ۲۰۴، ۲۰۷،
۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۳۰، ۳۴۲، ۴۲۷، ۵۶۰، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۹،
۶۵۹، ۶۶۰، ۷۶۸

شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۵۵، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۹۰، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۶،
۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۱۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۳۱۳، ۳۴۳، ۳۴۴، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۵۶۱، ۵۶۸، ۵۷۹، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۳، ۷۲۸، ۷۶۹

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۹، ۵۵، ۶۸، ۶۹، ۸۳، ۸۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۱، ۲۶۲، ۲۹۷، ۳۴۳، ۴۲۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲،
۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۹، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۳، ۷۷۰

صافی گلپایگانی، لطف الله، ۹۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۳، ۳۵۰، ۳۵۲، ۶۴۰، ۶۵۲، ۶۵۴، ۷۷۰

صالح، ۲۴، ۴۶، ۵۳، ۹۶، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۴۹، ۳۵۶، ۳۶۳، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۵، ۵۱۲، ۵۱۴، ۶۰۱، ۷۲۰، ۷۲۶، ۷۷۵

صدر، سید صدرالدین، ۶۱۸، ۶۱۹

صدر، سید محمدباقر، ۵۵، ۵۹، ۶۳

صدر، شهید سید محمد، ۱۴۰، ۲۵۸

صقیل، ۲۰

صیانه، ۴۹۲

صیقل، ۲۰، ۴۸۵

ضراب اصفهانی، ۱۱۷

طباطبایی، محمد حسین، ۱۵۵، ۱۷۵، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۱۹، ۵۷۶، ۷۷۱

طبرسی، فضل بن حسن، ۸۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۲۸، ۳۴۵، ۶۵۹، ۷۷۱

طوسی، خواجه نصیرالدین، ۴۷، ۱۰۸، ۱۰۹

الطبالسى، ابوداود، ١٦٠، ٧٦٦

طيبى كوفى، فضل بن يحيى بن على ، ١٣٠، ١٢٨، ١٣٥

عاد، ٥٨، ٨٣، ١٠٠، ١٠٢، ١٤٥، ١٩١، ١٩٢، ٢٤٧، ٣٥٣، ٣٦٩، ٣٨٨، ٣٩٠، ٤٠١، ٤٠٣، ٤٣٩، ٤٥٧، ٤٧٤، ٥٤١، ٥٥٢، ٥٥٥،
٥٥٦، ٥٥٧، ٥٧٨، ٦٢١، ٧٤١

عاصم بن زياد، ٣٨٥

عاملي، سيد جعفر مرتضى، ١٢٨، ٣٤٧، ٥٧٩، ٥٩٤، ٥٩٥، ٥٩٦، ٦٥٩

عبدالعظيم بن عبدالله حسني، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٨٨

عبدالله بن سنان، ٤١٤

عثمان بن حنيف، ٢٩٧

عثمان بن سعيد، ٢٦، ٢٧، ٢٩، ٨٠

العدواني، ذوالاصبع، ٥٨

عزير، ٥٨، ٩٦، ٥٧١

عزيزي، مجتبي، ٣٤٤، ٦٢٨، ٧٦٩

عسقلاني، ابن حجر، ٦٢٠

العصفرى، ابوسعيد، ١٦٤

عقيد، ٦٣، ٨٠، ٨٧، ٣٤٩، ٣٥٠، ٣٦٥، ٣٩٨، ٤١٠، ٥٦٠، ٥٧٣، ٧٤٧

عكرمه، ٢٢٩

علم الهدى، سيد مرتضى، ٦٦٠

علوى، محمد بن احمد، ٧٥

على بن ابيطالب عليه السلام، ٢٢، ٢٣، ٢٦، ٣٩، ٤٩، ٧٠، ٧١، ٧٨، ٨١، ٨٩، ٩٧، ١٠١، ١١٣، ١١٨، ١٣٠، ١٣٥، ١٥٩، ١٦٤، ١٧١،
١٧٣، ١٨١، ١٨٦، ١٨٨، ١٩٠، ١٩١، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٨، ٢٠٣، ٢٠٦، ٢١٢، ٢١٣، ٢١٦، ٢١٧، ٢١٨، ٢١٩، ٢٢١، ٢٢٤، ٢٢٦، ٢٢٩،
٢٣١، ٢٣٤، ٢٣٥، ٢٣٦، ٢٤٦، ٢٤٨، ٢٤٨، ٢٤٨، ٢٤٥، ٢٤٧، ٢٨٥، ٢٩٣، ٢٩٧، ٣٢٨، ٣٨٥، ٣٨٦، ٣٨٧، ٣٨٨، ٤١٥، ٤٢٤، ٤٤١، ٤٤٦

٥٩١، ٥٩٠، ٥٧٢، ٥٤٦، ٥٤١، ٥٤٠، ٥٣٨، ٥٣٦، ٥٣١، ٥٢٦، ٥٢٥، ٥٢١، ٥٠٨، ٤٩٩، ٤٩٥، ٤٩٥، ٤٩٣، ٤٩٣، ٤٨٥، ٤٨٤، ٤٤٧
٧٧٩، ٧٧٦، ٧٧٤، ٧٧٢، ٧٤١، ٧٤٠، ٧٣٦، ٧١١، ٧٠٥، ٦٩٧، ٦٣٩، ٦٣٨، ٦٣٢، ٦٢٢، ٥٩٥

علی بن بلال، ٧٨

علي بن الحسين عليه السلام، ٥٢، ٢١٣، ٢١٤، ٢٢١، ٢٨٩، ٢٩٢، ٢٩٨، ٣١٢، ٤٩٣

علي بن فاضل، ١٢٨، ١٢٩، ١٣١، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٤، ١٣٥

علي بن محمد عليه السلام، ٢١، ٢٧، ٥٥، ٦٥، ٦٦، ٧٤، ٧٦، ٧٩، ١٠٢، ١٠٣، ١٢١، ١٨٥، ٢١٦، ٢٢٧، ٢٣٨، ٢٥٧، ٢٦٠، ٥٨٦، ٦٦١،

٦٨٥، ٦٨٦، ٧١٠، ٧٦١، ٧٦٥، ٧٦٩، ٧٧١، ٧٨٠، ٧٨١

علي بن موسى عليه السلام، ٦، ١٥، ٣٩، ٤٨، ٨٩، ١١٧، ١٣٩، ١٤٧، ١٧١، ٢٠٧، ٢١٤، ٢١٦، ٢٤٧، ٣١٢، ٣١٦، ٤٣٥، ٥٢٣، ٥٤٧،

٥٦٩، ٥٨١، ٥٨٣، ٦٩٤، ٧١٨، ٧١٩، ٧٢٠، ٧٢٣، ٧٢٥، ٧٢٧، ٧٢٩

علي بن موسى بن طاووس، ٤٤، ٢٠٦، ٢١٢، ٣٠٤، ٤١٨، ٤٤٢، ٥١١، ٥٣٢، ٦٣٩، ٧٠٥، ٧٠٨

علي بن يقطين، ٤٣٤

عمار ياسر، ٤٩٣

عمر بن خطاب، ٢٣٧

عمرو اهوازي، ٧٧

عمري عثمان بن سعيد

عيسى، ٤٥، ٤٦، ٥٣، ٦٤، ٩٦، ٢٨٢، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٥١، ٣٥٢، ٥٧١، ٧٦٣

فاضل لنكراني، محمد، ٦٩٠، ٦٥٥

فاطمه زهرا عليها السلام، ٢٠، ٤٤٨، ٧٣٠، ٧٦٨

فزارى، جعفر بن محمد بن مالك، ٧٨

فضيل بن يسار، ٣٢٦، ٤٣٣

فيض كاشاني، محمد محسن، ١٨٧، ١٩١، ٧٧٣

قاضي عياض، ٥٦٣

قتاده، ٢٢٨، ٥٦٨

قزوینی، سید محمد کاظم، ۱۴۱، ۶۲۰

قلانسی، حمدان بن احمد، ۷۵

قمی، احمد بن اسحاق بن سعد، ۳۶، ۷۳

قمی، احمد بن علی بن ابراهیم، ۱۵۸

قنواء، ۴۹۳

ص: ۴۲۱

قیصر روم، ۲۰

قینان بن انوش، ۵۷

کشی، ۷۵، ۲۵۸، ۲۶۸، ۴۶۰، ۵۶۲، ۵۷۹

کلینی، محمد بن یعقوب، ۶۹، ۷۷، ۱۶۳، ۱۶۷، ۲۶۲، ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۴۱، ۵۶۲، ۵۷۹، ۷۱۵، ۷۷۴

کمیل بن زیاد، ۷۰۵

کنانی، ابی الصباح، ۱۶۷

کورانی، علی، ۲۶۲

لقمان، ۵۸، ۲۲۰، ۵۴۱

لَمَك بن متوشالح، ۵۷

مازندرانی، زین الدین علی بن فاضل، ۱۲۷، ۱۳۰

مالک اشتر، ۵۹۲

ماوردی، علی بن محمد، ۵۶۳

متوشالح بن اُخنوخ، ۵۷

متوکل، ابو عیسی، ۸۲

مُجاهد، ۹۸، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۳۸، ۵۶۸، ۵۹۸، ۶۲۱، ۶۶۲، ۷۴۹

مجلسی، محمد باقر، ۴۱، ۵۵، ۱۲۸، ۲۲۳، ۲۶۲، ۳۱۰، ۳۴۷، ۴۹۰، ۵۶۲، ۵۶۵، ۶۱۸، ۷۱۱

محقق کرکی، ۱۲۸

محمد بن اسماعیل، ۱۹۶

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، ۵۸، ۱۵۸

محمد بن عبدالله صلى الله عليه و آله، ٢١، ٢٤، ٣٥، ٣٧، ٣٨، ٣٩، ٤٣، ٥١، ٥٢، ٥٦، ٥٨، ٧٠، ٧١، ٧٤، ٧٧، ٧٨، ١٠٥، ١١٥، ١٤٥،
١٤٦، ١٥٧، ١٦٠، ١٦١، ١٦٣، ١٦٤، ١٧٢، ١٧٧، ١٧٨، ١٨٦، ١٨٩، ١٩١، ١٩٢، ١٩٦، ١٩٧، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢١٠، ٢١٢، ٢١٥، ٢١٧،
٢١٨، ٢٢٤، ٢٢٦، ٢٣٤، ٢٣٦، ٢٣٩، ٢٤٥، ٢٤٦، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٣، ٢٩٨، ٣٢٨، ٣٢٩، ٣٣٦، ٣٣٧، ٣٤١، ٣٤٢، ٣٤٥،
٣٤٥، ٣٤٦، ٣٥٢، ٣٥٤، ٣٧٢، ٣٩٨، ٤١٥، ٤١٧، ٤١٨، ٤٢٦، ٤٢٧، ٤٣٥، ٤٣٩، ٤٤٦، ٤٤٧، ٤٤٨

۵۹۸، ۵۹۴، ۵۹۳، ۵۹۰، ۵۹۰، ۵۸۶، ۵۸۲، ۵۶۳، ۵۳۶، ۵۰۴، ۵۰۳، ۵۰۱، ۵۰۱، ۴۹۷، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۸۰، ۴۶۵، ۴۶۰، ۴۵۸، ۴۴۹،
۷۱۷، ۷۱۵، ۷۱۱، ۷۰۹، ۷۰۲، ۷۰۱، ۷۰۱، ۶۹۶، ۶۵۴، ۶۴۸، ۶۳۹، ۶۳۸، ۶۲۵، ۶۲۲، ۶۱۳، ۶۱۱، ۶۱۰، ۶۰۸، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۰،
۷۴۹، ۷۴۸، ۷۳۹، ۷۳۷، ۷۳۶، ۷۲۶، ۷۲۴، ۷۱۹

محمد بن عثمان، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۹۰، ۹۱، ۳۹۵

محمد بن علی علیه السلام، ۳۷، ۳۹، ۵۱، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۹۸، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۸،
۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۱۷، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۶۶، ۲۷۵، ۲۷۵، ۲۸۸، ۲۹۵، ۲۹۵، ۳۰۱،
۳۳۰، ۳۸۹، ۴۱۱، ۴۲۵، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۸، ۴۳۳، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۱، ۴۴۹، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۸۴،
۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۳، ۵۰۹، ۵۰۹، ۵۲۲، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۴۵، ۵۴۹،
۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۴، ۵۷۳، ۵۹۰، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۰۶، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۳، ۶۳۶، ۶۳۶، ۶۴۰، ۶۴۰، ۶۴۸، ۶۴۸، ۷۱۷،
۷۴۰، ۷۱۸

محمد بن علی بن بلال، ۷۲

محمد بن علی بن عزافر، ۶۶۰

محمد بن علی ماجیلویه، ۱۵۸

محمد بن قاسم بن حمزه، ۷۶

محمد بن مسلم، ۱۹۷، ۲۷۵، ۳۶۷، ۴۳۵

محمد بن معاویه بن حکیم، ۷۸

مرعشی نجفی، سید محمدجواد، ۳۴۹

مسروق، ۱۶۱

مسعودی، علی بن حسین، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۷۷۶

مسلم بن حجاج، ۱۶۲

مسیح بن مریم علیه السلام، ۹، ۱۰، ۲۰، ۴۳۱، ۶۴۲، ۶۶۸، ۷۷۹

مطهری، مرتضی، ۲۰۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۵، ۴۷۴، ۷۷۶

معاويه بن اوسفيان، ٧٨، ٢٠١، ٢٠٩، ٢٣٦، ٤١٨

ص: ۴۲۳

معتمد، ۲۵، ۷۶، ۴۰۰

مُعلی بن خُنَیس، ۱۷۱

مغیره، حارث، ۱۴۶

مفضل بن عمر، ۱۱۵، ۱۸۷، ۱۹۰، ۴۸۸، ۵۳۴، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۲۴

مکارم شیرازی، ناصر، ۵۷۷، ۶۲۰، ۶۵۰، ۷۷۶

مکتب، ابومحمد حسن بن احمد، ۳۲

ملیکه، ۲۰

موسی بن جعفر علیه السلام، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۶۴، ۷۶، ۷۷، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۸۸،
۱۹۰، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۴۰، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۸۸، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۳۲، ۳۵۹، ۴۱۸، ۴۳۳، ۴۴۶، ۵۰۰، ۵۲۱، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۹۲، ۶۲۶، ۶۳۹، ۶۷۷،
۷۰۲، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۶۱

موسی بن عمران علیه السلام (پیامبر)، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۶۴، ۷۶، ۷۷، ۹۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۰،
۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۱۹، ۲۴۹، ۲۵۱، ۳۰۷، ۳۳۴، ۳۶۱، ۴۱۹، ۴۳۴، ۴۴۷، ۵۰۲، ۵۲۳، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۹۷، ۶۳۰، ۶۴۳، ۶۸۱،
۷۰۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۶۵

مولانا، ۲۸۲

مهلبی، محمد بن غیاث، ۲۱۷

مِهَزَم، ۴۳۷

مهلائیل بن قینان، ۵۷

میرصابری، سید داود، ۲۶۳

میسر بن عبدالعزیز، ۵۹۳

میمون البان، ۶۲۳

ميمون بن مهران، ١٦٦

مؤمن الطاق، ٤٤١

ناصرى، محمد، ٤٨٦، ٤٨٨، ٤٩١، ٤٩٦، ٧٦١

نجاشى، ٧٤، ٣٨٦، ٥٦٢، ٥٧٩

نجفى، شيخ محمد حسن، ٣٠٦

نجم بن اعين، ۵۹۳

نرجس، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳

نعمانی، محمد بن ابراهيم، ۴۵، ۴۸، ۵۰، ۶۹، ۷۱، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۶،
۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۴۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸،
۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۶۲، ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۲۳، ۶۳۷، ۶۶۰، ۷۱۶، ۷۷۸

نفس زکيه، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۰

نوبختی، ابوالقاسم حسين بن روح، ۲۶، ۳۱، ۳۹۵

نوبختی، علی بن احمد، ۳۱

نوح عليه السلام (پیامبر)، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۶۳، ۹۶، ۲۲۶، ۲۴۹، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۲۶

نوری، حاج ميرزا حسين، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۹، ۳۴۸

وليد بن ريان، ۵۸، ۱۰۳، ۳۰۷، ۴۰۴، ۷۲۱، ۷۶۴، ۷۷۶

هبة الله بن محمد، ۲۹

هروی، اباصلت، ۴۰، ۷۲۲

يرد بن مهلائيل، ۵۷

يعقوب عليه السلام (پیامبر)، ۳۹، ۱۷۵، ۲۸۴

يمانی، ۱۴۶، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۲، ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۷۰، ۷۱۸، ۷۳۱، ۷۷۳

يوسف عليه السلام، ۳۶، ۴۶، ۵۸، ۹۱، ۹۶، ۱۲۵، ۲۰۹، ۲۴۹، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۸۴، ۴۲۰

يوشع، ۴۵، ۵۹۲

يوشعا، ۲۰

يونس عليه السلام (پیامبر)، ۴۶، ۹۸، ۲۶۰، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۸۳

مکان ها

اهواز، ٤١، ٧٧، ٣٨٦

ایلاق، ١٥٨

باب الکوفه، ٣٠

باب محول، ٣٣

بغداد، ٢٠، ٢١، ٢٨، ٣٠، ٣١، ٣٢، ٣٣، ١٥٨

بلخ، ١٥٨

بنی تمیم، ١٤٠

بیداء، ٤٢٤، ٤٣٠

جمکران، ٩٢، ١٥٤، ١٦٢، ٣٠٤، ٣٤٤، ٣٤٧، ٣٥٤، ٤٣٠، ٤٢٨، ٤٥٠، ٤٧٨، ٤٨١، ٧٥٩، ٧٦٣

٧٦٥، ٧٦٩، ٧٧٣، ٧٧٩

خیابان خلنجی، ٣٣

سامراء، ١٩، ٢١، ٢٢، ٢٧، ٤٦، ٨٠، ٣٠٤، ٧٥٩

سرخس، ١٥٨

سُرَّ مَنْ رَاى، ٢٧، ٨٠

سمرقند، ١٥٨

سهله، ١١٧، ٣٠٤، ٧٥٩

فرغانه، ١٥٨

مرو، ١٥٨

مسجدالحرام، ١٩٥، ٤٢٤

نجف، ١٠٤، ١١٨، ٢١٢، ٣٠٤، ٣٦٩، ٤٨٢، ٥٦٦، ٧٥٩، ٧٦١، ٧٦٩، ٧٧٢، ٧٧٧

نیشابور، ١٥٨

همدان، ١٥٨

کتاب ها

آب حیات، ۶۸۹، ۶۹۲، ۶۹۶

آب حیات: مجموعه سخنرانی های حضرت آیت الله ناصری در مورد امام زمان علیه السلام، ۶۸۶، ۶۸۹، ۶۹۲، ۶۹۶

ابوسعید العصفری، ۱۶۴

إثبات الوصیه، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۷۷۶

إثبات الهداه، ۶۶، ۱۲۸، ۳۴۶، ۴۹۸، ۶۰۷، ۷۶۴

استراتژی انتظار، ۶۵۲، ۷۶۸

اصول کافی، ۱۸۲، ۱۸۳، ۳۴۱، ۷۷۴

إعلام الوری، ۲۴، ۷۱، ۸۵، ۸۷، ۳۴۵، ۷۷۱

إقبال الأعمال، ۷۰۲، ۷۰۴، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۲، ۷۶۱

الإحتجاج، ۴۳۶، ۴۴۷، ۵۷۱، ۶۶۱، ۷۷۱

الأخبار الدخیله، ۷۶۸

الإختصاص، ۶۱۰، ۷۷۰

الإرشاد، ۱۹، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۷، ۲۱۶، ۲۶۲، ۳۴۳، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۹، ۷۱۱، ۷۳۶، ۷۷۰

الإشاعه لأشراط الساعه، ۴۱۸

الإعتقادات، ۱۵۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۸۲، ۷۶۸

الأمالی، ۷۶۸

الإمام المهدي عند أهل السنّة، ٧٣١

الإمام المهدي عليه السلام في القرآن و السنّه، ٢٦٣

الإمام المهدي عليه السلام من المهد إلى الظهور، ١٤١

الآيات الباهره في بقيه العتره الطاهره، ٢٦٢، ٧٧٨

الإيقاظ من الهجعه، ٥٥٩، ٥٦٢، ٥٦٥، ٥٧٦، ٥٧٩، ٥٨٣، ٥٨٨، ٥٩١، ٥٩٥، ٥٩٦، ٧٦٤

إلزام الناصب، ١٤٠، ١٤١، ٣٥٠، ٤٣٠، ٧٦٨، ٧٨٤

البرهان، ٤١٨، ٥٦٨، ٥٧٣، ٧٦٣

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن، ٤١٨

التوحيد، ٧٦٨

امامت و مهدويت، ٣٥٠، ٧٧٠

امام مهدي عليه السلام از ولادت تا ظهور، ٣٥٠، ٦٢٠، ٦٢٧

امام مهدي (عج): طول عمر، ٥٥

امكان طول عمر تا بي نهايت، ٧٧٦

اوائل المقالات في المذاهب و المختارات، ٥٥٩، ٥٨٩، ٥٩٨

او خواهد آمد، ١٤٦، ٢٢٢، ٧٨١

أحاديث الإمام المهدي، ٤٨٤

با دعای ندبه در پگاه جمعه، ١٨٠

بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، ٥٧٧، ٥٩٣، ٥٧٦

214 209 207 184 183 181 180 172 169 155 150 149 138 137 136 132 130 128 125 124 123
270 269 267 266 265 262 253 252 250 248 247 243 240 231 229 225 223 222 219 216 215
383 381 377 371 370 322 319 311 302 298 297 296 295 292 290 289 286 285 284 281 271
455 451 448 450 447 446 441 440 438 436 424 422 417 412 411 404 397 389 388 387 386
492 488 485 484 482 481

۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۵۷، ۶۹۴، ۷۰۲، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۰، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۷۵، ۷۷۷

بحث حول المهدی، ۵۵

البحر المحيط، ۲۵۸

بدايه المعارف الإلهيه فی شرح عقائد الإسلاميه، ۴۲۲

برگ شقایق، ۶۳۴

البرهان، ۱۴۹، ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۳۰، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۳۰۱، ۳۲۱، ۳۲۸، ۴۱۸، ۵۶۸، ۵۷۳، ۷۶۳

بصائر الدرجات، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۲۴، ۷۷۵، ۷۷۱

بلاغات النساء، ۷۳۰

بهائیان، ۶۲۸

پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ۸۲

پروتستانتیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، ۶۴۲

پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (عج)، ۳۴

پژوهشی علمی پیرامون طول عمر، کهولت و پیش گیری از پیری، ۵۵

پیش گویی ها و آخرالزمان، ۳۹۸، ۴۳۰

پیشوای دوازدهم، حضرت امام حجت بن الحسن المهدی، ۲۱

پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه و السلام)، ۶۳۴

تاج العروس من جواهر القاموس، ٥٥٩

تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك)، ٣٩٨، ٧٧٢

تاريخ العرب و الروم، ٢١

تاریخ الغیبه الصغری، ۶۶، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۱۰۳، ۶۲۸، ۷۷۱

تاریخ تشیع در ایران، ۳۰۷، ۷۶۴

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ۳۴

تاریخ عصر غیبت؛ نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج)، ۳۴

تاریخ ما بعد از ظهور، ۱۴۰

تاریخ ناگفته و پنهان امریکا، ۶۴۲

تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، ۲۶۳، ۷۶۵

تبصره الولی، ۱۳۱

تجرید الاعتقاد، ۱۰۹، ۱۱۰، ۷۶۸

تحف العقول عن آل الرسول، ۷۶۱

تحفه قدسی در علایم ظهور مهدی موعود، ۳۴۴

تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، ۴۲۷، ۶۴۹

تفسیر البرهان، ۲۱۲

التفسیر والمفسرون، ۲۵۸

تفسیر الدر المنثور، ۲۱۱

تفسیر الطبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۴

تفسیر العیاشی، ۱۴۹، ۲۷۵، ۵۹۷، ۷۷۳

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ۵۶۸، ۵۷۰

تفسیر القمی، ۵۲۱، ۵۴۴، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۸، ۷۷۴

تفسير الكبير، ٥٧٣

تفسير الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ٥٦٨

تفسير الميزان، ٤٥٨، ٤٦١، ٤٦٢، ٤٦٦، ٤٧١، ٤٧٦، ٤٧٨، ٥١٩، ٧٧١

تفسير عياشي، ٢٧٥

تفسير فرات الكوفي، ٢٦٢

تفسير كنز الفوائد، ٢٦٢

ص: ۴۳۰

تفسیر نمونه، ۵۷۷، ۵۹۷، ۷۷۶

تفسیر نور الثقلین، ۵۷۴

تلخیص التمهید، ۲۶۰

تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، ۲۸۲

التوحيد، ۱۵۸، ۲۰۷، ۳۳۲، ۷۶۸

تورات، ۴۷۸

توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها در محضر حضرت آیت الله جوادی آملی، ۶۹۶

تهذيب اللغة، ۲۵۹

ثواب الأعمال، ۱۵۸

الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، ۵۷۴

جامعه، ۱۹۳

جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟!، ۱۲۸، ۷۷۲

جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ۱۲۸، ۱۳۶

جزیره خضراء تحریفی در تاریخ شیعه، ۱۳۶

جزیره خضراء در ترازوی نقد، ۱۱۶

جزیره الخضراء، ۱۲۸

جلوه های لاهوتی: شرح زیارت جامعه کبیره، ۱۵۳، ۲۰۸

جنه المأوی، ۱۲۹، ۳۴۸

جوابات المسائل الرازیه، ۵۵۹، ۵۶۱

جوانان، یاوران مهدی، ۵۰۴

جواهر الکلام، ۳۰۵، ۳۰۶، ۷۷۸

جهانی شدن و دین: فرصت ها و چالش ها (مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان)، ۸

چشم اندازی به حکومت امام مهدی، ۴۹۲، ۴۹۳

چشم به راه مهدی علیه السلام، ۶۴۹، ۶۹۷

چهره درخشان امام زمان، ۳۴۹

ص: ۴۳۱

حکومت جهانی موعود (عج)، ۶۲۰

حیات پس از مرگ، ۵۷۷

الخصائص، ۵۶۳

الخصال، ۷۳۶

خورشید در نهران، ۳۴۴، ۷۶۹

خورشید مغرب (غیبت، انتظار)، ۴۱۳، ۷۶۵

خورشید مغرب: غیبت، انتظار، تکلیف، ۳۵۵

داد گستر جهان، ۳۴۹، ۶۴۹، ۷۶۳

دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۳۹۸

دایره المعارف فقه مقارن، ۵۷۸

درآمدی بر استراتژی انتظار، ۳۵۶، ۷۶۸

دراسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۴

الدر المثور، ۵۷۱

در انتظار ققنوس، ۸۲

در جست و جوی قائم، ۳۵۴، ۷۶۳

در فجر ساحل، ۳۰۷

دلایل الإمامه، ۵۹۸

الدلائل، ۵۶۳

الذریعه، ۴۱۹، ۵۶۸، ۶۰۳، ۶۶۴، ۷۷۶

راز پنهانی و رمز پیدایی، ۷۶۳

راز و نیاز منتظران، ۶۳۴

رجال، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۱۲۸، ۱۸۱، ۲۰۰، ۳۵۲، ۴۸۶، ۵۶۴، ۶۰۸، ۶۶۳، ۶۸۸، ۶۸۹، ۷۷۷

رجعت، ۴۹۲، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹

۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶

۷۷۵، ۷۷۱، ۷۶۷، ۷۶۵، ۷۵۷، ۶۲۲، ۵۹۹، ۵۹۸، ۵۹۷

رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، ۵۶۷، ۵۸۴

رجعت یا بازگشت به جهان: بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل، ۵۵۹

الرجعه، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۵، ۶۱۸، ۶۲۲، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۷۲

الرجعه أو العود إلى الحياه الدنيا بعد الموت، ۵۶۳

رسائل الشریف المرتضی، ۵۵۹، ۵۶۱

الرساله الثالثه فی الغیبه، ۱۰۷

الرساله فی الغیبه، ۱۰۸

رساله العقاید الجعفریه، ۵۶۱

الرعايه لحال البدايه فی علم الدرايه، ۵۷۸

روح المعانی، ۵۷۳

روزگار رهایی، ۱۵۴، ۳۵۱، ۴۳۰، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۳۶

روش های تأویل قرآن، ۲۶۲

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۵۷۳، ۵۶۸

رهبری بر فراز قرون، ۷۷۱

ریاض العلماء، ۱۲۹

زنان در حکومت امام زمان، ۴۹۲

زنده روزگاران: جستاری در دیر زیستی امام عصر، ۷۷۳

سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ۳۴

سعد السعود، ۲۱۱

سفرنامه، ۳۰۷

سلسله مصنفات الشيخ المفيد، ۵۵، ۱۰۷، ۱۵۹، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۲، ۵۸۹، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۸

سنن ابن ماجه، ۳۹۷، ۷۶۲

سودای روی دوست: راه کارهای عملی دیداربا حضرت ولی عصر(عج)، ۶۹۷

سیره معصومان، ۲۶، ۳۴، ۴۲۳، ۷۶۳

سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ۲۶۲، ۵۰۹، ۵۱۰

شئون و اختیارات ولی فقیه، ۳۷۱

شبهات و ردود، ۱۶۵

شرح اصول کافی، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۳

شرح صحیح بخاری، ۱۹۹

شرح غرر الحکم و درر الکلم، ۵۳۷، ۷۶۵

شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، ۴۲۳، ۴۳۰

الشموس الطالعه فی شرح الزیاره الجامعه، ۱۵۳

شمیم رحمت: سیره حکومتی امام زمان (عج)، ۶۰۸، ۶۴۹

شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، ۱۴۶

الشیعه و الرجعه، ۵۶۹، ۶۲۲

الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)، ۲۶۰، ۵۶۳، ۷۶۸

صحیح البخاری، ۸۲، ۸۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۹، ۳۴۹، ۳۹۷، ۷۶۳

صحیح مسلم، ۳۹۷، ۶۱۱، ۷۷۶

صحیفه سجادیه، ۳۱۲

صحیفه نور، ۵۳۱، ۶۰۴، ۶۳۹، ۷۳۳، ۷۷۱

صحیفه المهدی، ۶۳۴

صفات الشیعه، ۵۸۱

صهیونیسم مسیحی: نقشه راه به سوی آرماگدون، ۶۴۲

طول عمر امام زمان (عج) از دیدگاه علوم و ادیان، ۵۹

عصر الظهور، ۱۵۴

عصر زندگی (چگونگی آینده انسان و اسلام)، ۵۵۱

عصر ظهور، ۴۳۰

عقاب الأعمال، ۱۵۸

عقاید الإمامیه، ۵۵۹

العقائد الإسلامیه، ۲۰۹

علامات الساعه، ۳۹۸، ۴۱۸

علامات المهدي، ۴۱۸

علامات مهدي آخر الزمان، ۴۱۸

علامات يوم القيامة، ۳۹۸، ۴۱۸

علايم الظهور، ۴۱۸

علل الشرايع، ۱۰۴، ۱۹۷

علم الحديث: پژوهشی در مصطلح الحديث يا علم الدرايه، ۱۴۵، ۳۵۳، ۶۴۸

علم الحديث و درايه الحديث، ۱۴۵، ۳۵۵، ۶۴۹

علی و زیارت جامعه کبیره، ۱۵۳

عيون الحكم و المواعظ، ۲۰۷

عيون أخبار الرضا، ۵۶۸، ۵۶۹، ۷۰۹، ۷۱۹، ۷۶۹

الفتن، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۱۸، ۴۳۰، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۶۲۶، ۷۶۱، ۷۶۲

فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام (ترجمه موسوعه الكلمات الإمام الحسين عليه السلام، ۱۵۰، ۲۱۰)

فرهنگ عميد، ۲۴۲

فرهنگ فارسی، ۳۹۷، ۶۴۹، ۷۷۶

فرهنگ فرق اسلامي، ۱۱۸، ۱۲۴

فرهنگ لاروس، ۴۱۲، ۴۵۷

الفصول العشره فى الغيبه، ٥٥، ٣٤٣، ٦٦٣

الفصول المهمه فى معرفه أحوال الأئمه، ٧٠٨

فقه سياسى اسلام، ٣٢٦

الفوائد الشمسيه، ١٢٨

الفهرست، ٧٣، ٧٩، ٧٦٩

القاموس المحيط، ٥٥٩

قرب الإسناد، ٧٢٥

قيام و انقلاب مهدي عليه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، ٤٥٧، ٤٧٤

الكافي، ٣٧، ٥١، ٤٦، ٤٩، ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٩١، ٩٨، ١٠٤، ١٢٢، ١٢٣، ١٢٥، ١٤٦، ١٤٨، ١٥٣، ١٥٦، ١٦٣، ١٦٤،
١٦٦، ١٦٧، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٣، ١٨٠، ١٨١، ١٨٤، ١٨٥، ١٨٧، ١٨٨، ١٨٩، ١٩١، ١٩٣، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٩، ٢٠١، ٢٠٩،
٢١٤، ٢٢٢، ٢٢٥، ٢٣٩، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٣، ٢٤٦، ٢٥٢، ٢٥٤، ٢٦٢، ٢٨٨، ٢٩٥، ٣٠٥، ٣٢٦، ٣٣٠، ٣٣٢، ٣٣٣، ٣٤١، ٣٤٢، ٣٨٨،
٤٠٤، ٤١١، ٤١٣، ٤٢٢، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٣٧، ٤٤٢، ٤٤٩، ٤٥٥، ٥٢١، ٥٢٢، ٥٢٦، ٥٥٠، ٥٨٥، ٥٨٦، ٥٣٢، ٥٩٣، ٧٠٨، ٧١١، ٧١٥،
٧١٩، ٧٢٤، ٧٢٦، ٧٣٦، ٧٤٠، ٧٧٤، ٧٧٥

كتاب البيع، ٣٦٨، ٣٦٩، ٧٧٧

كتاب التوحيد، ٢٠٧

كتاب الخصال، ٧٦٩

كتاب الغيبة، ٢٠، ٢٦، ٢٧، ٢٩، ٣٠، ٤١، ٤٥، ٤٨، ٥٠، ٥٣، ٥٤، ٥٥، ٥٨، ٥٩، ٧٠، ٧١، ٧٧، ٧٩، ٨٣، ٨٥، ٨٦، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٣،
٩٤، ٩٧، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٠١، ١٠٥، ١٠٨، ١١٦، ١١٨، ١٢٠، ١٢١، ١٢٢، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥، ١٤٦، ٢١٧، ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٤، ٢٢٧،
٢٣٤، ٢٣٧، ٢٣٩، ٢٤٢، ٢٥٠، ٢٦٢، ٢٦٧، ٢٧٧، ٢٨٧، ٢٩٦، ٣٠١، ٣٠٤، ٣٠٩، ٣١٤، ٣١٦، ٣١٩، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٤، ٣٤٥، ٣٤٦،
٤٢٧، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٣٠، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٣٧، ٤٤٠، ٤٩٩، ٥٠٣، ٥٠٩، ٥١٠، ٥٢٣، ٥٤٠، ٥٤٦، ٥٥٠، ٥٥٢، ٥٦٠، ٥٦٤، ٥٦٦،
٥٦٨، ٥٧٠، ٥٦٩، ٥٦٦، ٥٦٥، ٥٦٦، ٥٦٧، ٥٦٨

كتاب الوافي، ٧١٥

كتاب مقدس، ٨، ٢٥٧، ٤٦٨، ٤٦٩، ٤٦٨، ٧٧٤

كتاب نامه حضرت مهدي، ٣٥٤، ٧٧٧

كشف الغمّه في معرفه الأئمّه، ٣٤٥

كشف المراد، ٧٦٨

كفايه الأثر في النص على الأئمّه الإثني عشر، ١٦٣

كمال الدين و تمام النعمه، ٢٠، ٢٢، ٢٣، ٣٦، ٣٩، ٤١، ٤٦، ٥٢، ٥٤، ٥٥، ٥٧، ٥٨، ٧٠، ٧١

٢٤٢، ٢٣٨، ٢٣٤، ٢٢٦، ٢٢٢، ٢١٩، ٢١٨، ١٨٤، ١٥٨، ١٥١، ١٤٧، ١٤٦، ١١٠، ١٠٦، ٩٨، ٩٦، ٩٥، ٩٣، ٨٩، ٨١، ٧٨، ٧٧، ٧٦، ٧٤، ٢٤٣، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥٠، ٢٦٤، ٢٦٩، ٢٧٧، ٢٨٨، ٢٩٠، ٢٩٢، ٣٠٩، ٣١٤، ٣٢١، ٣٢٢، ٣٤٢، ٣٦٨، ٣٨٩، ٤١٣، ٤١٤، ٤٢٤، ٤٢٥، ٤٢٦، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٣٥، ٤٣٧، ٤٨٣، ٤٩٩، ٥٠٩، ٥١٠، ٥٢١، ٥٤٩، ٥٥٠، ٥٨٣، ٥٢٣، ٦٤٣، ٦٤٣، ٦٠٧، ٧٠٨، ٧٢٠، ٧٢١، ٧٢٤، ٧٢٧، ٧٦٩

كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، ١٤٩، ٢٠٢، ٣٠٦

لسان العرب، ٤١٦، ٤٥٨، ٥٥٨

لغت نامه، ٣٩٧، ٤١٢، ٦٤٩، ٧٢٤، ٧٦٦

مثلث مقدس: راز عداوت غرب با اسلام و مسلمانان، ٦٤٢، ٧٣٤

مجالس المؤمنین، ١٣٥، ٧٦٨

مجمع البيان، ٤٥٨، ٥٠١، ٥٠٢، ٥٦٨، ٥٧١، ٥٧٣، ٥٧٤، ٥٧٥، ٥٧٧، ٧٧٢

مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ٤٩١، ٦٢٦

مجموعه آثار «استاد شهيد مرتضى مطهرى»، ٢٠٥

مجموعه سخنان، توقيعات و ادعیه حضرت بقیه الله، ٢٩٩

المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه، ٢٦٢، ٧٦٥

المحز، ٣٩٨، ٤١٨

المختار من كلمات الإمام المهدي، ٢٩٩

مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ٧٥، ٣٠٦

مراصد الإطلاع على أسماء الأمكنه و البقاع، ١٢٤

مروج الذهب، ٧٧٦

المسائل السرويه، ٥٦١، ٥٧٥، ٥٧٦، ٥٨٩

المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ۴۸۴، ۵۳۶، ۶۱۰

مستدرک سفینه البحار، ۲۲۴

مسند احمد حنبل، ۳۹۷، ۷۶۱

مسند الإمام الرضا، ۷۱۸، ۷۲۳

مسیح یهودی و فرجام جهان: مسیحیت سیاسی و اصول گرا در امریکا، ۶۴۲

مشکاه الأنوار، ۷۷۲

مصباح الزائر، ۱۸۰، ۳۰۲، ۴۴۳، ۷۶۲

مصباح المتهدج، ۴۴۳

المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ۴۵۸

مصحف فاطمه، ۱۹۳، ۱۹۴

معانی الأخبار، ۷۶

معجم أحادیث الامام المهدي، ۴۲، ۵۰، ۲۶۲، ۲۶۹، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۵۳، ۴۸۴، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۳۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۶۱۳، ۶۵۴،

۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۷۹

معجم رجال الحديث، ۷۷۷

معجم مفردات الفاظ القرآن، ۴۵۷

معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عزّنی نفسک)، ۱۵۳

المعمرون و الوصایا، ۵۹، ۷۶۷

مفاتیح الجنان، ۳۵، ۱۸۰، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۹۹، ۳۲۲، ۴۴۲، ۴۴۳، ۵۰۸، ۵۳۸، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۳۹، ۷۱۰، ۷۱۱،

۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۰، ۷۴۲، ۷۷۴

مفتاح، ۴۷

مفردات ألفاظ القرآن فی غریب القرآن، ۲۴۰

مقام ولایت در شرح زیارت جامعه کبیره، ۱۵۳

مقایس اللغه، ۲۵۹

مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ۴۶۵

المقنع في الفقه، ١٥٨

مكيال المكارم، ٣٥، ٤٩، ١٥١، ١٥٢، ٢٩٤، ٢٩٥، ٤٣٤، ٤٣٨، ٧٧٦

الملاحم و الفتن، ٣٩٨، ٣٩٩، ٤١٨، ٤٣١، ٤٩٦، ٥٣٤، ٧٦٢

ملکوتی خاک نشین: سیری در زندگی حاج شیخ محمدتقی بهلول، ٧٠١

مناقب آل ابيطالب، ٧٦١

منتخب الأثر، ۱۳۶، ۳۱۶، ۳۵۲، ۴۰۴، ۴۲۴، ۵۲۸، ۵۳۲، ۶۰۰، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۵۴، ۷۷۰

منتهی الآمال، ۷۷۴

من عاش بعد الموت، ۵۶۳

من لایحضره الفقیه، ۵۸۶، ۷۱۰، ۷۶۹

المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنّه و الإمامیه، ۵۴۰، ۷۳۱

مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ۱۶۲

مهدی موعود یارانی این گونه دارد، ۵۰۴

میراث اسطوره ها: اصول گرای مسیحی در نیمکره غربی، ۶۴۲

میزان الحکمه، ۷۷۵

المیزان فی تفسیر القرآن، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۷۶، ۴۷۸، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۷۰۵، ۷۷۱

نجم الثاقب، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۹، ۳۱۶، ۷۷۹

نشانه های ظهور او، ۱۵۴

نشانی از امام غایب علیه السلام، بازنگری و تحلیل توقیعات، ۲۶

نظریه اختیاری بودن ظهور: بررسی نقش شیعیان در تعجیل و تحقق ظهور، ۱۱۱

نوائب الدهور فی علایم الظهور، ۱۵۴

نوید امن و امان: پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی عصر (عج)، ۹۳

النهایه، ۳۹۹، ۴۱۸، ۷۶۲

نهج البلاغه، ۴۸۵، ۴۹۵، ۵۰۸، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲، ۷۴۱، ۷۷۹

وسائل الشیعه، ۷۶۴، ۷۷۸

ولادت امام عصر (عج)، دیدگاه ها، اثبات و پاسخ به شبهات، ۸۲

ولایت کلّیه، ۱۵۳

الهدایه، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۶۹

ینابیع الموده، ۵۳۷، ۷۳۸

ص: ٤٣٩

يوم الخلاص، ٤٣٠

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

